

مقدمه

حل و فصل اختلافات از طریق میانجیگری و داوری در حوزه دعاوی تجاری و اقتصادی در ابعاد بین المللی و داخلی امر شناخته شده و رایج می‌باشد به لحاظ مزایایی که داوری و میانجیگری از حیث نحوه رسیدگی و کاهش هزینه‌ها و وقت طرفین دارد مورد اقبال می‌باشد مع الوصف این شیوه حل و فصل اختلافات تحت نظام و قواعد خاص خود می‌باشد. قواعد و مقررات ویژه داوری و میانجیگری هر از گاهی به لحاظ تحولات و پیشرفت‌های جوامع و کشور و شرایط اقتصادی، ممکن است دچار تغییرات گردد و به روز می‌شود. در این مجموعه سعی شده است جهت سهولت در استفاده از قواعد داوری، آخرین ویرایش و کار بردی ترین مقررات در دسترس فعالین اقتصادی و تجاری و سایر فعالین حوزه داوری قرار گیرد. این مجموعه با حمایت مادی و معنوی اتاق بازرگانی هرمزگان صورت پذیرفته است.

با احترام

مرتضی کنار زاده

رئیس مرکز داوری اتاق بازرگانی هرمزگان

دفتر اول – مقررات داوری ایران

قانون داوری داخلی

ماده ۴۵۴ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.

ماده ۴۵۵ - متعاملین می‌توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می‌توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند.

تبصره - در کلیه موارد رجوع به داور، طرفین می‌توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند.

ماده ۴۵۶ - در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی‌تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیأتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۵۷ - ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

ماده ۴۵۸ - در هر مورد که داور تعیین می‌شود باید موضوع و مدت داوری و نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به طوری که رافع اشتباه باشد تعیین گردد. در صورتی که تعیین داور بعد از بروز اختلاف باشد، موضوع اختلاف که به داوری ارجاع شده باید به طور روشن مشخص و مراتب به داوران ابلاغ شود.

تبصره - قراردادهای داوری که قبل از اجرای این قانون تنظیم شده‌اند با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی تابع مقررات زمان تنظیم می‌باشند.

ماده ۴۵۹ - در مواردی که طرفین معامله یا قرارداد متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا داوران خود را معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف نخواهند و یا نتوانند در معرفی داور اختصاصی خود اقدام و یا در تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده باشد، یک طرف می تواند داور خود را معین کرده به وسیله اظهارنامه رسمی به طرف مقابل معرفی و درخواست تعیین داور نماید و یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضی کند. در این صورت طرف مقابل مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داور خود را معرفی و یا در تعیین داور ثالث تراضی نماید. هرگاه تا انقضای مدت یادشده اقدام نشود، ذی نفع می تواند حسب مورد برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند.

ماده ۴۶۰ - در مواردی که مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند و نیز در صورتی که داور یکی از طرفین فوت شود، یا استعفا دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند و یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد، هریک از طرفین می توانند با معرفی داور مورد نظر خود وسیله اظهارنامه از طرف مقابل درخواست نماید که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند و یا حسب مورد در تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت، اقدامی به عمل نیاید، برابر قسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد.

ماده ۴۶۱ - هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می نماید.
ماده ۴۶۲ - در صورتی که طرفین نسبت به دادگاه معینی برای انتخاب داور تراضی نکرده باشند، دادگاه صلاحیتدار برای تعیین داور، دادگاهی خواهد بود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد.

ماده ۴۶۳ - هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.

ماده ۴۶۴ - در صورتی که در قرارداد داوری، تعداد داور معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هریک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به عنوان داور سوم به اتفاق تعیین نمایند.

ماده ۴۶۵ - در هر مورد که داور یا داوران، وسیله یک طرف یا طرفین انتخاب می شود، انتخاب کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید. ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد.

ماده ۴۶۶ - اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی توان به عنوان داور انتخاب نمود:
۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.

۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده اند.

ماده ۴۶۷ - در مواردی که دادگاه به جای طرفین یا یکی از آنان داور تعیین می کند، باید حداقل از بین دو برابر تعدادی که برای داوری لازم است و واجد شرایط هستند داور یا داوران لازم را به طریق قرعه معین نماید.

ماده ۴۶۸ - دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور یا داوران و مدت داوری را کتباً به داوران ابلاغ می نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران می باشد.

ماده ۴۶۹ - دادگاه نمی تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:

۱- کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد.

۲- کسانی که در دعوا ذی نفع باشند.

۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.

۴- کسانی که قییم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد.

۵- کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.

۶- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند.

۷- کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند.

۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

ماده ۴۷۰ - کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری نمایند هرچند با تراضی طرفین باشد.

ماده ۴۷۱ - در مواردی که داور با قرعه تعیین می‌شود، هریک از طرفین می‌توانند پس از اعلام در جلسه، در صورت حضور و در صورت غیبت از تاریخ ابلاغ تا ده روز، داور تعیین شده را رد کنند، مگر این‌که موجبات رد بعداً "حادث شود که در این صورت ابتدای مدت روزی است که علت رد حادث گردد. دادگاه پس از وصول اعتراض، رسیدگی می‌نماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داور دیگری تعیین می‌کند.

ماده ۴۷۲ - بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی دهد.

ماده ۴۷۳ - چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود.

ماده ۴۷۴ - نسبت به امری که از طرف دادگاه به داوری ارجاع می‌شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع نماید و یا در جلسه داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند دو داور دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد. چنانچه بین آنان در صدور رأی اختلاف حاصل شود، دادگاه به جای داوری که استعفا داده یا از دادن رأی امتناع نموده یا دوبار متوالی در جلسه داوری حضور پیدا نکرده ظرف مدت ده روز داور دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد نمود، مگر این‌که قبل از انتخاب به اقتضاء مورد، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند. در این صورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع می‌شود.

در صورتی که داوران در مدت قرارداد داوری یا مدتی که قانون معین کرده است نتوانند رأی بدهند و طرفین به داوری اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند، دادگاه به اصل دعوا وفق مقررات قانونی رسیدگی و رأی صادر می‌نماید.

تبصره - در موارد فوق رأی اکثریت داوران ملاک اعتبار است، مگر این‌که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴۷۵ - شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوا شده باشد، می‌تواند با طرفین دعوای اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردد، به دعوای او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد.

ماده ۴۷۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می‌توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند.

ماده ۴۷۷ - داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند.

ماده ۴۷۸ - هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می‌گردد.

ماده ۴۷۹ - ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول ماده قبل نمی‌باشد.

ماده ۴۸۰ - حکم نهایی یادشده در ماده (۴۷۸) توسط دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که داور را انتخاب کرده است به داوران ابلاغ می شود و آنچه از مدت داوری در زمان توقف رسیدگی داوران باقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم یادشده حساب می شود. هرگاه داور بدون دخالت دادگاه انتخاب شده باشد، حکم نهایی وسیله طرفین یا یک طرف به او ابلاغ خواهد شد.

داوران نمی توانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب صادر شده رأی بدهند.

ماده ۴۸۱ - در موارد زیر داوری از بین می رود:

۱ - با تراضی کتبی طرفین دعوا.

۲ - با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا.

ماده ۴۸۲ - رأی داور باید موجه ومدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.

ماده ۴۸۳ - در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه ای که به امضای داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراست.

ماده ۴۸۴ - داوران باید از جلسه ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می شود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رأی یا امضای آن امتناع نماید، رأیی که با اکثریت صادر می شود مناط اعتبار است مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. مراتب نیز باید در برگ رأی قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه و نحوه رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه، توسط داوران تعیین خواهد شد. در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه بوده، دعوت به حضور در جلسه به موجب اخطاریه دفتر دادگاه به عمل می آید.

تبصره - در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نماید اگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن سه ماه و ابتدای آن از روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است.

ماده ۴۸۵ - چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش بینی نکرده باشند، داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید.

دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال می دارد.

ماده ۴۸۶ - هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق بطور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلا اثر خواهد بود.

ماده ۴۸۷ - تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضای مدت داوری راساً با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادر کننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یادشده متوقف می ماند.

ماده ۴۸۸ - هرگاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی نفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی می باشد.

ماده ۴۸۹ - رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

۱ - رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۲ - داور نسبت به مطالبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.

۳ - داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می گردد.

۴ - رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

۵ - رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

۶ - رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده اند.

۷ - قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

ماده ۴۹۰ - در مورد ماده فوق هر یک از طرفین می تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هرگاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می ماند.

تبصره - مهلت یادشده در این ماده و ماده (۴۸۸) نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می باشند دو ماه خواهد بود. شروع مهلت های تعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده اند پس از رفع عذر احتساب خواهد شد.

ماده ۴۹۱ - چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می ماند.

تبصره - در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد.

ماده ۴۹۲ - در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است.

ماده ۴۹۳ - اعتراض به رأی داور مانع اجرای آن نیست، مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرای آن را تاپایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می نماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد.

ماده ۴۹۴ - چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال می دارد.

ماده ۴۹۵ - رأی داور فقط درباره طرفین دعوا و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین داور داشته اند و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تأثیری نخواهد داشت.

ماده ۴۹۶ - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

۱ - دعاوی ورشکستگی.

۲ - دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب.

ماده ۴۹۷ - پرداخت حق الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آن که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴۹۸ - میزان حق الزحمه داوری براساس آیین نامه ای است که هر سه سال یکبار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۴۹۹ - در صورت تعدد داور، حق الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم می شود.

ماده ۵۰۰ - چنانچه بین داور و اصحاب دعوا قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد.

ماده ۵۰۱ - هرگاه در اثر تدلیس، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد، داوران برابر موازین قانونی مسؤول جبران خسارت وارده خواهند بود.

قانون داوری تجاری بین المللی

فصل اول: مقررات عمومی

ماده ۱- تعاریف و قواعد تفسیر

تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته است به قرار ذیل می‌باشد:

- الف- داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی.
- ب- داوری بین المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.
- ج - « موافقتنامه داوری » توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید. به داوری ارجاع می‌شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.
- د- داور اعم از داور واحد و یا هیات داوران است.
- هـ - منظور از دادگاه در این قانون یکی از دادگاه‌های تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.
- و- در هر موردی که در این قانون به توافق موجود بین طرفین یا توافقی که بعد حاصل شود اشاره شده باشد، مراتب مشمول مقررات داوری مصرحه در آن توافق نیز خواهد بود.

ماده ۲ - قلمرو اجرا

- ۱- داوری اختلافات در روابط تجاری بین المللی اعم از خرید و فروش کالا و خدمات حمل و نقل، بیمه، امور مالی خدمات مشاوره‌ای سرمایه گذاری، همکاریهای فنی، نمایندگی، حق العمل کاری، پیمانکاری و فعالیتهای مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت.
- ۲- کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند داوری اختلافات تجاری بین المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله که باشد با تراضی، طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند.

ماده ۳- ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها

- در صورتی که بین طرفین راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوط به داوری توافقی صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد :
- الف - در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.
- ب - داور می‌تواند راساً نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفین ارسال دارد.
- ج - متقاضی داوری می‌تواند درخواست ارجاع امر به داوری را از طریق نامه سفارشی دو قبضه، پیام تصویری تلکس و تلگرام و اظهارنامه و نظایر آن برای طرف دیگر ارسال دارد. در خواست مزبور وقتی ابلاغ شده محسوب می‌شود که:

۱- وصول آن به مخاطب محرز باشد.

۲- مخاطب بر طبق مفاد درخواست اقدامی کرده باشد.

۳- مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ مقتضی داده باشد.

ماده ۴ - شروع جریان داوری

- الف - داوری از زمانی شروع می‌شود که درخواست داوری براساس مفاد ماده (۳) این قانون به خواننده داوری ابلاغ شده باشد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ب- جز در مواردی که ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد، درخواست داوری باید حاوی نکات ذیل باشد:

۱- درخواست ارجاع اختلاف به داوری

۲- نام و نشانی طرفین

۳- بیان ادعا و خواسته آن

۴- شرط داوری و یا موافقتنامه داوری

درخواست داوری ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان به شرح مذکور در فصل سوم این قانون و همچنین راجع به موافقتنامه‌ها، قراردادها و یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است، باشد.

ماده ۵- انصراف از حق ایراد

در صورتی که هریک از طرفین با علم به عدم رعایت مقررات غیرآمره این قانون و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، داوری را ادامه دهد و ایراد خود را فوراً و یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند. چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد صرف نظر کرده است.

ماده ۶- مرجع نظارتی

۱- انجام وظایف مندرج در ماده (۹)، بندهای (۳) و (۴) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳) بند (۱) ماده (۱۴). بند (۳) ماده (۱۶). ماده (۳۳) و ماده (۳۵) به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داوری در آن قرار دارد، و تازمانی که مقر داوری مشخص نشده به عهده دادگاه عمومی تهران است.

تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیرقابل اعتراض است.

۲- در داوری‌های سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳) و بند (۱) ماده (۱۴) به عهده سازمان داوری مربوط است.

فصل دوم : موافقتنامه داوری

ماده ۷- شکل موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد. یا مبادله نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آنها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید، بایکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آنرا ادعا کند و طرف دیگر عملاً آنرا قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقتنامه مستقل داوری خواهد بود.

ماده ۸ - موافقتنامه داوری و دعوای مطروحه نزد دادگاه

دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین را به داوری احاله نماید. مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی الاثر یا غیر قابل اجرا می‌باشد طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.

ماده ۹- موافقتنامه داوری و قرار تامین با دستور موقت

هریک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می‌تواند از رییس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تامین و یا دستور موقت را درخواست نماید.

فصل سوم : ترکیب هیات داوری

ماده ۱۰- تعداد داوران

تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف است، در صورت عدم تعیین، هیات داوری مرکب از سه عضو خواهد بود.

ماده ۱۱- تعیین داوران

۱- طرف‌های اختلاف می‌توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. طرف ایرانی نمی‌تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به نحوی از انحا ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا به داوری یک یا چند نفر مرجع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

۲- در صورت نبودن چنین توافقی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد :

الف - برای تعیین هیات داوری، هرطرف داور خود را انتخاب می‌کند و داوران منتخب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یکی از طرفین ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ شروع داوری، داور خود را تعیین و قبولی وی را تحصیل نکند یا اگر داوران منتخب نتوانند ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتخاب در مورد سرداور توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند. بنا به تقاضای یکی از طرفین حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده (۶) صورت خواهد گرفت.

ب - در داوری یک نفره اگر طرفین نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند. داور بنا به تقاضای یکی از طرفین توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

۳- هرگاه براساس روش تعیین داور که مورد توافق طرفین قرار گرفته است، یکی از طرفین اقدام ننماید یا طرفین و یا داوران منتخب به توافق نرسند و یا اینکه شخص ثالث، اعم از حقیقی یا حقوقی به وظیفه‌ای که در این خصوص به وی محول شده است، عمل ننماید. هرکدام از طرفین می‌تواند برای اتخاذ تصمیم به مرجع موضوع ماده (۶) مراجعه نماید مگر اینکه طریق دیگری مورد توافق طرفین قرار گرفته باشد.

۴- مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در موافقتنامه برای تعیین داور مقرر داشته اند رعایت نموده و استقلال و بی طرفی داور را ملحوظ نماید. در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید و داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور طرف دیگر منصوب نخواهد شد.

۵ - هرگاه در موافقتنامه داوری طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند به عنوان داور رسیدگی کنند موافقتنامه داوری ملغی الاثر خواهد بود مگر آنکه طرفین به داوری شخص یا اشخاص دیگری تراضی کنند یا به نحوی دیگر توافق کرده باشند.

۶- در مواردی که داوری بیش از دو طرف داشته باشد و طرف‌ها به نحو دیگری توافق نموده باشند هیات داوری به ترتیب زیر تعیین خواهد شد:

الف - خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد، خواهانها مشترکاً یک داور تعیین خواهند کرد. داور خوانده با خواندگان نیز به همین روش تعیین می‌شود.

چنانچه خواهانها یا خواندگان در مورد داور خود به توافق نرسند داور هریک از طرفین (خواهانها یا خواندگان) بوسیله مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

ب- تعیین سرداور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند سرداور توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین می‌شود.

ج- هرگاه در مورد خواهان با خوانده بودن یک یا چند طرف داوری اختلاف باشد هیات داوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده (۶) خواهد بود.

د - سایر موارد در داوریهایی چند جانبه از جمله چرخ و قصور تابع مقرراتی است که برای داوریهایی دو جانبه مقرر شده است.

ماده ۱۲- موارد جرح داور

۱- «داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است نباشد. هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین داور از آنها مطلع شده، می‌تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است. جرح کند.

۲ - شخصی که به عنوان داور مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی طرفی و استقلال او می‌شود افشا نماید. «داور» باید از موقع انتصاب به عنوان «داور» و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد. مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

ماده ۱۳- تشریفات جرح

۱- طرفین می‌توانند در مورد تشریفات جرح داور توافق نمایند.

۲- در صورت نبودن چنین توافقی، طرفی که قصد جرح داور را دارد باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ اطلاع از تشکیل داوری یا اطلاع از هر گونه اوضاع و احوال مذکور در بند (۱) ماده (۱۳) دلایل جرح را طی لایحه‌ای به داور اعلام کند. داور در مورد جرح اتخاذ تصمیم می‌کند، مگر اینکه داور مورد جرح از سمت خود کناره‌گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.

۳- جرحی که با رعایت نشریقات بندهای (۱) و (۲) این ماده به عمل آمده است اگر مورد قبول قرار نگیرد، طرفی که «داور» را جرح کرده می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از دریافت اخطاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از مرجع موضوع ماده (۶) درخواست نماید که نسبت به جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است داور می‌تواند جریان داوری را ادامه داده و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۴- قصور و یا عدم امکان انجام وظیفه

۱- اگر یک داور به موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تاخیر موجه نشود، مسئولیت وی خاتمه می‌یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین اختلاف باشد هریک از آنها می‌تواند از مرجع مذکور در ماده (۶) درخواست کند که در مورد ختم ماموریت «داور» مزبور اتخاذ تصمیم نماید.

۲- صرف کناره‌گیری و یا موافقت طرف دیگر یا ختم ماموریت داور، به معنای قبول اعتبار و صحت دلایل جرح، قصور، یا عدم قدرت بر انجام وظیفه نخواهد بود.

ماده ۱۵- تعیین داور جانشین

هرگاه ماموریت یک داور به موجب مواد (۱۳) یا (۱۴) یا به علت کناره‌گیری به لحاظ توافق طرفین در خصوص لغو ماموریت او و یا به جهات و دلایل دیگری خاتمه پذیرد «داور» جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین داوری که تغییر یافته است، تعیین می‌شود.

فصل چهارم : صلاحیت «داور»

ماده ۱۶- اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

۱- داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند، شرط داوری که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه‌ای مستقل تلقی می‌شود. تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی اثر بودن قراردادی نفس به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود.

۲- ایراد به صلاحیت «داور» نباید موخر از تسلیم لایحه دفاعیه باشد، صرف تعیین داورها و یا مشارکت در تعیین وی توسط هریک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود ایراد به خروج داور از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری باید به محض بروز آن عنوان شود داور می‌تواند در هر کدام از موارد مذکور، ایراد خارج از موعد را نیز بپذیرد. مشروط بر آنکه تاخیر را موجه تشخیص دهد.

۳- در صورت ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری (جز در صورتی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند) داور باید به عنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند. اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج داور از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رأی ماهوی به عمل آید. چنانچه داور به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد. هریک از طرفین می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است داور می‌تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۷- اختیار «داور» برای صدور دستور موقت

داور می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید. مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند داور می‌تواند مقرر نماید که متقاضی تأمین مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تأمین بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد داور از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

فصل پنجم: نحوه رسیدگی داور

ماده ۱۸- رفتار مساوی با طرفین

رفتار با طرفین باید به نحو مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود.

ماده ۱۹- تعیین قواعد رسیدگی

۱- طرفین می‌توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قانون در مورد آیین رسیدگی داور توافق نمایند.

۲- در صورت نبودن چنین توافقی داور با رعایت مقررات این قانون، داور را به نحو مقتضی اداره و تصدی می‌نماید. تشخیص ارتباط موضوعیت و ارزش هرگونه دلیل بر عهده داور است.

ماده ۲۰- محل داور

۱- داور در محل مورد توافق طرفین انجام می‌شود. در صورت عدم توافق، محل داور با توجه به اوضاع و احوال دعوا، و سهولت دسترسی طرفین، توسط «داور» تعیین می‌شود.

۲- داور می‌تواند برای شور بین اعضاء استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سایر اموال و یا اسناد و مدارک، در هر محلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۲۱- زبان

طرفین می‌توانند در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی داور توافق نمایند. در غیر این صورت داور به زبان یا زبانهای مورد استفاده در داور را تعیین می‌کند، توافق طرفین یا تصمیم داور در این مورد شامل هرگونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات جلسات رسیدگی، مراسلات داور و صدور رأی خواهد بود.

ماده ۲۲- درخواست و دفاعیه

۱- خواهان باید ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده اند یا توسط داور تعیین شده است، تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خود را مستحق می‌داند، همچنین نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را ارایه کند، و خوانده نیز باید دفاعیه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق با تعیین شده توسط داور تسلیم کند.

طرفین می‌توانند کلیه مدارکی را که مرتبط تشخیص می‌دهند و یا فهرست مدارک یا سایر ادله‌ای که در نظر دارند بعداً تسلیم کنند همراه با درخواست یا دفاعیه خود تقدیم دارند.

۲- چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هریک از آنها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی داور اصلاح یا تکمیل کند، مگر آنکه داور چنین اصلاح یا تکمیلی را به علت تأخیر یا تبعیض نسبت به طرف دیگر مجاز تشخیص ندهد.

ماده ۲۳- جلسه استماع و رسیدگی

۱- تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارایه ادله و توضیحات بر عهده داور است لکن در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه نماید، برگزار نمودن جلسه استماع الزامی است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲- داور باید تشکیل هرگونه جلسه استماع و یا جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا سایر اموال و یا مدارک طرفین را تا مهلت کافی به طرفین ابلاغ کند.

۳- کلیه لوایح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به داور تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی با مدارکی که ممکن است، داور به هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید برای طرفین ابلاغ شود.

ماده ۲۴- قصور هر کدام از طرفین

۱. چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقدیم درخواست قصور کند، داور قرار ابطال درخواست داور را صادر خواهد کرد.

۲- در صورتی که خوانده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند داور رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خوانده تلقی شود.

۳- اگر هر یک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا رایبه ادله مورد استناد خویش خودداری کند داور می تواند رسیدگی را ادامه دهد و براساس مدارک موجود به صدور رأی مبادرت کند.

ماده ۲۵- ارجاع امر به کارشناس

داور می تواند در مواردی که لازم بداند موضوع را به کارشناسی ارجاع و مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازبینی فراهم آورد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند در صورت درخواست یکی از طرفین و یا در صورتی که داور لازم بداند کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سوالات پاسخ بگوید، طرفین نیز می توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس یا کارشناسانی را به عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده ۲۶- ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داور برای خود مستقلاً «حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داور شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آیین داور و «داور» را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود.

فصل ششم: ختم رسیدگی و صدور رأی

ماده ۲۷- قانون حاکم

۱- داور برحسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد، قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲- در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین داور براساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد.

۳- داور در صورتی که طرفین صریحاً اجازه داده باشند، می تواند براساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدانسانه تصمیم بگیرد.

۴- «داور» باید در کلیه موارد براساس شرایط قرارداد اتخاذ تصمیم کند، و عرف بازرگانی موضوع مربوط را مورد نظر قرار دهد.

ماده ۲۸- سازش

چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، «داور» قرار سقوط دعوای داور را صادر می کند و چنانچه یکی از طرفین تقاضا کند و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقتنامه سازش را به صورت رأی داور براساس شرایط مرضی الطرفین با رعایت مفاد ماده (۳۰) صادر می کند.

ماده ۲۹- اخذ تصمیم توسط گروه داوران

در داوریهایی که توسط بیش از یک داور صورت می‌گیرد، هر تصمیم هیأت داوریهی باید با اکثریت اعضای هیأت داوریهی اتخاذ شود، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۳۰- شکل و محتوای رأی

۱- رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد. در موردی که داور بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای دیگر اعضا ذکر شود.

۲- کلیه دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است، باید در متن رأی آورده شود، مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی ذکر نشود، یا رأی براساس شرایط مرضی الطرفین به موجب ماده (۲۸) صادر شده باشد.

۳- رأی باید حاوی تاریخ و محل داوریهی موضوع بند (۱) ماده (۲۰) باشد.

۴- پس از امضای رأی، رونوشت آن باید به هریک از طرفین ابلاغ شود.

ماده ۳۱- ختم رسیدگی

رسیدگی داوریهی با صدور رأی نهایی یا به موجب دستور «داور» در موارد زیر خاتمه می‌یابد :

۱- استرداد دعوا توسط خواهان مگر اینکه خوانده بدان اعتراض نماید و «داور» برای وی منافع قانونی و موجهی در حل و فصل نهایی اختلاف احراز نماید.

۲- عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به دلیل دیگر به تشخیص «داور»،

۳- توافق طرفین در ختم رسیدگی

ماده ۳۲ - اصلاح، تفسیر رأی و رأی تکمیلی

۱- داور می‌تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا رأساً «هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا از آن رفع ابهام کند.

مهلت تقاضای طرفین سی (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد، و باید نسخه‌ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود، «داور» حداکثر ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که رأساً «متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ صدور رأی، نسبت به اصلاح یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.

۲- هر کدام از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اخطاریه برای طرف دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت رأی، از «داور» تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده، ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی صادر کند. «داور» چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت (۶۰) روز نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می‌کند، داور می‌تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را تمدید کند.

۳- مقررات ماده (۳۰) در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی لازم‌الرعایه است.

فصل هفتم: اعتراض به رأی

ماده ۳۳ - درخواست ابطال رأی

۱- رأی داوریهی در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۹) قابل ابطال است:

الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.

ب - موافقتنامه داوریهی به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.

ج - مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه‌های تعیین داور با درخواست داوریهی رعایت نشده باشد،

د - درخواست کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

هـ - داور خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد، چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات داور بوده، قابل ابطال است.

و - ترکیب هیات داوری یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.

ز - رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است.

ح - رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

ط - پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.

۲- در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکتوم متضرر شده است، می‌تواند پیش از آنکه درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد، از داور تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۳- درخواست ابطال رأی موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، باید به دادگاه موضوع ماده (۶) تقدیم شود، و الا مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۴ - بطلان رأی

در موارد زیر رأی داور اساساً باطل و غیرقابل اجراست:

۱- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.

۲- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و با قواعد آمره این قانون باشد.

۳- رأی داوری صادره در خصوص اموال غیرمنقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر داور به حق سازش داشته باشد.

فصل هشتم: اجرای رأی

ماده ۳۵ - اجرا

۱- به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند.

۲- در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد.

فصل نهم: سایر مقررات

ماده ۳۶ - سایر مقررات

۱- داوری اختلاف تجاری بین المللی موضوع این قانون از شمول قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است.

۲- این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داوری ارجاع کرد، تأثیری نخواهد داشت.

۳- در صورتی که در معاهدات و توافقهایی فی مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر دول ترتیبات و شرایط دیگری برای داوریهای موضوع این قانون مقرر شده باشد، همان ترتیبات و شرایط متبع خواهد بود.

قانون فوق مشتمل بر نه فصل و سی و شش ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و ششم شهریورماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه داوری

در اجرای بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی و در راستای ساماندهی و ارتقای نظام داوری به عنوان یکی از راهکارهای «توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین رسیدگی قضایی» مندرج در فصل دوم سند تحول قضایی و به منظور افزایش مشارکت مردم در حل و فصل دعاوی، کاهش مراجعه شهروندان به مراجع قضایی، تسریع در حل و فصل اختلافات و ایجاد، ساماندهی و توسعه نهادهای داوری و نظارت بر آنها، دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و توسعه نهادهای داوری، به شرح مواد آتی است.

فصل نخست - کلیات

ماده ۱- تعاریف و اختصارات به شرح زیر است:

- ۱- «داوری»: حل و فصل اختلافات حقوقی اشخاص به وسیله داور یا داورانی که مستقیم یا غیر مستقیم بر اساس توافق طرفین انتخاب می‌شوند؛
 - ۲- «داوری حرفه‌ای و داوری غیر حرفه‌ای»: در صورتی که داوری با اخذ پروانه و بر اساس مقررات این دستورالعمل باشد، داوری حرفه‌ای و در غیر این صورت داوری غیر حرفه‌ای است؛
 - ۳- «داور»: شخص ثالث حقیقی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از سوی طرفین به منظور حل و فصل اختلاف انتخاب می‌شود؛
 - ۴- «نهاد/ نهادهای داوری»: شخص حقوقی دارای قواعد و آیین داوری، اعم از مؤسسه‌ها، سازمان‌ها و مراکز داوری که مطابق ماده ۶ این دستورالعمل تشکیل شده و موضوع فعالیت اصلی آن انجام امور اداری مرتبط با داوری و نظارت بر آن است؛
 - ۵- «مرکز»: مرکز توسعه حل اختلاف؛
- ماده ۲- اصول کلی حاکم بر مقررات این دستورالعمل به شرح زیر است:
- ۱- دستیابی به حل و فصل عادلانه و متقن اختلافات توسط داور مستقل، بیطرف، با کمترین هزینه و در سریعترین زمان ممکن.
 - ۲- توسعه داوری حرفه‌ای مبتنی بر نظام صلاحیت سنجی عمومی، علمی و حرفه‌ای و ضوابط انتخاب اصلح؛
 - ۳- گسترش داوری‌های الکترونیک و تخصصی؛
 - ۴- اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی برای مراجعه به نهاد داوری و حمایت از آن؛
 - ۵- ساماندهی نظام داوری از طریق تعیین و تفکیک وظایف نهادهای حاکمیتی، صنفی و عملیاتی بخش خصوصی
 - ۶- مداخله حداقلی مراجع قضایی در حوزه داوری بر اساس قوانین و مقررات؛
 - ۷- تحکیم و تقویت نظارت بر نهادهای داوری.

فصل دوم - تشکیلات

ماده ۳- برنامه ریزی، اعطای پروانه و تمدید آن، لغو پروانه، ساماندهی و نظارت در حوزه داوری بر عهده مرکز توسعه حل اختلاف است. این مرکز می‌تواند بخشی از وظایف خود را به کانون‌های داوری واگذار نماید.

ماده ۴- به منظور سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان توسعه داوری در کشور، شورای مشورتی داوری در مرکز با اعضای زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- رییس مرکز (رییس شورا)؛
 - ۲- رؤسای مراکز داوری که به موجب قانون ایجاد شده اند؛
 - ۳- دو نفر از رؤسای کانون‌های داوری سراسر کشور و یکی از داوران ممتاز به انتخاب آنها؛
 - ۴- دو نفر از اساتید حوزه یا دانشگاه به انتخاب رئیس مرکز؛
 - ۵- مدیرکل توسعه امور میانجی‌گری و داوری مرکز به عنوان دبیر شورا؛
- ماده ۵- کانون داوری نهادی غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است که بر طبق اساسنامه مصوب و با تأیید و نظارت مرکز در استانها تشکیل می‌شود و عهده دار وظایف زیر است:
- ۱- ترویج فرهنگ سازش و حل و فصل اختلافات از طریق داوری؛
 - ۲- تلاش در جهت ارتقای دانش علمی و عملی در امور حقوقی و داوری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی حرفه‌ای، همایش‌های تخصصی و انتشار نشریات علمی؛
 - ۳- تلاش در جهت کاهش هزینه‌های داوری و اظهارنظر مشورتی درباره تعیین تعرفه‌ها؛
 - ۴- ارایه نظر مشورتی به داوران و نهادهای داوری در راستای تقویت آرای داوری؛
 - ۵- تلاش در جهت ارتقای سلامت نظام داوری و حفظ جایگاه و شأن داوران و نهادهای داوری و حمایت از حقوق صنفی و حرفه‌ای؛
 - ۶- نظارت بر فعالیتهای صنفی و حرفه‌ای داوران و نهادهای داوری و رسیدگی به تخلفات آنها بر اساس مقررات اساسنامه؛
 - ۷- انجام اقدامات مقتضی به منظور تعمیم و گسترش خدمات بیمه درمانی برای داوران و کارکنان اداری نهادهای داوری و افراد تحت تکفل و ایجاد بستری مناسب جهت برخورداری از مزایای بیمه

مسئولیت مدنی داوران و نهادهای داوری؛

- ۸- دریافت سهم کانون از درآمدهای داوری و مصرف آن در راستای انجام وظایف؛
 - ۹- ارجاع دعاوی به مؤسسات و داوران عضو در صورت تعیین کانون به عنوان مقام ناصب؛
 - ۱۰- سایر امور موضوع ماده ۲ دستورالعمل که از سوی مرکز تفویض می‌گردد.
- تبصره- نهادهای داوری که بر اساس اساسنامه یا آیین داوری مقرراتی در خصوص رسیدگی به تخلفات داوران دارند، به تخلفات آنان در همان نهاد رسیدگی می‌شود.

فصل سوم - شرایط ورود به حرفه داوری

- ماده ۶- نهاد داوری حرفه‌ای به یکی از روش‌های زیر تأسیس می‌شود:
- ۱- به موجب قانون
 - ۲- تشکیل نهاد داوری با شخصیت حقوقی مستقل و اخذ پروانه از مرکز؛
- تبصره ۱- نهادهای داوری که به موجب قوانین خاص تشکیل شده اند الزامی به اخذ پروانه از مرکز ندارند.
- تبصره ۲- دارندگان مدارک حوزوی و یا دانشگاهی در رشته‌های حقوق یا الهیات یا گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، در مقطع کارشناسی ارشد یا سطح سه حوزه، می‌توانند پس از موفقیت در مراحل ارزیابی، به عنوان مدیر نهاد داوری پروانه تأسیس دریافت کنند.

ماده ۷- فعالیت اشخاص به عنوان داور حرفه‌ای منوط به اخذ پروانه از مرکز، تبیین مفاد این دستورالعمل، گذراندن دوره‌های آموزشی و ادای سوگند در حضور رئیس مرکز یا نماینده وی است. مرکز برای هر یک از داوران شناسه مخصوص تعریف و نهاد داوری ناظر را نیز مشخص می‌نماید.

ماده ۸- داوران حرفه‌ای از بین دانش آموختگان دارنده دانشنامه کارشناسی یا سطح ۲ حوزه در رشته‌های مورد نیاز ارزیابی و جذب می‌شوند.

ماده ۹- شرایط جذب، آموزش ابتدا و ضمن خدمت، صدور، تمدید یا لغو پروانه داوری و تاسیس دفاتر داوران بر اساس شیوه نامه‌ای است که مرکز ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل تهیه و اجرا می‌نماید.

فصل چهارم - اعتمادسازی، ایجاد اقبال عمومی و حمایت از داوری حرفه ای

ماده ۱۰ - مرکز رسانه قوه قضاییه با همکاری مرکز و کانون‌های داوری استانی با استفاده از ظرفیت رسانه و فضای مجازی، ضمن معرفی داوری و فواید آن به آحاد مردم و بخش‌های تخصصی، برای ایجاد اعتماد و اقبال عمومی به داوری اقدام می‌کند.

ماده ۱۱ - مرکز با همکاری کانون‌های استانی، گسترش و ترویج انعقاد شرط یا موافقت نامه داوری را در محدوده مقررات مواد ۴۵۴ تا ۴۵۷ و ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ پیگیری می‌نماید.

ماده ۱۲ - کانون‌های داوری از طریق تعامل با بانک‌ها و مؤسسات مالی، حمایت‌های لازم از نهادهای داوری از جمله پیگیری اختصاص تسهیلات برای تأسیس مؤسسات را به عمل می‌آورند.

فصل پنجم - رسیدگی و اجرای رأی داور

ماده ۱۳- نهادهای تخصصی داوری در حوزه‌های مورد نیاز مانند حقوق خانواده و حوزه صنعت و بازرگانی با رعایت مقررات مواد ۶ و ۹ این دستورالعمل ایجاد خواهد شد.

ماده ۱۴ - مرکز با همکاری مرکز آمار و فناوری اطلاعات تدابیر لازم را برای گسترش استفاده از داوری برخط و الکترونیک اتخاذ می‌نماید.

ماده ۱۵ - شورای حل اختلاف میتواند همکاری لازم را درباره استعلام‌های مورد نیاز داوران و نهادهای داوری صورت دهد.

ماده ۱۶ - رؤسای دادگستری استانها در تمام شهرستانها در اجرای آیین نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی، مصوب ۹۸/۲/۲۸ به تعداد مورد نیاز شعبه یا شعبی را به طور ویژه برای رسیدگی به دعاوی مربوط به داوری نظیر دعاوی ابطال رأی داور اختصاص می‌دهند.

ماده ۱۷- رؤسای حوزه‌های قضایی تمهیدات لازم را برای ترویج داوری و ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل اختلاف از طریق داوری انجام خواهند داد.

ماده ۱۸ - واحدهای اجرای احکام آرای داوری را در محدوده مقررات مربوطه و لحاظ سرعت لازم اجرا می‌نمایند.

ماده ۱۹ - حق الزحمه داوران و نهادهای داوری بر اساس آیین نامه موضوع ماده ۴۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ می‌باشد.

این دستورالعمل در ۱۹ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۴۰۰ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا می‌باشد.

داوری در قانون پیش فروش ساختمان

ماده ۲۰ - کلیه اختلافات ناشی از تعبیر، تفسیر و اجراء مفاد قرارداد پیش فروش توسط هیأت داوران متشکل از یک داور از سوی خریدار و یک داور از سوی فروشنده و یک داور مرضی الطرفین و در صورت عدم توافق بر داور مرضی الطرفین یک داور با معرفی رئیس دادگستری شهرستان مربوطه انجام می پذیرد. در صورت نیاز داوران می توانند از نظر کارشناسان رسمی محل استفاده نماید. آئین نامه اجرائی این ماده توسط وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت دادگستری تهیه و به تأیید هیأت وزیران خواهد رسید. داوری موضوع این قانون تابع مقررات آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب خواهد بود.

داوری در بورس اوراق بهادار

(از قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴)

ماده ۳۶ - اختلافات بین کارگزاران، بازار گردانان، کارگزار / معامله گران، مشاوران سرمایه گذاری، ناشران، سرمایه گذاران و سایر اشخاص ذی ربط ناشی از فعالیت حرفه ای آنها، در صورت عدم سازش در کانونها توسط هیأت داوری رسیدگی میشود.

ماده ۳۷ - هیأت داوری متشکل از سه عضو می باشد که یک عضو توسط رئیس قوه قضاییه از بین قضات باتجربه و دو عضو از بین صاحب نظران در زمینه های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تأیید شورا به اختلافات رسیدگی مینماید. رئیس قوه قضاییه و سازمان با تأیید شورا علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک، عضو علی البدل تعیین و معرفی مینمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیأت داوری شرکت نماید. شرایط عضو علی البدل همانند عضو اصلی می باشد.

تبصره ۱ - ریاست هیأت داوری با نماینده قوه قضاییه خواهد بود.

تبصره ۲ - مدت مأموریت اعضای اصلی و علی البدل دو سال می باشد و انتخاب مجدد آنان حد اکثر برای دو دوره دیگر بلامانع است.

تبصره ۳ - هیأت داوری دارای دبیر خانه ای است که در محل سازمان تشکیل میگردد.

تبصره ۴ - بودجه هیأت داوری در قالب بودجه سازمان منظور و پرداخت میشود.

تبصره ۵ - آرای صادر شده از سوی هیأت داوری قطعی و لازم الاجراء است و اجرای آن به عهده اداره ها و دوائر اجرای ثبت اسناد و املاک می باشد.

داوری در خصوص واگذاری سهام شرکتهای دولتی

(از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۷/۱/۱۷)

ماده ۲۰ - رسیدگی، اظهار نظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هریک از تصمیمها در امر واگذاری در صلاحیت هیأت داوری است و این موضوع در قراردادهای تنظیمی واگذاری سهام قید می شود و به امضای طرفین قرارداد می رسد.

ماده ۲۱ - هیأت داوری موضوع ماده (۲۰) این قانون مرکب از هفت نفر بشرح زیر است:

۱ - پنج نفر از متخصصان امور اقتصادی، مالی، بازرگانی، فنی و حقوقی، به پیشنهاد مشترک وزیر امور اقتصادی و دارائی، وزیر دادگستری و رئیس سازمان برنامه و بودجه و تصویب هیأت وزیران برای مدت شش سال.

۲ - رئیس اتاق تعاون.

۳ - رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران.

این هیأت در مورد شکایات و اختلافات مربوط به واگذاری، رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد کرد. نحوه تشکیل جلسات هیأت و چگونگی اتخاذ تصمیم آن براساس آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۲ - جلسات هیأت داورى با حضور حداقل پنج نفر از اعضاء رسمیت خواهد یافت و تصمیم‌های آن با رأی اکثریت اعضای حاضر در جلسه‌دارای اعتبار قانونی است (نظراقلیت نیز باید در صورت مجلس قید و به امضاء برسد).

ماده ۲۳ - رأی هیأت داورى پس از ده روز از تاریخ ابلاغ به طرفین، قطعی و لازم‌الاجراست و چنانچه طی مدت مذکور و پس از انقضاء مدت مذکور صرفاً در صورت وجود عذر موجه برای تأخیر یکی از طرفین نسبت به رأی صادره اعتراض داشته باشد باید اعتراض خود را کتباً به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تقدیم نماید. شعبه خاصی که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین خواهد شد خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی ورأی مقتضی صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی و لازم‌الاجراست.

آیین نامه داورى در خصوص واگذاری سهام شرکت دولتی

آیین‌نامه نحوه تشکیل جلسات و چگونگی اتخاذ تصمیمات هیئت داورى موضوع ماده (۲۱) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شماره ۹۹۵۹۷/ت/۴۱۵۶۲ک

وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت دادگستری

وزیران عضو کارگروه تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۸۶۰۸۴/ت/۴۱۶۳۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ هیئت وزیران، آیین‌نامه نحوه تشکیل جلسات و چگونگی اتخاذ تصمیمات هیئت داورى موضوع ماده (۲۱) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر تصویب نمودند:

آیین‌نامه نحوه تشکیل جلسات و چگونگی اتخاذ تصمیمات هیئت داورى موضوع ماده (۲۱) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - تعاریف و کلیات:

ماده ۱- هیئت داورى موضوع ماده (۲۱) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که از این پس به اختصار «هیئت» نامیده می‌شود، به منظور رسیدگی، اظهارنظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هریک از تصمیم‌ها در امر واگذاری، به ترتیب مقرر در این آیین‌نامه تشکیل و به شکایات و اختلافات رسیدگی می‌نماید.

ماده ۲- اصطلاحات مندرج در این آیین‌نامه در معانی مشروح زیر به کار می‌روند:

الف - شکایت: اعلام و تقاضای رسیدگی هریک از طرفین قرارداد یا اشخاص ذینفع، در خصوص تخلف از مقررات نسبت به هریک از تصمیم‌ها در امر واگذاری.

ب - اختلاف: اعتراض و عدم موافقت طرفین قرارداد در هریک از تصمیمات واگذاری از جمله موارد زیر است:

۱- انعقاد قرارداد واگذاری.

۲- تفسیر قرارداد یادشده.

۳- اجرای قرارداد یادشده.

ج - قرارداد واگذاری: منظور قراردادهای واگذاری مالکیت (اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، حق تقدم سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه و اموال) و واگذاری مدیریت (اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت)، در کلیه موارد مشمول قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی است.

د - اشخاص حقیقی یا حقوقی: منظور « اشخاص حقیقی یا حقوقی » یادشده در صدر ماده بیست (۲۰) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک این آیین‌نامه، اعم از اشخاص بخش خصوصی یا عمومی است.

ماده ۳- کلیه دستگاههای اجرایی موظف به همکاری با هیئت خواهند بود.

فصل دوم - تشکیلات و نحوه اداره جلسات هیئت:

ماده ۴- اولین جلسه هیئت ظرف دو هفته پس از ابلاغ احکام انتصاب اعضای آن تشکیل می‌شود. اعضای هیئت در اولین جلسه از بین خود یک نفر را به عنوان رییس و یک نفر را به عنوان دبیر و سخنگو انتخاب خواهند نمود.

ماده ۵- جلسات هیئت با دعوت کتبی رییس هیئت تشکیل می‌شود و حداقل در هر ماه یک جلسه خواهد داشت. دعوت‌نامه متضمن دستور جلسه، حداقل یک هفته قبل از برگزاری جلسات برای اعضاء ارسال می‌شود.

تبصره - علاوه بر جلسات ماهانه، با نظر رییس هیئت و متناسب با تعداد شکایات دریافتی یا موضوعات قابل طرح، جلسات فوق‌العاده نیز تشکیل می‌شود.

ماده ۶- جلسات هیئت در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود و دبیرخانه آن نیز در وزارتخانه یادشده مستقر است. هیئت می‌تواند نیروی کارشناسی و اداری موردنیاز خود را متناسب با حجم کار جذب نماید. بودجه موردنیاز دبیرخانه هیئت همه ساله توسط وزیر دادگستری پیشنهاد و در لویح بودجه سالیانه کل کشور (وزارت دادگستری) منظور می‌شود.

تبصره - تشکیلات دبیرخانه هیئت توسط هیئت پیشنهاد و به تصویب وزیر دادگستری می‌رسد.

ماده ۷- جلسات هیئت با حضور حداقل پنج نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با حداقل رأی مثبت چهار نفر از اعضا اعتبار دارد. برای هر جلسه صورتجلسه‌ای تنظیم و نظر اقلیت نیز باید در آن درج و به امضاء برسد.

ماده ۸- موارد رد اعضای هیئت همان موارد رد دادرس در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است.

ماده ۹- حق الزحمه کارشناسی و هزینه ترجمه اسناد و مدارک، باید توسط متقاضی پرداخت شود. هیئت مجاز است نسبت به افتتاح حساب بانکی به نام خود با امضای مشترک رییس و دبیر هیئت نزد یکی از شعب بانکها اقدام کند. دریافت و پرداخت هزینه‌های مربوط به داوری از طریق این حساب صورت می‌گیرد.

فصل سوم - ترتیب رسیدگی و صدور رأی:

ماده ۱۰- هیئت نحوه طرح ادعا یا شکایت، آیین داوری و چگونگی رسیدگی به ادله را از طریق تنظیم و تصویب دستورالعمل داخلی به گونه‌ای تعیین خواهد نمود که از رعایت اصول اساسی نظیر اعطای فرصت کافی برای دفاع و رسیدگی مناسب و مقتضی به ادله طرفین، اطمینان حاصل شود.

ماده ۱۱- هیئت در صورت لزوم، طرفین شکایت یا اختلاف را به جلسه رسیدگی دعوت می‌نماید. طرفین می‌توانند وکیل قانونی خود را برای حضور، ادای توضیح و تعقیب شکایت یا اختلاف معرفی نمایند. دستگاههای دولتی نیز می‌توانند نماینده حقوقی خود را به همین منظور معرفی کنند.

ماده ۱۲- با وجود احراز اطلاع از وقت حضور در جلسه رسیدگی، عدم حضور طرفین دعوی یا اختلاف، وکیل قانونی آنان یا نماینده قضایی معرفی شده، مانع رسیدگی، اظهار نظر، اتخاذ تصمیم و صدور رأی نیست. چنانچه هریک از طرفین یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنان در جلسه حضور نیابند، هیئت می تواند دعوت را تکرار نماید و در صورت عدم حضور طرفین دعوی یا اختلاف، رسیدگی را ادامه دهد.

ماده ۱۳- هیئت در صورت لزوم می تواند نسبت به انجام تحقیقات محلی، علمی، فنی، مالی، بررسی محل، ترجمه اسناد و اوراق، کارشناسی یا دریافت اطلاعات از مطلعین و نظایر این اقدام نماید.

ماده ۱۴- هیئت موظف است ظرف چهار ماه از تاریخ ارجاع اختلاف به داوری، به موضوع رسیدگی و رأی خود را صادر کند. این مدت با گزارش توجیهی هیئت فقط برای یکبار و تا چهار ماه دیگر قابل تمدید است.

ماده ۱۵- خلاصه مذاکرات جلسات، قرارها، دستورها، نظرات و تصمیمات هیئت در صورت جلسات درج و به امضاء اعضاء می رسد.

ماده ۱۶- در مقدمه رأی داوری خلاصه موضوع، ادعاها، مدافعات، دلایل هر یک از طرفین و رسیدگیهای انجام شده، درج می شود. رأی داوری به طرفین ابلاغ و یک نسخه از آن جهت اطلاع برای رییس هیئت ارسال می گردد.

ماده ۱۷- آراء هیئت باید مستدل و مستند به قوانین موجد حق و اصول علمی و حقوقی باشد.

ماده ۱۸- چنانچه طرفین اختیار مصالحه و سازش را به هیئت کنند، هیئت می تواند رأی خود را بر مبنای مصالحه صادر کند. چنانچه طرفین رأیاً در حدود قوانین، در موضوع مطروحه سازش کنند مراتب را به هیئت اعلام می نمایند. در اینصورت رأی هیئت بر مبنای مصالحه انجام شده صادر خواهد شد مشروط بر اینکه مخالف قوانین موجد حق نباشد.

فصل چهارم - ابلاغ و اجرای رأی:

ماده ۱۹- ابلاغ دعوت نامه ها، نظرات، تصمیمات و آراء هیئت از طریق پست سفارشی یا ترتیب دیگری که مقتضی باشد و ایجاد قطع به وقوع ابلاغ نماید، توسط دبیرخانه هیئت صورت می گیرد.

ماده ۲۰- آراء هیئت پس از ده روز از تاریخ ابلاغ به طرفین، قطعی و لازم الاجرا است.

ماده ۲۱- پس از ابلاغ رأی و قطعیت آن در صورتی که محکوم علیه در مقام اجرای رأی بر نیاید، دینفع طبق مقررات باب داوری قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، می تواند از دادگستری تقاضای اجرای رأی نماید.

ماده ۲۲- در صورت خودداری هریک از کارکنان دستگاههای دولتی از اجرای آراء هیئت، رییس هیئت موضوع را به وزیر یا بالاترین مقام دستگاه متبوع وی اعلام می نماید. مستنکف طبق مقررات انضباطی تعقیب و مجازات خواهد شد.

فصل پنجم - اعتراض به رأی:

ماده ۲۳- رأی هیئت ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ و پس از انقضاء مدت یادشده فقط در صورت وجود عذر موجه برای تأخیر، در حدود مقررات ماده (۲۳) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قابل اعتراض است.

تبصره - جهات عذر موجه، موارد یاد شده در زیر ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی می باشد.

ماده ۲۴- اعتراض نسبت به رأی هیئت به طور کتبی به دفاتر شعب خاصی که توسط رییس قوه قضائیه تعیین خواهد شد، تقدیم می شود. این شعب خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی و رأی مقتضی صادر می نمایند. رأی صادره قطعی و لازم الاجرا است.

داوری در اختلافات ناشی از خصوصی سازی

ناشی از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

ماده واحده- ماده (۳۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۰:

الف - جهت رسیدگی به دعاوی و اختلافات ناشی از واگذاری‌ها، هیأت داوری هفت نفره (متشکل از چهار نفر از متخصصان امور اقتصادی، مالی، فنی و حقوقی به پیشنهاد مشترک وزرای امور اقتصادی و دارایی و دادگستری و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و تصویب هیأت وزیران و یک نفر حقوقدان و یا قاضی به انتخاب رئیس قوه قضائیه و دو نفر به پیشنهاد رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران و رئیس اتاق تعاون ایران برای مدت شش سال) با رعایت موارد زیر تشکیل می‌شود:

۱- دبیرخانه هیأت داوری در وزارت دادگستری مستقر است. نحوه تشکیل و اداره جلسات هیأت، انتخاب رئیس و دبیر هیأت، حق الزحمه داوران و سایر امور اجرائی براساس آیین نامه‌ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به پیشنهاد وزارتخانه‌های دادگستری و امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۲- جلسات هیأت داوری با حضور حداقل پنج نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیم‌های آن با رأی اکثریت حاضران دارای اعتبار قانونی است. نظر اقلیت نیز باید در صورت مجلس قید و به امضاء برسد.

۳- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به دعاوی و اختلافات ناشی از فرآیند واگذاری بنگاه‌های دولتی، سهام دولت و شرکت‌های دولتی در شرکت‌های دولتی و غیردولتی و حقوق و دارایی‌های آن‌ها موضوع این قانون در صلاحیت هیأت داوری موضوع این ماده است. موضوع داوری باید در آگهی عرضه سهام و دارایی‌ها و قرارداد واگذاری درج گردد.

تبصره - فرآیند واگذاری شامل اقدامات قبل، حین یا بعد از واگذاری است که به تشخیص هیأت داوری به طور مستقیم مرتبط با واگذاری بوده و محدود به طرفین قرارداد یا قائم مقام قانونی آنها و کارکنان بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی واگذار شده و سایر اشخاص ثالث ذینفع می‌شود.

۴- هیأت داوری با استماع اظهارات و دفاعیات حضوری یا کتبی طرفین دعوی و بررسی دلایل و مدارک مورد استناد طرفین هر گونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام می‌دهد و سپس مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

۵- هیأت داوری می‌تواند به درخواست هر یک از طرفین دعوی و در صورت احراز ضرورت با رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی مبادرت به صدور دستور موقت نماید. اجرای این دستور همانند سایر آرای هیأت، بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری می‌باشد.

۶- رأی هیأت داوری پس از بیست روز از تاریخ ابلاغ به طرفین، قطعی و لازم الاجراء است و در مدت مذکور و یا پس از انقضای آن (صرفاً «در صورت وجود عذر موجه برای تأخیر) توسط هریک از طرفین قابل اعتراض است و باید اعتراض به صورت کتبی رأساً «یا از طریق دبیر خانه هیأت داوری به شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان تهران که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تعیین می‌شود، تقدیم گردد. شعبه مذکور خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی و رأی صادر می‌کند. رأی صادره قطعی و لازم الاجراء است.

آیین‌نامه حق الزحمه داوری رئیس قوه قضائیه

مصوبه شماره ۱۰۰/۳۵۰۵۰ مورخ ۱۴۰۱/۶/۵ رئیس قوه قضائیه

در اجرای مقررات ماده ۴۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری، «آیین‌نامه حق الزحمه داوری» به شرح مواد آتی است.

آیین‌نامه حق الزحمه داوری

ماده ۱- میزان حق الزحمه داوری و نحوه پرداخت آن بر مبنای توافق داور یا نهاد داوری با طرفین است. در غیر این صورت، برای کلیه داوران اعم از داوران حرفه‌ای و غیر آن‌ها برابر مقررات این آیین‌نامه خواهد بود.

تبصره- در صورتی که داوری با اخذ مجوز از مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه و بر اساس مقررات «دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری» مصوب ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ باشد، حرفه‌ای و در غیر این صورت غیر حرفه‌ای است.

ماده ۲- میزان حق الزحمه داوری به شرح زیر است:

تبصره ۱- در دعاوی مالی حداکثر حق الزحمه داوری یک و نیم میلیارد ریال است.

تبصره ۲- در دعاوی غیرمالی در صورتی که پیچیدگی موضوع و یا میزان تلاش داور اقتضای حق الزحمه بیشتری داشته باشد، در صورت تقاضای داور، حق الزحمه حسب مورد با نظر مرجع قضایی یا شورای حل اختلاف تعیین می‌شود.

ماده ۳- پرداخت حق الزحمه داوری بر عهده طرفین است، مگر آن‌که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴- چنانچه دعاوی متعدد باشد، حق الزحمه هر دعوا جداگانه تعیین و بر مبنای جدول فوق محاسبه می‌شود. در مواردی که دعاوی مطروحه، مرتبط و یا از یک منشأ باشد، یک حق الزحمه تعلق می‌گیرد که بیشترین آن است.

ماده ۵- چنان‌چه قبل از شروع فرایند داوری، طرفین سازش نمایند یا موضوع داوری منتفی شود، حق الزحمه داوری مسترد می‌شود.

ماده ۶- حق الزحمه داوری قبل از شروع فرایند آن از طریق سامانه‌ای که توسط مرکز توسعه حل اختلاف ایجاد خواهد شد، به حساب سپرده مرکز مذکور واریز و بیست و پنج درصد سهم هر یک از داوران یا مؤسسه داوری در ابتدای کار و مابقی پس از انجام کار به حساب آنان انتقال می‌یابد. هزینه‌های اتفاقی در حین داوری پرداخت خواهد شد.

تبصره- در صورت موافقت داور، پرداخت حق الزحمه تقسیط می‌شود.

ماده ۷- هزینه‌های انجام داوری نظیر هزینه‌های ترجمه اسناد، کارشناسی، انجام آزمایش یا نمونه‌برداری و همچنین در صورتی که انجام داوری مستلزم عزیمت به خارج از کشور باشد، هزینه‌هایی مانند اخذ روایت و پرداخت عوارض خروج از کشور، تهیه بلیط هواپیما و سایر هزینه‌های انجام داوری از حق الزحمه داوری خارج بوده و در حین انجام پرداخت می‌گردد.

تبصره- پرداخت هزینه‌های مذکور در این ماده بر عهده طرفی است که انجام آن را درخواست کرده و در صورتی که این اقدام به تشخیص داور باشد بر عهده طرفین است.

ماده ۸- در صورت تعدد داوران حق الزحمه به طور مساوی بین آن‌ها تقسیم می‌گردد، مگر اینکه داوران به طریق دیگری توافق نمایند.

ماده ۹- رفع ابهام از رأی داوری و یا تصحیح آن، مستلزم پرداخت حق الزحمه نمی‌باشد.

ماده ۱۰- در راستای افزایش شفافیت، ضابطه دقیق حق الزحمه و هزینه‌ها باید ظرف یکسال از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه در سامانه‌های مربوطه بارگذاری شود به گونه‌ای که با لحاظ تصمیمات مرجع مربوطه به طور خودکار محاسبه شده و برای طرفین قابل مشاهده باشد.

این آیین‌نامه جایگزین آیین‌نامه حق الزحمه داوری مصوب ۱۳۸۰/۹/۲۰ است و در ۱۰ ماده و ۵ تبصره در تاریخ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای - رییس قوه قضاییه

دفتر دوم - مقررات مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران

فصل اول - کلیات

ماده ۱ - در اجرای بند (ح) ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۱۵، مرکز داوری اتاق ایران، که در این قانون «مرکز» نامیده می‌شود، مطابق مقررات این اساسنامه به صورت وابسته به اتاق یاد شده تشکیل می‌گردد.

ماده ۲ - موضوع فعالیت «مرکز» حل و فصل اختلافات بازرگانی اعم از داخلی و خارجی از طریق داوری است.

ماده ۳ - «مرکز» در شهر تهران مستقر خواهد شد.

فصل دوم - ارکان

ماده ۴ - «مرکز» دارای ارکان زیر است:

الف - هیأت مدیره.

ب - دبیر کل.

ج - داوران.

ماده ۵ - هیأت مدیره از رئیس و یکی از نواب رئیس اتاق ایران، رئیس یا نایب رئیس اتاق تهران، دبیر کل اتاق ایران و سه نفر از بازرگانان و مدیران بصیر و خوشنام صنایع و معادن به انتخاب هیأت نمایندگان اتاق ایران تشکیل خواهد شد.

تبصره ۱ - مدت تصدی هیأت مدیره سه سال و ریاست آن با رئیس اتاق ایران خواهد بود انتخاب مجدد اعضای آن بلامانع می‌باشد.

تبصره ۲ - هیأت مدیره نحوه تشکیل جلسات خود را تعیین می‌نماید و برای رسمیت یافتن جلسات، حضور حداقل پنج نفر از اعضاء الزامی است. تصمیمات این هیأت با اکثریت نسبی نافذ خواهد بود:

ماده ۶ - وظایف و اختیارات هیأت مدیره به شرح زیر است:

الف - تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های داخلی «مرکز» در ارتباط با نحوه ارائه خدمات و هزینه داوری (به استثنای تعرفه‌های داوری) و امور مالی و استخدامی برای تصویب به هیأت نمایندگان اتاق ایران. تبصره - تعیین تعرفه‌های داوری برطبق قوانین و مقررات جاری کشور می‌باشد.

ب - تهیه و پیشنهاد بودجه سالانه برای تأیید به هیأت نمایندگان اتاق ایران.

ج - تهیه و پیشنهاد اصلاح این اساسنامه و اعلام آن به مراجع قانونی مربوط از طریق هیأت رئیسه اتاق ایران.

د - انتخاب و عزل دبیر کل

ماده ۷ - دبیر کل «مرکز» برای مدت سه سال از میان حقوقدانان ایرانی با تجربه و آشنا به مسائل بازرگانی داخلی و بین‌المللی انتخاب خواهد شد و براساس مصوبات هیأت مدیره و وفق مقررات این اساسنامه انجام وظیفه خواهد نمود و انتخاب مجدد وی بلامانع است.

تبصره - «مرکز» دارای دبیرخانه‌ای می‌باشد که تحت نظر و ریاست دبیر کل اداره می‌شود. شرح وظایف دبیرخانه به پیشنهاد دبیر کل و تصویب هیأت مدیره تعیین خواهد شد.

ماده ۸ - فهرست افرادی که صلاحیت داوری را دارند از میان حقوقدانان، بازرگانان و سایر اشخاص بصیر و خوشنام و با تجربه که از مقررات و عرف بازرگانی داخلی و خارجی به حد کافی اطلاع دارند بنا به پیشنهاد دبیر کل و تأیید هیأت مدیره مشخص خواهد شد.
تبصره - اعضای هیأت مدیره و دبیر کل نمی توانند توسط «مرکز» به عنوان داور انتخاب شوند.

فصل سوم - سایر مقررات

ماده ۹ - هزینه‌های «مرکز» از محل وجوه دریافتی از اصحاب اختلاف و در صورت نیاز از محل درآمدهای اتاق ایران، تأمین خواهد شد:
ماده ۱۰ - مقررات عمومی و آیین رسیدگی داوری در «مرکز» به شرح زیر خواهد بود:
الف - در اختلافات تجاری بین المللی وفق قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶
ب - در اختلافات تجاری داخلی برابر مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ در بخش داوری
ماده ۱۱ - دستگاه‌های دولتی و عمومی ذی ربط مکلفند به استعلام‌های ارسالی از مرکز در حدود و طبق قوانین و مقررات پاسخ دهند.
ماده ۱۲ - مقررات عمومی و آیین رسیدگی، در مورد داوری موضوع بند (۳) (ماده ۵۷) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳، در اختلافات داخلی و تجاری بین المللی به ترتیب وفق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب در بخش داوری و قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶ - ۱۳۷۹/۱/۲۱ می باشد قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و پنج تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهاردهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قواعد و آیین نامه داوری مرکز داوری اتاق ایران

فصل اول - کلیات

ماده ۱- تعاریف

اصطلاحاتی که در این آیین داوری به کار رفته است، دارای معانی زیر می باشد:
الف) «آیین نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری در اختلافات تجاری داخلی و بین المللی» که از این پس «آیین داوری» نامیده می شود، عبارتست از مقررات حاضر که داوری در کلیه اختلافات تجاری داخلی و بین المللی که به مرکز داوری اتاق ایران ارجاع شود، مطابق آن انجام خواهد شد.
ب) آیین نامه‌های داخلی مرکز داوری در مورد نحوه ارائه خدمات آیین نامه‌هایی است که مستنداً به مجوز حاصل از ماده ۶ قانون اساسنامه مرکز داوری به تأیید هیأت مدیره مرکز داوری و نیز به تصویب هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران رسیده است.
پ) خواهان یا خوانده به معنای یک یا چند خواهان یا خوانده است.
ت) «داوری تجاری داخلی» عبارت است از اختلافات و دعاوی راجع به روابط و معاملات تجاری بین اشخاص حقوقی یا حقیقی که در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران، تبعه ایران باشند؛ و «داوری تجاری بین المللی» آن است که یکی از آن‌ها در زمان انعقاد موافقتنامه داوری، طبق قوانین ایران تبعه ایران نباشد.
ث) «داور»، اعم از «داور» واحد یا هیأت داوران است مگر آنکه با توجه به سیاق متن در این آیین داوری یا در موافقتنامه داوری، مراد از داور، یکی از اعضای هیأت داوران باشد.
ج) «دیوان داوری مرکز داوری» هیأتی است که به موجب مقررات فصل پنجم از آیین نامه داخلی مرکز داوری در مورد تشکیلات و نحوه ارائه خدمات تشکیل می شود و وظایف و صلاحیت‌های آن در آیین نامه تشکیلات مرکز داوری و نیز در این آیین داوری مشخص شده است.
چ) «قرارنامه داوری» عبارت است از صورت جلسه‌ای که طبق ماده ۳۹ این آیین داوری تنظیم می شود.

ح) «مرکز داوری» عبارت است از مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران که مطابق قانون اساسنامه تشکیل مرکز داوری اتاق ایران مصوب ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ و در اجرای بند (ح) ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (اصلاحی مصوب ۲۵/۹/۱۳۷۳) تشکیل شده است و مطابق قانون مذکور و نیز آیین‌نامه‌های داخلی مرکز داوری اداره می‌شود و به دعاوی که به آن ارجاع می‌شود رسیدگی می‌کند.

خ) «موافقتنامه داوری» توافقی است بین طرفین که به موجب آن حل و فصل تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است در آینده پیش آید، به داوری مرکز داوری ارجاع شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در ضمن قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.

ماده ۲- مرکز داوری

مرکز داوری وظایف و اختیارات خود را از طریق هماهنگی، سازماندهی، نظارت و مدیریت جریان داوری انجام می‌دهد، بدون آنکه خود مباشرت به داوری کند.

ماده ۳- قلمرو اجرا

الف) کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند می‌توانند داوری در اختلافات خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد، با توافق به مرکز داوری ارجاع کنند. تراضی فوق شامل تراضی حاصل از موافقتنامه داوری و همچنین تراضی ناشی از مراجعه و پیشنهاد داوری توسط یکی از طرفین به داوری مرکز داوری و قبول آن از ناحیه طرف دیگر می‌باشد.

ب) رسیدگی داوری در کلیه دعاوی و اختلافاتی که به مرکز داوری ارجاع شود، مطابق مقررات این آیین داوری انجام می‌شود و در داوری‌های داخلی تابع مقررات باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و در داوری‌های بین‌المللی تابع مقررات قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ خواهد بود.

تبصره- در دعاوی کوچک که خواسته آن‌ها کمتر از پانصد میلیون ریال (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) یا معادل ارزی آن یا معادل مبلغ مذکور در دعاوی غیر مالی باشد، طرفین می‌توانند توافق کنند که رسیدگی به صورت اختصاری انجام شود و از اجرای مواد ۳۹ و ۴۰ و ۵۳ این آیین‌نامه صرف‌نظر کنند یا مواعد مربوط را کوتاه نمایند.

ماده ۴- پذیرش آیین داوری مرکز داوری

تراضی بر ارجاع اختلاف به مرکز داوری، به منزله التزام و قبول این آیین داوری و سایر آیین‌نامه‌های داخلی مرکز داوری در مورد نحوه ارائه خدمات می‌باشد.

ماده ۵- انصراف از حق ایراد

در صورتی که هر یک از طرفین پس از علم به عدم رعایت مقررات این آیین داوری و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، سکوت اختیار کرده و داوری را ادامه دهد و در مهلت مقرر ایراد خود را مطرح نکند، چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد خود صرف‌نظر کرده است.

فصل دوم- جریان داوری

ماده ۶- دادخواست داوری

الف) خواهان یا متقاضی داوری، باید دادخواست داوری خود را به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم کند. دبیرخانه وصول آن را با قید تاریخ وصول، به خواهان و خوانده اعلام خواهد کرد.

ب) دادخواست داوری باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- مشخصات کامل طرفین همراه با ذکر نشانی پستی و الکترونیکی و هرگونه اسناد مثبت سمت؛ در صورتی که دعوی به نمایندگی یا وکالت طرح

شده باشد.

۲- توضیح درباره ماهیت معامله یا قرارداد یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده و بیان منشأ ادعا و دلایل آن.

۳- تعیین خواسته دعوی و مبلغ آن، مگر آنکه خواسته غیر مالی باشد.

۴- توضیح درباره موافقتنامه داوری.

۵- در صورت امکان، اظهار نظر در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان با توجه به موافقتنامه داوری و نیز در صورت ضرورت، معرفی «داور» خود در داوری سه نفری.

۶- در صورتی که داوری بین‌المللی باشد، اظهار نظر در خصوص محل داوری، زبان داوری و قانون و قواعد حقوقی قابل اعمال.

تبصره- تسلیم درخواست داوری ناقص در دبیرخانه مرکز داوری، مادام که تکمیل نشده، تکلیفی برای مرکز ایجاد نمی‌نماید.

پ) در صورتی که دادخواست داوری راجع به معامله، قرارداد یا روابط حقوقی‌ای باشد که در مورد آن پیش از زمان تقدیم دادخواست بین همان طرفین، رسیدگی داوری در مرکز داوری شروع شده باشد، به درخواست هر یک از طرف‌ها، درخواست داوری جدید با پرونده داوری مقدم توأم می‌شود، به شرط آنکه در داوری مقدم هنوز قرارنامه داوری به امضای طرفین و «داور» نرسیده باشد یا توسط مرکز داوری تأیید نشده باشد و مانع قانونی هم برای ادغام پرونده‌ها وجود نداشته باشد. در صورتی که درخواست داوری جدید پس از امضاء یا تأیید قرارنامه داوری در پرونده مقدم شروع شده باشد، رسیدگی توأم به دو یا چند پرونده منوط به این است که «داور» پرونده مقدم، با توجه به ماهیت ادعاهای موضوع داوری جدید و نیز با توجه به مرحله داوری مقدم و سایر اوضاع و احوال، اجازه توأم نمودن دو پرونده را بدهد.

ماده ۷- پاسخ خواننده؛ دعوای تقابل

الف) پس از دریافت دادخواست داوری دبیرخانه مرکز داوری یک نسخه از دادخواست و اسناد و مدارک ضمیمه آن را جهت پاسخ‌گویی به خواننده، ابلاغ می‌کند. خواننده باید در داوری داخلی ظرف ۱۰ روز و در داوری بین‌المللی ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ دادخواست داوری، پاسخ خود را که مشتمل بر اطلاعات ذیل باشد، به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم نماید:

۱- مشخصات کامل همراه با نشانی پستی و الکترونیکی و حسب مورد هرگونه اسناد مثبت سمت؛ در صورتی که دفاع به نمایندگی یا وکالت به عمل آید.

۲- پاسخ به ادعاها و خواسته، بیان ایرادات و مدافعات و ارائه هرگونه دلیل و اسناد و مدارک؛

۳- در صورت امکان، اظهار نظر در خصوص تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان با توجه به موافقتنامه داوری و نیز معرفی «داور» اختصاصی خود در داوری سه نفری؛

۴- در صورتی که داوری بین‌المللی باشد، اظهار نظر در خصوص محل داوری، زبان داوری و نیز قواعد حقوقی قابل اعمال.

ب) دبیرخانه مرکز داوری، نسخه‌ای از پاسخ خواننده به دادخواست داوری را به خواهان ابلاغ می‌کند.

پ) در صورتی که خواننده ادعاهای متقابلی داشته باشد، باید ضمن پاسخ به دادخواست داوری، به دبیرخانه تسلیم و ثبت کند. دعوای متقابل باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- بیان ادعای متقابل و منشأ و دلایل آن.

۲- ذکر خواسته دعوای متقابل و بهای آن، مگر آنکه خواسته غیر مالی باشد؛

ت) دبیرخانه، ادعای متقابل خواننده را به خواهان ابلاغ می‌کند و خواهان باید در داوری داخلی ظرف ۱۰ روز و در داوری بین‌المللی ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ دعوای متقابل، لایحه جوابیه خود به دعوای متقابل را به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم نماید.

ماده ۸- پس از تبادل لوایح اولیه به شرح فوق و تکمیل پرونده و تعیین «داور» طبق این آیین داوری و اعلام قبولی او، دبیرخانه پرونده را به «داور» تسلیم می‌کند و داوری از تاریخ ابلاغ موضوع به طرفین و داور، شروع می‌شود.

تبصره ۱- در مواردی که «داور» قبلاً توسط طرفین تعیین شده باشد و اعلام قبولی هم کرده باشد، دبیرخانه مرکز داوری پرونده را بدون انجام تبادل لوایح، به «داور» تسلیم می‌نماید و تبادل لوایح با نظر «داور» تعیین شده، انجام خواهد شد.

تبصره ۲- دبیرخانه مرکز داوری می‌تواند مواعد پیش بینی شده در این ماده را به درخواست خواهان یا خوانده حسب مورد، تمدید نماید، مشروط به اینکه متقاضی تمدید مهلت، حسب مورد، «داور» اختصاصی خود را معرفی نماید و یا درباره تعداد داوران و نحوه انتخاب ایشان اظهار نظر کرده باشد.

ماده ۹- آثار موافقت نامه داوری

الف) در کلیه مواردی که رسیدگی به اختلاف به مرکز داوری ارجاع می‌شود، رسیدگی طبق مقررات لازم الاجرا در زمان تقدیم دادخواست داوری به عمل خواهد آمد مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که داوری مطابق قواعد موجود در تاریخ انعقاد موافقتنامه داوری انجام شود.

ب) چنانچه خوانده از پاسخ به درخواست داوری مطابق ماده ۷ این آیین داوری امتناع کند، در صورتی که دیوان داوری مرکز احراز کند که ظاهراً موافقت نامه داوری بین طرفین منعقد شده است، داوری ادامه خواهد یافت، بدون اینکه تصمیم دیوان داوری در مورد وجود ظاهری موافقت نامه داوری، مانع طرح ایرادات راجع به وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری نزد «داور» گردد. چنانچه دیوان داوری مرکز داوری وجود ظاهری موافقت نامه داوری را احراز نکند عدم امکان ادامه داوری از طرف دبیرخانه مرکز به طرفین ابلاغ می‌شود، در این صورت هریک از طرفین می‌تواند اتخاذ تصمیم در مورد وجود یا فقدان موافقت نامه داوری را از دادگاه صلاحیت‌دار تقاضا کند.

پ) چنانچه هریک از طرفین دعوا قبل از نصب «داور» نسبت به وجود موافقت نامه داوری، اعتبار یا حوزه شمول آن ایراد کند، تصمیم‌گیری در مورد ایراد مطروحه با دیوان داوری مرکز داوری خواهد بود، بدون اینکه تصمیم دیوان داوری مانع طرح ایراد نزد «داور» باشد. در صورتی که دیوان داوری مرکز ایراد را وارد تشخیص دهد، عدم امکان ادامه داوری از طرف دبیرخانه مرکز به طرفین ابلاغ می‌شود، و پرونده مختومه می‌شود. در این صورت هریک از طرفین می‌تواند به دادگاه صلاحیت‌دار مراجعه کند.

ت) عدم شرکت هر یک از طرفین در جلسات داوری یا هریک از مراحل آن مانع جریان داوری نخواهد بود، و «داور» می‌تواند با ادامه رسیدگی بر اساس دلایل و مدارک موجود مبادرت به صدور رأی نماید.

ث) ایراد به وجود یا اعتبار قرارداد اصلی رافع صلاحیت «داور» برای رسیدگی به چنین ایرادی نیست مشروط بر اینکه «داور» اعتبار موافقتنامه داوری را احراز کند. حتی اگر قرارداد اصلی وجود نداشته و یا باطل باشد، «داور» می‌تواند درباره حقوق طرفین رسیدگی کرده و نسبت به ادعاهای ایرادات آن‌ها اتخاذ تصمیم کند و به هر حال شرط داوری، مستقل از قرارداد اصلی است.

ماده ۱۰- تعداد داوران و نحوه انتخاب ایشان

الف) طرفین می‌توانند ضمن موافقتنامه داوری یا به موجب توافقنامه جداگانه، در خصوص تعداد و نحوه انتخاب داور یا داوران، توافق نمایند. در صورت فقدان چنین توافقی و نیز در صورتی که بین طرفین در این خصوص اختلاف باشد، به ترتیب زیر اقدام خواهد شد و رجوع طرفین به مرکز داوری به منزله قبول ترتیبات زیر می‌باشد:

● مرکز داوری با توجه به موضوع دعوی، یک نفر را به عنوان «داور» انتخاب می‌نماید و به طرفین اعلام می‌کند تا اگر اعتراض یا جهات رد نسبت به «داور» مذکور وجود دارند، ظرف مهلت پانزده (۱۵) روز پس از معرفی داور به دبیرخانه، اعلام کنند.

● چنانچه هریک از طرفین ظرف مهلت مقرر اعتراض یا جهات رد موجهی نسبت به «داور» منتخب اعلام نمایند و مورد قبول مرکز واقع شود، مرکز داوری فرد دیگری را معرفی خواهد نمود، در غیر این صورت همین که «داور» منتخب مرکز قبولی خود را اعلام کرد، مرکز داوری پرونده را به او تسلیم می‌کند.

ب) در مواردی که توافق شده هیأت داوری تشکیل شود، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

۱- هریک از طرفین مکلف است «داور» اختصاصی خود را ظرف مدتی که مرکز تعیین می‌کند انتخاب و معرفی کند و سپس طرفین یا با موافقت طرفین، داوران اختصاصی ایشان، مکلفند ظرف مدت ده (۱۰) روز «داور» سوم (سرداور) را به اتفاق تعیین و معرفی نمایند.

۲- در صورتی که طرفین ظرف مهلت مقرر داوران اختصاصی خود یا سرداور را انتخاب و معرفی نکنند، مرکز داورى حسب مورد، «داور» طرف ممتنع یا سرداور (یا هردو) را، انتخاب و معرفی می‌نماید تا اگر هریک از طرفین اعتراض یا جهات رد نسبت به «داور» اختصاصی طرف دیگر یا سرداور دارند، ظرف مهلت پانزده (۱۵) روز پس از معرفی «داور» به دبیرخانه مرکز اعلام کنند.

تبصره - رسیدگی به اعتراض یا جهات رد نسبت به «داور» یا سرداور که در این مرحله مطرح شود، با مرکز داورى است و تصمیم مرکز در این خصوص قطعی است و در صورتی که اعتراض یا جهات رد موجه باشد و مورد قبول قرار گیرد، مرکز داورى فرد دیگری به ترتیب فوق انتخاب می‌کند. ماده ۱۱- علاوه بر موارد فوق، در موارد زیر نیز مرکز داورى حسب مورد، اقدام به تعیین «داور» خواهد کرد:

۱- چنانچه طبق موافقتنامه داورى انتخاب «داور» یا هیأت داورى یا سرداور برعهده شخص ثالث باشد و شخص مذکور در مهلت مقرر «داور» یا هیأت داورى را معرفی نکند.

۲- چنانچه شخص ثالث منتخب ایشان تعیین «داور» یا هیأت داورى یا سرداور را به مرکز داورى واگذار کرده باشد.

۳- چنانچه «داور» یا داوران یا سرداور تعیین شده، پیشنهاد داورى را رد کنند یا اعلام قبولی نکنند یا به ایشان دسترسی نباشد.

ماده ۱۲- هرگاه در موافقتنامه داورى طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف، شخص یا اشخاص معینی داورى نمایند و آن شخص یا اشخاص ظرف مهلت مقرر اعلام قبولی نکنند یا داورى را رد کنند یا به ایشان دسترسی نباشد و یا به هر دلیل نخواهند یا نتوانند به عنوان «داور» رسیدگی کنند، مرکز داورى، جریان داورى را منتفی و نتیجه را به طرفین اعلام خواهد کرد، مگر آنکه طرفین، در مورد روش دیگری برای انتخاب «داور» توافق نمایند، یا انتخاب «داور» یا داوران را به مرکز داورى محول نمایند.

ماده ۱۳- انتخاب و تعیین «داور» یا هیأت داورى توسط طرفین یا مرکز داورى همواره باید از بین داوران معتمد مرکز داورى انجام شود، معذک، طرفین می‌توانند، «داور» مورد نظر خود از خارج از فهرست داوران معتمد مرکز انتخاب نمایند، مشروط به اینکه شخص منتخب واجد شرایط لازم باشد و نام او به عنوان «داور» داوران معتمد مرکز به تصویب هیأت مدیره مرکز برسد.

تبصره- مرکز داورى مکلف است در انتخاب و تعیین «داور» یا هیأت داوران، کلیه شرایطی را که طرفین در موافقتنامه داورى تعیین کرده‌اند، رعایت نموده و با توجه به موضوع دعوی، شخص یا اشخاص واجد شرایط را انتخاب و تعیین کند.

ماده ۱۴- در داورى‌های بین‌المللی «داور» منفرد یا سرداور نباید با اصحاب دعوی هم تابعیت باشد، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۱۵- داورى چند جانبه در صورتی که داورى بیش از دو طرف داشته باشد و طرف‌ها در مورد تعیین «داور» به نحو دیگری توافق نکرده باشند، به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

۱- برای خواهان واحد، یک «داور» و در صورت تعدد خواهان‌ها، مشترکاً یک «داور» تعیین خواهد شد. «داور» خوانده یا خواندگان متعدد نیز به همین روش تعیین می‌شود.

۲- چنانچه خواهان‌ها یا خواندگان متعدد ظرف مهلت مقرر، در مورد تعیین «داور» مشترک به توافق نرسند، مرکز داورى، «داور» اختصاصی هر یک از طرفین متعدد (خواهان‌ها یا خواندگان) را انتخاب و تعیین خواهد کرد.

۳- در داورى‌های چند جانبه، انتخاب سرداور بر عهده داوران اختصاصی طرفین است و در صورتی که ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخی که مرکز داورى تعیین می‌کند به توافق نرسند، سرداور توسط مرکز داورى تعیین می‌گردد.

۴- هرگاه در داورى‌های چند جانبه، در مورد خواهان یا خوانده بودن یک یا چند طرف داورى اختلاف باشد، هیأت داورى مرکب از سه نفر به انتخاب مرکز داورى خواهد بود و مرکز داورى با توجه به مفاد موافقتنامه داورى در مورد شرایط «داور» و نیز با توجه به موضوع دعوی، هیأت داورى انتخاب و تعیین می‌کند.

۵- سایر امور مربوط به داورى‌های چند جانبه از جمله تعویض «داور» یا جرح داور، تابع مقرراتی است که برای داورى‌های دو جانبه مقرر شده است.

ماده ۱۶- محل داوری

الف) در داورهای داخلی، محل انجام داوری در مقر مرکز داوری خواهد بود، مگر اینکه طرفین، با توافق صریحاً محل دیگری را تعیین نمایند.
ب) در داورهای بین‌المللی انتخاب محل داوری با طرفین است و در صورت عدم توافق، مرکز داوری با توجه به اوضاع و احوال پرونده و سهولت دسترسی طرفین، محل را تعیین می‌کند.

پ) در داورهای بین‌المللی، «داور» می‌تواند برای شور، استماع طرفین یا شهود یا کارشناسان، یا بازرسی کالا یا اسناد و مدارک، در هر محلی که مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. به هر حال، رأی داوری در محل داوری صادر خواهد شد.
ماده ۱۷- زبان داوری

الف) در داورهای داخلی زبان داوری، فارسی است و در صورتی که اسناد و مدارک مورد استناد به زبان دیگری باشد، طرفی که چنین مدارکی را ارائه و به آن‌ها استناد می‌کند، مکلف است ترجمه فارسی آن را تهیه و تسلیم کند، مگر اینکه «داور» ترجمه رسمی آن‌ها را لازم بداند.
ب) در داورهای بین‌المللی، انتخاب زبان داوری با طرفین است و در صورتی که در این خصوص توافق حاصل نشود، «داور» با توجه به قرارداد و اوضاع و احوال پرونده زبان داوری را تعیین می‌کند.

ماده ۱۸- ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها، مواعد

الف) طرفین باید کلیه لوائح و مراسلات خود با یکدیگر و با «داور» را همراه با مدارک پیوست، به تعداد طرف‌های دعوی و «داور» یا داوران، به اضافه یک نسخه برای مرکز داوری، به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم نمایند.

ب) کلیه مکاتبات، دستورات و درخواست‌ها، تصمیمات و قرارها که «داور» در جریان رسیدگی صادر یا اتخاذ می‌کند، از طریق و توسط دبیرخانه مرکز داوری به طرفین، ابلاغ و پیگیری می‌شود.

پ) در داورهایی که به مرکز داوری ارجاع می‌شود، امر ابلاغ اوراق و نیز رأی داوری توسط دبیرخانه مرکز داوری انجام می‌شود، مگر اینکه طرفین طریق دیگری برای ابلاغ تعیین و توافق کرده باشند.

ت) ابلاغ کلیه اوراق و مکاتبات به نشانی‌های اعلام شده طرفین در موافقتنامه داوری یا هر نشانی دیگری که طرفین متعاقباً اعلام کرده باشند، به عمل خواهد آمد. در صورتی که هیچ یک از نشانی‌های فوق در دسترس نباشد یا امکان ابلاغ در آن نشانی وجود نداشته باشد، ارسال اوراق به آخرین محل تجارت یا محل سکونت طرف داوری، یا به هر محل دیگری که در پرونده مطروحه سابقه ابلاغ داشته باشد، ابلاغ شده محسوب می‌شود.

ث) امر ابلاغ می‌تواند از طریق تحویل در قبال رسید، نامه سفارشی، دورنگار، تلکس، تلگرام، پست الکترونیکی که متضمن ثبت و ضبط سابقه ارسال و وصول به گیرنده باشد، انجام گیرد. در موارد زیر اوراق مربوط، ابلاغ شده محسوب می‌شود:

- وصول آن به مخاطب به نظر «داور» یا مرکز داوری محرز باشد؛
- مخاطب بر طبق ابلاغیه مربوط، اقدامی کرده باشد؛
- مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ داده باشد.
- ابلاغ به محلی باشد که سابقه ابلاغ داشته باشد.
- ابلاغ در جلسه داوری واقع شود.

ماده ۱۹- تاریخ ابلاغ، همان تاریخی است که مخاطب یا نماینده او، برگ مربوط را دریافت کرده یا تاریخی است که اوراق مربوط مطابق بند پ، ت یا ث ماده ۱۸، ابلاغ شده یا عرفاً و نوعاً اوراق دریافت شده محسوب شود و سابقه آن در دبیرخانه مرکز داوری ثبت شده باشد.

ماده ۲۰- مهلت‌های مقرر در این آیین داوری بدون احتساب روز ابلاغ و اقدام، محاسبه می‌شود. چنانچه روز آخر مواعد، در محل ابلاغ تعطیل رسمی یا روز غیرکاری باشد، نخستین روز کاری بعدی، آخرین روز مهلت محسوب خواهد گردید. تعطیلات رسمی و روزهای غیرکاری داخل در مواعد و جزء مهلت محسوب خواهد شد.

به مهلت‌های مقرر در این آیین‌نامه نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می‌باشند، یک ماه اضافه می‌گردد.

ماده ۲۱- در صورتی که اوضاع و احوال اقتضاء کند، «داور» می‌تواند مهلت‌ها و مواعد پیش‌بینی شده در این آیین داورى را تمدید کند به نحوی که هریک از طرفین بتواند به مسئولیت و وظایف خود در جریان داورى عمل کند.

فصل سوم- شرایط داور، جرح داور و تشریفات آن

ماده ۲۲- استقلال و بی طرفی داور

الف) «داور» باید در تاریخ تعیین و انتخاب به این سمت و شروع بکار و نیز در طول جریان رسیدگی داورى تا زمان صدور رأی، علاوه بر داشتن اوصاف قانونی و شرایط مقرر در موافقتنامه داورى، بی طرف و مستقل باشد و ذینفع در قضیه نباشد.

ب) «داور» باید همزمان با قبول سمت، اعلامیه‌ای مکتوب مبنی بر تأیید بی‌طرفی و استقلال خود امضاء و به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم کند و مکلف است هرگونه واقعیت یا اوضاع و احوالی را که ممکن است استقلال او را نزد طرفین با تردید مواجه سازد، در اعلامیه مذکور ذکر نماید. چنانچه اعلامیه بی‌طرفی و استقلال «داور» متضمن چنین اطلاعاتی باشد، دبیرخانه مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند و مهلتی را جهت اظهار نظر آنان تعیین می‌نماید. پس از وصول نظرات طرفین، دیوان داورى مرکز داورى در خصوص اعلامیه «داور» و اظهارات طرفین رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

پ) پس از شروع داورى نیز «داور» مکلف است هرگونه واقعیت یا اوضاع و احوال را که احیاناً در جریان داورى حادث شود و موجب تردید در بی طرفی و استقلال او گردد، فوراً و به صورت کتبی به دبیرخانه مرکز و به طرفین اعلام نماید.

ماده ۲۳- موارد جرح داور

«داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود، باعث تردید موجهی نسبت به بی‌طرفی و استقلال او شود و یا واجد اوصافی که طرفین تعیین کرده‌اند، نباشد. هریک از طرفین تنها به استناد دلایلی که پس از تعیین «داور» از آن مطلع شده‌اند، می‌تواند داورى که خود تعیین کرده یا در جریان تعیین او مشارکت داشته، جرح کند.

الف) در داورى‌های داخلی، اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان به عنوان «داور» انتخاب نمود و از موجبات رد و جرح «داور» است:

۱- اشخاصی که بی‌طرفی و استقلال ایشان در موضوع داورى، محل تردید باشد؛

۲- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند؛

۳- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داورى محروم شده‌اند؛

۴- کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی.

ب) در داورى‌های داخلی، اشخاص زیر، را نمی‌توان به عنوان «داور» معرفی و منصوب کرد مگر با تراضی طرفین:

۱- کسانی که سن آن‌ها کمتر از ۲۵ سال تمام باشد؛

۲- کسانی که در دعوی ذی‌نفع باشند؛

۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.

۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می‌باشند؛ یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آن‌ها باشد.

۵- کسانی که خود یا همسرشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند؛

۶- کسانی که خود یا همسرشان با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دعوی کیفری داشته باشند.

۷- کسانی که خود یا همسرشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دعوی حقوقی داشته باشد.

۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

ماده ۲۴- تشریفات جرح، تعویض داور به علت قصور یا عدم امکان انجام وظیفه داور

الف) طرفین می‌توانند در مورد تشریفات جرح «داور» توافق نمایند. در غیر این صورت طرفی که قصد جرح «داور» را دارد، باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول قبولی «داور» مربوط، یا در صورتی که جهات رد و جرح «داور» بعداً در جریان داوری حادث شود، ظرف ۱۵ روز از تاریخ اطلاع از هرگونه اوضاع و احوال مذکور در ماده ۲۳ این آیین داوری، دلایل جرح را همراه با ادله و مدارک مثبته، طی لایحه‌ای همزمان کتباً^{۱۱} به دبیرخانه مرکز داوری، «داور» مربوط، سایر داوران (در صورتی که هیأت داوران تشکیل شده باشد) و طرف‌های دیگر داوری اعلام کند.

ب) «داور» مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ دریافت جرح، در مورد آن اعلام نظر کند و کتباً^{۱۲} به طرفین و به مرکز داوری اطلاع دهد. در صورتی که «داور» مربوط جرح را نپذیرد، طرفی که «داور» را جرح کرده می‌تواند ظرف ۲۰ روز از ابلاغ تصمیم مذکور، به دیوان داوری مرکز داوری (موضوع فصل پنجم آیین‌نامه داخلی مرکز داوری در مورد تشکیلات) مراجعه و درخواست رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

پ) دیوان داوری مرکز داوری قبل از تصمیم‌گیری راجع به جرح، مراتب را از طریق دبیرخانه مرکز به «داور» یا داوران مورد جرح، طرف مقابل و نیز سایر اعضای هیأت داوری اطلاع می‌دهد و مهلت مناسب و معقولی جهت اظهار نظر آن‌ها تعیین می‌کند. اظهار نظر کتبی هریک از طرفین و «داور» یا داوران در خصوص جرح به طرفین و سایر داوران ابلاغ می‌شود.

ماده ۲۵- در صورتی که «داور» از دادن رأی امتناع ورزد و یا در جلسه داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند یا در انجام وظیفه قصور کند، و هم‌چنین در صورتی که «داور» به عللی از قبیل مسافرت، غیبت طولانی، عدم دسترسی، اشتغال یا بیماری و امثال آن، قادر به انجام وظیفه نباشد، هریک از طرفین می‌تواند مراتب را همراه با ادله و مدارک مثبته همزمان به دبیرخانه مرکز داوری، «داور» مربوط، سایر داوران (در صورتی که هیأت داوری تشکیل شده باشد) و طرف‌های دیگر دعوی اعلام و درخواست تعویض او را بنمایند.

تبصره - در صورتی که بین طرفین در خصوص موارد فوق اختلاف باشد، دیوان داوری مرکز نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌کند.

ماده ۲۶- تصمیم دیوان داوری مرکز در مورد جرح یا تعویض «داور» قطعی است و دیوان مکلف نیست دلایل خود را اعلام کند.

ماده ۲۷- اعلام جرح، یا درخواست تعویض «داور» به علت قصور یا عدم امکان انجام وظیفه «داور» مادام که تعیین تکلیف نشده، مانع از ادامه رسیدگی «داور» و صدور رأی نیست.

ماده ۲۸- تعیین داور جانشین

هرگاه مأموریت «داور» به موجب یکی از موارد مذکور در ماده ۲۳ و ماده ۲۵ یا به علت استعفای او با توافق طرفین، و یا به جهات و دلایل قانونی دیگری، خاتمه پذیرد و نیز در صورت حجر یا فوت داور، جانشین او مطابق مقررات حاکم بر داوری و نیز این آیین داوری در مورد انتخاب داور، تعیین می‌شود.

تبصره- «داور» جانشین مکلف است با توجه به لوايح طرفین و رسیدگی‌های انجام شده تا زمان انتخاب او، رسیدگی را ادامه دهد، مگر اینکه با ذکر ادله موجه، تجدید تمام یا بخشی از رسیدگی‌های قبلی را ضروری بدانند.

فصل چهارم - صلاحیت داور

ماده ۲۹- اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

الف) «داور» می‌تواند در مورد حدود صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری، نفیاً و یا اثباتاً اتخاذ تصمیم نماید. ارجاع اختلافات ودعاوی به مرکز داوری، به منزله پذیرش این اختیار «داور» خواهد بود.

ب) شرط داوری که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد، به عنوان موافقتنامه مستقل تلقی می‌شود و تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی الاثر بودن اصل قرارداد، تأثیری در شرط داوری ندارد و فی نفسه به منزله بطلان یا عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود.

ماده ۳۰- ایراد به صلاحیت «داور» باید همزمان با تسلیم اولین جواب و لایحه دفاعیه اعلام گردد. صرف تعیین «داور» و یا مشارکت در تعیین «داور» توسط هریک از طرفین مانع از ایراد او به صلاحیت داوری نخواهد بود. ایراد به خروج «داور» از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری،

باید به محض بروز و اطلاع از آن، اعلام گردد، معذک در صورتی که «داور» تأخیر در ایراد در موارد مذکور را موجه تشخیص دهد، می‌تواند ایراد خارج از موعد را بپذیرد.

ماده ۳۱- در صورت ایراد به صلاحیت «داور» و یا ایراد به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری، «داور» باید به عنوان یک امر مقدماتی و قبل از ورود به ماهیت دعوی، نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، مگر اینکه «داور» با توجه به موضوع ایراد و ادله آن، اتخاذ تصمیم راجع به ایراد را به رسیدگی در مورد ماهیت دعوی، موکول نماید.

ماده ۳۲- اتخاذ تصمیم «داور» در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث می‌شود، می‌تواند در ضمن رأی ماهوی به عمل آید.

ماده ۳۳- در صورتی که رأی «داور» بر رد ایراد و قبول صلاحیت خود باشد، اعتراض به رأی مذکور مانع ادامه رسیدگی و صدور رأی نخواهد بود.

ماده ۳۴- در صورتی که طرفین درباره موارد مذکور در این فصل به نحو دیگری توافق کرده باشند، بر طبق آن عمل خواهد شد.

ماده ۳۵- دستور موقت

الف) «داور» می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید. دستور موقت باید مستدل باشد جهت یا جهات ضرورت تعیین تکلیف فوری باید مشخص شود.

ب) هرگونه ادعا یا اختلاف طرفین در مورد خسارت ناشی از اجرای دستور موقت، به داوری مرکز داوری ارجاع می‌شود. در صورتی که دستور موقت قبل از شروع داوری صادر شود، متقاضی مکلف است دعوای ماهوی خود را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ دستور موقت طرح نماید در غیر این صورت از دستور موقت رفع اثر می‌شود.

پ) «داور» می‌تواند مقرر نماید که متقاضی دستور موقت، تأمین مناسبی مانند وجه نقد یا اوراق و اسناد بهادار یا ضمانت‌نامه بانکی به منظور جبران خسارت ناشی از اجرای دستور موقت، نزد مرکز داوری بسپارد.

چنانچه طرف دیگر، تأمین بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد، «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

ت) مراجعه به محاکم دادگستری و درخواست دستور موقت در موارد استثنائی، قبل از داوری یا حین داوری به معنای عدول و نقض موافقتنامه داوری نیست و مانع از رسیدگی داوری نخواهد بود. تقاضای دستور موقت از محاکم دادگستری توسط هر یک از طرفین و نیز دستور صادره باید توسط متقاضی و بدون تأخیر به دبیرخانه مرکز اطلاع داده شود.

تبصره - ارجاع اختلافات و دعوای به مرکز داوری، به منزله پذیرش اختیارات «داور» در صدور دستور موقت و اخذ تأمین مناسب است و طرفین ملزم به رعایت مفاد دستور می‌باشند.

فصل پنجم - رسیدگی داوری

ماده ۳۶- تسلیم پرونده به «داور»

بلافاصله پس از انتخاب «داور» واحد یا تشکیل هیأت داوری و اخذ قبولی داور یا داوران، دبیرخانه مرکز داوری پرونده را جهت رسیدگی در اختیار آنان قرار می‌دهد، مشروط بر اینکه آن قسمت از هزینه‌های داوری که دبیرخانه در این مرحله مطالبه کرده است، تأدیه شده باشد.

ماده ۳۷- اداره داوری

الف) اداره جریان داوری بر عهده داور واحد و در صورت تشکیل هیأت داوران، با سرداور خواهد بود.

ب) رفتار مرکز داوری و داور با طرفین باید با رعایت مساوات، بی‌طرفانه و منصفانه باشد و با لحاظ مدت داوری به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود.

ماده ۳۸- معرفی و کیل یا نماینده

هر یک از طرفین می‌تواند برای خود وکیل یا نماینده یا مشاور انتخاب و کتباً معرفی نماید.

ماده ۳۹- قرارنامه داوری و برنامه زمان بندی

الف) «داور» مکلف است پس از تحویل گرفتن پرونده از دبیرخانه، ظرف ۱۵ روز بر اساس آخرین لوایح و اظهارات طرفین، و عندالاقضاء با حضور ایشان، «قرارنامه داوری» را تنظیم نماید. دبیرخانه می‌تواند این مدت را به درخواست «داور» که باید موجه باشد، تمدید کند.

قرارنامه داوری باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

- ۱- نام و مشخصات کامل طرفین؛
- ۲- نشانی اقامتگاه طرفین که ابلاغ‌ها و مراسلات در جریان داوری باید به آن جا ارسال شود؛
- ۳- خلاصه‌ای از ادعاها و مدافعات طرفین و خواسته هر یک از ایشان و تا حدودی که در این مرحله ممکن باشد، ذکر مبلغ خواسته اصلی و خواسته متقابل؛

۴- در صورت امکان، تحریر محل نزاع و موضوعاتی که باید تصمیم‌گیری شوند؛

۵- نام و مشخصات و نشانی اقامتگاه «داور» یا داوران؛

۶- محل داوری و زبان داوری (در داوری‌های بین‌المللی)؛

۷- قوانین و قواعد حقوقی حاکم بر موضوع دعوی

۸- ذکر اختیارات «داور» از قبیل تفویض اختیار برای تعیین و تمدید مدت داوری به داور، نحوه تعیین کارشناس، نحوه استماع کارشناس و شهود، اختیار صدور رأی بر اساس صلح و سازش یا انصاف، نحوه صدور دستور موقت و نحوه اخذ تضمین مناسب برای دستور موقت؛

۹- هرگونه اختیار و موضوع دیگری که برای حل و فصل اختلاف از طریق داوری لازم باشد.

ب) قرارنامه داوری باید به امضای طرف‌ها و «داور» برسد.

پ) اگر هر یک از طرف‌ها از مشارکت در تنظیم قرارنامه داوری یا از امضای آن امتناع ورزد، یا به او دسترسی نباشد، «داور» باید قرارنامه داوری را پس از امضاء جهت تأیید به مرکز داوری تسلیم کند. با امضای قرارنامه داوری مطابق این ماده یا تأیید آن توسط مرکز داوری، جریان داوری ادامه می‌یابد.

ماده ۴۰- در داوری‌های بین‌المللی، «داور» باید حین تنظیم قرارنامه داوری یا در اسرع وقت ممکن پس از آن، با مشورت طرفین برنامه زمان بندی را که در نظر دارد داوری را مطابق آن انجام دهد، جداگانه تنظیم و برای طرفین و مرکز داوری ارسال کند. هرگونه اصلاح و تغییر در برنامه زمان بندی باید به طرفین و مرکز اطلاع داده شود.

ماده ۴۱- اصلاح ادعا یا دفاع

چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند ادعای جدیدی به غیر از آنچه در قرارنامه داوری ذکر شده، طرح کند. مگر آنکه «داور» با توجه به ماهیت ادعای جدید و سایر اوضاع و احوال، آن را موجب تأخیر در رسیدگی یا تبعیض نسبت به طرف دیگر تشخیص ندهد. در هر حال، در صورت اصلاح یا تکمیل ادعا یا دفاع باید به طرف مقابل اجازه و مهلت پاسخ‌گویی داده شود.

ماده ۴۲- قانون حاکم

الف) «داور» مکلف است براساس قانون و قواعد حقوقی قابل اعمال رأی دهد.

ب) در داوری‌های بین‌المللی «داور» مکلف است قانون منتخب طرفین را اعمال کند و در صورتی که طرفین قانون حاکم را انتخاب نکرده باشند، طبق قواعد تعارضی که «داور» مناسب تشخیص دهد قانون مناسب را تعیین و مطابق آن رأی دهد.

پ) تعیین قانون یک کشور به هر نحو که صورت گیرد، به منزله ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور است و شامل حل تعارض آن نمی‌شود، مگر طرفین طور دیگری توافق نموده باشند.

ت) «داور» مکلف است در کلیه موارد، مطابق مفاد قرارداد تصمیم بگیرد و عرف و عادت تجاری ذریبط را رعایت کند.

ث) «داور» در صورتی حق دارد براساس کدخدا منشی و انصاف رأی دهد که طرفین صریحاً چنین اختیاری به او داده باشند.

ماده ۴۳- جلسه استماع و رسیدگی

الف) پس از تسلیم پرونده به «داور»، هرگونه تبادل لوایح زیر نظر «داور» انجام می‌شود، مع‌ذک در صورتی که «داور» تشخیص دهد که با توجه به موضوع پرونده، نیازی به تبادل لوایح بیشتر نیست می‌تواند براساس لوایح و اسناد و مدارک موجود در پرونده، رسیدگی و رأی صادر کند.

ب) در صورتی که «داور» با توجه به موضوع پرونده، اخذ توضیح از طرفین یا ملاحظه اصول اسناد و مدارک را لازم بداند، می‌تواند دستور تشکیل جلسه استماع را با ذکر محل، تاریخ و ساعت تشکیل جلسه، صادر و به طرفین ابلاغ کند. به هر حال، در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه استماع نماید، «داور» مکلف است جلسه را برگزار کند. «داور» می‌تواند برای تسهیل رسیدگی موضوعات یا سؤالاتی که باید در جلسه استماع پاسخ داده شود، تعیین و برای طرفین ارسال کند.

پ) چنانچه «داور» تشکیل جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا معاینه سایر اموال و یا مستندات طرفین را ضروری بداند، باید موعد و مکان جلسه را تعیین و به طرفین و سایر اشخاصی که باید حضور یابند، ابلاغ کند.

ت) «داور» می‌تواند پس از مشورت با طرفین، جلسات استماع، بازرسی اموال یا مستندات یا شور را در هر محلی که لازم و مقتضی بداند تشکیل دهد، مگر طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.

ث) جلسات استماع و رسیدگی داور غیرعلنی است، مگر آنکه طرفین به طور کتبی بر خلاف آن توافق کنند. به هر حال، «داور» باید برای حفظ اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه، اقدامات لازم را به عمل آورد.

ج) جلسات رسیدگی و استماع با حضور طرفین یا وکلا و نمایندگان آنان تشکیل می‌شود و هر یک از طرفین می‌تواند مشاور خود را نیز، همراه داشته باشد.

چ) «داور» می‌تواند هر زمان در جریان رسیدگی، به هر یک از طرفین ابلاغ کند لوایح یا ادله و مستندات تکمیلی ارائه کنند یا ایشان را برای ادای توضیح دعوت نماید.

ماده ۴۴- قصور در تسلیم لوایح و مدارک

الف) چنانچه خواهان بدون عذر موجه، لوایح و مدارک و ادله خود را ظرف مهلت مقرر تسلیم نکند و «داور» با اخذ توضیح از خواننده هم نتواند رأی بدهد، حسب مورد، قرار ابطال دادخواست داور را صادر خواهد کرد.

ب) در صورتی که خواننده از دادن لایحه دفاعیه قصور نماید، همچنین در صورتی که خواهان از دادن لایحه جوابیه به دعوی تقابل خواننده خودداری کند، بدون اینکه این قصورها فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان یا دعوی متقابل خواننده تلقی شود «داور» بر اساس مدارک موجود در پرونده رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

پ) اگر هریک از طرفین با وجود ابلاغ مراتب به او، از حضور در جلسه استماع و یا ارائه اسناد و مدارک و ادله مورد استناد خویش ظرف مهلت مقرر، خودداری کند، «داور» می‌تواند بر اساس مدارک موجود رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در صورتی که هیچ یک از طرفین علی‌رغم دعوت قبلی برای ادای توضیح، حاضر نشوند و «داور» هم نتواند بدون اخذ توضیح در ماهیت دعوی رأی صادر کند، قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود.

ماده ۴۵- شهادت

الف) در صورتی که هریک از طرفین جهت اثبات ادعا یا مدافعات خود به شهادت شهود استناد کند، باید قبل از تشکیل جلسه استماع، نام و مشخصات شهود و موضوع شهادت ایشان و ارتباط آن با موضوع داور را کتباً تسلیم کند. در صورت احراز تأثیر مؤدای شهادت شهود و ارتباط آن با موضوع دعوی، «داور» مقرر می‌کند جلسه‌ای برای استماع شهادت تعیین و از طرفین و شهود جهت استماع شهادت دعوت به عمل می‌آورد و به طرف استناد کننده به شهادت شهود، تذکر داده می‌شود که شهود را در جلسه استماع حاضر کند. در صورت عدم حضور شهود بدون عذر موجه، شهادت شهود از عداد دلایل استناد کننده خارج می‌شود.

ب) شهادت شهود می‌تواند به صورت شهادت‌نامه کتبی امضا شده که صحت امضای شهود قابل احراز باشد، تسلیم گردد.

پ) هر یک از طرفین می‌تواند در جلسه استماع و رسیدگی، تحت نظارت «داور» از شهود خود یا شهود طرف مقابل پرسش‌هایی را که مرتبط با قضیه باشد، مطرح نماید و «داور» نیز می‌تواند رأساً پرسش‌هایی را از شهود به‌عمل آورد.

ت) صلاحیت‌های شهود و موارد جرح شاهد در داوری‌های داخلی به کیفیت مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ است و در داوری‌های بین‌المللی تابع مقررات حاکم بر داوری است و ارزیابی ارزش اثباتی شهادت شهود یا شهادتنامه کتبی با «داور» است.

ماده ۴۶- ارجاع امر به کارشناس

الف) «داور» می‌تواند در مواردی که لازم بداند رأساً و یا به درخواست هر یک از طرفین، موضوع را به کارشناسی یک یا چند نفر ارجاع دهد و مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی او را به مدارک مربوط، کالا یا سایر اموال و امکانه برای انجام معاینه و بازبینی، فراهم آورد مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده‌اند. دستمزد کارشناس و هزینه‌های آن برعهده متقاضی کارشناسی است و در صورتی که متقاضی کارشناسی، دستمزد و هزینه‌های کارشناس را ظرف مهلتی که «داور» تعیین می‌کند نپردازد، کارشناسی از عداد دلایل او خارج می‌شود.

ب) هرگاه قرار کارشناسی به تشخیص و نظر «داور» باشد، و «داور» نتواند بدون انجام کارشناسی رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، پرداخت دستمزد و هزینه‌های کارشناسی بالمناصفه برعهده طرفین است و چنانچه طرفین دستمزد و هزینه کارشناسی را نپردازند و «داور» هم نتواند بدون انجام کارشناسی رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، «داور» قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.

پ) در صورتی که «داور» لازم بداند، می‌تواند از کارشناس نظریه تکمیلی بخواهد شرکت کند و در صورت درخواست یکی از طرفین یا در صورتی که «داور» لازم بداند، کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی برای ادای توضیح و پاسخ سؤالات در جلسه استماع شرکت کند.

ت) نظریه کارشناسی به طرفین ابلاغ می‌شود تا چنانچه اظهار نظری در خصوص آن دارند ظرف ۱۰ روز از ابلاغ، اعلام نمایند.

ث) هر یک از طرفین می‌تواند در مقام توجیه ادعا یا دفاع، رأساً مبادرت به اخذ نظر کارشناس کنند و آن را به ضمیمه لایحه تسلیم کند و یا کارشناس یا کارشناسان مورد نظر خود را برای استماع نظریه ایشان در جلسه رسیدگی به هزینه خود، معرفی کنند. ارزیابی ارزش اثباتی نظریه کارشناس منتخب هر یک از طرفین، با «داور» است.

ج) دستمزد و هزینه‌های کارشناس با توجه به تعرفه‌های ذی‌ربط، تعیین می‌شود و به هر حال، هنگام صدور رأی جزو هزینه‌های داوری محسوب خواهد شد.

ماده ۴۷- ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه داوری، «داور» تعیین شده و آیین داوری را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود. در صورتی که یکی از طرفین به ورود شخص ثالث ایراد نماید، «داور» نخست در آن مورد اظهار نظر خواهد نمود و تصمیم وی قطعی است.

فصل ششم- ختم رسیدگی و صدور رأی

ماده ۴۸- ختم رسیدگی

الف) «داور» پس از احراز اینکه طرفین از فرصت کافی و معقول برای ارائه مطالب و دفاع برخوردار شده‌اند، و با رعایت مفاد ماده ۴۹ ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به اصدار رأی می‌نماید. پس از اعلام ختم رسیدگی، هیچ لایحه یا دلیل و مدرک جدیدی قابل طرح و ارائه نخواهد بود.

ب) «داور» می‌تواند در صورت تعدد دعاوی (اعم از اصلی و طاری) با تفکیک دعوایی که معد برای صدور رأی باشد، نسبت به آن ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی نماید و رسیدگی را نسبت به دعوی یا دعوی دیگر ادامه دهد.

پ) «داور» مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز پس از اعلام ختم رسیدگی، پیش نویس رأی داوری را قبل از امضاء، جهت اعمال مقررات ماده ۵۳ این آیین داوری به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم کند. در صورتی که «داور» مهلت بیشتری لازم داشته باشد، می‌تواند با ذکر دلیل و موجبات تأخیر، مدت مذکور را یکبار تمدید کند.

ماده ۴۹- مهلت صدور رأی

الف) در داوری‌های داخلی، مدت داوری‌هایی که به مرکز ارجاع می‌شود سه ماه از تاریخ قبولی «داور» و اطلاع به طرفین است مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. تمدید مدت مذکور ولو کراراً، با توافق طرفین بلامانع است، مشروط به اینکه مدت جدیدی مشخص و تعیین شود. طرفین می‌توانند اختیار تمدید مدت داوری را به «داور» اعطا کنند یا مرکز داوری تفویض کنند.

ب) در داوری‌های بین‌المللی «داور» مکلف است ظرف ۶ ماه از تاریخ نهایی شدن قرارنامه داوری طبق ماده ۳۹ این قواعد داوری، رسیدگی و رأی صادر کند. در صورتی که اوضاع و احوال پرونده اقتضاء کند که مدت مذکور تمدید شود، «داور» مکلف است مراتب تمدید را به طرفین و دبیرخانه مرکز داوری اعلام کند.

ماده ۵۰- رأی مبتنی بر سازش طرفین

الف) چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش فیصله دهند، «داور» به درخواست طرفین مراتب وقوع سازش را همراه با شرایط سازش و نحوه فیصله دعوی، به صورت گزارش اصلاحی تنظیم و رأی سازشی صادر می‌نماید و قرار سقوط دعوی صادر می‌کند. ب) رأی سازشی که به صورت فوق صادر می‌شود، برای طرفین قطعی و لازم‌الاجرا است.

ماده ۵۱- اخذ تصمیم توسط هیأت داوران

الف) در مواردی که رسیدگی به وسیله هیأتی از داوران به عمل می‌آید، اعضای هیأت داوری باید از تاریخ و محل جلسه‌ای که برای رسیدگی و مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می‌شود، مطلع باشند.

ب) تصمیم «هیأت داوران» با اکثریت آراء، معتبر است، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. در صورتی که اکثریت حاصل نشود، رئیس هیأت داوری به تنهایی رأی را صادر می‌کند.

تبصره- در صورتی که یکی از اعضای هیأت داوران استعفا کند یا دو جلسه متوالی حضور پیدا نکند یا از دادن رأی امتناع نماید، دو عضو دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد و چنانچه بین دو «داور» دیگر اتفاق نظر حاصل نگردد، مرکز داوری طبق مقررات این آیین‌نامه «داور» دیگری به جای «داور» مستعفی یا ممتنع یا غایب، انتخاب و منصوب می‌نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کنند.

ماده ۵۲- شکل و محتوای رأی

الف) رأی داوری باید کتبی باشد و به امضای «داور» برسد. در موردی که «داور» بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت داوران کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای اعضای دیگر هیأت داوری در برگ رأی ذکر شود. نظر مخالف یا جداگانه هر داور، به رأی ضمیمه می‌شود، مگر طرفین طور دیگر توافق کنند.

ب) رأی داوری مشتمل است بر «مقدمه»، «خلاصه جریان رسیدگی»، «متن رأی داور» و «بخش اجرایی رأی».

۱- «مقدمه» رأی شامل شماره پرونده، شماره و تاریخ رأی، و محل رسیدگی، مشخصات و نشانی طرفین، نام داور و خواسته دعوی خواهد بود.

۲- «خلاصه جریان رسیدگی» مشتمل است بر خلاصه‌ای از اظهارات طرفین و مذاکرات جلسه یا جلسات استماع و نیز اقداماتی که به منظور احراز واقعیات و بررسی دلایل صورت گرفته است.

۳- «متن رأی» مشتمل است بر ذکر موضوع دعوی یا دعاوی و خواسته و نیز کلیه دلایلی که رأی بر آن‌ها مبتنی است مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی ذکر نشود یا رأی سازشی طبق ماده ۵۰ باشد یا براساس اختیار «داور» برای طرف‌های صلح و سازش صادر شده باشد.

۴- بخش اجرایی رأی، مشتمل است بر تشخیص منجز «داور» نسبت به خواسته و دفاعیات طرفین و نیز نسبت به تکالیف و اقداماتی که طرف‌های ذی‌ربط دعوی باید مطابق بخش اجرایی رأی به عمل آورند.

۵- رأی داور، باید حاوی تاریخ و محل داوری طبق ماده ۱۶ این آیین داورى باشد.

ماده ۵۳- بررسی پیش نویس رأی داورى و ابلاغ آن

الف) به منظور بررسی و حصول اطمینان از رعایت تشریفات قانونی و نیز این آیین داورى، «داور» باید قبل از امضای رأی، پیش نویس آن را به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم نماید و دبیرخانه مرکز با رعایت مقررات فصل پنجم از آیین نامه داخلی مرکز در مورد نحوه ارائه خدمات و تشکیلات مرکز داورى مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ در اولین جلسه دیوان داورى مرکز مطرح می کند. دیوان داورى مرکز داورى می تواند بدون آنکه در آزادی عمل و اختیارات «داور» از نظر تصمیم گیری مداخله کند، توجه «داور» را به نکات شکلی و یا ماهوی جلب و یادآوری کند. «داور» در قبول یا رد نکات ماهوی مخیر است، لکن مکلف است نظرات دیوان داورى مرکز درباره مسایل شکلی را رعایت کند. پس از تأیید پیش نویس رأی توسط دیوان داورى مرکز و از لحاظ شکلی، «داور» مجاز به امضای آن می باشد.

ب) رأی داورى که به ترتیب فوق صادر و امضاء شده، توسط دبیرخانه مرکز داورى در دفتر ثبت آراء با قید شماره و تاریخ صدور، ثبت می شود و شماره و تاریخ فوق بر روی رأی درج و صفحات رأی به مهر دبیرخانه مرکز داورى مهور خواهد شد. نسخه اصل رأی داورى در پرونده ضبط و تصویر مصدق آن که دارای اعتبار نسخه اصل است، به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد، مشروط به آن که کلیه هزینه های داورى پرداخت شده باشد.

ماده ۵۴- قطعیت و قابلیت اجرای رأی

الف) رأی «داور» قطعی است و پس از ابلاغ طبق مقررات قانونی لازم الاجراست.

ب) با پذیرش داورى از طریق مرکز داورى، طرفین متعهد می شوند که رأی داورى صادره را قطعی و لازم الاجرا دانسته و بدون تأخیر اجرا نمایند.
پ) اجرای رأی داورى در داورى های داخلی تابع مقررات آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و سایر قوانین ذیربط در باب اجرای احکام داورى است، و در داورى های بین المللی، حسب مورد، تابع مقررات قانون داورى تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ یا کنوانسیون نیویورک در مورد اجرای احکام داورى خارجی مصوب ۱۳۸۰ می باشد.

ت) در صورتی که محکوم علیه عضو اتاق بازرگانی و صنایع و معادن باشد و بدون عذر موجه، رأی را تا ۲۰ روز پس از ابلاغ اجرا نکند، طرف دیگر، می تواند جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم لازم به کمیسیون انضباطی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران مراجعه نماید.

ماده ۵۵- ختم داورى

رسیدگی داورى با صدور رأی یا به موجب تصمیم «داور» در موارد زیر خاتمه یافته یا متوقف می گردد:

الف) استرداد دعوا توسط خواهان، مگر اینکه خواننده با ذکر ادله موجه به آن اعتراض نماید و «داور» برای وی نفع قانونی و موجهی در ادامه داورى احراز کند.

ب) عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به هر دلیل دیگر.

پ) توافق طرفین بر ختم رسیدگی داورى

ت) فوت یا حجر یکی از طرفین دعوی در صورتی که شخص حقیقی باشد.

ث) در داورى های داخلی در صورت ورشکستگی یکی از طرفین دعوی در صورتی که شخص حقوقی باشد، مطابق مقررات ماده ۴۱۸ و ۴۱۹ قانون تجارت تا تعیین مدیر تصفیه داورى متوقف می گردد. در داورى های بین المللی موضوع تابع مقررات حاکم بر موضوع است.

ماده ۵۶- ابلاغ رأی داورى

الف) پس از امضاء، رأی داورى توسط دبیرخانه مرکز داورى به طرفین ابلاغ خواهد شد، مشروط بر آنکه هزینه های داورى به مرکز داورى پرداخت شده باشد.

ب) در صورت درخواست، نسخ اضافی رأی که توسط دبیرکل تصدیق شده باشد، فقط در اختیار طرفین یا نمایندگان آنان قرار خواهد گرفت.

پ) با ابلاغ رأی داورى مطابق ترتیبات مذکور در این آیین داورى طرفین از ابلاغ رأی به سایر شیوه ها صرف نظر می نمایند.

ماده ۵۷- تصحیح و تفسیر رأی؛ رأی تکمیلی

الف) در داورهای داخلی هر یک از طرفین می‌تواند با رعایت ماده ۴۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ تقاضای اصلاح یا تفسیر رأی یا صدور رأی تکمیلی نماید. «داور» مکلف است ظرف ۲۰ روز از تاریخ تقاضای مذکور نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید.

ب) در داورهای بین‌المللی هریک از طرفین می‌تواند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی درخواست اصلاح نگارشی، تائیدی، اشتباه در محاسبه یا اشتباهات مشابه یا تفسیر و رفع ابهام از رأی را بنماید یا درخواست رأی تکمیلی نسبت به ادعایی که اقامه شده ولی در رأی مسکوت مانده مطرح کند. در مورد درخواست رأی اصلاحی «داور» باید ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ درخواست اتخاذ تصمیم کند و در مورد درخواست رأی تکمیلی در صورتی که «داور» آن را موجه تشخیص دهد باید ظرف ۶۰ روز رأی تکمیلی صادر کند. در صورتی که «داور» رأساً متوجه اشتباه یا ابهام رأی شده باشد، ظرف ۳۰ روز نسبت به اصلاح رأی یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.

پ) درخواست اصلاح یا تفسیر رأی یا صدور رأی تکمیلی باید در نسخ کافی به دبیرخانه مرکز داورى تسليم شود و دبیرخانه یک نسخه را به طرف مقابل ابلاغ می‌کند و مهلت معقولى جهت اظهار نظر او تعیین می‌نماید.

ت) مقررات مواد ۵۱-۵۲-۵۳-۵۴ و ۵۶ این آیین داورى در مورد رأی اصلاحی، تفسیری یا تکمیلی نیز لازم‌الاجرا است.

فصل هفتم - هزینه‌های داورى

ماده ۵۸- هزینه‌های داورى

الف) مراجعه به مرکز داورى و استفاده از خدمات آن برای حل و فصل اختلافات، در هر مورد موقوف به پرداخت هزینه‌هایی است که مطابق آیین نامه مربوط به نحوه ارائه خدمات در مورد هزینه‌های داورى و تعرفه آن در زمان طرح دعوى، محاسبه و دریافت می‌شود.

ب) پس از وصول دادخواست داورى و همزمان با تبادل لوابح اولیه طبق این آیین داورى، دبیرکل مرکز داورى، با توجه به مبلغ و نوع خواسته، هزینه‌های داورى را طبق تعرفه مندرج در آیین‌نامه هزینه‌های داورى تعیین و به طرفین ابلاغ می‌کند و همزمان از خواهان مطالبه نماید که ظرف مهلت ۱۵ روز، مبلغی را به‌عنوان پیش‌پرداخت هزینه‌ها به دبیرخانه مرکز بپردازد. مبلغ پیش‌پرداخت که خواهان می‌پردازد، بابت سهم او از هزینه‌های قطعی داورى، منظور و کسر خواهد شد.

پ) مرکز داورى می‌تواند هزینه‌های داورى را، با توجه به تغییر مبلغ و نوع خواسته در طول داورى تعدیل کند.

ت) در مواردی که علاوه بر ادعای اصلی، ادعای متقابل هم طرح شده باشد، دبیرکل می‌تواند مبلغ هزینه‌های داورى بابت هر یک از ادعای اصلی و ادعای متقابل را جداگانه تعیین نماید. در این صورت هر طرف باید هزینه‌های مربوط به ادعای خود را به دبیرخانه مرکز داورى بپردازد.

ماده ۵۹- جز در مواردی که طرفین طور دیگری توافق کرده‌اند، پرداخت هزینه‌های داورى در مرکز داورى (هزینه اداری و حق‌الزحمه داوران) به تساوی بر عهده خواهان و خوانده است که باید تا قبل از صدور رأی، به دبیرخانه مرکز بپردازند. اگر هر یک از طرفین از پرداخت تمام یا قسمتی از سهم خود از هزینه‌های داورى خودداری کند، هر یک از طرف‌های دیگر می‌تواند به منظور جلوگیری از توقف رسیدگی، سهم طرف ممتنع را بپردازد. ماده ۶۰- چنانچه طرفین از پرداخت هزینه‌های داورى ظرف مهلت مقرر امتناع ورزند، دبیرکل می‌تواند با مشورت «داور» رسیدگی را متوقف کند. در این صورت دبیرکل باید مهلتی که کمتر از ۱۵ روز نباشد برای پرداخت هزینه‌ها به طرفین بدهد. عدم پرداخت هزینه‌های داورى ظرف این مهلت به منزله استرداد دادخواست مربوط به دعوای اصلی یا متقابل است که برای آن هزینه مطالبه ولی پرداخت نشده است، بدون اینکه مانع از طرح دعوى اصلی یا متقابل طى دادخواست داورى جدید باشد.

ماده ۶۱- تصمیم مرکز داورى در این قبیل موارد ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است و رسیدگی به آن با دیوان داورى مرکز داورى است.

ماده ۶۲- اتخاذ تصمیم در خصوص هزینه‌های داورى

الف) هزینه‌های داورى شامل حق‌الزحمه داوران و هزینه‌های اداری مرکز داورى و همچنین شامل حق‌الزحمه و هزینه کارشناسی و مخارج متعارف حقوقی است که جریان داورى ایجاب می‌کند.

ب) «داور» باید ضمن رأی یا تصمیم داوری تکلیف هزینه‌های داوری را تعیین کند و در مورد تسهیم آن بین طرفین، اتخاذ تصمیم کند. در صورتی که طرفین درباره نحوه تسهیم هزینه‌ها توافقی کرده باشند، «داور» مکلف است آن را ملحوظ نماید.

فصل هشتم - مقررات متفرقه

ماده ۶۳- در صورتی که لازم باشد، مرکز داوری کلیه مساعی و همکاری‌های لازم را معمول خواهد داشت تا رأی داوری با سهولت اجرا شود.
 ماده ۶۴- جز در مواردی که طور دیگری مقرر شده باشد، در کلیه مواردی که در این آیین داوری اختیارات یا وظایفی برای مرکز داوری پیش‌بینی شده، اعمال یا انجام آن بر عهده دبیرکل مرکز است، مگر مطابق این آیین داوری انجام آن در صلاحیت دیوان داوری مرکز باشد.
 ماده ۶۵- در مواردی که اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و یا شهرستان‌ها به عنوان «داور» تعیین شده باشد، انجام داوری با مرکز داوری اتاق ایران است و مشمول مقررات این آیین داوری خواهد بود.

ماده ۶۶- معافیت از مسئولیت

مسئولیت دبیرکل و کارکنان مرکز داوری و داوران، از حیث اجرای مقررات این آیین داوری و آیین‌نامه هزینه‌های داوری همان است که به موجب قوانین ذی‌ربط مقرر شده و مسئولیت دیگری متوجه ایشان نخواهد بود.

ماده ۶۷- قاعده کلی

نسبت به موضوعاتی که در این آیین‌نامه صریحاً تعیین تکلیف نشده، مرکز داوری، دیوان داوری مرکز و «داور»، حسب مورد، مطابق روح قانون اساسنامه تشکیل مرکز داوری مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ و مقررات باب هفتم قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ و نیز قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ و هم چنین روح این آیین داوری عمل خواهند کرد.

این آیین‌نامه در اجرای ماده ۶ قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران مصوب ۱۴ بهمن ۱۳۸۰، در ۶۷ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۵ در هیأت مدیره مرکز داوری اتاق ایران تأیید شد و در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۷ به تصویب هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران رسید و جایگزین آیین‌نامه به نحوه ارائه خدمات مرکز داوری در مورد حل و فصل اختلافات تجاری داخلی مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ هیأت نمایندگان گردید.

قواعد و آیین میانجیگری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

ماده ۱- مقررات مقدماتی و تعاریف

- ۱- کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه ی دعوا دارند می‌توانند اختلافات خود را به میانجی‌گری مطابق این قواعد ارجاع کنند.
- ۲- میانجی‌گری یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات است که به موجب آن شخص ثالث بیطرف (میانجی)، طرفین را در حل اختلافاتشان یاری و مساعدت کرده و پیشنهادهاتی در مورد حل و فصل اختلاف ارائه می‌کند.
- ۳- میانجی‌گری مشتمل بر تکنیک‌ها و روش‌های گوناگون است که با توافق طرفین و میانجی‌انتخاب می‌شود و در صورت عدم توافق بین طرفین، میانجی‌روش مناسب را انتخاب و اجرا می‌کند.
- ۴- در صورت تراضی طرفین اختلاف بر ارجاع موضوع به میانجی‌گری مرکز داوری اتاق بازرگانی (مرکز)، رسیدگی مطابق این قواعد صورت می‌گیرد. صرف ارجاع موضوع اختلاف به میانجی‌گری مرکز، به منزله ی قبول این قواعد توسط طرفین اختلاف و میانجی‌منتخب است.
- ۵- منظور از «میانجی» یک نفر میانجی یا هیئت میانجی‌ها است.
- ۶- مراجعه به مرکز داوری جهت استفاده از خدمات آن برای حل و فصل اختلافات از طریق میانجی‌گری، مستلزم پرداخت هزینه‌های مربوطه مطابق با ماده ۶ این قواعد می‌باشد.

۷- اصطلاح «جریان رسیدگی» یا «جریان میانجی‌گری» در این قواعد، شامل جریانی است که با شروع میانجی‌گری آغاز و با خاتمه‌ی آن مطابق این قواعد پایان می‌پذیرد.

۸- در صورت نیاز، طرفین می‌توانند در خصوص قواعد حقوقی حاکم بر جریان میانجی‌گری توافق کنند و میانجی‌مکلف است قواعد حقوقی یا قانون منتخب طرفین را اعمال کند. در صورتی که طرفین قانون حاکم را انتخاب نکرده باشند و در صورتیکه لازم باشد میانجی طبق قواعد حل تعارضی که خود مناسب تشخیص دهد، قانون مناسب را تعیین و مطابق آن میانجی‌گری خواهد کرد و در هر حال، عرف تجاری ذریبط و مفاد قرارداد ذریبط را ملحوظ خواهد نمود.

۹- طرفین اختلاف می‌توانند بر تغییر و یا اصلاح بخشی از مفاد این قواعد توافق نمایند. لکن پس از نصب یا تایید میانجی، هر گونه توافق بر تغییر یا اصلاح این قواعد، مشروط به موافقت میانجی خواهد بود. مرکز می‌تواند در صورت تشخیص مغایرت این تغییرات با روح قواعد یا رویه مرکز، از شروع با ادامه‌ی فرآیند خودداری نماید.

ماده ۲- شروع میانجی‌گری در صورت وجود موافقت نامه قبلی برای ارجاع اختلاف به میانجی‌گری

۱- در صورت وجود موافقتنامه قبلی بین طرفین مبنی بر ارجاع اختلافات خود به میانجی‌گری، متقاضی میانجی‌گری می‌تواند در خواست کتبی خود را (در خواست) مطابق قواعد تکمیل و به دبیر خانه‌ی مرکز ارائه نماید. این درخواست باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

الف: اسامی و نشانی طرفین، شماره تماس، نامبر، ایمیل و هر گونه جزئیات مربوط به امکان برقراری تماس با طرفین اختلاف و نمایندگان آنها و نیز مشخصات و نشانی اشخاصی که طرفین قصد دارند از آنان برای حضور در میانجی‌گری دعوت بعمل آورند.

ب: توضیح درباره موضوع اختلاف و در صورت امکان، تعیین خواسته و مبلغ آن، مگر آنکه خواسته غیرمالی باشد.

پ: تصویر قرارداد اصلی و موافقتنامه‌ای که به موجب آن میانجی‌گری درخواست شده است.

ت: ذکر هر گونه توافقی در خصوص تکنیک‌ها و شیوه‌های حل اختلاف با میانجی‌گری و یا در نبود چنین توافقی، پیشنهاد تکنیک یا شیوه‌ی میانجی‌گری.

ث: پیشنهاد و معرفی میانجی و تعداد آنها (در صورت تعدد) و در نبود آن، ذکر هر گونه توافق طرفین در مورد ویژگی‌های میانجی که باید توسط مرکز انتخاب شود.

ج: ذکر هر گونه توافق در خصوص مدت، زبان و در صورت لزوم محل انجام میانجی‌گری و در نبود چنین توافقی، هر گونه پیشنهادی درباره این موارد.

۲- طرف / طرفین اختلاف موظفند هنگام ثبت درخواست، هزینه‌های ثبت درخواست را مطابق با آیین نامه هزینه‌های میانجی‌گری پیوست قواعد بپردازند در غیر اینصورت، اثری بر درخواست میانجی‌گری مترتب نخواهد بود.

۳- کلیه‌ی اوراق و مکاتبات توسط دبیر خانه‌ی مرکز ابلاغ و پیگیری می‌شود، مگر اینکه طرفین طریق دیگری برای ابلاغ اوراق تعیین کرده باشند. بهر حال طرفین و میانجی‌مکلف اند هر گونه مکاتبه با یکدیگر را از طریق مرکز انجام دهند.

۴- در صورت توافق قبلی طرفین بر ارجاع اختلاف به میانجی‌گری، تاریخ دریافت درخواست همراه با هزینه‌های ثبت آن توسط مرکز، تاریخ شروع میانجی‌گری محسوب می‌شود.

ماده ۳- شروع میانجی‌گری در صورت عدم توافق قبلی بر ارجاع اختلاف به میانجی‌گری

۱- در صورت نبود توافق قبلی بین طرفین مبنی بر ارجاع اختلافات خود به میانجی‌گری طبق این قواعد، متقاضی میانجی‌گری می‌تواند درخواست کتبی خود را به مرکز ارائه دهد. درخواست باید شامل اطلاعات مذکور در بندهای الف، ب، ت، ث و ج ماده ۲(۱) بالا باشد. مرکز به محض دریافت

درخواست مذکور، طرف‌های دعوا را از وجود چنین پیشنهادی آگاه می‌نماید و مدت معقولی را برای اظهار نظر آنها در قبول یا رد پیشنهاد متقاضی تعیین می‌کند. در صورتیکه طرف مقابل با پیشنهاد متقاضی مبنی بر میانجی‌گری توسط مرکز موافقت کند، میانجی‌گری مطابق قواعد انجام خواهد

شد.

۲- در صورت حصول توافق طرفین بر ارجاع حل و فصل اختلافات خود به قواعد، میانجی‌گری از تاریخی آغاز می‌شود که مرکز تائیدیه ی کتبی دال بر حصول این توافق را برای طرفین ارسال کند و هزینه ثبت را دریافت کند.

۳- در صورتی که طرفین ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وصول درخواست میانجی‌گری و یا ظرف مدتی که توسط مرکز تعیین شده است، در خصوص ارجاع اختلافات خود به قواعد به توافق نرسند و یا در صورتی که طرف مقابل پاسخی به دبیرخانه مرکز ندهد، پیشنهاد میانجی‌گری متقاضی منتفی می‌شود و دبیرخانه مرکز این موضوع را به صورت کتبی به اطلاع طرفین می‌رساند.

ماده ۴- مکان و زبان میانجی‌گری

۱- در صورتی که در خصوص محل انجام میانجی‌گری توافقی بین طرفین وجود نداشته باشد، مرکز محل میانجی‌گری را تعیین می‌نماید. پس از نصب و یا تأیید میانجی، این وظیفه به وی محول خواهد شد که با مشورت با مرکز تصمیم‌گیری نماید.

۲- در صورتیکه در خصوص زبان میانجی‌گری توافقی بین طرفین وجود نداشته باشد، مرکز زبان مورد استفاده در میانجی‌گری را تعیین می‌نماید. پس از نصب یا تأیید میانجی، این وظیفه به وی محول خواهد شد که با مشورت با مرکز تصمیم‌گیری نماید.

ماده ۵- نصب میانجی

۱- طرفین می‌توانند مشترکاً یک نفر میانجی یا هیئت سه نفره میانجی انتخاب و جهت تأیید، وی را به مرکز معرفی کنند.

۲- در صورت تعدد میانجی، هر یک از طرفین می‌تواند یک نفر را انتخاب و معرفی کند و رئیس هیئت میانجی‌گری توسط طرفین یا با موافقت ایشان، توسط دو نفر میانجی تعیین خواهد شد. مرکز میانجی طرف ممتنع یا میانجی مشترک با رئیس هیئت میانجی‌گری معرفی شده توسط طرفین را پس از بررسی‌های لازم، حسب مورد تأیید و یا نصب می‌کند.

۳- در صورتیکه هر یک از طرفین از معرفی میانجی امتناع ورزد، نیز در صورتیکه طرفین ظرف مدتی که مرکز تعیین می‌کند در خصوص انتخاب میانجی مشترک با رئیس هیئت میانجی‌گری به توافق نرسند، مرکز میانجی یا رئیس هیئت میانجی‌گری را منصوب خواهد کرد.

۴- میانجی منتخب یا منصوب موظف است پیش از شروع به کار، اعلامیه‌ای مبنی بر قبول میانجی‌گری، در دسترس بودن، بیطرفی و استقلال خود را امضا و به دبیرخانه مرکز تسلیم کند. همچنین میانجی موظف است در ابتدای نصب یا در جریان رسیدگی، مرکز و طرفین را از هر گونه اوضاع و احوال یا شرایطی که ممکن است استقلال و بیطرفی وی را در نزد طرفین با تردید معقول مواجه کند، کتباً آگاه نماید. مرکز اطلاعات مذکور را در اختیار طرفین قرار داده و مهلتی نیز جهت اظهارنظر آنها در این خصوص تعیین می‌کند.

۵- در صورتی که هریک از طرفین ایراد موجهی به استقلال یا بیطرفی یا سایر خصوصیات میانجی داشته باشد، می‌تواند ظرف مدت ۱۰ روز دلایل اعتراض خود را کتباً به اطلاع مرکز و سایر اطراف اختلاف و میانجی برساند. مرکز پس از بررسی دلایل اعتراض، در خصوص موضوع اعلام نظر می‌کند و نظر مرکز قطعی است.

۶- در مواردی که نصب میانجی بر عهده مرکز است، در صورت ضرورت مرکز می‌تواند بیش از یک میانجی برای طرفین منصوب کند.

۷- مرکز هنگام نصب میانجی با رئیس هیئت میانجی‌گری باید خصوصیات مورد توافق طرفین و همچنین خصوصیات و ویژگی‌های میانجی از قبیل ملیت، مهارت‌های زبانی، خصوصیات حرفه‌ای، تجربه، امکان دسترسی و توانایی اداره میانجی‌گری مطابق این قواعد را در نظر بگیرد.

ماده ۶- هزینه و حق الزحمه

۱- مراجعه به مرکز دآوری و استفاده از خدمات میانجی‌گری آن، موکول به پرداخت هزینه میانجی‌گری (به شرح آیین نامه هزینه‌های میانجی‌گری) می‌باشد.

۲- پس از وصول درخواست میانجی‌گری، دبیرخانه مرکز با توجه به مبلغ و نوع خواسته، پیش پرداخت هزینه‌های میانجی‌گری را طبق آیین نامه هزینه‌های میانجی‌گری تعیین و به طرفین ابلاغ می‌کند. متقاضی میانجی‌گری موظف است ظرف مهلت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، مبلغی را که مرکز تعیین می‌کند (پیش پرداخت هزینه‌ها) بپردازد. این مبلغ بابت سهم متقاضی از هزینه‌های قطعی میانجی‌گری که مرکز در پایان رسیدگی تعیین و به طرفین ابلاغ خواهد کرد، منظور و کسر خواهد شد.

- ۳- به درخواست میانجی‌گری که هزینه‌های آن پرداخت نشده باشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ۴- مرکز می‌تواند هزینه‌های میانجی‌گری را با توجه به تغییر مبلغ و نوع خواسته در طول میانجی‌گری تعدیل کند. این تعدیل ممکن است متضمن افزایش یا کاهش هزینه‌های میانجی‌گری باشد.
- ۵- در مواردی که علاوه بر ادعای اصلی، ادعای متقابل هم طرح شده باشد، هزینه‌های میانجی‌گری بابت هر یک از دعاوی اصلی و متقابل جداگانه تعیین خواهد شد. در اینصورت هر طرف باید هزینه‌های مربوط به ادعای خود را به دبیرخانه مرکز بپردازد.
- ۶- در صورتی که طرفین بر توقف میانجی‌گری توافق کنند، هزینه میانجی‌گری تا ۷۰٪ هزینه‌های قطعی میانجی‌گری خواهد بود و مازاد آن در صورتی که پرداخت شده باشد، مسترد خواهد شد. معذک دبیر کل مرکز می‌تواند متناسب با مرحله‌ای که میانجی‌گری با توافق طرفین متوقف شده و نیز میزان خدمات مرکز و نیز حجم کاری که میانجی انجام داده، مبلغ مذکور را کاهش یا افزایش دهد.
- ۷- پیش از اظهار نظر میانجی، مرکز هزینه‌های قطعی میانجی‌گری را با لحاظ حجم امور محقق شده و مرحله رسیدگی تعیین نموده و به طرفین اطلاع می‌دهد تا تسویه کنند. در هر حال، امضای نظریه میانجی و ابلاغ آن به طرفین، موکول به پرداخت و تسویه هزینه‌ها است.
- ۸- دبیر کل می‌تواند هزینه‌های میانجی‌گری را مطابق آنچه در ماده ۲ آیین نامه هزینه‌های میانجی‌گری مقرر شده تخفیف دهد.
- ۹- پرداخت هزینه‌های میانجی‌گری بالمناصفه بر عهده ی طرفین است، مگر در صورتی که طرفین کتباً طور دیگری توافق کرده باشند. در صورتی که یکی از طرفین از پرداخت سهم هزینه‌های خود امتناع کند، طرف دیگر می‌تواند جهت جلوگیری از توقف جریان میانجی‌گری سهم طرف مقابل را پرداخت نماید و در غیر اینصورت میانجی‌گری تا زمان پرداخت هزینه‌ها متوقف می‌شود.
- ۱۰- در مورد سایر هزینه‌ها و مخارج میانجی‌گری از قبیل هزینه‌های وکیل، مشاور، کارشناسی و هزینه سفر و غیره، و هر یک از طرفین مسئول پرداخت هزینه‌ها و مخارج خود است.
- ماده ۷- اداره جریان میانجی‌گری
- ۱- میانجی و طرفین اختلاف می‌توانند در موارد لزوم، در خصوص نحوه انجام، تکنیک یا شیوه مقتضی برای حل و فصل اختلافات از طریق میانجی‌گری حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ شروع میانجی‌گری توافق نموده، مرکز و میانجی را از این موضوع مطلع نمایند.
- ۲- در صورتیکه در مورد تکنیک‌ها و شیوه میانجی‌گری بین طرفین توافقی حاصل نشود، میانجی شیوه رسیدگی مناسب را به موجب اطلاعیه کتبی تعیین و به اطلاع طرفین و مرکز می‌رساند.
- ۳- میانجی در حدود خواسته ی طرفین رسیدگی کرده و موظف است بر اساس اظهارات و مستندات و نیز طبع موضوع اختلاف و عرف مورد عمل، اتخاذ تصمیم کند و ظرف مدت مقرر نظرات و پیشنهادات خود را برای حل و فصل موضوع اختلاف کتباً به طرفین و مرکز اعلام نماید. نظرات و پیشنهادات میانجی الزام آور نیست، مگر طرفین طور دیگری تراضی نمایند.
- ۴- در صورتی که در زمان تکمیل و ارائه ی درخواست میانجی‌گری مطابق قواعد، امکان معرفی اشخاص مطلع یا کارشناس مورد نظر طرفین جهت شرکت در جلسه ی میانجی‌گری وجود نداشته باشد، طرفین میتوانند تا قبل از اولین جلسه ی میانجی‌گری تعداد و مشخصات این قبیل اشخاص را تعیین و به میانجی و طرف مقابل اعلام نمایند.
- ۵- طرفین با توافق بر ارجاع اختلافات خود به این قواعد موافقت می‌کند که تا زمان وصول اطلاعیه ی موضوع ماده ۷(۳) بالا از سوی میانجی و یا ختم زود هنگام میانجی‌گری مطابق موارد مذکور در ماده (۱) ۸ در جلسات میانجی‌گری بصورت فعال شرکت نموده و با حسن نیت همکاری کنند.
- ۶- در طول جریان میانجی‌گری، طرفین موظفند که با حسن نیت رفتار و عمل کنند و درخواست‌ها و دستورات میانجی را انجام دهند.
- ۷- هریک از طرفین می‌توانند جهت شرکت در جلسات میانجی‌گری نماینده‌ای تعیین و به مرکز معرفی نمایند. در اینصورت حدود اختیارات نماینده و اختیار وی در صلح و سازش (در صورتی که وجود داشته باشد) باید کتباً تعیین شود.
- ماده ۸- خاتمه میانجی‌گری
- پس از شروع میانجی‌گری مطابق قواعد، مرکز با احراز یکی از شرایط زیر، خاتمه فرآیند میانجی‌گری را به طرفین اعلام خواهد کرد:

الف) توافق طرفین بر ختم میانجی‌گری، به هر دلیل.

ب) میانجی‌کتاباً به طرفین و مرکز اعلام کند که اختلاف از طریق میانجی‌گری قابل حل و فصل نیست.

پ) میانجی، کتاباً خاتمه فرآیند میانجی‌گری را به طرفین و مرکز ابلاغ کند.

ت) اعلام کتبی میانجی به مرکز مبنی بر اینکه، طرفین موافقت نامه‌ای مبنی بر حل و فصل اختلافات خود را امضا کرده‌اند.

ث) یکی از طرفین کتاباً انصراف خود را از ادامه‌ی میانجی‌گری اعلام کند.

ج) اعلام مرکز مبنی بر انقضای مهلت تعیین شده جهت حل اختلاف از طریق میانجی و عدم تمدید آن.

چ) عدم پرداخت هزینه‌های میانجی‌گری ظرف مهلتی که مرکز برای پرداخت تعیین کرده است.

ماده ۹- محرمانگی

۱- میانجی‌گری محرمانه است و تنها میانجی، طرفین، نمایندگان طرفین و نماینده‌ی مرکز حق حضور در جلسات میانجی‌گری را خواهند داشت، مگر اینکه طرفین بر خلاف آن تراضی کنند و یا به موجب قانون حاکم، طور دیگری مقرر شده باشد.

الف) میانجی‌گری و محتوای آن محرمانه است. در صورت لزوم صرف اعلام زمان وقوع میانجی‌گری اعم از گذشته، حال و آینده محرمانه محسوب نمی‌شود.

ب) حصول توافق مبنی بر حل و فصل اختلافات بین طرفین یا محتوا و شروط توافق حاصله، محرمانه است و اعلام و افشای آن مجاز نیست مگر اینکه افشاء کننده حق افشای آنرا داشته و نیز تا جایی که طبق قانون حاکم لازم باشد با اعلام و افشای آن به منظور اجرا و انجام نتیجه‌ی حاصل از میانجی‌گری، ضروری باشد.

۲- هیچ کدام از طرفین حق ندارند اسناد و مدارک زیر را در محاکم قضایی، داوری و مراجع مشابه ارائه به آنها استناد کنند، مگر اینکه به موجب قانون حاکم مکلف به ارائه باشند یا برای اجرای نتیجه میانجی‌گری لازم باشد یا طرفین برخلاف آن تراضی کرده باشند و نیز مگر اینکه طرفی که قصد ارائه و استناد به آنها را دارد، این مستندات را به طور مستقل بدست آورده باشد:

الف) درخواست میانجی‌گری یا پاسخ به آن، مدارک، اسناد و مکاتبات طرفین و یا نظرات و پیشنهادات و صورتجلسات که در جریان میانجی‌گری و یا درباره میانجی‌گری ارائه شده است.

ب) اظهارات و مدافعات طرفین یا شهود یا نظر کارشناس در جریان میانجی‌گری.

پ) هر گونه تمایل طرفین به قبول پیشنهاد حل و فصل اختلاف در جریان میانجی‌گری.

ماده ۱۰- مقررات عمومی

۱- میانجی‌گری یا شهود یا کارشناس نمی‌تواند در هیچ یک از مراجع قضایی، داوری و یا مراجع مشابهی که اختلاف موضوع میانجی‌گری یا سایر دعاوی مرتبط با اختلاف موضوع میانجی‌گری نزد آنها مطرح شده، شرکت و دخالت کند و یا به عنوان قاضی، مشاور، شاهد، داور، کارشناس و نماینده‌ی یکی از طرفین در رسیدگی‌های مرتبط به اختلاف موضوع میانجی‌گری حاضر شود یا اظهار نظر کند، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند یا به موجب قانون مکلف به حضور باشد.

۲- میانجی، مرکز و کارکنان آن و نمایندگان آنها هیچ مسئولیتی در خصوص اقدامات و یا تعهدات صورت گرفته در جریان میانجی‌گری نخواهند داشت.

۳- مسئولیت دبیر کل و کارکنان مرکز و میانجی، از حیث اجرای مقررات قواعد و هزینه‌های میانجی‌گری، همان است که به موجب قوانین ذیربط مقرر شده و مسئولیت دیگری متوجه ایشان نخواهد بود.

۴- هیچ یک از کارکنان مرکز شامل دبیر کل و معاونین او و میانجی را نمی‌توان مجبور به افشای اطلاعات با موضوعات مربوط به میانجی‌گری نمود. همچنین نمی‌توان از هیچیک از افراد فوق به عنوان گواه یا کارشناس در رسیدگی قضایی با داوری یا کارشناسی درباره اختلافات موضوع میانجی‌گری یا در دعاوی دیگری که مربوط به موضوع میانجی‌گری باشد، استناد یا استفاده کرد.

۵- در کلیه مواردی که طرفین به ارجاع اختلاف به میانجی‌گری توسط هر یک از اتاق‌های بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی هر یک از استان‌ها یا اتاق‌های مشترک تراضی کرده باشند، انجام میانجی‌گری بر عهده مرکز است و مطابق این قواعد انجام می‌شود. در این قبیل موارد، در صورت لزوم مرکز می‌تواند میانجی‌گری را به اتاق استان یا اتاق مشترک ذریبط واگذار کند تا تحت نظارت مرکز انجام دهند. در هر حال میانجی‌گری تابع این قواعد است.

ماده ۱۱- قاعده کلی

در کلیه مواردی که در قواعد یا در قانون صراحتاً حکمی برای آن پیش بینی نشده است، مرکز و میانجی موافق روح این قواعد و عرف و عادت تجاری عمل خواهند کرد. این آیین نامه در اجرای ماده ۶ (الف) قانون اساسنامه ی تأسیس مرکز داورى اتاق ایران مصوب بهمن ۱۳۸۰، در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ توسط هیات مدیره ی مرکز داورى اتاق ایران تأیید شد و در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲ به تصویب هیات نمایندگان اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران رسید.

نمونه شرط میانجی‌گری و داوری

مرکز داورى اتاق بازرگانی ایران

کلیه اختلافات و دعاوی ناشی از این قرارداد یا راجع به آن ابتدا از طریق میانجی‌گری مطابق قواعد میانجی‌گری مرکز داورى اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران حل و فصل خواهد شد. مدت میانجی‌گری از تاریخ شروع، دو ماه است و با تراضی قابل تمدید می‌باشد. طرفین ضمن همین توافق و عنوان موافقتنامه مستقل از قرارداد اصلی، تراضی و توافق نمودند که اختلافات و دعاوی ناشی از قرارداد یا راجع به آن از جمله انعقاد، اعتبار، فسخ، نقض، تفسیر یا اجرای قرارداد که ظرف مدت مقرر از طریق میانجی‌گری حل و فصل نشود، نهایتاً به داورى توسط مرکز داورى اتاق بازرگانی ایران ارجاع و مطابق قواعد و آئین داورى همان مرکز حل و فصل می‌شود. رأی داورى قطعی و لازم الاجرا می‌باشد.

All disputes and claims arising out of or relating to the present contract shall be submitted to ACIC mediation and in accordance with mediation rules of ACIC. The mediation process shall be completed within two months as of the date of the commencement of the proceeding. This time limit may be extended by mutual consent of the parties.

The parties agreed by terms of this contract and as an independent agreement from the main contract that any disputes and claims arising out from or relating to the present contract including its conclusion validity termination or breach and its interpretation or application which is not settled through mediation within the said time limit shall be finally submitted to ACIC arbitration and shall be resolved in accordance with the rules of arbitration of the ACIC. the arbitration award shall be final and enforceable.

نمونه شرط داوری مرکز داورى اتاق بازرگانی ایران

کلیه اختلافات و دعاوی ناشی از این قرارداد و یا راجع به آن از جمله انعقاد، اعتبار، فسخ، نقض، تفسیر یا اجرای آن به مرکز داورى اتاق ایران ارجاع می‌گردد که مطابق با قانون اساسنامه و آیین داورى آن مرکز به صورت قطعی و لازم الاجرا حل و فصل گردد. داور علاوه بر مقررات حاکم، عرف تجاری ذی‌ربط را نیز مراعات خواهد نمود. شرط داورى حاضر، موافقتنامه‌ای مستقل از قرارداد اصلی تلقی می‌شود و در هر حال لازم الاجرا است.

Dispute Settlement: All disputes and claims arising out from or relating to the present contract including its conclusion, validity, termination or breach, and its interpretation or application, shall be submitted to the

Arbitration Center of the Iran Chamber (ACIC) for binding and final arbitration in accordance with the Law of Statute of the Arbitration Center of the Iran Chamber and Arbitration Rules of ACIC. In addition to the applicable laws and regulations, the arbitrator(s) shall take into account the relevant trade usages. The present arbitration clause shall be treated as an agreement independent of this contract and shall in any case be binding

نمونه شرط میانجیگری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

کلیه اختلافات و دعاوی ناشی از این قرارداد یا مرتبط با آن از طریق میانجیگری توسط مرکز داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و مطابق قواعد میانجیگری آن مرکز حل و فصل خواهد شد. مدت میانجیگری از تاریخ شروع، دو ماه است و با تراضی قابل تمدید می‌باشد.

All disputes and claims arising out from relationg to the present contract shall be submitted to ACIC mediation and in accordance with mediation rules of ACIC . the mediation process shall be completed within two months as of the date of commencement of the proceeding . this time limit may be extended by mutual consent of the parties.

دفتر سوم – قواعد داوری مرکز منطقه ای تهران

قواعد داوری

مرکز منطقه‌ای داوری تهران

(مصوب سازمان مشورتی حقوقی آسیایی آفریقایی (AALCO)

لازم الاجرا از ابتدای مارس ۲۰۱۸ (۱۰ اسفند ۱۳۹۶)

بخش نخست: قواعد مقدماتی

ماده ۱: قلمرو اجرا

۱. اگر طرفین توافق کنند که اختلافات بین آنها در مورد یک رابطه حقوقی معین - خواه قراردادی یا غیر قراردادی - به موجب قواعد داوری «قواعد» مرکز منطقه‌ای داوری تهران «مرکز» به داوری ارجاع شود، آن اختلافات باید مطابق با این قواعد داوری، و هر گونه اصلاح آن که طرفین بر آن توافق کنند، حل و فصل شوند

۲. فرض بر این است که طرفین یک موافقت نامه داوری به قواعدی که در تاریخ شروع داوری قابل اجرا است ارجاع داده اند، مگر این که طرفین بر اعمال نسخه خاصی از قواعد توافق کرده باشند.

۳. این قواعد بر جریان داوری حاکم می باشد، مگر اینکه هر یک از این قواعد با مقرره‌ای از قانون حاکم بر داوری که طرفین حق عدول از آن را ندارند، در تعارض باشد که در این صورت، همان مقرر قانون حاکم اولویت خواهد داشت.

ماده ۲: ابلاغ و احتساب قواعد

۱. هرگونه ابلاغی، شامل اخطاریه، مکاتبه با پیشنهاد، می تواند با هر وسیله ارتباطی که بتواند مجاز باشد سابقه ارسال ایجاد کند، فرستاده شود.
۲. اگر هر یک از طرفین، نشانی‌ای را به طور خاص برای این منظور تعیین کرده باشد، یا دیوان داوری چنین اجازه‌ای دهد، هرگونه ابلاغ در همان نشانی به آن شخص تحویل داده می‌شود و در این صورت فرض می‌گردد که ابلاغیه دریافت شده است. تحویل از طریق وسایل الکترونیکی از قبیل نامبر یا ایمیل، فقط به نشانی‌ای که برای این منظور تعیین یا مجاز شده است انجام می‌گیرد.
۳. در صورت عدم تعیین یا اجازه چنین نشانی‌ای :
الف) اگر ابلاغیه به طور فیزیکی به مخاطب تحویل داده شود، ابلاغیه دریافت شده محسوب می‌شود؛ یا
ب) اگر ابلاغیه به محل تجارت، اقامتگاه عادی یا نشانی پستی مخاطب تحویل داده شود، فرض می‌شود که ابلاغیه دریافت شده است،
۴. در صورتی که پس از تلاش‌های متعارف نتوان ابلاغیه را مطابق با پاراگراف‌های ۲ و ۳ به مخاطب تحویل نمود، اگر ابلاغیه از طریق پست سفارشی یا هر وسیله دیگری که سابقه تحویل یا تلاش برای تحویل را ثبت نماید، به آخرین محل تجارت، اقامتگاه عادی یا نشانی پستی مخاطب ارسال گردد، چنین فرض می‌شود که ابلاغیه دریافت شده است.
۵. فرض بر این است که ابلاغیه در روزی که مطابق پاراگراف‌های ۲ و ۳ یا ۴ تحویل داده شده یا مطابق پاراگراف ۴ برای تحویل آن تلاش شده، دریافت شده است. فرض بر این است که ابلاغیه ارسال شده از طریق وسایل الکترونیکی در روز ارسال دریافت شده است، به استثنای درخواست داوری که فقط در روزی که به نشانی الکترونیکی مخاطب برسد دریافت شده محسوب می‌شود .
۶. محاسبه مواعد مقرر در این قواعد از روز بعد از دریافت ابلاغیه آغاز می‌گردد. اگر در اقامتگاه یا محل تجارت مخاطب آخرین روز موعده تعطیل رسمی یا روز غیرکاری باشد، موعده تا نخستین روز کاری بعد ادامه می‌یابد. تعطیلات رسمی یا روزهای غیرکاری داخل در موعده محاسبه موعده احتساب می‌شوند.

ماده ۳: درخواست داوری

۱. طرف یا طرف‌هایی که به داوری رجوع می‌کنند (از این پس خواهان نامیده می‌شود)، باید درخواست داوری را نزد مرکز ثبت نمایند و مرکز باید آن را برای طرف یا طرف‌های دیگر (از این پس خواننده نامیده می‌شود) ارسال نماید .
۲. جریان داوری از روزی آغاز می‌شود که مرکز درخواست داوری را دریافت نماید.
۳. درخواست داوری باید به تعداد طرف‌های دیگر، به همراه یک نسخه اضافی برای هر داور و یک نسخه برای مرکز ارائه شود و مشتمل بر موارد زیر باشد:

الف) درخواست ارجاع اختلاف به داوری

ب) نام طرفین و اطلاعات تماس ایشان

پ) مشخصات موافقت نامه داوری مورد استناد

ت) مشخصات هر قرارداد با سند حقوقی دیگری که منشا اختلاف بوده یا اختلاف در ارتباط با آن است، یا در صورت فقدان چنین قرارداد یا سندی، بیان مختصری از رابطه مربوطه

ث) شرح مختصر ادعا و ذکر مبلغ مورد ادعا، در صورتی که وجود دارد؛

ج) خواسته یا جبران خسارت مورد درخواست

چ) پیشنهاد در مورد تعداد داوران، زبان و محل داوری، در صورتی که طرفین قبلاً درباره آن توافق نکرده باشند؛ و

ح) مدرک نشان دهنده پرداخت حق الثبت

۴. درخواست داوری همچنین میتواند شامل موارد زیر باشد :

الف) پیشنهاد در مورد نصب داور واحد که در ماده ۹ به آن اشاره شده است.

ب) اعلامیه نصب داور موضوع ماده ۱۰ یا ۱۱ و یک نسخه از نامه قبولی داور .

۵. در صورت قصور خواهان در رعایت هر یک از الزامات ذیل پاراگراف ۳ این ماده مرکز از خواهان میخواهد در مدت مناسبی که مرکز تعیین می کند، نسبت به رفع نواقص اقدام نماید. همچنین در صورتی که درخواست داوری به انگلیسی یا فارسی ارائه نشده باشد، مرکز میتواند درخواست نماید که در مدت مزبور ترجمه درخواست داوری نیز ارائه شود. چنانچه خواهان در مدت تعیین شده دستوراته مزبور را اجرا نماید، در این صورت این گونه فرض می شود که درخواست داوری در تاریخ دریافت آن توسط مرکز به طور صحیح ثبت شده است.

ماده ۴: پاسخ به درخواست داوری

۱. خواننده باید ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت درخواست داوری پاسخ خود را به درخواست داوری که شامل موارد زیر می باشد، برای ارسال به طرف یا طرفهای دیگر به مرکز تسلیم نماید:

الف) نام و اطلاعات تماس هریک از خوانندگان

ب) پاسخ به مطالب مندرج در درخواست داوری موضوع بندهای (پ) تا (چ) پاراگراف ۳ از ماده ۳.

۲. پاسخ به درخواست داوری می تواند شامل موارد زیر نیز باشد:

الف) هر گونه ایراد عدم صلاحیت دیوان داوری

ب) پیشنهاد نصب داور موضوع ماده ۹

پ) اعلامیه نصب داور موضوع ماده ۱۰ یا ۱۱ و یک نسخه از نامه قبولی داور

ت) شرح مختصری از دعوای متقابل یا هر ادعایی به منظور تهاتر، در صورتی که چنین دعوا یا ادعایی وجود دارد، و نیز ذکر مبلغ مورد ادعا و ذکر خواسته یا جبران خسارت مورد درخواست؛

ث) اعلامیه درخواست داوری مطابق با ماده ۳، در صورتی که خواننده بخواهد علیه یکی دیگر از طرفهای موافقت نامه داوری غیر از خواهان، طرح دعوا کند.

۳. در صورت قصور خواننده در رعایت هریک از الزامات ذیل پاراگراف ۱ این ماده، مرکز از خواننده می خواهد در مدت مناسبی که مرکز تعیین می کند، نسبت به رفع نواقص اقدام نماید.

۴. اختلاف در خصوص قصور خواننده در پاسخ به درخواست داوری یا پاسخ ناقص یا همراه با تاخیر مانع تشکیل دیوان داوری نمی گردد و این اختلاف در نهایت به وسیله دیوان داوری مورد رسیدگی قرار میگیرد .

ماده ۵: رسیدگی فوری

۱. پیش از تشکیل دیوان داوری، هر یک از طرفین میتوانند، در صورت وجود شرایط ذیل، درخواست هدایت جریان داوری را بر اساس رسیدگی فوری تحت این قواعد نزد مرکز ثبت نمایند:

الف) مبلغ مورد اختلاف، شامل جمع مبالغ دعوای اصلی، دعوای متقابل و هرگونه ادعایی به منظور تهاتر، از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) یورو تجاوز ننماید؛

ب) طرفین چنین توافق نمایند؛ یا

پ) در موارد فوری استثنایی.

طرفی که متقاضی هدایت جریان داوری بر اساس رسیدگی فوری تحت این قواعد می باشد، باید همزمان با ثبت درخواست رسیدگی فوری نزد مرکز، یک نسخه از درخواست را برای طرف یا طرف‌های دیگر ارسال نموده و ضمن توضیح نحوه و تاریخ ارسال، مرکز را از این امر مطلع سازد.

۲. در مواردی که یکی از طرفین درخواست رسیدگی فوری را طبق پاراگراف ۱ این ماده نزد مرکز ثبت نماید و در جایی که مرکز، با در نظر گرفتن نظرات طرفین و با توجه به اوضاع و احوال پرونده تشخیص دهد که داوری باید طبق رسیدگی فوری هدایت شود، آیین رسیدگی ذیل اعمال می‌گردد: الف) مرکز میتواند هر گونه مواعد زمانی مندرج در این قواعد را کوتاه نماید؛

ب) پرونده باید به یک داور واحد ارجاع شود، مگر این که مرکز به نحو دیگری تصمیم‌گیری نماید .

پ) دیوان داوری میتواند، با مشورت طرفین، تصمیم‌گیری نماید که رسیدگی به اختلاف صرفاً بر اساس اسناد و مدارک صورت پذیرد یا این که تشکیل جلسه رسیدگی برای استماع شهادت شهود و کارشناسان و همچنین ارائه استدلال‌های شفاهی ضروری است؛

ت) رأی نهایی باید ظرف شش (۶) ماه از تاریخ تشکیل دیوان داوری صادر شود، مگر این که در موارد استثنایی مرکز موعود صدور رأی نهایی را تمدید نماید؛ و

ث) دیوان داوری می‌تواند دلایلی را که رأی بر آنها استوار است به صورت خلاصه بیان نماید، مگر این که طرفین توافق نموده باشند که دلایلی ارائه نگردد.

۳. با توافق بر داوری طبق این قواعد، طرفین موافقت می‌نمایند که در صورتی که داوری مطابق با رسیدگی فوری تحت این ماده هدایت می‌شود، مقررات و آیین رسیدگی پیش‌بینی شده در پاراگراف ۲ این ماده باید اعمال شود، حتی در مواردی که موافقت نامه داوری متضمن خلاف آن باشد.

۴. به مجرد درخواست یکی از طرفین، و پس از اعطای فرصت استماع به طرفین، دیوان داوری می‌تواند با در نظر گرفتن اطلاعات بیشتری که ممکن است متعاقباً در دسترس قرار گیرند و با مشورت مرکز، دستور دهد که جریان داوری مطابق با رسیدگی فوری هدایت نگردد. در مواردی که دیوان داوری تصمیم به تصدیق درخواست مطابق با پاراگراف ۴ این ماده می‌گیرد، داوری باید توسط همان دیوان داوری که قبلاً و طبق قواعد رسیدگی فوری تشکیل شده بود، هدایت گردد، مگر این که مرکز به نحو دیگری تصمیم‌گیری نماید.

ماده ۶: معرفی نماینده و دستیار

هریک از طرفین می‌تواند یک یا چند شخص را به عنوان نماینده یا دستیار خود انتخاب نماید. نام و نشانی چنین شخص یا اشخاصی باید برای مرکز ارسال شود. این مکاتبه باید مشخص نماید که آیا انتصاب شخص به عنوان نماینده است یا دستیار. در مواردی که شخصی به عنوان نماینده یکی از طرفین اقدام می‌کند، دیوان داوری می‌تواند هر زمانی رأساً یا بنا به درخواست هر یک از طرفین، دلیل نمایندگی او را به شکلی که دیوان داوری تعیین می‌کند، خواستار شود.

ماده ۷: تصمیم بر عدم ادامه جریان داوری

اگر مرکز به طور آشکار فاقد صلاحیت بر اختلاف باشد، میتواند تصمیم بر عدم ادامه جریان داوری بگیرد.

بخش دوم: ترکیب دیوان داوری

ماده ۸: تعداد داوران

اگر طرفین قبلا در مورد تعداد داوران توافق نکرده باشند و چنانچه ظرف سی ۳۰ روز از دریافت درخواست داوری توسط خوانده، در مورد این که داوری فقط توسط یک داور صورت گیرد، توافقی میان آنها حاصل نگردد، یا مرکز احراز ننماید که ماهیت اختلاف انتصاب یک داور واحد را ایجاب می‌نماید، سه داور منصوب خواهند شد.

ماده ۹: انتصاب داوران (مواد ۹ تا ۱۱)

در داوری با داور واحد، داور مزبور با تراضی طرفین، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت درخواست داوری توسط خوانده، یا از تاریخی که طرفین توافق کرده اند، یا از تاریخی که مرکز لزوم ارجاع به داور واحد را احراز کرده باشد تعیین می‌گردد، مگر این که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. چنانچه طرفین نتوانند در این خصوص تراضی نمایند داور واحد توسط مرکز منصوب می‌گردد.

ماده ۱۰:

در داوری با سه داور، خواهان و خوانده هر کدام یک داور، و دو داور منصوب آنها رئیس دیوان داوری را تعیین می‌نمایند، مگر این که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. چنانچه خوانده ظرف سی (۳۰) روز از دریافت درخواست داوری، داور خود را تعیین نکند و قبولی وی را ارائه ننماید یا چنانچه توافق قبلی در مورد تعداد داوران موجود نباشد و طرفین ظرف سی (۳۰) روز پس از دریافت درخواست داوری توسط خوانده نسبت به ارجاع امر به داور واحد توافق نکنند و یکی از طرفین ظرف سی (۳۰) روز از آن تاریخ از تعیین داور خود امتناع و قبولی وی را ارائه ننماید، یا چنانچه داوران منصوب شده نتوانند ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتصاب خود در خصوص نصب رئیس دیوان داوری توافق و قبولی وی را ارائه نمایند، داور طرف ممتنع یا رئیس دیوان داوری، حسب مورد، توسط مرکز تعیین می‌گردد.

ماده ۱۱:

۱. به منظور اجرای ماده ۱۰، در مواردی که باید سه داور انتخاب شوند و طرفین اختلاف، اعم از خواهان ناخوانده، مرکب از چند طرف باشند، اگر طرفین در مورد شیوه نصب داوران به نحو دیگری توافق نکرده باشند، هر گروه اعم از خواهان یا خوانده باید مشترکا یک داور را تعیین نماید.
۲. اگر طرفین توافق کرده باشند که تعداد داوران در دیوان داوری غیر از یک یا سه نفر باشد، داوران باید مطابق با شیوه مورد توافق طرفین منصوب گردند.
۳. اگر دیوان داوری به هر دلیلی نتواند مطابق این قواعد تشکیل شود، در این صورت مرکز باید به درخواست هر یک از طرفین دیوان داوری را تشکیل دهد و برای این منظور، میتواند هر انتصاب پیشین را باطل کند و داوران دیگری را تعیین کرده و یا همان داوران قبلی را دوباره تعیین کند و یکی از آنها را نیز به عنوان سرداور تعیین نماید.
۴. مرکز در انتصاب داوران مطابق مواد ۹، ۱۰، ۱۱ یا ۱۵، باید ملاحظاتی را که برای اطمینان از انتصاب داور مستقل و بیطرف وجود دارد مورد توجه قرار دهد و ارجحیت انتصاب داور از ملیتی غیر از ملیت طرفین را در نظر داشته باشد.

ماده ۱۲: افشای اطلاعات توسط داوران و جرح داوران (مواد ۱۲ تا ۱۴)

شخصی که به عنوان داور احتمالی در نظر گرفته می‌شود، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که ممکن است در مورد بی طرفی یا استقلال وی شک و تردید موجهی ایجاد کند، افشا نماید همچنین داور باید از زمان انتصاب و در طول جریان داوری چنین اوضاع و احوالی را بدون تاخیر برای مرکز، طرفین و سایر داوران افشا نماید، مگر اینکه ایشان قبلا توسط داور از این اوضاع و احوال مطلع شده باشند.

ماده ۱۳:

۱. هر یک از داوران را در صورت وجود اوضاع و احوالی که موجب شک و تردید موجه نسبت به بی طرفی یا استقلال وی باشد، می توان جرح کرد.
۲. هر طرف میتواند داور منصوب خود را تنها به دلایلی که پس از نصب وی از آنها آگاه شده باشد، مورد جرح قرار دهد.
۳. هرگاه داوری به وظایف خود عمل نکند یا انجام وظیفه برای او قانوناً «عملی غیرممکن باشد، آیین مربوط به جرح داور مندرج در ماده ۱۴ اعمال می گردد.

ماده ۱۴:

۱. طرفی که قصد جرح داور را دارد، باید ظرف پانزده (۱۵) روز از تاریخی که انتصاب داور مورد جرح به او ابلاغ شده یا ظرف پانزده (۱۵) روز از تاریخ اطلاع از اوضاع و احوال مذکور در مواد ۱۲ و ۱۳ اعلامیه جرح را به مرکز ارسال نماید.
۲. یک نسخه از اعلامیه جرح باید به سایر طرفها، داوری که مورد جرح واقع شده و سایر داوران ارسال شود. اعلامیه جرح باید دلایل جرح را بیان نماید.
۳. طرفی که داور را جرح می نماید باید هزینه لازم را برای جرح داور را تحت این قواعد و مطابق ضمیمه به بپردازد. در صورتی که طرفی که داور را جرح می کند هزینه لازم را برای جرح ظرف مدت مقرر توسط مرکز نپردازد، چنین فرض می شود که جرح مسترد گردیده است.
۴. هرگاه داور توسط یکی از طرفین جرح شود، طرفهای دیگر می توانند با این جرح موافقت نمایند. داور نیز میتواند پس از جرح از سمت خود کناره گیری کند. هیچ یک از این دو مورد به معنی قبول اعتبار دلایل جرح نیست.
۵. چنانچه ظرف پانزده (۱۵) روز از تاریخ اعلام جرح، همه طرفها یا جرح موافقت نمایند یا داوری که مورد جرح قرار گرفته از سمتش کناره گیری نکند، طرف جرح کننده، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ اعلامیه جرح، میتواند تصمیم گیری در خصوص جرح را از مرکز درخواست نماید. در این صورت، مرکز در خصوص جرح تصمیم گیری می نماید.

ماده ۱۵: جایگزینی داور

۱. مشروط به رعایت مفاد پاراگراف ۲، در کلیه مواردی که لازم است داور در طول جریان رسیدگی تعویض شود، داور جانشین باید مطابق آیین مذکور در مواد ۹ الی ۱۲، که برای نصب یا انتخاب داوری که باید عوض شود جاری بوده، منصوب یا انتخاب گردد. آیین مذکور، حتی در مواردی که یکی از طرفها در جریان انتصاب داوری که قرار است عوض شود از حق خود در نصب داور استفاده نکرده یا در نصب داور مشارکت نکرده باشد، اعمال می گردد.
۲. اگر به تقاضای یکی از طرفین، مرکز با توجه به اوضاع و احوال استثنایی پرونده تشخیص دهد که محروم کردن یکی از طرفها از حق نصب داور جانشین موجه است، می تواند پس از اعطای فرصت به طرفین و داوران باقیمانده برای اظهارنظر: (الف) داور جانشین را انتخاب کند؛ یا (ب) پس از ختم جلسات استماع، به سایر داوران اجازه دهد که به داوری ادامه دهند و به اتخاذ تصمیم با صدور رأی بپردازند.

ماده ۱۶: تجدید جلسات رسیدگی در صورت جایگزینی داور

- اگر داوری تعویض شود، رسیدگیها از مرحله ای که داور تعویض شده اجرای وظایفش را متوقف کرده بود از سر گرفته می شود، مگر این که دیوان داوری تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

ماده ۱۷: اسقاط مسئولیت

- به استثنای تخلفات عمدی، طرفین داوری هرگونه ادعای مبتنی بر فعل یا ترک فعل مرتبط با داوری را علیه مرکز، داوران، اشخاص منصوب توسط دیوان داوری، در وسیع ترین حدی که قانون حاکم اجازه دهد، اسقاط می کنند.

بخش سوم : جریان داوری

ماده ۱۸: مقررات کلی

۱. دیوان داوری می‌تواند با رعایت این قواعد، جریان داوری را به نحوی که خود مقتضی و مناسب بداند اداره کند، مشروط بر این که با طرفهای داوری به مساوات رفتار گردد و در مقطع مناسبی از رسیدگی، به هر یک از طرفین فرصت معقولی داده شود که مطالب و اظهارات خود را ارائه نمایند. دیوان داوری باید در استفاده از اختیارات خود، جریان داوری را به گونه‌ای اداره کند که از تاخیر و هزینه‌های غیرضروری جلوگیری شود و رسیدگی منصفانه و کارآمدی برای حل و فصل اختلاف طرفین فراهم گردد.
۲. در اولین فرصتی که بعد از تشکیل دیوان داوری ممکن باشد و پس از دعوت طرفین برای اظهار نظر، دیوان داوری باید جدول زمان بندی موفتی را برای جریان داوری تهیه کند دیوان داوری می‌تواند در هر زمان، پس از دعوت از طرفین برای اظهار نظر، مواعد تعیین شده به موجب این قواعد یا به موجب توافق طرفین را تمدید کند یا کوتاه تر نماید.
۳. چنانچه هر یک از طرفین در مقطع مناسبی از رسیدگی درخواست تشکیل جلسه نماید، دیوان داوری باید جلساتی را برای استماع شهادت شهود، از جمله شهود کارشناس یا برای استماع اظهارات شفاهی طرفین تشکیل دهد. در صورت فقدان چنین درخواستی، دیوان داوری، در مورد این که آیا چنین جلساتی را برگزار نماید یا جریان داوری را بر اساس مدارک و سایر اسناد موجود به انجام برساند، تصمیم می‌گیرد.
۴. کلیه مکاتبات هر یک از طرفین با دیوان داوری باید به مرکز و طرف‌های دیگر داوری ارسال گردد. انجام این مکاتبات باید همزمان صورت گیرد، مگر اینکه دیوان داوری، به شرط تجویز قانون حاکم، به گونه‌ای دیگر اجازه دهد.
۵. دیوان داوری می‌تواند به درخواست هر یک از طرفین، اجازه دهد که یک یا چند شخص ثالث به عنوان طرف داوری به جریان داوری ملحق شوند، به شرط آنکه این اشخاص طرف موافقت نامه داوری بوده باشند، مگر آن که دیوان داوری پس از اعطای مهلت برای استماع نظرات همه طرف‌ها، از جمله شخص یا اشخاصی که قرار است ملحق شوند، تصمیم بگیرد که به دلیل ورود زیان به هر یک از طرف‌ها، الحاق به داوری مجاز نمی‌باشد، دیوان داوری می‌تواند ضمن یک یا چند رأی نسبت به طرف‌هایی که به این ترتیب به داوری ملحق شده‌اند، اتخاذ تصمیم نماید.

ماده ۱۹: محل داوری

۱. اگر طرفین پیشتر در مورد محل داوری توافقی نکرده باشند، محل داوری تهران خواهد بود. فرض بر این است که رأی داوری در محل داوری صادر گردیده است.
۲. دیوان داوری می‌تواند در هر محلی که برای شور مناسب می‌داند تشکیل جلسه بدهد. دیوان داوری همچنین میتواند برای هر منظور دیگر، از جمله برای استماع، در هر محلی که مناسب تشخیص می‌دهد، تشکیل جلسه دهد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۲۰: زبان

۱. دیوان داوری باید با رعایت توافق طرفین، بلافاصله پس از انتصاب، زبان یا زبان‌هایی را که در جریان رسیدگی مورد استفاده قرار می‌گیرند تعیین نماید. دادخواست، لایحه دفاعیه و هرگونه لایحه کتبی دیگر باید به زبان یا زبان‌هایی باشد که به این ترتیب تعیین شده و در صورت تشکیل جلسه استماع شفاهی نیز از همین زبان یا زبان‌ها استفاده می‌گردد.
۲. دیوان داوری می‌تواند دستور دهد که هرگونه اسناد و مدارک منضم به دادخواست یا لایحه دفاعیه و هرگونه مدارک یا ضامم تکمیلی که در طول رسیدگی به زبان اصلی طرفین به دیوان داوری تسلیم شده، همراه با ترجمه‌ای به زبان یا زبان‌های مورد توافق طرفین یا تعیین شده توسط دیوان داوری باشد.

ماده ۲۱: دادخواست

۱. خواهان باید ظرف مدتی که دیوان داوری تعیین می‌کند، دادخواست خود را به طور کتبی برای خواننده، هر یک از داوران و مرکز ارسال نماید. خواهان می‌تواند درخواست داوری خود به شرح مذکور در ماده ۳ این قواعد را به منزله دادخواست تلقی و معرفی کند، مشروط بر اینکه درخواست داوری با شرایط پاراگراف‌های ۳ تا ۴ این ماده منطبق باشد.
۲. دادخواست باید شامل موارد ذیل باشد:
 - الف) نام و اطلاعات تماس هر یک از طرفین
 - ب) شرح حقایق موید ادعا
 - پ) نکات مورد اختلاف
 - ت) خواسته یا اقدامات مورد تقاضا و
 - ث) مبانی یا استدلالات حقوقی که ادعا بر آن استوار است.
۳. رونوشت هرگونه قرارداد یا سند حقوقی دیگر که منشا اختلاف با در ارتباط با اختلاف است و همچنین موافقتنامه داوری باید به دادخواست ضمیمه شود.
۴. دادخواست باید حتی المقدور همراه با کلیه مدارک و سایر ادله‌ای باشد که خواهان به آن‌ها استناد کرده یا حاوی ارجاعاتی به آن‌ها می‌باشد.

ماده ۲۲: لایحه دفاعیه

۱. خواننده باید ظرف مدتی که دیوان داوری تعیین می‌کند، لایحه دفاعیه خود را به طور کلی ارسال نماید خواننده می‌تواند پاسخ خود به درخواست داوری را که در ماده ۴ به آن اشاره شده به عنوان لایحه دفاعیه محسوب و معرفی کند، مشروط بر این که پاسخ به درخواست داوری با الزامات پاراگراف ۴ این ماده منطبق باشد.
۲. لایحه دفاعیه باید به مندرجات بندهای (ب) تا (ث) دادخواست (پاراگراف ۲ ماده ۲۱) پاسخ دهد، لایحه دفاعیه باید حتی المقدور همراه با کلیه مدارک و سایر ادله‌ای باشد که خواننده به آنها استناد کرده یا ارجاع داده است.
۳. خواننده می‌تواند ضمن لایحه دفاعیه، یا چنانچه دیوان داوری با توجه به اوضاع و احوال تاخیر را موجه تشخیص دهد، در مراحل بعدی رسیدگی، دعوی متقابل طرح نماید و یا به منظور تهاتر به ادعایی استناد کند، مشروط بر اینکه دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به آن را دارا باشد.
۴. مقررات مذکور در پاراگراف‌های ۲ الی ۴ ماده ۲۱ نسبت به دعوی متقابل، ادعای موضوع بند (ث) پاراگراف ۲ ماده ۴ و نیز ادعاهایی که به منظور تهاتر مورد استناد قرار می‌گیرند، اعمال می‌شود.

ماده ۲۳: اصلاح ادعا یا دفاع

- در جریان داوری، هر یک از طرفین می‌تواند ادعای دفاعیه خود، از جمله دعوی متقابل با ادعایی که به منظور تهاتر مطرح شده را اصلاح یا تکمیل نماید، مگر اینکه دیوان داوری اجازه چنین اصلاح یا تکمیلی را با در نظر گرفتن تاخیر در طرح آن پایه علت لطمه‌ای که به سایر طرفهای اختلاف می‌رساند، یا به لحاظ هرگونه اوضاع و احوال دیگر نامناسب بداند. در هر حال، اصلاح یا تکمیل ادعای دفاعیه از جمله دعوی متقابل با ادعایی که به منظور تهاتر مطرح شده، نباید به گونه‌ای باشد که ادعا یا دفاعیه اصلاحی یا تکمیلی از صلاحیت دیوان داوری خارج گردد.

ماده ۲۴: ایراد به صلاحیت دیوان داوری

۱. دیوان داوری صلاحیت دارد که نسبت به صلاحیت خود، از جمله هرگونه ایراد در خصوص وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری تصمیم گیری نماید. برای این منظور، شرط داوری که بخشی از یک قرارداد را تشکیل می‌دهد به عنوان یک توافق مستقل از سایر شروط قراردادی تلقی می‌شود. تصمیم دیوان داوری مبنی بر بطلان قرارداد لزوماً «متضمن بی اعتباری شرط داوری نیست.

۲. ایراد به صلاحیت دیوان داوری، نباید دیرتر از زمان تقدیم لایحه دفاعیه باشد یا، در خصوص دعوای متقابل باهر ادعایی به منظور تهاتر، نباید دیرتر از زمان پاسخ به دعوای متقابل با ادعای تهاتر باشد. تعیین داور توسط طرف اختلاف و یا شرکت در تعیین داور به وسیله او، مانع از طرح چنین ایرادی نمی باشد، ایراد به این که دیوان داوری از حیثه اختیارات خود تجاوز کرده است، باید بلافاصله پس از وقوع چنین امری در جریان داوری مطرح گردد. در هر یک از این موارد، دیوان داوری می‌تواند چنانچه تأخیر را موجه بداند، ایراد را بپذیرد.

۳. دیوان داوری می‌تواند در خصوص ایراد مذکور در پاراگراف ۲ به عنوان یک امر مقدماتی تصمیم بگیرد، یا ضمن رأی ماهوی نسبت به آن تصمیم گیری نماید، دیوان داوری می‌تواند علیرغم هر گونه ایراد صلاحیت جاری در دادگاه، رسیدگی به داوری را ادامه دهد و مبادرت به صدور رأی نماید.

ماده ۲۵: سایر لوایح کتبی

دیوان داوری در این مورد که طرفین علاوه بر دادخواست و لایحه دفاعیه، چه لوایح کتبی دیگری را باید تسلیم کنند یا میتوانند ارائه نمایند، تصمیم گیری و برای تسلیم لوایح مزبور مواعیدی را تعیین می‌نماید.

ماده ۲۶: مواعد

مواعد تعیین شده توسط دیوان داوری برای ارسال لوایح کتبی (از جمله دادخواست و لایحه دفاعیه)، نباید از چهل و پنج (۴۵) روز تجاوز کند، با این حال، در صورتی که دیوان داوری موجه بداند، می‌تواند این مهلت‌ها را تمدید نماید.

ماده ۲۷: اقدامات موقت و موقت اضطراری

۱. دیوان داوری می‌تواند به درخواست هر یک از طرفین نسبت به صدور رأی یا قرار منع یا هرگونه اقدامات موافق دیگر که مناسب تشخیص دهد، اقدام نماید. دیوان داوری میتواند به طرف متقاضی اقدامات موقت دستور دهد که تأمین مناسبی را در خصوص اقدام مورد مطالبه ارائه نماید.

۲. طرفی که پیش از تشکیل دیوان داوری درخواست اقدامات موقت اضطراری داشته باشد، می‌تواند مطابق آیین مندرج در ضمیمه «الف» اقدام به چنین درخواستی نماید.

۳. درخواست اقدام موقت از مراجع قضایی توسط هر یک از طرفین مغایر با موافقت نامه داوری نمی باشد و نباید به عنوان اعراض از آن موافقتنامه تلقی گردد.

ماده ۲۸: ادله

۱. هر یک از طرفین مسئول اثبات حقایقی است که در تائید ادعای دفاع خود به آن استناد می‌کند.

۲. شهود، از جمله شهود کارشناس، که توسط طرفین برای ادای شهادت در خصوص هرگونه موضوع متنازع فیه با موضوع کارشناسی به دیوان داوری معرفی می‌شود، می‌تواند هر فردی باشد، صرف نظر از این که این فرد طرف داوری بوده یا به هر نحو باطرف داوری مرتبط باشد. شهادتنامه شهود، از جمله شهود کارشناس، می‌تواند به صورت کتبی بوده و به امضای ایشان برسد، مگر این که دیوان داوری به نحو دیگری مقرر دارد.

۳. دیوان داوری می‌تواند در هر زمانی طی جریان داوری، از طرف‌ها بخواهد تا ظرف موعدی که تعیین می‌نماید، مدارک، ضامم یا مستندات دیگری را تسلیم کنند.

۴. دیوان داوری در مورد قابلیت پذیرش، ارتباط، اهمیت و ارزش مستندات ارائه شده تصمیم گیری می‌نماید.

ماده ۲۹: جلسات استماع

۱. در صورت تصمیم به برگزاری جلسه استماع شفاهی، دیوان داوری باید روز، ساعت و محل تشکیل جلسه را در مدت زمان کافی از قبل به اطلاع طرف‌ها برساند.
۲. شهود، از جمله شهود کارشناس: مطابق شرایط و شیوه‌ای که دیوان داوری تعیین می‌کند، استماع شده و مورد تحقیق قرار می‌گیرند.
۳. جلسات استماع غیرعلنی است، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق نمایند. دیوان داوری می‌تواند از شاهد یا شهود، از جمله شهود کارشناس، بخواهد در طول ادای شهادت سایر شهود جلسه را ترک کنند، مگر این که شاهد، از جمله شاهد کارشناس، خود یکی از طرفین داوری باشد که در این صورت علی‌الاصول نباید از او خواسته شود که جلسه را ترک نماید.
۴. دیوان داوری می‌تواند مقرر دارد که شهود، از جمله شهود کارشناس، از طریق وسایل ارتباط از راه دور که مستلزم حضور فیزیکی در جلسه نیست (مانند ویدئوکنفرانس) مورد تحقیق قرار گیرند.

ماده ۳۰: نصب کارشناس توسط دیوان داوری

۱. دیوان داوری می‌تواند پس از مشورت با طرف‌ها، یک یا چند کارشناس مستقل را جهت تهیه گزارشی کتبی در مورد موضوعات خاصی که دیوان داوری تعیین می‌کند، منصوب نماید. نسخه‌ای از شرح وظایف و اختیارات کارشناسان که توسط دیوان داوری تهیه می‌شود، باید برای طرف‌ها و مرکز ارسال شود.
۲. کارشناس باید اصولاً قبل از پذیرش انتصاب، شرحی از صلاحیت خود و نیز اعلامیه‌ای حاکی از بیطرفی و استقلال خود را به دیوان داوری و طرفین اختلاف ارائه نماید. چنانچه طرفین ایرانی به صلاحیت کارشناس، بی‌طرفی یا استقلال او ایراد داشته باشند، باید ظرف مهلتی که دیوان داوری تعیین می‌کند، به اطلاع دیوان داوری برسانند. دیوان داوری باید فوراً در خصوص قبول یا رد این ایرادات تصمیم بگیرد. پس از نصب کارشناس، طرفین فقط به دلایلی که پس از انتصاب کارشناس از آن‌ها مطلع شده‌اند، می‌توانند نسبت به صلاحیت، بی‌طرفی یا استقلال کارشناس اعتراض کنند. در هر صورت، دیوان داوری فوراً نسبت به اقدامی که لازم است انجام شود، تصمیم‌گیری می‌کند.
۳. طرف‌ها باید هر گونه اطلاعات ذریبط یا هر گونه مدرک یا کالاهایی را که کارشناس برای تحقیق لازم دارد، تهیه و ارائه دهند. هرگونه اختلاف بین یک طرف و کارشناس در خصوص مرتبط بودن اطلاعات با ارائه اسناد مورد درخواست کارشناس، برای تصمیم‌گیری به دیوان داوری ارجاع می‌گردد.
۴. دیوان داوری پس از دریافت گزارش کارشناس، باید نسخه‌ای از آن را برای طرف‌ها ارسال کند و به آن‌ها فرصت می‌دهد که کتباً نظر خود را در مورد آن گزارش اعلام نمایند. هر طرف حق دارد مدارکی را که کارشناس در گزارش خود به آن‌ها استناد کرده مورد بررسی قرار دهد.
۵. بنابر تقاضای هر یک از طرفین، کارشناس پس از تسلیم گزارش خود، ممکن است در جلسه‌ای که در آن طرف‌ها حق حضور و سوال از کارشناس را دارند، مورد استماع قرار گیرد. در این جلسه، هر یک از طرف‌ها می‌توانند شهود کارشناس را به منظور ادای شهادت در خصوص موضوعات مورد اختلاف معرفی کنند. در اینگونه رسیدگی‌ها، مقررات ماده ۲۹ مجری می‌باشد.

ماده ۳۱: قصور

۱. اگر ظرف مهلت تعیین شده در این قواعد یا مهلت مقرر توسط دیوان داوری، بدون ارائه دلیل کافی:
 - الف) خواهان در تسلیم دادخواست خود قصور ورزد، دیوان داوری قرار می‌مبني بر ختم جریان داوری صادر می‌نماید، مگر اینکه موضوعاتی باقی مانده باشد که نیازمند تصمیم‌گیری باشد، و دیوان داوری هم‌رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره این موضوعات باقیمانده را مناسب تشخیص دهد.

ب) خواننده در تسلیم پاسخ به درخواست داورى یا تسلیم لایحه دفاعیه قصور ورزد، دیوان داورى دستور ادامه رسیدگی را صادر می‌کند، بدون آن که قصور خواننده به خودی خود، به معنی پذیرش ادعای خواهان تلقی گردد. مقررات این بند در مورد قصور خواهان در تسلیم لایحه دفاعیه به دعوی متقابل یا ادعایی که به منظور تهاتر مطرح شده نیز جاری است.

۲. اگر یکی از طرف‌ها که به نحو مقرر در این قواعد از تاریخ تشکیل جلسه استماع مطلع شده است، بدون ارائه دلیل کافی برای قصور خود در جلسه مزبور حضور نیابد، دیوان داورى می‌تواند رسیدگی را ادامه دهد.

۳. اگر یکی از طرف‌ها که به نحو مقتضی توسط دیوان داورى از او دعوت شده است که مستندات، ضمیمه یا ادله دیگری را ارائه کند، ظرف مدت مقرر و بدون ارائه دلیل کافی در انجام این امر قصور نماید، دیوان داورى می‌تواند بر اساس ادله‌ای که در اختیار دارد مبادرت به صدور رأی نماید.

ماده ۳۲: ختم جلسات رسیدگی

۱. دیوان داورى می‌تواند از طرفین در خصوص این که آیا مدرک بیشتری برای ارائه، شاهدان بیشتری برای استماع یا اظهارات بیشتری برای تسلیم دارند، استعلام نماید و در صورتی که مدرک، شاهد یا اظهارات بیشتری وجود نداشته باشد، می‌تواند ختم جلسات رسیدگی را اعلام نماید.

۲. دیوان داورى می‌تواند در صورتی که تحت شرایط استثنایی این امر را ضروری بداند، راسایا بنابر درخواست یکی از طرفین، جلسات استماع را در هر زمانی پیش از صدور رأی از سر گیرد.

ماده ۳۳: اسقاط حق اعتراض

قصور هر یک از طرفین در اعتراض فوری به عدم رعایت این قواعد یا عدم رعایت الزامات موافقت نامه داورى به منزله اسقاط حق اعتراض آن طرف است، مگر آن که طرف مزبور بتواند نشان دهد که با توجه به اوضاع و احوال مربوطه، قصور او در اعتراض موجه بوده است.

بخش چهارم: رأی

ماده ۳۴: تصمیمات

۱. هرگاه تعداد داوران بیش از یک نفر باشد، صدور رأی یا اتخاذ هرگونه تصمیم دیگری توسط دیوان داورى با رأی اکثریت آنها انجام می‌گردد.
۲. هرگاه در مورد مسائل شکلی، اکثریت حاصل نشود یا در مواردی که دیوان داورى مجاز بداند، سرداور می‌تواند منفرداً «تصمیم بگیرد که البته این تصمیم از طرف دیوان داورى قابل تجدید نظر می‌باشد.

ماده ۳۵: شکل و اثر رأی

۱. دیوان داورى می‌تواند راجع به موضوعات مختلف و در زمان‌های مختلف آرای جداگانه دهد.
۲. کلیه آرا به صورت کتبی صادر می‌شود و برای طرفین، قطعی و لازم الاجرا می‌باشد. طرفین باید کلیه آرا را بدون تاخیر اجرا نمایند.
۳. دیوان داورى باید دلایلی را که مبنای صدور رأی بوده بیان کند، مگر این که طرفین توافق کرده باشند که دلایل ذکر نشود.
۴. دیوان داورى باید قبل از امضای رأی، به منظور بررسی شکلی و مشورت راجع به تعیین هزینه‌ها، پیش نویس رأی خود را به مرکز تقدیم کند. مرکز می‌تواند در صورت لزوم، بدون این که بر آزادی دیوان داورى در اتخاذ تصمیم خدش‌های وارد شود، اصلاحاتی را در شکل رأی به عمل آورد و نیز توجه دیوان داورى را به نکات ماهوی جلب نماید.

۵. رأی باید توسط داوران امضا شود و حاوی تاریخی که رأی صادر گردیده و بیانگر محل داوری باشد. هرگاه تعداد داوران بیش از یک نفر بوده و یکی از آن‌ها رأی را امضا نکنند، باید دلایل عدم امضای او در رأی ذکر شود.
۶. رأی داوری ممکن است با رضایت همه طرفها، یا در مواردی و تا جایی که افشای رأی به وسیله هر یک از طرفها برای حفظ حق یا تعقیب قانونی و یا در ارتباط با دعوا مطروحه در دادگاه یا در مرجع صالح دیگر لازم باشد، در دسترس عموم قرار گیرد.
۷. نسخه‌های اصلی رأی که توسط داوران امضا شده باید به وسیله مرکز به طرفین ابلاغ شود، مشروط بر اینکه هزینه‌های داوری به طور کامل توسط طرفه‌ها یا یکی از آن‌ها به مرکز پرداخت شده باشد.

ماده ۳۶: قانون حاکم، حل و فصل اختلاف بر اساس انصاف

۱. دیوان داوری باید قانونی را اعمال کند که طرفین آن را به عنوان قانون حاکم بر ماهیت اختلاف تعیین کرده اند. در صورتی که طرفین چنین قانونی را مشخص نکرده باشند، دیوان داوری قانونی را که مناسب تشخیص دهد، اعمال می‌نماید.
۲. دیوان داوری تنها در صورتی می‌تواند از روی انصاف و کدخدانمشی تصمیم بگیرد که طرفین صریحا چنین اجازه‌ای را به دیوان داوری داده باشند.
۳. دیوان داوری باید در کلیه موارد بر اساس مفاد قرارداد، در صورت وجود، و با در نظر گرفتن عرف بازرگانی قابل اعمال بر معامله تصمیم‌گیری کند.

ماده ۳۷: حل و فصل اختلاف یا سایر دلایل ختم اختلاف

۱. اگر طرفین بیش از صدور رأی در مورد حل اختلاف به توافق برسند، دیوان داوری یاقراری مبنی بر ختم جریان داوری صادر می‌نماید یا چنانچه طرفین تقاضاکنند و این تقاضا مورد قبول دیوان داوری قرار گیرد، شرایط حل و فصل اختلاف را در رأی مرضی الطرفین درج می‌نماید. دیوان داوری ملزم به ارائه دلایل صدور چنین رأیی نیست.
۲. هرگاه پیش از صدور رأی، ادامه جریان داوری به دلایلی به جز دلیل مذکور در پاراگراف، غیر ضروری یا غیرممکن شود، دیوان داوری باید مرکز و طرفها را از قصد خویش مبنی بر صدور قرار ختم رسیدگی مطلع سازد. دیوان داوری اختیار صدور چنین قراری را دارد، مگر اینکه موضوعاتی باقی مانده باشد که نیازمند تصمیم‌گیری باشد و دیوان داوری تصمیم‌گیری در این موضوعات باقیمانده را مناسب تشخیص دهد.
۳. نسخه‌های اصلی دستور ختم جریان داوری یا رأی مرضی الطرفین که به امضای داوران رسیده است، باید به طرفها ابلاغ شود. در خصوص رأی مرضی الطرفین، مقررات پاراگراف‌های ۲، ۴، ۵ و ۶ ماده ۳۵ اعمال می‌گردد.

ماده ۳۸: تفسیر رأی

۱. هر یک از طرفها میتواند ظرف سی (۳۰) روز پس از تاریخ دریافت رأی با اطلاع به مرکز و طرفهای دیگر، از دیوان داوری درخواست کند که تفسیری از رأی صادره ارائه دهد. دیوان داوری میتواند از طرفهای دیگر دعوت نماید که ظرف پانزده (۱۵) روز نظر خود را در خصوص درخواست اظهار نماید.
۲. اگر دیوان داوری درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف چهل و پنج (۴۵) روز از تاریخ انقضای مهلت اظهارنظر، تفسیر خود را به صورت کتبی ارائه می‌نماید. این تفسیر بخشی از رأی بوده و مقررات پاراگراف‌های ۲ الی ۷ ماده ۳۵ در مورد آن اعمال می‌شود.

ماده ۳۹: تصحیح رأی

۱. هر یک از طرفها میتواند ضمن اطلاع به مرکز و طرفهای دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت رأی، از دیوان داوری درخواست نماید که هرگونه اشتباه در محاسبه، هرگونه غلط انشائی و املائی یا اشتباهات یا از قلم افتادگی‌هایی از این قبیل را تصحیح کند. چنانچه دیوان داوری این

درخواست را موجه تشخیص دهد، باید ظرف چهل و پنج (۴۵) روز از دریافت درخواست نسبت به تصحیح رأی اقدام نماید. دیوان داوری می‌تواند ظرف سی (۳۰) روز از ابلاغ رأی، راسا چنین تصحیحاتی را به عمل آورد.

۲. این گونه تصحیحات باید کتبی بوده و بخشی از رأی باشد. مقررات پاراگراف‌های ۲ الی ۷ ماده ۳۵ اعمال می‌گردد.

ماده ۴۰: رأی تکمیلی

۱. هر یک از طرف‌ها می‌تواند، ضمن اطلاع به مرکز و طرف‌های دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت قرار ختم رسیدگی یا رأی، از دیوان داوری تقاضا کند که در مورد آن دسته از ادعاهایی که در جریان داوری اقامه شده ولی در رأی در خصوص آنها تصمیمی اتخاذ نشده، رأی یا رأی تکمیلی صادر نماید. دیوان داوری می‌تواند از طرف‌های دیگر دعوت نماید که ظرف پانزده (۱۵) روز نظر خود را در خصوص درخواست اظهار نمایند.

۲. چنانچه دیوان داوری تقاضای صدور رأی یارأی تکمیلی را موجه تشخیص دهد، باید ظرف شصت (۶۰) روز از تاریخ انقضای مهلت اظهارنظر رأی خود را صادر یا تکمیل نماید. در صورت لزوم، دیوان داوری می‌تواند مهلت صدور رأی را تمدید نماید.

۳. به هنگام صدور رأی یارأی تکمیلی، مقررات پاراگراف‌های ۲ الی ۷ ماده ۳۵ اعمال می‌گردد.

ماده ۴۱: محرمانگی

داوری که بر مبنای این قواعد انجام می‌گیرد، محرمانه است. طرفین، از جمله وکلا و کارشناسان منصوب آن‌ها، داوران، کارشناسان منصوب دیوان داوری، منشی‌ها و همچنین مرکز، متعهدند که هیچگونه اسناد، حقایق یا سایر اطلاعات مربوط به اختلاف یا جریان داوری را برای اشخاص ثالث فاش نسازند.

بخش پنجم: هزینه‌ها

ماده ۴۲: هزینه‌های داوری

۱. هزینه‌های داوری شامل حق الزحمه دیوان داوری و هزینه‌های اداری که طبق ضمیمه به این قواعد توسط مرکز معین شده است و مخارج مرکز و داوران، در صورتی که چنین مخارجی وجود داشته باشد، و حق الزحمه و مخارج کارشناسان و هزینه‌های معقول حقوقی تحمیل شده بر طرفین می‌باشد.

۲. طرفین میتوانند، پیش از تشکیل دیوان داوری، بر شیوه‌های دیگری برای تعیین حق الزحمه دیوان داوری توافق نمایند.

ماده ۴۳: تصمیم در خصوص هزینه‌های داوری

۱. پیش از صدور رأی نهایی، دیوان داوری باید از مرکز درخواست نماید که هزینه‌های داوری را به طور قطعی تعیین نماید اصولاً پرداخت هزینه‌های داوری بر عهده طرف یا طرف‌های ناموفق می‌باشد، با این حال دیوان داوری میتواند چنین هزینه‌هایی را بین طرفین تسهیم کند، مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه این سهمیه بندی را معقول تشخیص دهد.

۲. هرگاه دیوان داوری قرار مبنی بر ختم جریان داوری یا رأی مرضی الطرفین صادر کند، باید از مرکز درخواست نماید که با در نظر گرفتن زمان خاتمه داوری، کار انجام شده توسط دیوان داوری و سایر اوضاع و احوال مرتبط، هزینه‌های داوری را به طور قطعی تعیین نماید.

۳. مرکز می‌تواند حق الزحمه دیوان داوری را به مبلغی بیشتر یا کمتر از آنچه که از اعمال ضمیمه «ب» این قواعد حاصل می‌شود، تعیین کند مشروط بر اینکه این امر با توجه به اوضاع و احوال استثنایی قضیه قابل توجیه باشد.

۴. مرکز یا دیوان داوری بابت تفسیر، تصحیح و تکمیل رأی خود بر طبق مواد ۳۸ الی ۴۰ این قواعد هیچ گونه حق الزحمه اضافی دریافت نمی نماید.

ماده ۴۴: تودیع هزینه‌ها

۱. مرکز می‌تواند قبل از تشکیل دیوان داوری، از طرفین بخواهد که به طور مساوی مبلغی را بابت پیش پرداخت هزینه‌های داوری مذکور در ماده ۴۲ تودیع کنند. مرکز می‌تواند پیش پرداخت‌های جداگانه‌ای را برای هزینه‌های مربوط به دعوای اصلی و دعوای متقابل تعیین نماید.
۲. چنانچه مبلغ دعوای اصلی یا دعوای متقابل در موعد پرداخت قابل تقویم نباشد، هزینه‌های داوری به طور موقت توسط مرکز برآورد می‌شود. چنین برآوردی می‌تواند بر مبنای ماهیت اختلاف و اوضاع و احوال پرونده باشد. این برآورد می‌تواند در پرتو اطلاعاتی که متعاقباً در دسترس قرار می‌گیرد، تعدیل گردد.
۳. مرکز می‌تواند در مقاطع زمانی مختلف از طرفین درخواست نماید که پرداخت‌های بیشتری برای هزینه‌های داوری انجام دهند.
۴. طرفین، مشترکاً و منفرداً، مسئول پرداخت هزینه‌های داوری می‌باشند، هر یک از طرفین می‌تواند تمامی هزینه‌های داوری را، در صورت عدم پرداخت طرف دیگر، تودیع نماید.
۵. هرگاه ظرف مهلت مقرر از سوی مرکز، ودیعه‌های مقرر، جزئاً یا کلاً، پرداخت نگردد، مرکز باید مراتب را به اطلاع طرف‌ها برساند تا یکی از ایشان مبلغ مورد نظر را پرداخت کند. چنانچه این پرداخت ظرف مهلت مقرر از سوی مرکز انجام نشود، مرکز می‌تواند حسب مورد، دستور تعلیق یا ختم جریان داوری را در خصوص دعوای اصلی و یا دعوای متقابل صادر کند، بدون آنکه لطمه‌ای به حق طرف در طرح مجدد همان دعوای اصلی یا دعوای متقابل در رسیدگی دیگری ایجاد نماید.
۶. هرگاه یکی از طرفین ادعایی مبنی بر حق تهاجر در مورد ادعاها یا ادعاهای متقابل مطرح کند، مرکز در تعیین پیش پرداخت مربوط به تامین هزینه‌های داوری، به همان نحوی که در مورد یک ادعای جداگانه ممکن است دیوان داوری را ملزم کند که موضوعات اضافی را مورد ملاحظه قرار دهد، این ادعا را مورد توجه قرار می‌دهد.
۷. تمامی پرداخت‌های مربوط به هزینه‌های داوری به حساب مرکز تودیع شده و توسط مرکز نگهداری میشوند. هرگونه سود حاصل از ودیعه‌ها متعلق به مرکز می‌باشد.

ضمیمه الف: داور اضطراری

۱. طرفی که خواهان اقدام موقت اضطراری می‌باشد، می‌تواند همزمان یا پس از ثبت درخواست داوری، ولی پیش از تشکیل دیوان داوری، درخواست اقدام موقت اضطراری را نزد مرکز ثبت نماید. طرف متقاضی باید، همزمان با ثبت درخواست اقدام موقت اضطراری، یک نسخه از درخواست را به سایر طرفین ارسال نماید. درخواست اقدام موقت اضطراری باید شامل موارد ذیل باشد:
 - الف) ماهیت اقدام مورد درخواست
 - ب) دلایل حاکی از استحقاق طرف متقاضی برای چنین اقدامی؛ و
 - پ) اعلامیه‌ای دال بر این که سایر طرف‌ها یک نسخه از درخواست را دریافت نموده‌اند، یا در صورت عدم دریافت شرحی از اقدامات انجام شده همراه با حسن نیت به منظور ارائه یک نسخه از درخواست و یا اخطاریه به سایر طرف‌ها.
۲. هرگونه درخواست برای اقدام موقت اضطراری باید همراه با پرداخت غیر قابل بازگشت هزینه‌های اداری و ودیعه‌های لازم تحت این قواعد به منظور تامین حق الزحمه داور اضطراری و مخارج رسیدگی ذکر شده در ضمیمه حاضر باشد. در موارد مناسب، مرکز می‌تواند میزان ودیعه درخواستی از طرفه متقاضی را افزایش دهد. اگر ودیعه‌های اضافه شده ظرف مدت تعیین شده توسط مرکز تودیع نگردد، درخواست مسترد شده فرض می‌شود.
۳. چنانچه مرکز تشخیص دهد که درخواست اقدام موقت اضطراری قابل پذیرش است، باید ظرف یک (۱) روز از تاریخ دریافت این درخواست و پرداخت هزینه‌های اداری و ودیعه‌ها، اقدام به نصب یک داور اضطراری نماید.

۴. چنانچه طرفین در خصوص محل داوری توافق کرده باشند، همان محل باید محل رسیدگی‌های مربوط به اقدام موقت اضطراری باشد، در صورت فقدان چنین توافقی، محل رسیدگی‌های مربوط به اقدام موقت اضطراری تهران می‌باشد.
۵. شخصی که به عنوان داور اضطراری احتمالی در نظر گرفته می‌شود، باید پیش از قبول انتصاب، هرگونه اوضاع و احوالی را که ممکن است در مورد بی طرفی با استقلال وی شک و تردید موجهی ایجاد کند افشا نماید. هرگونه جرح در خصوص انتصاب داور اضطراری باید ظرف مدت دو (۲) روز از مکاتبه مرکز با طرفین در خصوص این انتصاب یا اوضاع و احوال افشا شده، ایراد گردد.
۶. داور اضطراری نمی‌تواند به عنوان داور در داوری‌های آتی مربوط به اختلاف شرکت نماید مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.
۷. داور اضطراری باید در اسرع وقت و در هر حال، ظرف مدت دو (۲) روز از تاریخ انتصاب، اقدام به تدوین برنامه زمانی جهت بررسی درخواست اقدام موقت اضطراری نماید. این برنامه زمانی باید فرصت معقولی را برای استماع طرفین فراهم آورد، و در عین حال می‌تواند امکان رسیدگی را به صورت تلفنی یا ویدئوکنفرانس یا بر مبنای مکتوبات به جای استماع حضوری فراهم نماید. داور اضطراری دارای اختیارات اعطایی به دیوان داوری تحت این قواعد، از جمله اختیار تصمیم‌گیری در خصوص صلاحیت خود، بدون تاثیرگذاری بر تصمیم دیوان داوری می‌باشد.
۸. داور اضطراری اختیار صدور قرار یا رأی را برای هرگونه اقدام موقت که لازم بدانند دارا می‌باشد، از جمله قراردادهای مقدماتی که در جریان جلسه استماع، تلفن یا ویدئوکنفرانس یا مکتوبات طرفین صادر می‌گردند. داور اضطراری باید خلاصه دلایل تصمیم خود را به صورت مکتوب ارائه نماید. داور اضطراری می‌تواند قرار مقدماتی، قرار موقت یا رأی را با ارائه دلایل موجه تغییر داده یا باطل نماید.
۹. داور اضطراری باید قرار موقت یا رأی خود را ظرف مدت چهارده (۱۴) روز از تاریخ انتصاب صادر نماید مگر اینکه، در اوضاع و احوال استثنایی، مرکز این زمان را افزایش دهد. هیچ قرار موقت یا رأیی توسط داور اضطراری، پیش از تأیید شکلی توسط مرکز، صادر نمی‌گردد.
۱۰. پس از تشکیل دیوان داوری، داور اضطراری اختیاری برای فعالیت نخواهد داشت. دیوان داوری می‌تواند هرگونه قرار موقت یا رأی صادر شده توسط داور اضطراری، از جمله تصمیم وی درباره صلاحیت خود را مورد تجدید نظر یا تغییر قرار داده یا باطل نماید، دیوان داوری مقید به دلایل ارائه شده توسط داور اضطراری نمی‌باشد. در هر صورت، اگر دیوان داوری ظرف مدت نود (۹۰) روز از تاریخ این قرار موقت یا رأی تشکیل نگردد یا رأی نهایی توسط دیوان داوری صادر گردد یا دعوا مسترد شود، قرار موقت یا رأی صادر شده توسط داور اضطراری الزام خود را از دست می‌دهد.
۱۱. صدور هرگونه قرار موقت یا رأی توسط داور اضطراری می‌تواند منوط به ارائه تضمین مناسب توسط طرف درخواست کننده اقدام باشد.
۱۲. طرفین می‌پذیرند که قرار یا رأی صادر شده توسط داور اضطراری مطابق با ضمیمه حاضر، از تاریخ صدور، برای آن‌ها الزام آور بوده و طرفین متعهد می‌گردند قرار موقت یا رأی را فوراً^۱ و بدون تأخیر اجرا نمایند. همچنین، طرفین، تا آنجایی که چنین اسقاط حقی معتبر باشد، حق هرگونه تجدیدنظرخواهی، بازنگری یا ارجاع به هرگونه دادگاه ملی یا سایر مراجع قضایی در رابطه با این رأی را از خود ساقط می‌نمایند.
۱۳. هزینه‌های مربوط به هرگونه درخواست مطابق با ضمیمه حاضر می‌تواند بدو «توسط داور اضطراری تسهیم گردد، مشروط بر این که دیوان داوری دارای اختیار برای تصمیم‌گیری نهایی در رابطه با تسهیم این هزینه‌ها باشد.
۱۴. این قواعد بر هرگونه رسیدگی مطابق با ضمیمه حاضر، با در نظر گرفتن فوریت چنین رسیدگی‌ای، اعمال می‌گردد. داور اضطراری می‌تواند در خصوص نحوه مناسب اعمال این قواعد تصمیم‌گیری نموده و تصمیم وی در چنین مواردی نهایی بوده و قابل تجدیدنظرخواهی، بازنگری یا ارجاع نمی‌باشد. مرکز می‌تواند هرگونه مواعید زمانی مندرج در این قواعد را در خصوص درخواستهای مطروحه مطابق رسیدگی‌های شروع شده تحت پاراگراف ۳ ماده ۲۷ و ضمیمه حاضر کوتاه نماید.

ضمیمه ب: جدول هزینه‌ها

جدول هزینه‌های حاضر از ابتدای مارس ۲۰۱۸ لازم الاجرا بوده و بر تمامی داوری‌هایی که از این تاریخ آغاز شوند، قابل اعمال می‌باشد.

۱. حق الثبت (غیر قابل برگشت)

حق الثبته معادل ۵۰۰ یورو بر تمامی داوری‌هایی که توسط مرکز اداره می‌شوند و بر تمامی دعوای اصلی و متقابل، اعمال می‌گردد.

۲. هزینه‌های اداری

هزینه‌های اداری محاسبه شده مطابق جدول ذیل، بر تمامی داوریهایی که توسط مرکز اداره می‌شوند اعمال می‌گردد.

هزینه‌های اداری شامل موارد زیر نمی‌شود :

الف) حق الزحمه و مخارج دیوان داوری

ب) هزینه استفاده از خدمات پشتیبانی و تاسیسات برای و در رابطه با هرگونه جلسه استماع (مانند اتاق‌ها و تجهیزات استماع، خدمات ترجمه و تبدیل اطلاعات صوتی به نوشتاری)؛ و

پ) مخارج اداری مرکز

مرکز در تمامی پرونده‌ها، مبلغی معادل ۱۵۰۰ یورو، به عنوان حداقل هزینه‌های اداری، اخذ می‌نماید، مگر اینکه به نحو دیگری تصمیم‌گیری نماید

۳. هزینه جرح (غیر قابل برگشت)

همراه با اعلامیه جرح، باید مبلغ ۲۰۰۰ یورو مطابق پاراگراف ۳ ماده ۱۴ این قواعد پرداخت گردد.

۴. حق الزحمه داوران

برای داوریهایی که به موجب این قواعد هدایت و اداره می‌شوند، حق الزحمه محاسبه شده مطابق جدول زیر شامل حداقل و حداکثر مبالغ قابل پرداخت به هر داور می‌باشد مگر این که طرفین بزرگ شیوه جایگزین تعیین حق الزحمه دیوان داوری مطابق با پاراگراف ۲ ماده ۴۲ این قواعد توافق نموده باشند.

۵. هزینه‌های اقدام موقت اضطراری

هزینه‌های زیر در درخواست اقدام موقت اضطراری، مطابق با پاراگراف ۳ ماده ۴۷ و ضمیمه «الف» این قواعد، قابل پرداخت می‌باشد:

الف) درخواست اقدام موقت اضطراری باید همراه با پرداخت هزینه اداری معادل ۵۰۰-۴ یورو (غیر قابل بازگشت) باشد؛ و

ب) مبلغ ثابت ۵۰۰-۱۴ یورو باید بابت دستمزد و مخارج داور اضطراری تودیع گردد، مگر اینکه مرکز مطابق با ضمیمه «الف» این قواعد، به نحو دیگری مقرر نماید. دستمزد داور اضطراری مبلغ ثابت ۱۰.۰۰۰ یورو می‌باشد، مگر اینکه مرکز مطابق با ضمیمه «الف» این قواعد به نحو دیگری مقرر نماید.

۶. هزینه‌های انتصاب (غیر قابل برگشت)

هزینه انتصاب در مواردی که درخواستی برای انتصاب داور یا داوران در داوری موردی مطرح می‌شود، پرداخت می‌گردد. این هزینه توسط طرف متقاضی انتصاب پرداخت می‌گردد. درخواست انتصاب باید با پرداخت هزینه انتصاب مندرج در جدول ذیل همراه باشد.

مقررات داخلی و تشکیلات مرکز منطقه‌ای داوری تهران

ماده ۱: اهداف

مرکز منطقه‌ای داوری تهران «مرکز» به موجب موافقتنامه مورخ ۳ مه ۱۹۹۷ (موافقت نامه) بین جمهوری اسلامی ایران و سازمان مشورتی حقوقی آسیایی-آفریقایی «آلکو» تأسیس گردیده و اهداف آن به شرح ذیل می‌باشد:

الف) برگزاری داوری تحت نظارت مرکز؛

ب) تشویق و توسعه داوری تجاری بین المللی در منطقه؛

پ) هماهنگی فعالیتهای مؤسسات داوری موجود در منطقه و مساعدت به آنها؛

ت) مساعدت به داورهای خاص از جمله عمل به عنوان ناصب به ویژه در داوری‌هایی که طبق قواعد آنسیترال انجام می‌شود؛

ث) مساعدت به اجرای آرای داوری؛ و

ج) مساعدت در حل و فصل اختلافات.

ماده ۲: اداره مرکز

۱. مرکز توسط یک مدیر که بر طبق موافقتنامه انتخاب می‌گردد، اداره می‌شود.

۲. مدیر مرکز کلیه اختیارات لازم را برای اعمال قواعد داوری و مقررات داخلی دارد. بدین منظور، یک دبیرخانه به وی در انجام وظایفش کمک می‌کند.

۳. مدیر مرکز باید قواعد داوری و مقررات داخلی را با استقلال و بی طرفی اجرا کند و می‌تواند در مورد هر یک از مسائل مربوط به اجرای قواعد داوری با هیئت داوری مشورت نماید.

۴. تصمیمات مربوط به صلاحیت مرکز مطابق با ماده ۷ قواعد داوری و تصمیمات مربوط به جرح داور مطابق با پاراگراف ۵ ماده ۱۴ قواعد داوری توسط کمیته‌ای مرکب از سه نفر از اعضای هیئت داوری اتخاذ می‌گردد. اعضای کمیته توسط مدیر مرکز انتخاب می‌گردند. اعضای کمیته باید مستقل از طرفهای اختلاف و داوران مربوطه باشند.

۵. زمانی که پیش نویس رأی توسط دیوان داوری مطابق با پاراگراف ۴ ماده ۳۵ قواعد داوری به مرکز تسلیم می‌گردد؛ مدیر مرکز باید پیش نویس رأی را، به منظور بازبینی، به کمیته‌ای مرکب از سه نفر از اعضای هیئت داوری ارجاع نماید. هر یک از اعضای کمیته باید نظرات خود را در خصوص شکل و ماهیت رأی ارائه نماید. مدیر مرکز نظرات را به دیوان داوری ابلاغ می‌نماید.

ماده ۳: هیئت‌های داوری

۱. مرکز دارای یک هیئت داوری بین المللی و یک هیئت داوری داخلی (هیئت‌های داوری)، هر یک متشکل از یک رئیس یک نایب رئیس و حداکثر

۱۲ عضو می‌باشد که توسط مدیر، پس از مشورت با دبیرکل آکو منصوب می‌گردند.

۲. اعضای هیئت‌های داوری باید از میان اشخاص برجسته متخصص در زمینه‌های داوری و تجارت منصوب گردند.

۳. تا دو سوم اعضای هیئت‌های داوری را میتوان از میان اتباع کشورهای غیر عضو آکو منصوب نمود.

۴. اعضای هیئت‌های داوری برای مدت ۳ سال منصوب می‌شوند چنانچه عضوی استعفا دهد و یا نتواند وظایف خود را انجام دهد، جانشین وی بر

طبق پاراگراف فوق الذکر برای مدت باقی مانده منصوب می‌گردد.

ماده ۴: محرمانگی

۱. مدیر مرکز، اعضای دبیرخانه و اعضای هیئت‌های داوری باید ماهیت محرمانه کار مرکز و اسناد تسلیم شده توسط طرف‌ها یا داوران در ارتباط با پرونده‌هایی که تحت نظارت مرکز رسیدگی می‌شوند را رعایت نمایند. آنها به ویژه باید از افشای هرگونه اطلاعات یا مدارکی که در ارتباط با انجام وظایفشان بر طبق قواعد داوری حاضر یا مقررات داخلی در اختیار آنها گذارده شده، خودداری کنند. به منظور تشویق و ترویج داوری بین المللی، مرکز میتواند متن کامل آرا یا گزیده‌ای از آنها را پس از حذف اسامی و هرگونه اطلاعاتی که موجب شناسایی هویت طرف‌ها شود، منتشر نماید.

ماده ۵: مشارکت اعضای مرکز در داوری

۱. مدیر مرکز و اعضای دبیرخانه نباید به عنوان داور یا مشاور در پرونده‌هایی که به مرکز ارجاع شده، عمل نمایند

۲. مرکز نباید اعضای هیئت‌های داوری را به عنوان داور منصوب کند.

۳. در عین حال، اعضای هیئت‌های داوری می‌توانند به عنوان مشاور یا داور توسط هر یک از طرفین انتخاب شوند. در این صورت و به طور کلی هر یک از اعضای هیئت‌های داوری، هنگامی که تحت هر عنوانی در داوری مطروحه نزد مرکز دخالت دارد، باید فوراً دخالت خود را به اطلاع مدیر مرکز برساند و از شرکت در مذاکرات با مشارکت در ارائه توصیه‌های هیئت‌های داوری در مورد داوری مزبور خودداری نماید. وی به علاوه باید از شرکت در

جلسات هیئت‌های داوری در هر زمان که موضوعات مرتبط با داوری‌های مزبور مورد بحث قرار می‌گیرد، خودداری کند و نباید هیچ گونه مدارک یا اطلاعات مربوط به داوری مزبور را دریافت کند .

ماده ۶: اصلاح قواعد داوری

در صورت ضرورت، مدیر مرکز میتواند پس از مشورت با هیئت‌های داوری، اصلاحاتی را در قواعد داوری با مقررات داخلی پیشنهاد نماید. اصلاحات مزبور باید به دبیرکل الکو ارائه گردد و بعد از تأیید وی اجرا خواهد شد .

ماده ۷: سایر قواعد

مدیر مرکز میتواند با مشورت هیئت‌های داوری و دبیرکل الکو، قواعدی را برای سایر روش‌های حل و فصل اختلاف تهیه کند.

نمونه شرط داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران

مرکز منطقه‌ای داوری تهران درج شرط نمونه ذیل را در قراردادها به تمامی طرف‌هایی که می‌خواهند اختلافات خود را بر اساس قواعد داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران حل و فصل نمایند، توصیه می‌کند

هرگونه و تمامی اختلافات ناشی از، راجع به یا در ارتباط با قرارداد حاضر از جمله هرگونه اختلاف مرتبط با وجود، «ارجاع میگردد و مطابق قواعد داوری این مرکز به (TRAC) اعتبار یا انقضای قرارداد، به مرکز منطقه‌ای داوری تهران صورت نهایی حل و فصل خواهد شد

مندرجات اختیاری

دیوان داوری شامل یک داور / سه داور میباشد

محل داوری شهر ... میباشد

زبان داوری ... میباشد

قانون ماهوی حاکم بر این قرارداد قانون ... میباشد

قواعد میانجیگری

مرکز منطقه‌ای داوری تهران

(مصوبه سازمان مشورتی حقوقی آسیایی - آفریقایی (AALCO))

لازم الاجرا از ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱ (۲۴ تیر ۱۴۰۰)

بخش نخست: قواعد مقدماتی

ماده ۱: قلمرو اجرا

۱- این قواعد بر تمامی میانجیگری‌ها، اعم از داخلی یا بین‌المللی که در آن طرفین توافق کرده باشند که اختلافات میان آن‌ها در مورد یک رابطه حقوقی معین - خواه قراردادی یا غیر قراردادی - به میانجیگری بر اساس قواعد میانجیگری (قواعد) مرکز منطقه‌ای دآوری تهران (مرکز) ارجاع شود، حاکم است.

۲- این قواعد بر جریان میانجیگری حاکم می‌باشد، مگر آن که هر یک از این قواعد یا مقرره‌ای از قانون حاکم بر میانجیگری که طرفین حق عدول از آن را ندارند در تعارض باشد که در این صورت، همان مقرره قانون حاکم اولویت خواهد داشت.

۳- فرض بر این است که طرفین بین قواعدی که در تاریخ شروع میانجیگری قابل اجرا است ارجاع داده اند، مگر آن که تمامی طرفین به طور کتبی به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۴- مرکز و میانجیگر، در تمامی موضوعاتی که در این قواعد در خصوص آنها تصریح نشده باشد، مطابق روح این قواعد عمل خواهند نمود.

ماده ۲: درخواست میانجیگری

۱. طرف یا طرف‌های درخواست کننده میانجیگری «طرق درخواست کننده» باید درخواست میانجیگری «درخواست» خود را به یکی از زبان‌های انگلیسی یا فارسی در مرکز ثبت نمایند.

۲. درخواست باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

الف) تقاضای ارجاع اختلاف به میانجیگری؛

ب) نام و اطلاعات تماس طرفین، شامل نشانی پستی، شماره تلفن، نشانی الکترونیک و سایر اطلاعات تماس برای ارتباطات الکترونیکی مناسب، در صورت وجود، و نماینده طرف درخواست کننده در صورت وجود، و همچنین یک نسخه رونوشت نامه نمایندگی؛

پ) مشخصات موافقت نامه میانجیگری یا شرط میانجیگری در قرارداد موجود که مورد استناد قرار گرفته است؛

ت) شرح مختصر اختلاف و ذکر مبلغ مورد اختلاف، در صورت وجود؛

ث) تعیین میانجیگر که به طور مشترک توسط طرفین انتخاب شده باشد، یا شرح اوصاف میانجیگر مورد نظر؛ و

ج) مدرک نشان دهنده پرداخت حق الثبت مطابق با ضمیمه الف قواعد لازم الاجرا در زمان ثبت درخواست در مرکز.

۳. درخواست میتواند توسط ابزارهای الکترونیک مناسب همچون نمابر یا ایمیل به مرکز ارسال گردد. طرف درخواست کننده باید نسخه چاپی درخواست را در صورت درخواست مرکز ارائه دهد. طرفین و مرکز می‌توانند توافق نمایند که تمامی مدارک بعدی را از طریق ابزارهای الکترونیکی مناسب ارسال نمایند.

۴. در مواردی که حق الثبت پرداخت نشده باشد، یا در صورت قصور خواهان در رعایت هر یک از الزامات ذیل بند ۲ این ماده، مرکز از طرف درخواست کننده می‌خواهد در مدت مناسبی که مرکز تعیین می‌کند نسبت به رفع نواقص اقدام نماید. همچنین در صورتی که درخواست به انگلیسی یا فارسی ارائه نشده باشد، مرکز می‌تواند درخواست نماید که در مدت مزبور ترجمه درخواست نیز ارائه شود. چنانچه در خواست کننده در مدت تعیین شده دستورات مزبور را اجرا نماید، در این صورت اینگونه فرض می‌شود که در خواست در تاریخ دریافت آن توسط مرکز، به طور صحیح ثبت شده است.

بخش دوم: میانجیگر

ماده ۳: تعداد میانجیگرها

۱. به جز در مواردی که تمامی طرفین به طور کتبی به نحو دیگری توافق کرده باشند، رسیدگی با یک میانجیگر انجام می‌پذیرد.

۲. در جایی که بیش از یک میانجیگر وجود داشته باشد، به عنوان یک اصل کلی، میانجیگرها به اتفاق عمل می‌نمایند.

ماده ۴: تأیید یا انتصاب میانجیگر

۱. طرفین میتوانند به طور مشترک یک میانجیگر را جهت تایید توسط مرکز تعیین نمایند. تعیین مشترک میانجیگر پس از تایید مرکز واجد اثر می شود.

۲. در صورت عدم تعیین میانجیگر به طور مشترک از سوی طرفین، مرکز باید با در نظر گرفتن توصیف طرفین از اولویت‌های ایشان آن طور که مطابق ماده ۲-۲ (ث) این قواعد نزد مرکز ثبت شده یک میانجیگر را نصب نماید. مرکز باید پیش از انتصاب نظرات طرفین را جویا شود.

ماده ۵: اعلامیه قبولی میانجیگر

۱- پس از تایید یا انتصاب میانجیگر توسط مرکز، وی باید اعلامیه قبولی، در دسترس بودن بی طرفی و استقلال را امضا نماید. میانجیگر باید هرگونه اوضاع و احوالی را که ممکن است در مورد برطرفی یا استقلال وی شک و تردید موجهی ایجاد کند، به طور مکتوب به مرکز افشا نماید. مرکز باید چنین اطلاعاتی را به طور کتبی به طرفین ارائه دهد و برای هرگونه اظهار نظر طرفین در مورد این اطلاعات، مدت زمانی تعیین نماید.

۲. در جریان میانجیگری، میانجیگر باید بی طرف و مستقل از طرفین باقی بماند و برای اداره میانجیگری در دسترس باشد. چنانچه در جریان میانجیگری، میانجیگر به وجود هرگونه اوضاع و احوالی که ممکن است بی طرفی با استقلال وی از طرفین یا در دسترس بودن وی با تحت تأثیر قرار دهد، پی ببرد، باید سریعاً طرفین را مطلع سازد. در چنین شرایطی، میانجیگر میتواند به کار خود ادامه دهد، مشروط بر آنکه طرفین به طور مشترک توافق داشته باشند. در صورت وجود اختلاف نظر میان طرفین، مرکز مطابق ماده ۶ این قواعد، اقدام به جایگزینی میانجیگر می نماید.

۳. در جایی که میانجیگر انتصاب خود را رد می‌نماید، مرکز باید با در نظر گرفتن توصیف طرفین از اولویت‌های ایشان، آنطور که مطابق ماده ۲-۲ (ث) این قواعد نزد مرکز ثبت شده یک میانجیگر را نصب نماید. مرکز باید پیش از انتصاب نظرات طرفین را جویا شود.

۴. هنگامی که اعلامیه قبولی توسط میانجیگر امضا شود و پیش پرداخت هزینه‌های میانجیگری مندرج در ماده ۱۶ این قواعد پرداخت شود مرکز پرونده میانجیگری را به میانجیگر ارجاع می‌دهد.

ماده ۶: جایگزینی میانجیگر

در صورتی که میانجیگر قادر به انجام وظایف خود نباشد یا در صورت عدم پذیرش میانجیگر توسط طرفین، مرکز بنا به درخواست مشترک طرفین، نسبت به تعیین میانجیگر دیگری مطابق با ماده ۴ این قواعد اقدام می‌نماید.

ماده ۷: نقش میانجیگر

۱. میانجیگر باید به روشی مستقل و بی طرف، طرفین را برای دستیابی به یک راه حل اختلاف قابل پذیرش و رضایت بخش یاری دهد. میانجیگر هیچگونه اختیار و قدرتی برای تحمیل توافق بر طرفین ندارد.

۲. میانجیگر باید مطابق اصل آزادی اراده طرفین و اصل انصاف عمل کند.

ماده ۸: اسقاط مسئولیت

به استثنای تخلفات عمدی، طرفین هرگونه ادعای مبتنی بر فعل یا ترک فعل مرتبط با میانجیگری را علیه مرکز، کارکنان مرکز و میانجیگر در وسیع ترین حدی که قانون حاکم اجازه دهد، اسقاط می‌کنند.

بخش سوم: جریان میانجیگری

ماده ۹: اداره میانجیگر

۱. میانجیگری باید مطابق با توافق طرفین اداره شود. در صورت عدم وجود چنین توافقی، میانجیگر باید جریان رسیدگی را به گونه‌ای اداره کند که از تاخیر و هزینه‌های غیر ضروری جلوگیری شود و اوضاع و احوال پرونده و نظرات طرفین را مورد توجه قرار دهد.

۲. پس از ارجاع پرونده به میانجیگر، وی باید فوراً نظرات طرفین را برای تعیین جلسه‌ای مقدماتی برای بحث در مورد نحوه پیشبرد جریان میانجیگری و تهیه جدول زمانبندی جویا شود. یادداشتی کوتاه حاوی خلاصه‌ای از توافق طرفین در رابطه با اداره جریان میانجیگری شامل اطلاعاتی

از قبیل زبان، زمان و محل جلسات، اظهارات ارائه شده و مشخصات شرکت کنندگان توسط میانجیگر تهیه می شود و به طرفین ارائه میگردد و یک رونوشت آن به مرکز ارسال میشود.

۳. تمامی طرفین باید در تمام مدت میانجیگری با حسن نیت عمل کنند.

۴. هر طرف میتواند پیشنهاداتی را برای حل اختلاف به میانجیگر ارائه دهد.

۵. میانجیگر حق مشورت جداگانه با هر یک از طرفین را دارد، مگر آن که تمامی طرفین به طور کتبی خلاف آن توافق کنند.

ماده ۱۰: قانون حاکم

۱. اداره جریان میانجیگری تابع قوانین ایران است، مگر آن که تمامی طرفین به طور کتبی خلاف آن توافق کنند.

۲. رابطه میان مرکز و هر شخص، شرکت کننده در میانجیگری، از قبیل طرفین، نماینده (ها) و مشاوره (های) طرفین میانجیگر(ها) و کارشناس (ها)، تابع قوانین ایران است.

ماده ۱۱: محرمانگی

۱. میانجیگری بر مبنای این قواعد محرمانه است. طرفین، نماینده(ها) و مشاور(های) طرفین میانجیگر(ها) و کارشناس (ها)، مرکز و کارکنان مرکز متعهد هستند که هیچ یک از اسناد، حقایق یا سایر اطلاعات مربوط به اختلاف یا جریان میانجیگری را برای اشخاص ثالث فاش ن سازند.

۲. هیچ یک از مشاهدات، اظهارات یا پیشنهادات ارائه شده در اثنای میانجیگری یا اسنادی که به منظور میانجیگری تهیه شده اند نباید خارج از میانجیگری فاش شوند یا بدون رضایت کتبی تمامی اشخاص حاضر در میانجیگری استفاده شوند، مگر در حدود لازم برای اجرای موافقت نامه کتبی حل و فصل اختلاف یا در مواردی که به موجب قانون حاکم به نحو دیگری ضروری باشد.

۳. جلسات میانجیگری خصوصی است. با رضایت میانجیگر طرفین میتوانند توالی کنند که اشخاصی غیر از طرفین، نماینده (ها) یا مشاور(های) آنها در جلسات شرکت کنند.

۴. در صورت عدم توافق طرفین خلاف او و مگر آن که به موجب قانون حاکم منع شده باشد، موافقت نامه حل و فصل اختلاف باید محرمانه باقی بماند، به استثنای آن که یک طرف، به میزانی که به موجب قانون حاکم یا برای اجرای موافقت نامه حل و فصل اختلاف لازم است، حق افشای آن را داشته باشد.

بخش چهارم: ختم جریان رسیدگی و موافقتنامه حل و فصل اختلاف

ماده ۱۲: ختم جریان رسیدگی

۱. جریان میانجیگری در موارد زیر خاتمه می یابد

الف) با امضای موافقت نامه حل و فصل اختلاف متضمن ختم دعوی توسط تمامی طرفین

ب) اگر درخواست معیوب یا ناقصی به مرکز ارائه شده باشد و مطابق درخواست مرکز طبق بند ۴ ماده ۲ قواعد در مدت زمان مناسب اصلاح نشده باشد؛

پ) با انقضا مهلت تعیین شده توسط میانجیگر یا طرفین برای حل و فصل اختلاف در صورتی که با موافقت میانجیگر و طرفین تمدید نشود

ت) در صورت عدم پرداخت ودیعه ها مطابق ماده ۱۸ یا هزینه های اداری مطابق ضمیمه الف قواعد در مهلت تعیین شده توسط مرکز.

۲. میانجیگر باید ختم میانجیگری را به طور کتبی به مرکز اطلاع دهد. در این مکاتبه باید تاریخ ختم و اینکه آیا میانجیگری منجر به حل و فصل کامل، جزئی یا عدم حل اختلاف شده است، مشخص شود.

۳. مرکز باید ختم میانجیگری را به طور کتبی تایید نموده و آن را به میانجیگر و طرفین ابلاغ نماید.

۴. به درخواست میانجیگر یا هر یک از طرفین مرکز باید گواهی میانجیگری صادر نماید. گواهی میانجیگری تصدیق میکند که میانجیگری صورت گرفته است و بیان می‌کند که آیا میانجیگری منجر به حل و فصل اختلاف شده است یا خیر. مرکز میتواند برای صدور گواهی میانجیگری هر سند مرتبطی را از میانجیگر یا طرفین مطالبه کند. این اسناد باید به زبان انگلیسی یا فارسی ارائه شوند یا به یکی از این زبان‌ها ترجمه رسمی شوند.

ماده ۱۳: موافقت نامه حل و فصل اختلاف

۱. حل و فصل اختلاف تنها در صورتی حاصل می‌شود که به طور کتبی تنظیم شده و به امضای همه طرفین جریان رسیدگی رسیده باشد، مگر آنکه تمامی طرفین به طور کتبی به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲. به درخواست طرفین، و در صورتی که میانجیگر نسخه اصلی امضا شده موافقت نامه حل و فصل اختلاف را به مرکز ارائه دهد یا در صورتی که طرفین موافقت نامه حل و فصل اختلاف را در مرکز امضا کنند، مرکز میتواند اصالت موافقت نامه را تأیید نماید.

بخش پنجم: سایر جریان‌های رسیدگی

ماده ۱۴: توسل به سایر جریان‌های رسیدگی

۱. موافقتنامه میانجیگری مطابق این قواعد مانع از سرگیری یا ادامه رسیدگی قضایی، داوری، یا رسیدگی‌های مشابه در رابطه با اختلاف نمی‌باشد، مگر آنکه تمامی طرفین به طور کتبی به نحو دیگری توافق کرده باشند یا توسط قانون حاکم منع شده باشد.

۲. میانجیگر نباید در هیچگونه جریان قضایی، داوری، یا جریان‌های مشابه در رابطه با اختلافی که موضوع رسیدگی مطابق این قواعد بوده رسیدگی نموده یا در حال رسیدگی باشد، به عنوان قاضی داور، کارشناس، نماینده یا مشاور یک طرف، در گذشته یا حال، عمل کرده باشد، مگر آنکه تمامی طرفین به طور کتبی به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۱۵: قابلیت پذیرش دلیل در سایر جریان‌های رسیدگی

در صورت عدم توافق طرفین خلاف آن، موارد زیر نباید به هیچ وجه توسط یک طرف به عنوان دلیل در سایر رسیدگی‌ها اعم از قضایی، داوری یا رسیدگی‌های مشابه ارائه شود، مگر آنکه قانون حاکم آن را لازم بداند:

الف) هرگونه مشاهدات، اظهارات یا پیشنهادات ارائه شده در جریان میانجیگری یا مدارکی که به منظور میانجیگری تهیه شده اند، مگر اینکه توسط طرفی که خواستار ارائه آنها است به طور مستقل قابل دستیابی باشد؛ یا
ب) شهادت میانجیگر در مورد هر جنبه‌ای از جریان میانجیگری.

بخش ششم: هزینه‌ها

ماده ۱۶: هزینه‌های میانجیگری

۱. علاوه بر حق الزحمه و مخارج میانجیگر، هزینه‌های میانجیگری شامل حق الثبت و هزینه‌های اداری مطابق با ضمیمه الف قواعد لازم الاجرا در تاریخ ثبت درخواست در مرکز می‌باشد.

۲. حق الزحمه میانجیگر بر اساس زمان صرف شده توسط میانجیگر بر مبنای نرخ ساعتی که توسط میانجیگر و طرفین پیش از شروع میانجیگری توافق شده است، محاسبه می‌شود، مگر آن که طرفین و میانجیگر به نحو دیگری توافق نمایند.

۳. پرداخت حق الزحمه و مخارج میانجیگر بر عهده طرفین است. هرگونه اختلاف نظر راجع به حق الزحمه و مخارج میانجیگر باید به مدیر مرکز ارجاع و توسط وی اتخاذ تصمیم شود.

ماده ۱۷: تسهیم هزینه‌ها

۱. کلیه هزینه‌های میانجیگری به طور مساوی بین طرفین تسهیم می‌شوند، مگر آن که تمامی طرفین به طور کتبی به نحو دیگری توافق کرده باشند، طرفین مشترکاً و منفرداً در قبال کلیه هزینه‌های میانجیگری مسئول هستند.

۲. کلیه هزینه‌هایی که شخصا توسط هر یک از طرفین در رابطه با میانجیگری انجام شده، از قبیل هزینه‌های قانونی، بر عهده همان طرف است، مگر آن که تمامی طرفین به طور کتبی به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۱۸: تودیع هزینه‌ها

۱. مرکز میتواند، پیش از انتصاب یا تایید میانجیگر، از هر یک از طرفین بخواهد که به طور مساوی مبلغی را بابت پیش پرداخت هزینه‌های میانجیگری مندرج در ماده ۱۶ قواعد تودیع نمایند. در صورت عدم پرداخت سهم توسط هر یک از طرفین، طرف دیگر در پرداخت کل پیش پرداخت هزینه‌های میانجیگری آزاد است.

۲. مرکز میتواند در مقاطع زمانی مختلف از طرفین درخواست نماید که پرداخت‌های بیشتری برای هزینه‌های میانجیگری انجام دهند.

۳. هرگاه ظرف مهلت مقرر از سوی مرکز، ودیعه‌های مقرر، جزئا «یا کلاً» پرداخت نگردد، مرکز باید مراتب را به اطلاع طرفین برساند تا یکی از ایشان مبلغ موردنظر را پرداخت کند. چنانچه این پرداخت ظرف مهلت مقرر از سوی مرکز انجام نشود، مرکز میتواند حسب مورد، دستور تعلیق یا ختم جریان میانجیگری را صادر کند.

۴. تمامی پرداخت‌های مربوط به هزینه‌های میانجیگری به حساب مرکز تودیع شده و توسط مرکز نگهداری میشوند. هرگونه سود حاصل از ودیعه‌ها متعلق به مرکز می‌باشد.

ضمیمه الف: جدول هزینه‌ها

جدول هزینه‌های حاضر از ابتدای ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱ لازم الاجرا بوده و بر تمامی میانجیگری‌هایی که از این تاریخ آغاز شوند، قابل اعمال می‌باشد.

۱. حق الثبت (غیر قابل برگشت)

۱-۱. حق الثبتی معادل ۲۵۰ یورو برای انتصاب میانجیگر اعمال می‌گردد.

۲-۱. در صورتی که طرفین از مرکز بخواهند بیش از یک میانجیگر را نصب پاتایید کند، یا جایگزینی برای میانجیگر(ها) تعیین کند، مرکز برای هر انتصاب یا تایید، مبلغی اضافی معادل ۲۵۰ یورو را اخذ می‌کند.

۳-۱. مرکز، تا پرداخت کامل حق الثبت، نسبت به انتصاب یا تأیید میانجیگر اقدام نمی‌کند.

۴-۱. حق الثبت غیر قابل برگشت است.

۲. هزینه‌های اداری

۱-۲. هزینه‌های اداری محاسبه شده مطابق جدول ذیل، بر تمامی میانجیگری‌هایی که توسط مرکز اداره می‌شوند، اعمال می‌گردد.

۲-۲. مرکز برای تمامی میانجیگری‌ها، مبلغی معادل ۵۰۰ یورو، به عنوان حداقل هزینه‌های اداری، اخذ می‌نماید، مگر اینکه به نحو دیگری تصمیم‌گیری نماید.

۳-۲. هزینه‌های اداری شامل حق الزحمه و مخارج میانجیگر نمی‌شود.

۴-۲. در مواردی که مبلغ مورد اختلاف در جریان میانجیگری افزایش یابد، مرکز میتواند مطابق آن هزینه‌های اداری را تعدیل نموده و از طرفین مطالبه نماید.

نمونه موافقت نامه میانجیگری مرکز منطقی‌های داوری تهران

بدینوسیله طرفین توافق مینمایند که اختلاف شرح داده شده در زیر را به میانجیگری مطابق با قواعد میانجیگری مرکز منطقه‌ای داوری تهران ارجاع دهند.

شرح اختلاف :

.....

دفتر چهارم - مقررات مرکز داوری اتاق تعاون

آیین نامه داوری در بخش تعاونی

بخش اول: کلیات

ماده ۱- اصطلاحات و تعاریف

اصطلاحات و عبارات مندرج در این آیین نامه در معانی مشروح ذیل به کار می‌رود.

۱- داوری: به معنای رسیدگی و حل و فصل اختلافات میان اعضاء یا سهامداران غیرعضو تعاونی‌ها با تعاونی مربوطه یا تعاونی‌ها با یکدیگر و یا اعضاء اتاقهای تعاون با اتاق مربوطه در خارج از دادگاه در اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون است که طرفین اختلاف، داوری را به موجب اساسنامه مورد عمل خود یا شرط ضمن عقد یا توافق بعدی به آنها ارجاع نموده‌اند.

۲- مرجع داوری: حسب مورد عبارت است از اتحادیه تعاونی مربوط یا اتاق تعاون اعم از شهرستان، استان و مرکزی، خواه طرفهای دعوا، عضو آن اتحادیه تعاونی یا اتاق تعاون باشند یا نباشند. در صورت عدم وجود اتحادیه تعاونی مربوط یا وقوع اختلاف بین تعاونی‌های با نوع و ماهیت متمایز یا موضوع فعالیت مختلف، مرجع داوری براساس مرکز اصلی این تعاونی‌ها، حسب مورد، اتاق تعاونی شهرستان، استان و مرکزی خواهد بود.

تبصره- مرجع داوری، وظیفه هماهنگی، سازماندهی، نظارت و مدیریت جریان داوری را به عهده دارد بدون آنکه خود مباشرت به داوری کند.

۳- اتحادیه تعاونی مربوط: اتحادیه‌ای است که تعاونی عضو آن است و یا موضوع فعالیت آن با فعالیت تعاونی طرف اختلاف، واحد یا مشابه است. تبصره ۱ - در مواردی که تعاونی عضو هیچ اتحادیه‌ای نیست و نیز در مواردی که تعاونی عضو بیش از یک اتحادیه است، اتحادیه تعاونی مربوط اتحادیه‌ای است که موضوع فعالیت آن با موضوع فعالیت تعاونی بیشترین تشابه را داشته باشد.

تبصره ۲ - در موارد اختلاف تشخیص با وزارت تعاون است.

۴- سهامدار غیرعضو: شخص حقیقی یا حقوقی غیرعضو که دارای سهام تعاونی است.

۵- داور: فرد یا افرادی که اتحادیه‌های تعاونی یا اتاق‌های تعاون برای انجام داوری موضوع این مقررات، از بین افراد متعهد، با تجربه و دارای دانش حقوقی یا تجاری یا آشنا به موضوعات تعاونی و فنی مربوط به موضوع اختلاف انتخاب می‌نماید. داور در این مقررات اعم از داور واحد یا هیأت داوری است.

ماده ۲- قلمرو و محدوده داوری

۱- داوری میان طرفهای دعوا در محدوده موضوع فعالیت تعاونی و مفاد اساسنامه یا در روابط متقابل تجاری و صنفی آنها مشمول قواعد و مقررات مندرج در این آیین نامه خواهد بود.

تبصره - رسیدگی به دعاوی کیفری و اختلافات با ماهیت یا وصف جزایی از شمول این مقررات خارج بوده و تشخیص این امر با داور یا مرجع داور است. همچنین رسیدگی به دعاوی اعضا یا سهامداران غیرعضو شرکتهای تعاونی بایکدیگر یا با اشخاص ثالث جز در صورت توافق دو طرف از شمول این مقررات مستثنی می‌باشد.

۲- طرفین اختلاف که به موجب اساسنامه مورد عمل موظف به ارجاع اختلافات به داور شده‌اند باید براساس مقررات حاضر، اختلافات خود را از اعم از آن که در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله از رسیدگی باشد به مرجع داور مورد توافق ارجاع دهند و در صورتی که چنین تکلیفی در اساسنامه مقرر نشده باشد، می‌توانند با توافق، موضوع مورد اختلاف را به داور ارجاع کنند.

ماده ۳- موافقتنامه داور

۱- موافقتنامه داور توافقی است که به موجب آن طرفین حل و فصل تمام یا بعضی از اختلافات خود را که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیرقراردادی بوجود آمده یا ممکن است در آینده حادث شود به داور اتحادیه تعاونی یا اتاق تعاون محول می‌نمایند.

۲- در مواردی که طرفین دعوا به موجب اساسنامه مورد عمل خود، داور موضوع این مقررات را پذیرفته‌اند مندرجات اساسنامه آنها در این زمینه به منزله موافقتنامه داور محسوب می‌شود. موافقتنامه داور در سایر موارد می‌تواند طی هرگونه سندی که به امضای طرفین رسیده است یا از طریق مبادله نامه، یا نظایر آن منعقد شده باشد.

۳- ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داور باشد نیز به منزله موافقتنامه داور است.

بخش دوم: جریان داور

ماده ۴- درخواست داور

داور با تسلیم درخواست به مرجع داور به عمل می‌آید.

درخواست داور باید متضمن نکات زیر باشد:

۱- مشخصات کامل و نشانی طرفین.

۲- تعیین خواسته.

۳- توضیح ادعا و دلایل آن و وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است.

۴- شرط داور یا موافقتنامه داور.

۵- اظهار نظر در مورد تعداد داوران.

۶- امضاء خواهان (در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت).

تبصره ۱- خواهان داور مکلف است رونوشت یا تصویر مصدق اسناد مثبت را ضمیمه درخواست خود کرده واصل آنها را در صورت درخواست داور یا مرجع داور ارائه نماید.

تبصره ۲- در صورتی که درخواست داور به نمایندگی یا وکالت تقدیم شود، درج مشخصات نماینده یا وکیل و ارائه اسناد مثبت سمت الزامی خواهد بود.

تبصره ۳- تسلیم درخواست داور ناقص به مرجع داور، مادام که تکمیل نشده، تکلیفی برای مرجع داور ایجاد نمی‌نماید.

ماده ۵ - تبادل لوایح

الف- پس از دریافت درخواست داور، مرجع داور یک نسخه از درخواست و اسناد و مدارک ضمیمه آن را جهت پاسخ‌گویی به خواننده ابلاغ می‌کند. خواننده باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ درخواست داور، پاسخ خود را که مشتمل بر اطلاعات ذیل باشد، به مرجع داور تسلیم نماید:

۱. مشخصات کامل همراه با نشانی پستی و حسب مورد هرگونه اسناد مثبت سمت؛ در صورتیکه دفاع به نمایندگی یا وکالت به عمل آید.

۲. پاسخ به ادعاها، بیان ایرادات و مدافعات و ارائه هرگونه دلیل و اسناد و مدارک.

۳. اظهار نظر در خصوص تعداد داوران .

ب- در صورتیکه خواننده دعوای متقابلی داشته باشد باید ضمن پاسخ به درخواست داور، به مرجع داور تسلیم و ثبت کند. دعوای متقابل باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱. بیان دعوا، منشاء و دلایل آن .

۲. ذکر خواسته دعوای متقابل.

ج- مرجع داور دعوای متقابل را به خواهان ابلاغ می‌کند و خواهان باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ آن، لایحه جوابیه خود را به مرجع داور تسلیم نماید.

د- پس از تبادل لوایح اولیه به شرح فوق و تکمیل پرونده و تعیین «داور» طبق این آئین‌نامه و اعلام قبولی او، مرجع داور پرونده را به «داور» تسلیم می‌کند .

ماده ۶- ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها

ابلاغ کلیه اوراق و اخطاریه‌ها از طریق پست سفارشی انجام خواهد شد. ابلاغ اوراق در محل داور به صورت حضوری نیز معتبر است.

بخش سوم : ترکیب داور

ماده ۷- تعیین داوران

الف) طرفین می‌توانند ضمن موافقتنامه داور یا به موجب توافقنامه جداگانه، در خصوص تعداد داوران، توافق نمایند. در صورت فقدان چنین توافقی و نیز در صورتیکه بین طرفین در این خصوص اختلاف باشد، به ترتیب زیر اقدام خواهد شد و رجوع طرفین به مرجع داور به منزله قبول ترتیبات زیر است:

مرجع داور با توجه به موضوع دعوی، یک نفر را به عنوان داور انتخاب می‌نماید و به طرفین اعلام می‌کند تا اگر اعتراض یا جهات رد نسبت به داور مذکور دارند، ظرف مهلت پنج روز پس از معرفی داور به مرجع داور، اعلام کنند.

چنانچه هر یک از طرفین ظرف مهلت مقرر اعتراض یا جهات رد موجهی نسبت به داور منتخب اعلام نمایند و مورد قبول مرجع واقع شود، مرجع داور فرد دیگری را معرفی خواهد نمود، در غیر اینصورت مرجع داور پرونده را به او تسلیم می‌کند.

ب) در مواردی که توافق شده هیأت داور به اختلاف رسیدگی کند، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

● هر یک از طرفین مکلف است داور اختصاصی خود را ظرف مدتی که مرجع داور تعیین می‌کند از میان داوران مرجع انتخاب و معرفی کند و سپس طرفین یا داوران اختصاصی ایشان (با موافقت طرفین)، مکلفند ظرف مدت پنج روز داور سوم (سرداور) را به اتفاق تعیین و معرفی نمایند.

● در صورتیکه طرفین ظرف مهلت مقرر داوران اختصاصی خود یا سرداور را انتخاب و معرفی نکنند، مرجع داور حسب مورد، داور طرف ممتنع یا سرداور (یا هر دو) را، انتخاب و معرفی می‌نماید تا اگر هر یک از طرفین اعتراض یا جهات رد نسبت به داور اختصاصی طرف دیگر یا سرداور دارند، ظرف مهلت پنج روز پس از معرفی داور به مرجع اعلام کنند.

تبصره ۱- رسیدگی به اعتراض یا جهات رد نسبت به داور یا سرداور که در این مرحله مطرح شود، با مرجع داور است و تصمیم مرجع در این خصوص قطعی است و در صورتیکه اعتراض یا جهات رد متوجه باشد و مورد قبول قرار گیرد، مرجع داور فرد دیگری به ترتیب فوق انتخاب می‌کند.

تبصره ۲- داور یا داوران منتخب بایستی موافقت خود را نسبت به هر داور یا سرداور پرونده اعلام کنند.

تبصره ۳- در مواردی که داور توسط هیأتی متشکل از سه داور انجام می‌شود حداقل یکی از داوران آن باید از میان کارشناسان حقوقی (ترجیحاً آشنا به مسائل حقوقی بخش تعاون) تعیین شود.

تبصره ۴- تعیین داور یا داوران با رأی اکثریت هیأت‌مدیره و هیأت بازرسی خواهد بود.

ماده ۸- موارد جرح داور

الف - اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان بعنوان داور انتخاب نمود:

۱- اشخاصی که بیطرفی و استقلال ایشان در موضوع داوری، محل تردید باشد.

۲- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.

۳- اشخاصی که بموجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند.

۴- کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی.

ب- اشخاص زیر را نمی‌توان به عنوان داور معرفی و منصوب کرد مگر با تراضی طرفین:

۱- کسانی که سن آنها کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد.

۲- کسانی که در دعوی ذینفع باشند.

۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.

۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا هستند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنها باشد.

۵- کسانی که خود یا همسرشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.

۶- کسانی که خود یا همسرشان با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دعوی کیفری داشته باشند.

۷- کسانی که خود یا همسرشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم آنها با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دعوی حقوقی داشته باشد.

۸- کارمندان دولت در حوزه ماموریت آنان.

۹- اعضای هیأت‌مدیره و بازرسان و مدیرعامل اتحادیه‌های تعاونی و رؤسا، مدیران و دبیران اجرایی اتاق‌های تعاون.

تبصره- پس از تعیین داور، طرفین در صورت حدوث موجبات جرح می‌توانند تا قبل از صدور رأی داوری اعتراض خود را با ذکر دلایل و مستندات مربوطه به مرجع داوری اعلام نمایند. مرجع داوری موظف است پس از دریافت تقاضای جرح داور، در اسرع وقت به اعتراض وی رسیدگی و نظر قطعی خود را که برای طرفین لازم‌الاجرا است، اعلام نماید.

داور باید تا اعلام نظر مرجع داوری، رسیدگی به اختلاف موضوع داوری را متوقف نماید.

ماده ۹- داور جانشین

در صورت فوت یا حجر یا استعفاء و یا لغو حکم داور یا داوران از سوی مرجع داوری به دلیل قصور یا ناتوانی در انجام وظایف داوری و یا ثبوت جهات رد داور، مرجع داوری موظف است حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تعیین داور جایگزین اقدام نماید.

بخش چهارم - رسیدگی

ماده ۱۰- مقررات عمومی

داور باید با رعایت مقررات این آیین نامه و قوانین و مقررات جاریه، جریان داوری را به نحو مقتضی اداره و به موضوع رسیدگی نماید و با طرفین اختلاف همواره رفتار مساوی و یکنواخت داشته باشد و به هر کدام از آنان، فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل و مستندات بدهد.

ماده ۱۱- جلسه رسیدگی

۱- تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارائه ادله و توضیحات بر عهده داور است ولی در صورتی که یکی از طرفین حسب مورد در درخواست داوری یا لایحه دفاعیه تقاضای تشکیل جلسه کند، برگزاری جلسه با حضور طرفین الزامی است.

۲- در مواردی که هیأت داوری متشکل از سه نفر است، جلسات رسیدگی هیأت، با حضور اکثریت اعضای آن رسمیت خواهد یافت.

۳- کلیه لوایح، مدارک و یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به داور تسلیم و ارائه شده و همچنین گزارش و نظریه کارشناس منتخب داور یا مورد توافق طرفین باید به طرفهای اختلاف ابلاغ گردد.

۴- داور صورت مجلسی از مذاکرات جلسه رسیدگی تهیه و به امضای حاضرین خواهد رساند. طرفین می‌توانند از صورت مجلس تنظیمی درخواست رونوشت کنند.

۵- داور علاوه بر رسیدگی به دلایل استنادی طرفین، هرگونه تحقیقی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد.

ماده ۱۲- قصور هر یک از طرفین

۱- در صورتی که خوانده داور در مهلت مقرر لایحه دفاعیه ارائه ندهد، داور براساس دلائل و اسناد موجود، رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

۲- عدم حضور هر یک از طرفین در جلسه رسیدگی یا خودداری آنان از ارائه ادله و مدارک مورد استناد، مانع از رسیدگی به موضوع اختلاف نبوده و داور براساس مدارک موجود رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد کرد.

ماده ۱۳- محل داور

داوری در مرکز اصلی (اقامتگاه قانونی) مرجع داور انجام خواهد شد مگر آنکه باتوجه به شرایط و اوضاع و احوال دعوا و سهولت دسترسی به طرفین و تسریع در رسیدگی، محل دیگری توسط داور تعیین شود. در هر حال طرفین می‌توانند با موافقت داور و با تعهد به تأمین هزینه مسافرت داور یا داوران، محل داور را با توافق یکدیگر معین کنند.

ماده ۱۴- مدت داور

مدت داور سه ماه ابتدای آن روزی است که موضوع برای انجام داور به داور یا هیأت داور ارجاع می‌گردد.

ماده ۱۵- زبان داور

زبان داور فارسی است. در صورت عدم تسلط هریک از طرفین به زبان فارسی بایستی از مترجم استفاده شود.

ماده ۱۶- ارجاع امر به کارشناسی

داور می‌تواند در موارد لزوم و یا به تقاضای هر یک از طرفین، موضوع را به کارشناس متخصص ارجاع کند. در این صورت، طرفین مکلفند هرگونه اطلاعات و مدارک موردنیاز را در اختیار کارشناس منتخب خود قرار دهند. نظریه کارشناسی از طریق مرجع داور به طرفین ابلاغ می‌گردد تا چنانچه به مفاد آن اعتراض دارند حداکثر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اعلام نمایند. اعتراض مذکور در هیأت کارشناسی مرکب از سه نفر کارشناس به انتخاب داور یا به توافق طرفین، رسیدگی شده و نظری که این هیأت صادر و اعلام می‌کند، قطعی و غیرقابل اعتراض و مبنای تصمیم‌گیری داور خواهد بود.

بخش پنجم - ختم رسیدگی، صدور رأی و اجرای آن

ماده ۱۷- خاتمه رسیدگی

رسیدگی داور در موارد زیر خاتمه می‌یابد:

الف: استرداد درخواست داور از ناحیه خواهان مگر آنکه دعوی در مرحله صدور رأی باشد و خوانده به آن اعتراض ننماید و یا خواهان از اصل دعوی خود صرف‌نظر کند.

ب: توافق طرفین بر ختم رسیدگی و حل و فصل اختلافات خود به طریق مصالحه و سازش و با شرایط مرضی‌الطرفین.

ج: صدور رأی به موجب ماده ۱۸.

ماده ۱۸- صدور رأی

۱- داور باید براساس قوانین و مقررات جاری و اصول و قواعد حقوقی حاکم بر ماهیت اختلاف، حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ اعلام ختم رسیدگی،

رأی مقتضی را صادر نماید.

- ۲- شرایط و مندرجات قرارداد طرفین و عرف و عادت و احوال مربوط باید در اتخاذ تصمیم داور مدنظر قرار گیرد.
- ۳- تصمیم داور یا هیأت داوری که با اکثریت اعضای آن اتخاذ شده، معتبر خواهد بود و به منزله رأی مرجع داوری است.
- ماده ۱۹- شکل و محتوای رأی

الف - رأی داور باید کتبی و حاوی نکات زیر باشد:

- ۱- شماره و تاریخ صدور رأی.
- ۲- مشخصات طرفین و وکیل یا نمایندگان قانونی آنها با قید اقامتگاه.
- ۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین.
- ۴- گردش کار.
- ۵- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی براساس آنها صادر شده است.
- ۶- مشخصات داور یا هیأت داوری.
- ب- رأی داور باید مستند، موجه و مدلل بوده و مغایر با قوانین و مقررات موجد حق نباشد.
- ج - رأی باید به امضای داور (و در مورد هیأت داوری به امضای تمام یا اکثریت اعضای آن) رسیده و ممهور به مهر مرجع داوری باشد.
- ماده ۲۰ - ابلاغ رأی

رأی پس از صدور، توسط مرجع داوری به طرفین ابلاغ می‌گردد مشروط بر آنکه هزینه‌های داوری به مرجع داوری پرداخت شده باشد. ابلاغ رأی حسب مورد بصورت حضوری در مرجع داوری و یا از طریق پست سفارشی به آخرین اقامتگاه قانونی اعلامی طرفین صورت می‌پذیرد.

ماده ۲۱- اصلاح، تفسیر و تکمیل رأی

- ۱- تا زمانی که رأی داوری اجرا نشده است، هر یک از طرفین می‌تواند از داور درخواست تصحیح اشتباهات نگارشی و محاسبه‌ای رأی یا رفع ابهام از آن بنماید. داور نیز می‌تواند در صورت ملاحظه هرگونه اشتباه یا ابهام در رأی صادره رأساً اقدام به تصحیح یا تفسیر رأی نماید.
- ۲- داور باید ظرف پنج روز از تاریخ دریافت تقاضای تصحیح یا تفسیر رأی، یا پنج روز از زمان اطلاع از اشتباه، نسبت به اصلاح یا تفسیر آن اقدام کند. تبصره- داور به محض آگاهی از اشتباه خود مکلف است مراتب را طی گزارشی به اطلاع مرجع داوری برساند.
- ۳- هر یک از طرفین می‌تواند با ارسال اظهاریه‌ای ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی، از داور تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که در طول جریان داوری مطرح شده ولی در رأی صادره مورد حکم قرار نگرفته است، رأی تکمیلی صادر نماید. داور در صورتی که درخواست مزبور را موجه تشخیص دهد، ظرف ده روز مبادرت به صدور رأی تکمیلی خواهد کرد.

۴- مقررات ماده ۱۹ در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۲۲- اجرای رأی

رأی داور در موارد ذیل باطل و در سایر موارد ظرف بیست روز پس از ابلاغ، لازم‌الاجرا است. هرگاه محکوم علیه در مهلت مذکور رأی را اجرا ننماید، در صورت تقاضای کتبی محکوم له از دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، برگ اجرایی صادر و طبق مقررات به مورد اجرا گذاشته می‌شود:

۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۲- داور نسبت به مطالبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.

۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیار داور است ابطال می‌گردد.

۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

۶- رأی داور به وسیله داورانی صادره شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند.

۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

بخش ششم - سایر مقررات

ماده ۲۳- هزینه‌ها

هزینه‌ها عبارتند از:

۱- هزینه‌های داور

۲- هزینه‌های اداری

ماده ۲۴- هزینه‌های داور

هزینه‌های داور شامل موارد زیر است:

۱- حق الزحمه داوران مطابق ماده ۲۶ آیین نامه .

۲- حق الزحمه کارشناسان مطابق با تعرفه‌های قانونی.

۳- هزینه مأموریت داوران به خارج از حوزه مرجع داور در صورتی که به تقاضای هر یک از طرفین ویاتصمیم داور و تأیید مرجع داور انجام شده باشد.

ماده ۲۵- هزینه‌های اداری

هزینه‌های اداری شامل تدارک مکان مناسب برای برگزاری جلسات داور، امور دبیرخانه، تأمین منشی و نظایر آن مبلغ سیصد هزار ریال (۳۰۰۰۰۰) می‌باشد.

ماده ۲۶- تعیین حق الزحمه داور

حق الزحمه داوران به شرح ذیل تعیین می‌شود:

۱- حق الزحمه داور در صورت واحد بودن داور پانصد هزار (۵۰۰۰۰۰) ریال و در صورتی که داور توسط هیأت صورت پذیرد به ازای هر نفر سیصد هزار (۳۰۰۰۰۰) ریال خواهد بود.

۲- چنانچه دعاوی متعدد باشد حق الزحمه هر دعوی جداگانه تعیین و بر مبنای تعرفه فوق محاسبه و تعیین می‌گردد. تشخیص متعدد بودن دعاوی با مرجع داور خواهد بود.

۳- حق الزحمه داور طبق تعرفه در زمان انتخاب داوران تعیین می‌شود.

۴- چنانچه در اثنای کار داور، طرفین سازش نمایند، تعیین میزان حق الزحمه داوران با توجه به اقدامات انجام شده با مرجع داور خواهد بود.

۵- حق الزحمه داوران باید در حساب خاصی که از سوی مرجع داور برای این امر اختصاص یافته تودیع و پس از انجام کار داور طبق مقررات به آنها پرداخت شود.

۶- چنانچه امر داور مستلزم عزیمت به خارج از محل مرجع داور باشد هزینه سفر بر مبنای هر کیلومتر رفت و برگشت ۵۰۰ ریال و برای هر روز مقطوعاً دوپست هزار ریال تعیین می‌گردد. کسر کیلومتر و روز کامل محاسبه خواهد شد.

ماده ۲۷- تأمین هزینه‌ها

الف - مسئولیت پرداخت

- پرداخت هزینه‌های موضوع مواد قبل به عهده متقاضی هر مورد اعم از داور، کارشناسی و سایر موارد خواهد بود.

تبصره ۱- محکوم له داور می‌تواند هزینه‌های پرداختی را از محکوم علیه مطالبه نماید.

تبصره ۲- چنانچه در موافقتنامه داور یا بموجب توافق بعدی طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد، به همان ترتیب عمل خواهد شد.

ب - زمان پرداخت

- زمان پرداخت هزینه‌های داور به ترتیب زیر است:

- ۱- هزینه اداری همزمان با تسلیم درخواست داوری به مرجع داوری.
 - ۲- حق الزحمه داوری پس از تعیین داور.
 - ۳- حق الزحمه کارشناسی پس از تعیین کارشناس.
 - ۴- هزینه ماموریت پس از تایید مرجع داوری .
- ماده ۲۸- داوری اختلافات داخلی و خارجی در موارد و موضوعاتی که در مقررات حاضر پیش‌بینی نشده است، به ترتیب تابع مقررات عمومی و آئین رسیدگی مندرج در باب هفتم قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ خواهد بود.

آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون ایران

(مصوب مجمع عمومی مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۹)

مقدمه :

به استناد بند ۱۴ ماده (۹) موضوع ماده ۵۷ قانون اصلاح موادی از قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۳/۰۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی و همچنین بند ۱۴ و تبصره ۲ از ماده ۴ اساسنامه اتاق تعاون ایران ابلاغیه وزیر محترم تعاون کار رفاه اجتماعی به شماره ۱۸۷۷۹۹ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۹ و همچنین بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۳۰۳۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۰ رئیس محترم قوه قضائیه، به منظور حل و فصل اختلافات حقوقی و داوری در امور حرفه‌ای بین اشخاص حقوقی بخش تعاونی با یکدیگر و یا با سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز بین هر شخص حقوقی بخش تعاونی با اعضایش از طریق مرکز داوری اتاق با رعایت موازین قانونی در قالب موسسه انتفاعی در تهران تأسیس می‌گردد و به اختلافات یاد شده رسیدگی می‌نماید که در مقررات مربوط به این اشخاص یا در قرارداد منعقد شده بین و با توافق به مرجع داوری موضوع این آئین نامه ارجاع گردد. ضمناً نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون ایران بموجب اساسنامه اتاق تعاون ایران که در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۵ تصویب مجمع عمومی اتاق تعاون رسید و آئین نامه تشکیل و فعالیت مرکز داوری است که به تصویب هیئت رئیسه اتاق تعاون ایران رسیده است می‌باشد.

بخش یکم - کلیات

فصل اول - اصطلاحات و عبارات :

- ماده ۱- اصطلاحات و عبارات مندرج در اساسنامه مرکز داوری اتاق تعاون ایران و این آئین نامه در معانی مشروحه ذیل به کار می‌رود:
- بند ۱/۱- آئین نامه داوری: موضوع تبصره ۲ ماده ۴ اساسنامه اتاق تعاون ایران و اصلاح آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون ایران
- بند ۱/۲- اتاق تعاون : اتاق تعاون ایران
- بند ۱/۳- اتحادیه تعاونی : منظور اتحادیه تعاونی سراسری و استانی و شهرستانی است.

بند ۱/۴- تعاونی: منظور شرکت تعاونی که به موجب قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰ و اصلاحیه‌های آن در سنوات ۱۳۷۷ و ۱۳۹۳ تشکیل شده باشد.

تبصره: در مواردی که تعاونی عضو هیچ اتحادیه‌ای نیست و نیز در مواردی که تعاونی عضو بیش از یک اتحادیه است، اتحادیه تعاونی مربوط اتحادیه‌ای است که موضوع فعالیت آن با موضوع فعالیت تعاونی بیشترین تشابه را داشته باشد. و در موارد اختلاف تشخیص حسب مورد با اتاق تعاون ایران، استان و شهرستان است.

بند ۱/۵- خواهان: شخصی که در مراجع قضائی با غیر قضائی از جمله داوری اقامه دعوی نماید.

بند ۱/۶- خوانده: به شخص طرف دعوی یا اختلاف گفته می‌شود.

بند ۱/۷- سهامدار غیر عضو: شخص غیر عضو که دارای امتیاز با سهام تعاونی است.

بند ۱/۸- شخص غیر عضو تعاونی: کلیه افراد حقیقی یا حقوقی غیر عضو تعاونی که به نحوی از انحاء بطور مستقیم یا مع الواسطه طرف قرارداد یا معامله با تعاونی قرار می‌گیرند.

بند ۱/۹- داور با هیأت داوری: فرد یا افرادی هستند که مرکز داوری اتاق تعاون ایران برای انجام داوری موضوع بند ۱۴ ماده ۹ قانون اصلاح ماده ۵۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و این مقررات، از بین افراد متعهد، با تجربه دارای دانش حقوقی یا تجاری یا آشنا به موضوعات تعاونی و فنی مربوط به موضوع اختلاف برای مدت معینی انتخاب می‌نماید. داور در این مقررات اعم از داور واحد با هیأت داوری است.

بند ۱/۱۰- داوری: به معنای رسیدگی و عنداللزوم حل و فصل دعاوی با اختلافات حادث شده بین اشخاص موضوع این آئین نامه و به شیوه مقرر در آن

تبصره: اقامه دعوا در مرکز داوری اتاق‌های استان - شهرستان و یا در مرکز داوری اتاق تعاون ایران بر اساس مرکز اصلی و حوزه فعالیت اشخاص حقوقی مرتبط انجام خواهد شد.

بند ۱/۱۱- داوری تجاری داخلی: عبارت است از حل اختلافات و دعاوی راجع به روابط و معاملات تجاری بین اشخاص بخش تعاونی با سایر اشخاص که در زمان انعقاد موافقتنامه داوری بموجب قوانین ایران، تبعه ایران باشند.

بند ۱/۱۲- داوری تجاری بین المللی: عبارت است از حل اختلافات و دعاوی راجع به روابط و معاملات تجاری بین اشخاص بخش تعاونی با اشخاص است که یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری، طبق قوانین ایران تبعه ایران نباشند.

بند ۱/۱۳- عضو تعاونی: کلیه اعضاء مشمول ماده ۸ قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۰۶/۱۳ می‌شود.

بند ۱/۱۴- عضو اتاق تعاون: کلیه اشخاص حقوقی اعم از شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی

بند ۱/۱۵- قانون بخش تعاونی: قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰ و اصلاحیه‌های آن در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۹۳ و اصلاحات بعدی

بند ۱/۱۶- مراجع داوری بخش تعاون بموجب ماده ۴۳ قانون بخش تعاون و همچنین بند ۱۴ ماده ۵۷ اصلاحی قانون مذاکره عبارتند از: مراکز داوری اتاق‌های تعاون و مرکز داوری اتاق ایران که نهاد داوری اساساً مبنی بر تراضی و توافق طرفین بوده و قابل تفویض به مرجع دیگری نمی‌باشد. ردیف الف: در صورت بروز اختلاف بین تعاونی و اعضاء آن و یا بین تعاونی و سایر شرکتهای تعاونی با موضوع فعالیت مشابه، حل اختلاف و داوری در صلاحیت اتحادیه مربوطه و صرفاً از طریق کدخدا منشی می‌باشد و در صورت عدم حصول نتیجه، خواهان می‌تواند به مرکز داوری اتاق تعاون استان یا شهرستان جهت صدور رأی مراجعه نماید.

تبصره: در صورت عدم وجود اتحادیه تعاونی مربوطه، مرجع داوری بر اساس مرکز اصلی و حوزه فعالیت تعاونی حسب مورد اتاق تعاون شهرستان، استان یا ایران خواهد بود.

ردیف ب: چنانچه بین تعاونی و اتحادیه ذیربط آن اختلافی بروز نماید، موضوع فعالیت به مرکز داوری اتاق تعاون مربوطه جهت داوری ارجاع می‌گردد.

ردیف ج: در صورت بروز اختلاف بین تعاونی و اعضاء آن یا سایر شرکت‌های تعاونی با موضوع فعالیت مشابه در صورت عدم وجود اتحادیه مربوطه و همچنین بین تعاونی‌هایی که موضوع فعالیت آنها مشابه نباشد و بین شرکت تعاونی و اتحادیه تعاونی مربوط، مرجع داوری حسب مورد مرکز داوری اتاق تعاون شهرستان با استان خواهد بود.

ردیف د: مرکز داوری اتاق تعاون ایران مرجع داوری بین شرکت‌های تعاونی و اتحادیه استانی یا اتحادیه شهرستانی با اتحادیه استانی و اتحادیه استانی با اتحادیه سراسری (مرکزی یا کشوری) و شرکت‌های تعاونی فرااستانی با اتحادیه استانی یا سراسری خواهد بود.

تعاونی و اتحادیه تعاونی استانی یا سراسری و یا بین شرکت تعاونی فرااستانی با اتحادیه استانی یا سراسری که موضوع فعالیت آنها مشابه نباشد، یا بین شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی غیر عضو تعاونی با شرکت تعاونی و یا اتحادیه تعاونی و یا اتاق تعاون و بطور کلی هر داوری که طرفین، مرکز داوری اتاق تعاون ایران را انتخاب نمایند. موضوع اختلاف را رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نماید.

بند ۱/۱۷- محل داوری

ردیف الف - در داوریهای داخلی، محل انجام داوری در مقر مرکز داوری اتاق مربوطه خواهد بود.

ردیف ب - در داوریهای بین المللی انتخاب محل داوری با طرفین است و با رعایت قوانین و مقررات مربوط و مفاد قرارداد یا شرط داوری در صورت عدم توافق، مرکز داوری با توجه به اوضاع و احوال پرونده و سهولت دسترسی طرفین، محل را تعیین می‌کند.

ردیف ج - در داوریهای بین المللی با وجود تعیین محل داوری، داور در صورت ضرورت می‌تواند برای مشورت، استماع مطالب طرفین با شهود یا کارشناسان، یا بازرسی محل یا کالا یا اسناد و مدارک، در هر محلی که مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، بهر حال، رأی داوری در محل داوری صادر خواهد شد.

بند ۱/۱۸- زبان داوری

ردیف الف - در داوریهای داخلی زبان داوری، فارسی است و در صورتیکه اسناد و مدارک مورد استناد به زبان دیگری باشد، طرفی که چنین مدارکی را ارائه و به آنها استناد می‌کند، مکلف است ترجمه رسمی آن به زبان فارسی را تهیه و ارائه کند.

ردیف ب - در داوریهای بین المللی، انتخاب زبان داوری با طرفین است و در صورتیکه توافق حاصل نشود، مرکز داوری با توجه به مفاد قرارداد و رعایت قوانین و مقررات مربوط و اوضاع و احوال پرونده زبان داوری را تعیین خواهد کرد.

بند ۱/۱۹ - موافقتنامه داوری

ردیف الف - موافقتنامه داوری توافقی است که به موجب آن طرفین موضوع این آئین نامه حل و فصل تمام یا بعضی از اختلافات خود را که ناشی از یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی بوجود آمده یا ممکن است در آینده حادث شود با رعایت مقررات این آئین نامه و بند ۱۴ ماده ۹ قانون اصلاح موادی از قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷ به داوری اتاق‌های تعاون محول می‌نمایند. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در ضمن قرار داد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.

ردیف ب- در مواردی که طرفین دعوا به موجب اساسنامه مورد عمل خود، داوری موضوع این مقررات را پذیرفته اند مندرجات اساسنامه آنها در این زمینه به منزله موافقتنامه داوری محسوب می‌شود. موافقتنامه داوری در سایر موارد می‌تواند طی هر گونه سندی که به امضای طرفین رسیده یا از طریق مبادله نامه، با نظایر آن منعقد گردد.

ردیف ج - ارجاع به سدی ضمن قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقتنامه داوری است.

تبصره ۱- رسیدگی به دعاوی کیفری و اختلافات با ماهیت یا وصف جزایی از شمول این مقررات خارج بوده و تشخیص این امر با داور یا مرجع داوری است. همچنین رسیدگی به دعاوی اعضاء یا سهامداران غیر عضو تعاونیها یا یکدیگر یا اباشخاص ثالث جز در صورت توافق دو طرف از شمول این مقررات مستثنی می‌باشد.

تبصره ۲- در صورت پذیرش درخواست داوری از سوی هر یک از مراجع مذکور در این آیین نامه طرفین دعوی یا احدی از آنها حق مراجعه به مرکز داوری دیگر در خصوص همان موضوع دعوی را ندارد همچنین وجود شرط داوری یا تنظیم موافقتنامه داوری توسط طرفین بمنزله سلب حق مراجعه به محاکم دادگستری می‌باشد.

تبصره ۳- در ارتباط با رسیدگی به اختلافات حادث شده در اتحادیه‌ها و اتاقها خواه طرفهای دعوا، عضو آن اتاق تعاون با اتحادیه تعاونی باشد یا نباشند. در صورت عدم وجود اتحادیه تعاونی مربوط یا وقوع اختلاف بین تعاونیهای با نوع و ماهیت متمایز یا موضوع فعالیت مختلف، مرجع داوری براساس مرکز اصلی این تعاونیها، حسب مورد، اتاق تعاون شهرستان، استان و ایران خواهد بود. و انتخاب مرجع داوری مانند اتاق تعاون یا اتحادیه به صورت اختیاری بوده که توسط خواهان صورت می‌گیرد.

تبصره ۴ - مراکز داوری، وظیفه هماهنگی، سازماندهی، نظارت و مدیریت جریان داوری را دارد.

تبصره ۵ - داوری اعضاء هیأت مدیره تعاونی، اتاق استان و شهرستان مشروط بر اینکه طرفین پرونده به اتفاق آنها را بعنوان داور انتخاب نمایند بلامانع است.

بند ۱/۲۰- وزارت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

فصل دوم - اهداف تشکیل و فعالیت مرکز داوری

ماده ۲ - اهداف تشکیل و فعالیت مرکز داوری عبارتند از :

بند ۲/۱- ترویج داوری و حل و فصل اختلافات ترجیحاً «با رویکرد صلح و سازش

بند ۲/۲- کاهش مراجعات اشخاص به محاکم قضایی، توسعه مشارکتهای مردمی، رفع اختلافات محلی، حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد، با اموری که ماهیت قضایی آن از پیچیدگی حرفه‌ای در حوزه تعاونیها برخوردار است.

بند ۲/۳- رسیدگی کارشناسانه و بهره مندی از تجربه و تخصص صاحب نظران مرتبط با موضوعات مطروحه به منظور رفع اختلاف یا اختلافات حادث شده به نحو مطلوب، موثر و ضابطه مند

فصل سوم - قلمرو و محدوده داوری

ماده ۳ - داوری میان طرفهای دعوا در محدوده موضوع فعالیت تعاونی و مفاد اساسنامه یا در روابط متقابل تجاری و صنفی آنها، حل و فصل اختلافات حرفه‌ای یا تجاری بین اشخاص حقوقی بخش تعاونی با یکدیگر و یا با سایر اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و اتباع خارجی و نیز بین هر شخص حقوقی بخش تعاونی با اعضا و سهامداران، مشمول قواعد و مقررات مندرج در این آیین نامه خواهد بود.

ماده ۴- کلیه اشخاص موضوع این آئین نامه به عنوان طرفین اختلاف که به موجب اساسنامه مورد عمل موظف به ارجاع اختلافات خود به داوری شده اند باید بر اساس مقررات حاضر، اختلافات خود را اعم از آن که در مراجع قضایی مطرح نشده و یا در صورت طرح شدن، دعوی خود را در هر مرحله از رسیدگی باشد مسترد نماید و به مرجع داوری مورد توافق ارجاع دهند.

تبصره ۱- مقررات ناظر بر داوری، بر مبنای قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ (در بخش داوری) و قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶ سایر قوانین جاری مربوطه و این آیین نامه خواهد بود.

تبصره ۲- ارجاع به داوری در اتاق تعاون ایران یا اتاق تعاون استانها حسب مورد باید در اساسنامه همه طرفها و یا در قراردادهای مورد ارجاع آنها پیش بینی شده باشد؛ یا باید همه طرفها برای ارجاع به داوری کتباً موافقت خود را اعلام کنند.

ماده ۵- مقر مرکزی داوری در شهر تهران و مرکز داوری اتاق تعاون ایران است که نقش راهبری و سیاستگزاری و نظارت بر مراکز داوری استانها، شهرستانها را خواهد داشت.

ماده ۶- مرکز داوری با هدف رسیدگی آسان و روان و ترویج داوری و صلح و سازش می‌تواند به منظور تشویق و ترغیب ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری و نیز تسهیل مراجعه به مرکز داوری و استفاده از خدمات آن و عنداللزوم ارائه نظریه مشورتی بر اساس قوانین و مقررات موضوعه در اتاقهای تعاون استانها و شهرستانها فعالیت نماید. حدود وظایف و اختیارات دفاتر مرکز داوری در استانها و شهرستانها به موجب دستورالعملی است که بنا به تصویب هیأت مدیره مرکز داوری اتاق تعاون ایران خواهد رسید.

تبصره - هیأت مدیره مرکز می‌تواند عندالاجتضاء نسبت به تغییر نشانی مرکز داوری اتاق تعاون ایران اقدام نماید.

ماده ۷- مرکز داوری اتاق تعاون یکی از مراکز وابسته به اتاق تعاون ایران می‌باشد که در صورت اقتضاء و تصویب هیأت مدیره مرکز داوری اتاق تعاون ایران می‌تواند حساب مستقل با شرایط مندرج در اساسنامه داشته باشد.

تبصره - شرایط جذب و گزینش داوران بموجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت مدیره مرکز داوری خواهد رسید و پس از تصویب صدور احکام داوران صرفاً از وظایف و اختیارات مرکز داوری اتاق تعاون ایران می‌باشد.

ماده ۸ - مدت و تابعیت مرکز داوری : از تاریخ تأسیس نامحدود و تابعیت آن ایرانی است.

فصل چهارم - ارکان مرکز داوری اتاق تعاون ایران :

ماده ۹- مرکز داوری دارای ارکان زیر می‌باشد :

بند ۹/۱- هیأت مدیره

بند ۹/۲- رئیس کل

بند ۹/۳ - داوران

تبصره ۱- هیأت رئیسه اتاق تعاون علاوه بر انجام اقدامات قانونی برای تشکیل مرکز، وظایف زیر را در فرآیند تشکیل و فعالیت مرکز بر عهده دارد :

فصل پنجم - هیأت مدیره مرکز داوری اتاق تعاون ایران :

ماده ۱۰ - هیأت مدیره مرکز داوری اتاق تعاون ایران مرکب از ۵ نفر عضو بوده که از میان حقوقدانان و یا کارشناسان آشنا به امور تعاون و یا مدیران اتاق‌های تعاونی توسط هیأت رئیسه اتاق تعاون ایران برای یک دوره سه ساله منصوب می‌شوند. و انتصاب مجدد اعضای هیأت مدیره بلامانع است .

تبصره ۱- هیأت مدیره در اولین جلسه نسبت به انتخاب یک نفر نایب رئیس، یک نفر منشی از بین خود با رأی اکثریت مطلق اعضاء اقدام می‌نماید . ریاست هیأت مدیره مرکز با رئیس اتاق ایران خواهد بود.

تبصره ۲- بمنظور ترویج شیوه داوری و نیز هماهنگی و تبادل نظر مستمر با قوه قضائیه، هیأت مدیره میتواند از رئیس قوه قضائیه درخواست کند یک نفر نماینده به عنوان عضو رابط قوه قضائیه با مرکز داوری تعیین و معرفی کند. نماینده رابط قوه قضائیه بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت خواهد نمود.

ماده ۱۱- هیأت مدیره مرکز باید حداقل هر سه ماه یکبار جلسه داشته باشد.

تبصره - هیأت مدیره مرکز عنداللزوم با درخواست رئیس کل مرکز یا رئیس هیأت مدیره مرکز جلسات دیگری نیز داشته باشد.

ماده ۱۲- جلسات تصمیم‌گیری هیأت مدیره مرکز، با حضور اکثریت اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات، نصف بعلاوه یک اعضاء حاضر معتبر خواهد بود.

تبصره - مراکز داوری استانها فاقد هیأت مدیره است و رئیس اتاق هر استان رئیس مرکز داوری آن اتاق نیز می‌باشد.

ماده ۱۳- وظایف و اختیارات هیأت مدیره مرکز

هیأت مدیره مرکز به جزء اختیارات مقرر در این آئین‌نامه واجد اختیارات دیگری بشرح زیر می‌باشد:

- بند ۱۳/۱- تصویب آئین نامه داخلی مرکز
- بند ۱۳/۲- تصویب آئین نامه انتخاب داوران
- بند ۱۳/۳- تعیین و انتخاب رئیس کل مرکز داوری
- بند ۱۳/۴- تعیین صاحبان امضای مجاز مرکز (امضای ثابت رئیس کل مرکز و رئیس هیأت مدیره مرکز و در غیاب رئیس هیأت مدیره مرکز، نایب رئیس برای اسناد و قراردادهای تعهد آور،
- بند ۱۳/۵- ارائه پیشنهاد اصلاح در آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون ایران یا در مورد نحوه ارائه خدمات و نیز آئین نامه مربوط به هزینه‌های داوری برابر مصوبات هیئت مدیره
- بند ۱۳/۶- تصویب بودجه سالانه مرکز به پیشنهاد رئیس کل مرکز داوری
- بند ۱۳/۷- تهیه و پیشنهاد اصلاح یا تطبیق آئین نامه مرکز داوری به هیأت مدیره مرکز و تصویب آن توسط هیئت مدیره مرکز داوری اتاق تعاون ایران
- بند ۱۳/۸- انتخاب فردی واجد شرایط و آشنا به امور حقوقی به عنوان رئیس کل مرکز از بین اعضای هیأت مدیره و یا از خارج از آنها و یا عزل وی.
- بند ۱۳/۹- انتخاب رئیس کل مرکز در صورت فوت، استعفاء کناره گیری یا از کارافتادگی او
- بند ۱۳/۱۰- اعلام فهرست داوران و کارشناسان معتمد مرکز
- بند ۱۳/۱۱- نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های رئیس کل مرکز و مراکز داوری اتاق تعاون در استانها و شهرستانها و اتحادیه‌ها
- بند ۱۳/۱۲- تعیین حق الزحمه اعضای هیأت مدیره و داوران و کارشناسان معتمد مرکز و حقوق و مزایای رئیس کل مرکز و سایر کارکنان مرکز با رعایت قوانین مربوطه با توجه به آئین نامه‌های داخلی مرکز
- بند ۱۳/۱۳- انتخاب یا عزل یا تأیید فهرست داوران و کارشناسان معتمد مرکز و مراکز استانی و شهرستانی حسب مورد مطابق دستور العمل مصوب
- بند ۱۳/۱۴- پیشنهاد حق الزحمه داوران و بودجه معاضدت حقوقی و ارائه آن به اتاق تعاون ایران
- بند ۱۳/۱۵- اتخاذ تصمیم درباره هر امری که برای حسن اداره امور مرکز داوری اتاق تعاون ایران و انجام وظائف قانونی آن لازم باشد.
- بند ۱۳/۱۶- سایر مواردی که طبق اساسنامه تشکیل مرکز داوری یا آئین نامه‌های داخلی مرکز داوری برعهده هیأت مدیره قرار گرفته و انجام هر اقدام دیگری که با رعایت قوانین و مقررات مربوط برای حمایت از حقوق طرفین به ویژه تضمین استقلال و بی طرفی داوران همچنین بهبود و تقویت حل و فصل اختلافات تعاونی از طریق داوری لازم است.
- ماده ۱۴ - هیأت مدیره مرکز می‌تواند بخشی از اختیارات خود را به یک یا چند نفر از اعضای هیأت مدیره و یا به رئیس کل مرکز تفویض نماید . تبصره - رئیس کل مرکز وظیفه دبیری هیئت مدیره را نیز بر عهده دارد در صورتیکه رئیس کل مرکز عضو هیأت مدیره نباشد. بدون حق رأی در جلسات شرکت می‌کند.
- ماده ۱۵- رئیس کل مرکز، نماینده قانونی مرکز و صاحب امضای مجاز جهت انعقاد قرار دادهای مرکز است و علاوه بر اداره تخصصی مرکز کلیه اختیارات اجرایی مرکز در چارچوب این آیین نامه و مصوبات هیأت مدیره را دارا می‌باشد.
- تبصره - استاد مالی و اوراق بهادار با امضاء ثابت رئیس کل مرکز و رئیس هیات مدیره و در غیاب وی نایب رئیس معتبر خواهد بود.
- ماده ۱۶ - مرکز با هدف رسیدگی آسان و سریع و ترویج حل و فصل دعاوی از طریق داوری با تشکیل شعب به تعداد لازم، حل و فصل اختلافات موضوع این آیین نامه را از طریق داوری و عنداللزوم ارائه نظریه مشورتی بر اساس قوانین و مقررات مربوط عهده دار خواهد بود.
- تبصره - مرکز می‌تواند شعب تخصصی نیز ایجاد نماید.
- تبصره - طرفین دعوا می‌توانند به تراضی داور یا داوران از بین داوران مورد تأیید مرکز را در ضمن قرار داد و یا در صورت بروز اختلاف معین نمایند.

ماده ۱۷ - مدیریت مرکز بر عهده رئیس کل مرکز است. رئیس کل مرکز می‌تواند انجام برخی وظایف و اختیارات اداری خود را به یک یا چند نفر از کارکنان مرکز تفویض کند.

ماده ۱۸ - داوران از بین افرادی که دارای شرایط ذیل باشد انتخاب می‌شوند :

الف : صلاحیت عمومی: بند ۱ - (متأهل) بند ۲ - (حداقل ۳۰ سال سن) بند ۳ - الزام عملی به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی ایران (بند ۴ - (حسن شهرت) بند ۵ - (عدم سابقه وابستگی به احزاب و گروههای غیر قانونی) بند ۶ - (عدم سوء پیشینه) بند ۷ - (تدین به دین اسلام) بند ۸ - (عدم اعتیاد به مواد مخدر) بند ۹ - (داشتن صرفاً «تابعیت جمهوری اسلامی ایران)
ب : صلاحیت اختصاصی:

۱- داشتن حداقل مدرک کارشناس در رشته حقوق

۲- آشنایی به مسائل حقوقی و قضایی با ۱۰ سال سابقه کار

۳- آشنایی با امور مرتبط با تعاونیها با سابقه ۱۵ سال

تبصر- اولویت انتخاب داوران با قضات بازنشسته قوه قضائیه و وکلای دادگستری می‌باشد.

ماده ۱۹- داوران پیش از انتصاب باید اظهار نامه‌ای را که حاکی از تعهد به استفاده از تمام توان و صلاحیت فردی، رعایت بی طرفی و استقلال کامل همچنین احترام به مقررات و ضوابط مندرج این آئین نامه است امضاء نماید.

ماده ۲۰- داوران مرکز ملزم به حفظ اطلاعات و اسراری خواهند بود که به تناسب وظایف داوری از آن مطلع می‌شوند و باید از افشای هر گونه اطلاعات راجع به دعاوی اقامه شده نزد این مرکز به اشخاص ثالث خوداری کند.

ماده ۲۱- داوران موضوع این آیین نامه موظفند علاوه بر این آئین نامه مفاد باب هفتم قانون آئین دادرسی مدنی و قوانین جاری را رعایت نمایند.

فصل ششم - رئیس کل مرکز داوری

ماده ۲۲- رئیس کل مرکز داوری اتاق ایران از میان حقوقدانان ایرانی با تجربه و آشنا به مسائل حقوقی داخلی و بین المللی برای مدت سه سال توسط هیأت مدیره مرکز داوری انتخاب خواهد شد. رئیس کل مرکز بر اساس مصوبات هیأت مدیره، مقررات اساسنامه مرکز داوری، آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق ایران انجام وظیفه خواهد نمود.

تبصره - انتخاب مجدد رئیس کل مرکز بلامانع است و تا انتخاب رئیس کل جدید، رئیس کل پیشین مرکز به کار خود ادامه خواهد داد.

ماده ۲۳- مرکز داوری دارای دبیر خانه‌ای است که زیر نظر رئیس کل مرکز انجام وظیفه می‌کند و به تعداد کافی کارشناس و مشاور و مدیر و کارکنان اداری با تصویب هیأت مدیره خواهد داشت.

ماده ۲۴- رئیس کل مرکز، می‌تواند یک نفر مدیر دفتر اجرایی و یک نفر مدیر دفتر حقوقی از میان حقوقدانان ایرانی با تجربه و آشنا به مسائل بازرگانی داخلی و بین المللی رابه هیأت مدیره پیشنهاد تا در صورت تصویب زیر نظر او انجام وظیفه نموده یا بخشی از اختیارات خود را حسب مورد به آنها تفویض نماید.

ماده ۲۵- رئیس کل مرکز، نماینده قانونی مرکز داوری می‌باشد و اداره کلیه امور مرکز داوری و نظارت بر حسن جریان داوری موضوع این آئین نامه بعهده وی می‌باشد.

ماده ۲۶ - دبیر خانه موظف است کلیه تسهیلات و خدمات اداری و دفتری لازم را برای انجام صحیح داوری مطابق این آئین نامه و نیز اصلاحیه آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق ایران، در اختیار داوران، کارشناسان، اصحاب دعوی و وکلا قرار دهد. دریافت و مبادله و ابلاغ، دادخواست داوری، دفاعیه و تبادل لوایح، و نیز ابلاغ رأی داوری و کلیه مکاتبات داوران با اصحاب دعوی و کارشناسان که در جریان رسیدگی داوری انجام می‌شود، بر عهده دبیر خانه می‌باشد.

ماده ۲۷- علاوه بر اختیارات و وظایفی که در اساسنامه مرکز داوری و دیگر قوانین و آئین نامه‌های داخلی مرکز برای رئیس کل مرکز پیش بینی شده است، سایر اختیارات، وظایف و صلاحیت‌های رئیس کل مرکز مشتمل بر امور زیر می‌باشد:

بند ۲۷/۱- سرپرستی و نظارت بر دبیر خانه مرکز داوری

بند ۲۷/۲- نظارت بر حسن جریان رسیدگی در دعاوی و سایر مواردی که به مرکز داوری اتاق تعاون ایران ارجاع می‌شود.

بند ۲۷/۳- پیشنهاد اخذ تعرفه هزینه داوری و حق الزحمه داوران و کارشناسان خبره که به هیئت مدیره ارائه نماید .

بند ۲۷/۴- نظارت بر ابلاغ مکاتبات و اوراق و مدارک و لوایح طرفین یا رأی داوری و نیز فراهم کردن تسهیلات لازم برای داوران و کارشناسان و اصحاب دعوی

بند ۲۷/۵- فراهم کردن محل و سایر تسهیلات دفتری برای تشکیل جلسات استماع و رسیدگی داوران و کارشناسان

بند ۲۷/۶- امضاء مکاتبات

بند ۲۷/۷- انعقاد قراردادهای مرکز داوری با سایر دوایر مشروط به تأیید رئیس هیئت مدیره مرکز

بند ۲۷/۸- تأمین موجبات گسترش خدمات مرکز داوری و ارتقاء جایگاه آن از طریق ارتباط مستقیم با اتاق‌های تعاون استانی و شهرستانی سراسر کشور، تشکل‌های بخش تعاونی و برگزاری سمینار و کارگاههای آموزشی و انتشار جزوات و مجلات و کتب تخصصی و کاربردی، و نیز تماس و همکاری و مشارکت با دانشگاهها و مؤسسات آموزشی داخلی و خارجی و انجمنها و مؤسسات داوری داخلی و خارجی طبق مصوبات هیأت مدیره

بند ۲۷/۹- تهیه و پیشنهاد بودجه سالانه مرکز به هیأت مدیره

بند ۲۷/۱۰- مساعدت در حل و فصل اختلافات از طرق غیر از داوری، از قبیل ایجاد صلح و سازش و کارشناسی

بند ۲۷/۱۱- تمدید مهلت داوری

بند ۲۷/۱۲- تعیین نحوه نگهداری مدارک، مراسلات یا مکاتبات طرفین یا داوران در پرونده‌ها، مطابق ضوابطی که هیأت مدیره تدوین خواهد کرد، مگر اینکه یکی از طرف‌ها یا داور بصورت کتبی استرداد آنها را درخواست نماید.

بند ۲۷/۱۳- هماهنگی و همکاریهای لازم با قوه قضائیه جهت تشویق نهاد داوری و حسن انجام داوریهها و نیز در مرحله اجرای رأی داوری

بند ۲۷/۱۴- اجرای تصمیمات هیأت مدیره

بند ۲۷/۱۵- انجام کلیه امور دیگری که به موجب قانون یا آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق ایران به عهده وی می‌باشد، یا هیأت مدیره وفق مقررات به رئیس کل مرکز ارجاع می‌کند.

بند ۲۷/۱۶- انجام سایر اموری که با رعایت مقررات آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق ایران که توسط، هیأت مدیره به دبیرخانه مرکز داوری ارجاع می‌شود.

ماده ۲۸- در آمد مرکز داوری از محل‌های زیر تأمین می‌شود:

بند ۲۸/۱- هزینه‌های دریافتی از اصحاب دعوا همتراز با تعرفه مصوب قوه قضائیه که به تصویب هیئت مدیره خواهد رسید.

بند ۲۸/۲- کمک‌های اتاق تعاون ایران و اتحادیه‌ها و مراکز داوری سایر استانها و شهرستانها منوط به تصویب هیئت مدیره.

بند ۲۸/۳- عوائد حاصل از خدمات مشاوره‌ای و تهیه و تدوین نشریات و برگزاری دوره‌های آموزشی و برگزاری همایش‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی و سایر خدمات مرکز داوری.

تبصره - در کلیه مواردی که اتاق تعاون به عنوان حکم یا کارشناس یا به طور کلی به عنوان مرجع حل اختلافات و دعاوی انتخاب می‌شود، همچنین در مواردی که اتاق تعاون به عنوان مقام ناصب تعیین می‌شود، انجام این وظائف و مأموریتها با مرکز داوری خواهد بود.

بخش دوم: کلیات آئین داوری مرکز داوری اتاق تعاون ایران

فصل یکم: جریان داوری

مبحث یکم - تقدیم درخواست داوری

ماده ۲۹ - شروع رسیدگی در مرکز داوری مستلزم تقدیم در خواست که با دادخواست دبیرخانه مرکز داوری می‌باشد. مدیر دفتر مذکور باید پس از وصول درخواست فوراً آنرا ثبت و رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده تحویل بدهد و در برگ درخواست تاریخ تسلیم را قید نماید. تاریخ رسید درخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.

مبحث دوم - شرایط درخواست

ماده ۳۰ - درخواست داوری باید به زبان فارسی در روی برگه‌های چاپی مخصوص مرکز داوری نوشته شده متضمن و مشتمل بر نکات زیر باشد:
ماده ۳۰/۱ - نام و نام خانوادگی. نام پدر. سن. شغل خواهان اقامتگاه. تلفن ثابت و همراه. به نشانی پستی و الکترونیکی و هر گونه استاد مثبت سمت. (در صورتی که در خواست توسط وکیل تنظیم می‌شود) مشخصات وکیل نیز باید درج شود.

بند ۳۰/۲ - نام و نام خانوادگی اقامتگاه و شغل خوانده.

بند ۳۰/۳ - تعیین خواسته و مبلغ آن، مگر آنکه خواسته غیر مالی باشد.

بند ۳۰/۴ - آنچه که خواهان از مرکز داوری درخواست دارد و توضیح درباره ماهیت معامله با قرارداد با وقایعی که موجب بروز اختلاف شده و بیان منشاء ادعا و دلایل آن بانضمام اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره که اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.

بند ۳۰/۵ - مستندات مربوط به موافقتنامه داوری (اساسنامه مورد عمل) یا شرط داوری و توضیح درباره آن.

بند ۳۰/۶ - قبول صلاحیت داوری یا داورانی که مرکز از بین فهرست اسامی داوران تعیین خواهد نمود.

بند ۳۰/۷ - امضاء خواهان (در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت)

تبصره ۱ - اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.

تبصره ۲ - چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی، نوشته خواهد شد.

تبصره ۳ - در صورتی که هر یک از اصحاب دعوا، عنوان ولی، قیم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد در درخواست باید تصریح شود. پیگیری دعوی از طریق نماینده حقوقی طرفین اختلاف پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه توسط وکیل دادگستری باشد.

مبحث سوم - پیوسته‌های درخواست

ماده ۳۱ - خواهان داوری مکلف است رونوشت یا تصویر مصدق اسناد مثبته راپیوست درخواست خود نماید واصل آنها را در صورت درخواست داوری یا مرجع داوری ارائه نماید.

تبصره ۱ - در صورتی که درخواست داوری به وکالت تقدیم شود، درج مشخصات وکیل و ارائه اسناد مثبت سمت الزامی خواهد بود.

تبصره ۲ - تسلیم یا ثبت درخواست داوری ناقص در دبیرخانه مرکز داوری یا دبیرخانه دفاتر داوری، مادام که تکمیل نشده تکلیفی برای مرجع داوری ایجاد نمی‌نماید.

تبصره ۳ - درخواست و کلیه برگه‌های پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد خوانده به تعداد آنها به علاوه یک نسخه تقدیم دبیر خانه مرکز شود.

تبصره ۴ - در صورتی که درخواست داوری راجع به معامله، قرارداد یا روابط حقوقی‌ای باشد که در مورد آن پیش از زمان تقدیم درخواست بین همان طرفین، رسیدگی داوری در مرکز داوری شروع شده باشد، مرکز داوری می‌تواند به درخواست هر یک از طرفها، درخواست داوری جدید را با پرونده داوری مقدم توأم کند، بشرط آنکه در داوری مقدم هنوز قرارنامه داوری به امضای طرفین و داور نرسیده باشد یا توسط مرکز داوری تأیید نشده باشد و مانع قانونی هم برای ادغام پرونده‌ها وجود نداشته باشد. در صورتی که درخواست داوری جدید پس از امضا یا تأیید قرارنامه داوری در پرونده مقدم شروع شده باشد، رسیدگی توأم به دو یا چند پرونده منوط به این است که داور پرونده مقدم، با توجه به ماهیت ادعاهای موضوع داوری

جدید و نیز با توجه به مرحله داوری مقدم و سایر اوضاع و احوال، اجازه توأم نمودن دو پرونده را بدهد و مرکز داوری هم با آن موافقت نماید، در همین خصوص طرفین یا و کلا طرفین بایستی موضوع را به داور یا مرکز داوری اعلام نمایند.

مبحث چهارم - تبادل لوایح - پاسخ خواننده خوانندگان؛ دعوای متقابل

ماده ۳۲- پس از دریافت درخواست داوری، دبیر خانه مرکز داوری یک نسخه از درخواست و اسناد و مدارک ضمیمه آن را جهت پاسخ گویی به خواننده یا خوانندگان ابلاغ می کند. خواننده یا خوانندگان باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ درخواست داوری، پاسخ خود را که مشتمل بر اطلاعات ذیل باشد، به دبیرخانه مرجع داوری تسلیم نماید:

بند ۳۲/۱ - مشخصات کامل همراه با نشانی پستی و حسب مورد هر گونه اسناد مثبت سمت؛ در صورتیکه دفاع به وکالت به عمل آید.

بند ۳۲/۲ - پاسخ به ادعاها، خواسته‌ها، بیان ایرادات و مدافعات و ارائه هر گونه دلیل و اسناد و مدارک

بند ۳۲/۳ - در صورتیکه خواننده دعوای متقابلی داشته باشد باید ضمن پاسخ به درخواست داوری، به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم و ثبت کند مشروط بر اینکه دعوای متقابل در صلاحیت رسیدگی مرکز داوری می باشد.

ماده ۳۳ - دعوای متقابل باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

بند ۳۳/۱ - بیان دعوای متقابل، منشاء و دلائل آن

بند ۳۳/۲ - بهای خواسته، مگر آنکه خواسته غیر مالی باشد.

بند ۳۳/۳ - مرجع داوری، دعوای متقابل را به خواهان ابلاغ می کند و خواهان باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ آن، لایحه جوابیه خود را به دبیرخانه مرجع داوری تسلیم نماید.

بند ۳۳/۴ - پس از تبادل لوایح اولیه به شرح فوق و تکمیل پرونده و تعیین داور طبق این آئین نامه و اعلام قبولی وی، دبیر خانه مرکز داوری پرونده را به داور یا داوران تسلیم می کند و داوری از تاریخ ابلاغ موضوع به طرفین و داور یا داوران، شروع می شود.

بند ۳۳/۵ - در صورتیکه داوری بین المللی باشد، اظهار نظر در خصوص محل داوری، زبان داوری و نیز قواعد حقوقی قابل اعمال، توسط مرکز داوری و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه مشخص خواهد شد.

بند ۳۳/۶ - دبیرخانه مرکز داوری، نسخه‌ای از پاسخ خواننده یا خوانندگان به درخواست داوری را به خواهان ابلاغ می کند.

بند ۳۳/۷ - در صورتیکه خواننده یا خوانندگان ادعاهای متقابلی داشته باشند، باید ضمن پاسخ به درخواست داوری، به دبیر خانه تسلیم و ثبت کنند.

مبحث پنجم - ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها و مواعد

ماده ۳۴ - طرفین باید کلیه لوایح و مراسلات خود با یکدیگر و با داور یا داوران را همراه با مدارک پیوست، به تعداد طرفهای دعوی و داور یا داوران، به اضافه یک نسخه برای مرکز داوری، به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم نمایند.

تبصره ۱ - کلیه اوراق و مکاتبات، دستورات و درخواستها، تصمیمات و قرارها و اخطارها که داور یا داوران در جریان رسیدگی صادر یا اتخاذ می کند، و نیز رأی داوری، از طریق دبیر خانه مرکز داوری به طرفین یا مخاطب مربوط، از طریق پست سفارشی انجام خواهد شد. ابلاغ و پیگیری می شود. مرکز داوری می تواند جهت بهره مندی از مزایای ابلاغ از طریق محاکم دادگستری، شرایط مناسبی را فراهم آورد (

تبصره ۲ - در داوری‌هایی که به مرکز داوری ارجاع می شود، امر ابلاغ اوراق و نیز رأی داوری توسط دبیرخانه مرکز داوری انجام می شود، مگر اینکه طرفین طریق دیگری را برای ابلاغ تعیین و توافق کرده باشند.

تبصره ۳ - ابلاغ کلیه اوراق و مکاتبات به نشانی‌های اعلام شده طرفین در موافقتنامه داوری یا هر نشانی دیگری که طرفین متعاقباً اعلام کرده باشند، بعمل خواهد آمد. در صورتی که هیچ یک از نشانی‌های فوق در دسترس نباشد یا امکان ابلاغ در آن نشانی وجود نداشته باشد، ارسال اوراق به آخرین محل سکونت یا محل تجارت یا محل طرف داوری، یا هر محل دیگری که در پرونده مطروحه سابقه ابلاغ داشته باشد، ابلاغ شده محسوب می شود.

تبصره ۴- امر ابلاغ می‌تواند حضوری یا از طریق تحویل در قبال رسید، نامه سفارشی، دورنگار، تلکس، تلگرام، پست الکترونیکی که متضمن ثبت و ضبط سابقه ارسال و وصول به گیرنده باشد، انجام گیرد.

ماده ۳۵- ابلاغ اوراق در محل داور به صورت حضوری نیز معتبر است، و در موارد زیر اوراق مربوط، ابلاغ شده محسوب می‌شود.

بند ۳۵/۱- وصول آن به مخاطب برای داور یا مرکز داور محرز باشد.

بند ۳۵/۲- مخاطب بر طبق ابلاغیه مربوط، اقدامی کرده باشد.

بند ۳۵/۳- مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ داده باشد.

بند ۳۵/۴- ابلاغ به محلی باشد که سابقه ابلاغ داشته باشد.

بند ۳۵/۵- ابلاغ در جلسه داور واقع شود.

ماده ۳۶- تاریخ ابلاغ، همان تاریخی است که مخاطب یا وکیل او، برگ مربوط را دریافت کرده یا تاریخی است که اوراق مربوط مطابق آیین دادرسی مدنی، ابلاغ شده یا عرفاً و نوعاً اوراق دریافت شده محسوب شود و سابقه آن در دبیرخانه مرکز داور ثبت شده باشد.

ماده ۳۷- مهلت‌های مقرر در این آئین داور بدون احتساب روز ابلاغ محاسبه می‌شود. چنانچه روز آخر مواعد، در محل ابلاغ تعطیل رسمی یا روز غیرکاری باشد، نخستین روز کاری بعدی، آخرین روز مهلت محسوب خواهد گردید. تعطیلات رسمی و روزهای غیر کاری داخل در مواعد و جزء مهلت محسوب خواهد شد. به مهلت‌های مقرر در این آئین نامه نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می‌باشند، یک ماه اضافه می‌گردد.

ماده ۳۸- در صورتی که اوضاع و احوال اقتضاء کند، داور یا داوران میتوانند مهلت‌ها و مواعد پیش بینی شده در این آئین نامه را تمدید کنند به نحوی که هر یک از طرفین بتواند به مسئولیت و وظایف خود عمل نماید.

فصل دوم : ترکیب داور

مبحث یکم - تعیین داور با هیأت داوران

ماده ۳۹- طرفین می‌توانند ضمن موافقتنامه داور یا به موجب توافقنامه جداگانه، در خصوص تعداد داوران، توافق نمایند. در صورت فقدان چنین توافقی و نیز در صورتیکه بین طرفین در این خصوص اختلاف باشد، به ترتیب زیر اقدام خواهد شد و رجوع طرفین به مرجع داور به منزله قبول ترتیبات زیر است:

تبصره ۱- مرجع داور با توجه به موضوع دعوی، یک نفر را به عنوان داور انتخاب می‌نماید و به طرفین اعلام می‌کند تا اگر اعتراض یا جهات رد نسبت به داور مذکور دارند، ظرف مهلت پنج روز پس از معرفی داور به مرجع داور، اعلام کنند.

تبصره ۲- چنانچه هر یک از طرفین ظرف مهلت مقرر اعتراض یا جهات رد موجهی نسبت به داور منتخب اعلام نمایند و مورد قبول مرجع واقع شود، مرجع داور فرد دیگری را معرفی خواهد نمود، در غیر اینصورت مرجع داور پرونده را جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به وی تسلیم می‌کند. ماده ۴۰- در مواردی که توافق شده هیأت داور به اختلاف رسیدگی کند، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

تبصره ۱- هر یک از طرفین مکلف است داور اختصاصی خود را ظرف مدتی که مرجع داور تعیین می‌کند از میان داوران مرکز انتخاب و معرفی کند و سپس مرکز داور داور سوم را (سر داور) را تعیین و معرفی نماید.

تبصره ۲- در صورتیکه طرفین ظرف مهلت مقرر داوران اختصاصی خود را انتخاب و معرفی نکنند، مرکز داور حسب مورد، داور طرف ممتنع را، انتخاب و معرفی می‌نماید تا اگر هر یک از طرفین اعتراض یا جهات رد نسبت به داور اختصاصی طرف دیگر دارند، ظرف مهلت پنج روز پس از معرفی داور به مرکز اعلام کنند.

تبصره ۳- پس از تعیین داوران، سر داور از طریق مرکز داور انتخاب می‌شود، این تصمیم مرکز قابل اعتراض نمی‌باشد.

تبصره ۴- رسیدگی به اعتراض یا جهات رد نسبت به داور یا سرداور که در این مرحله مطرح شود، با مرکز داور است و تصمیم مرکز در این خصوص قطعی است و در صورتیکه اعتراض یا جهات رد وارد باشد و مورد قبول قرار گیرد، مرکز داور فرد دیگری را به ترتیب فوق انتخاب می‌کند.

تبصره ۵ - داور یا داوران منتخب بایستی موافقت خود را نسبت به هر داوری قبل از ارجاع پرونده اعلام کنند .

تبصره ۶ - در مواردی که داوری توسط هیأتی متشکل از سه داور انجام می‌شود حداقل یکی از داوران آن باید از میان کارشناسان حقوقی (ترجیحاً آشنا به مسائل حقوقی بخش تعاونی) تعیین شود.

فصل سوم - شرایط داور یا داوران، جرح و تشریفات آن

مبحث یکم - شرایط داور

ماده ۴۱ - داور باید در تاریخ تعیین و انتخاب به این سمت و شروع بکار و نیز در طول جریان رسیدگی داوری تا زمان صدور رأی، علاوه بر داشتن اوصاف قانونی و شرایط مقرر در موافقتنامه داوری، بی طرف و مستقل باشد و ذینفع در قضیه نباشد.

ماده ۴۲ - داور باید همزمان با قبول سمت داوری، اعلامیه‌ای مکتوب مبنی بر تأیید بیطرفی و استقلال خود امضاء و به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم کند و مکلف است هرگونه واقعیت یا اوضاع و احوالی را که ممکن است استقلال او را نزد طرفین با تردید مواجه سازد، در اعلامیه مذکور ذکر نماید. چنانچه اعلامیه بیطرفی و استقلال داور متضمن چنین اطلاعاتی باشد، دبیرخانه مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند و مهلتی را جهت اظهار نظر آنان تعیین می‌نماید. پس از وصول نظرات طرفین که ظرف مهلت مقرر اعلام شده، مرکز داوری در خصوص اعلامیه داور و اظهارات طرفین رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

ماده ۴۳ - پس از شروع داوری نیز «داور» مکلف است هرگونه واقعیت یا اوضاع و احوال را که احیاناً در جریان داوری حادث شود و موجب تردید در بی طرفی و استقلال او گردد، فوراً و بصورت کتبی به دبیرخانه مرکز و به طرفین اعلام نماید .

مبحث دوم - موارد جرح داور

ماده ۴۴ - صلاحیت داور در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود، باعث تردید موجهی نسبت به بیطرفی و استقلال او شود و یا واجد اوصافی که طرفین تعیین کرده اند، نباشد. هر یک از طرفین تنها به استناد دلایلی که پس از تعیین داور از آن مطلع شده اند، میتواند داوری که خود تعیین کرده یا در جریان تعیین او مشارکت داشته، جرح کند .

ماده ۴۵ - به موجب ماده ۴۶۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) اشخاص زیر را در داوریهای داخلی، هر چند با تراضی طرفین نمی توان به عنوان داور انتخاب نمود و از موجبات رد و جرح داور است:

بند ۴۵/۱ - اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.

بند ۴۵/۲ - اشخاصی که بموجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده اند.

بند ۴۵/۳ - اشخاصی که بیطرفی و استقلال ایشان در موضوع داوری، محل تردید با شد.

بند ۴۵/۴ - کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی

ماده ۴۶ - به استناد ماده ۴۶۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) - اشخاص زیر را نمی توان به عنوان داور معرفی و منصوب کرد مگر با تراضی طرفین:

بند ۴۶/۱ - کسانی که سن آنها کمتر از بیست و پنج (۲۵) سال تمام باشد.

بند ۴۶/۲ - کسانی که در دعوی ذینفع باشند.

بند ۴۶/۳ - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.

بند ۴۶/۴ - کسانی که قییم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا هستند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنها باشد.

بند ۴۶/۵ - کسانی که خود یا همسرشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.

بند ۴۶/۶ - کسانی که خود یا همسرشان با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دعوی کیفری داشته باشند.

بند ۴۶/۷- کسانی که خود یا همسرشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم آنها با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دعوی حقوقی یا کیفری داشته باشند.

بند ۴۶/۸- کارمندان دولت

بند ۴۶/۹- اعضای هیأت مدیره و بازرسان و مدیر عامل اتحادیه‌های تعاونی و رؤسا، رؤسا و دبیران اجرایی اتاق‌های تعاون مگر با تراضی طرفین تبصره ۱- در کلیه بندهای ۹ گانه ماده ۴۶ می‌بایست صلاحیت علمی و عملی داوران به تأیید مرکز داوری مربوطه برسد و در صورت موافقت برای داور یا داوران مجوز داوری از سوی مرکز داوری اتاق تعاون ایران صادر خواهد شد.

تبصره ۲- بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی

ماده ۴۷- کارمندان دولت و کارمندان اداری شاغل در مراجع داوری نمی‌توانند داوری نمایند هر چند با تراضی طرفین باشد.

مبحث سوم - تشریفات جرح، قصور یا عدم امکان انجام وظیفه داور

ماده ۴۸- طرفی که قصد جرح داور را دارد، باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ اعلام قبولی داور مربوط، یا در صورتیکه جهات رد و جرح داور بعداً در جریان داوری حادث شود، ظرف ۱۵ روز از تاریخ اطلاع از هر گونه اوضاع و احوال مذکور، دلایل جرح را همراه با ادله و مدارک مثبت، طی لایحه‌ای همزمان کتباً به دبیرخانه مرکز داوری و یا حسب مورد به داور یا هیأت داوری مربوط و طرفهای دیگر داوری اعلام کند.

ماده ۴۹- داور مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ دریافت جرح، در مورد آن اعلام نظر کند و کتباً به طرفین و به مرکز داوری اطلاع دهد. در صورتی که داور مربوط جرح را نپذیرد، طرفی که داور را جرح کرده می‌تواند ظرف ۲۰ روز از ابلاغ تصمیم مذکور، به مرکز داوری مراجعه و درخواست رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

ماده ۵۰- مرکز داوری قبل از تصمیم‌گیری راجع به جرح، مراتب را از طریق دبیر خانه مرکز به داور یا داوران مورد جرح، طرف مقابل و نیز سایر اعضای هیأت داوری اطلاع می‌دهد و مهلت مناسب و معقولی جهت اظهار نظر آنها تعیین می‌کند. اظهار نظر کتبی هریک از طرفین و داور یا داوران در خصوص جرح به طرفین و سایر داوران ابلاغ می‌شود.

ماده ۵۱- در صورتیکه داور از دادن رأی امتناع ورزد و یا در جلسه داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند یا در انجام وظیفه قصور کند، و هم چنین در صورتیکه داور به عللی از قبیل مسافرت، غیبت طولانی، عدم دسترسی، اشتغال یا بیماری و امثال آن، قادر به انجام وظیفه نباشد، هر یک از طرفین میتواند مراتب را همراه با ادله و مدارک مثبت همزمان به دبیرخانه مرکز داوری، داور یا هیأت داوری مربوط و طرفهای دیگر دعوی، اعلام و درخواست تعویض داور مربوط را بنمایند.

تبصره - در صورتیکه بین طرفین در خصوص موارد فوق اختلاف باشد، مرکز داوری نسبت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌کند.

ماده ۵۲ - تصمیم مرکز در مورد جرح یا تعویض داور قطعی است و مرکز چنانچه مصلحت ایجاب نماید داوری مکلف نیست دلایل خود را اعلام کند.

ماده ۵۳ - اعلام جرح، قصور یا عدم امکان انجام وظیفه داور مادام که تعیین تکلیف نشده، مانع از ادامه رسیدگی داور نیست.

مبحث چهارم - تعیین داور یا داوران جانشین

ماده ۵۴- هرگاه حکم داور یا داوران از سوی مرجع داوری به دلیل قصور یا ناتوانی در انجام وظایف داوری و یا ثبوت جهات رد داور یا، به جهات و دلائل دیگری، لغو گردد و نیز در صورت حجر یا فوت داور یا داوران، مرجع داوری موظف است حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تعیین داور یا داوران جایگزین اقدام نماید.

تبصره - داور یا داوران جانشین مکلفند با توجه به لواحق طرفین و رسیدگیهای انجام شده تا زمان انتخاب داور جدید، رسیدگی را ادامه دهند، مگر اینکه با ذکر ادله موجه، تجدید تمام یا بخشی از رسیدگی‌ها و تصمیمات داور یا داوران قبلی را ضروری بدانند.

مبحث یکم - اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

ماده ۵۵- داور می‌تواند در مورد حدود صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری، نفیاً و یا اثباتاً اتخاذ تصمیم نماید. ارجاع اختلافات و دعاوی به مرکز داوری، به منزله پذیرش این اختیار داور خواهد بود.

ماده ۵۶- ایراد به صلاحیت «داور» باید همزمان با تسلیم اولین لایحه دفاعیه یا تا پایان جلسه اول داوری اعلام گردد. صرف تعیین داور و یا مشارکت در تعیین هیأت داوران توسط هر یک از طرفین مانع از ایراد او به صلاحیت داوری نخواهد بود. ایراد به خروج «داور» از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری، باید به محض بروز و اطلاع از آن، اعلام گردد، معذک در صورتیکه داور، تأخیر در ایراد در موارد مذکور را موجه تشخیص دهد، میتواند ایراد خارج از موعد را بپذیرد.

ماده ۵۷- در صورت ایراد به صلاحیت داور و یا ایراد به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری، «داور» باید به عنوان یک امر مقدماتی و قبل از ورود به ماهیت دعوی، نسبت به آن بررسی و اتخاذ تصمیم کند، مگر اینکه داور با توجه به موضوع ایراد و ادله آن، به موجب رأیی که صادر می‌کند، اتخاذ تصمیم راجع به ایراد را به رسیدگی در ماهیت دعوی، موکول نماید.

ماده ۵۸ - در صورتی که رأی داور بر رد ایراد و قبول صلاحیت خود باشد، اعتراض به رأی مذکور مانع ادامه رسیدگی و صدور رأی نخواهد بود.

ماده ۵۹ - اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث می‌شود، می‌تواند از زمان حدوث تا صدور رأی یا بصورت اعتراض به رأی بعمل آید.

ماده ۶۰- چنانچه طرفین درباره موارد مذکور در این فصل به نحو دیگری توافق کرده باشند، در صورت عدم مغایرت با قانون آئین دادرسی مدنی و سایر قوانین مربوط بر طبق آن عمل خواهد شد.

ماده ۶۱- صدور دستور موقت از اختیارات قانونی داوری موضوع این آئین نامه خارج است و متقاضی باید به مرجع قضائی ذیصلاح مراجعه نماید.

فصل پنجم - جلسه رسیدگی داوری

مبحث یکم - مقررات عمومی

ماده ۶۲ - تسلیم پرونده به داور بلافاصله پس از انتخاب داور واحد یا تشکیل هیأت داوری و اخذ قبولی داور یا داوران، صورت می‌گیرد. دبیرخانه مرکز داوری پرونده را جهت رسیدگی در اختیار آنان قرار می‌دهد، مشروط بر اینکه آن قسمت از هزینه‌های داوری که دبیرخانه در این مرحله مطالبه کرده است، تأدیه شده باشد.

داور باید با رعایت مقررات این آیین نامه و قوانین و مقررات جاریه، جریان داوری را به نحو مقتضی اداره و به موضوع رسیدگی نماید.

مبحث دوم - اداره داوری

ماده ۶۳ - اداره جریان داوری بر عهده داور واحد و در صورت تشکیل هیأت داوران، با «سرداور» خواهد بود.

ماده ۶۴- رفتار مرکز داوری و داور با طرفین باید با رعایت مساوات، بی طرفانه و منصفانه باشد و با لحاظ مدت داوری به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود.

مبحث سوم - معرفی وکیل دادگستری

ماده ۶۵- هر یک از طرفین می‌تواند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل از بین وکلای دادگستری انتخاب و معرفی نماید. و مراکز داوری حق پذیرش نماینده حقوقی را ندارند، مگر در مواردی که قانون مقرر کرده است.

مبحث چهارم- جلسه استماع و رسیدگی داوری

ماده ۶۶ - هر گونه تبادل لوایح پس از تسلیم پرونده به داور یا داوران، زیر نظر او انجام می‌شود. چنانچه داور با توجه به موضوع پرونده تشخیص دهد که نیازی به تبادل لوایح و بررسی بیشتر از آنچه که تا آن مرحله انجام شده نمی‌باشد، می‌تواند صرفاً بر اساس لوایح و اسناد و دلایل موجود در

پرونده رسیدگی نموده و رأی صادر کند، ولی در صورتی که یکی از طرفین حسب مورد در درخواست داورى یا لایحه دفاعیه تقاضای تشکیل جلسه کند، برگزاری جلسه با حضور طرفین الزامی است.

ماده ۶۷- تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارائه مدارک و ادله و استماع توضیحات بر عهده داور یا سرداور است. داور میتواند دستور تشکیل جلسه را با ذکر محل، تاریخ و ساعت تشکیل جلسه، صادر و از طریق دبیرخانه مرکز داورى به طرفین ابلاغ کند. فاصله ابلاغ و تاریخ تشکیل جلسه باید حداقل هفت (۷) روز باشد. داور یا سرداور میتواند برای تسهیل رسیدگی موضوعات یا سؤالاتی که باید در جلسه استماع پاسخ داده شود، تعیین و برای طرفین ارسال کند.

ماده ۶۸- چنانچه «داور» تشکیل جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا معاینه سایر اموال و یا مدارک و مستندات طرفین را ضروری بداند، باید موعد و مکان جلسه را تعیین و از طریق دبیرخانه مرکز داورى، به طرفین و سایر اشخاصی که باید حضور یابند، ابلاغ کند.

ماده ۶۹- داور یا سرداور می‌تواند پس از مشورت با طرفین، جلسات استماع یا جلسات شور، یا بررسی اموال یا اسناد را در هر محلی که لازم و مقتضی بداند تشکیل دهد، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۷۰- جلسات استماع و رسیدگی داورى غیر علنی است، مگر آنکه طرفین به طور کتبی بر خلاف آن توافق کنند. بهر حال، «داور یا داوران» بایستی برای حفظ اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه، اقدامات لازم را به عمل آورد.

ماده ۷۱- جلسات رسیدگی و استماع با حضور طرفین یا وکلای آنان تشکیل می‌شود.

ماده ۷۲- داور می‌تواند هر زمان در جریان رسیدگی، به هر یک از طرفین ابلاغ کند لوائح یا ادله و مستندات تکمیلی خود را ارائه کنند. یا ایشان را برای ادای توضیح دعوت نماید. ارسال لایحه و عدم شرکت هر یک از طرفین مانع رسیدگی پرونده نخواهد بود.

ماده ۷۳- در مواردی که هیأت داورى متشکل از سه نفر است، جلسات رسیدگی هیأت، با حضور اکثریت اعضای آن رسمیت خواهد یافت.

ماده ۷۴- کلیه لوائح، مدارک و یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به داور تسلیم و ارائه شده و همچنین گزارش و نظریه کارشناس منتخب داور یا مورد توافق طرفین باید به طرفهای اختلاف ابلاغ گردد.

ماده ۷۵- داور صورت‌مجلسی از مذاکرات جلسه رسیدگی تهیه و به امضای حاضرین خواهد رساند. طرفین می‌توانند از صورت مجلس تنظیمی درخواست رونوشت کنند.

ماده ۷۶- داور علاوه بر رسیدگی به دلایل استنادی طرفین، هر گونه تحقیقی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد.

ماده ۷۷- چنانچه طرفین توافق کنند و در خواست خود را حداقل ظرف ده (۱۰) روز قبل از برگزاری جلسه استماع و رسیدگی به اطلاع داور برسانند یا داور بنا به اوضاع و احوال قضیه ضروری بداند، دستور ضبط تصویری یا صوتی جلسه را خواهد داد.

مبحث پنجم - قصور در تسلیم لوائح و مدارک

ماده ۷۸- چنانچه خواهان بدون عذر موجه، لوائح و مدارک و ادله خود را ظرف مهلت مقرر تسلیم نکند و «داور» با اخذ توضیح از خواننده هم نتواند رأی بدهد، حسب مورد قرار ابطال درخواست داورى یا رأی به رد دعوی را صادر خواهد کرد.

ماده ۷۹- در صورتی که خواننده از دادن لایحه دفاعیه امتناع نماید، همچنین در صورتی که خواهان از دادن لایحه جوابیه به دعوی تقابل خواننده خودداری کند، مانع از ادامه رسیدگی نخواهد بود و «داور» بر اساس مدارک موجود در پرونده رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۸۰- اگر هریک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارائه اسناد و مدارک و ادله مورد استناد خویش ظرف مهلت مقرر، خودداری کند، «داور» می‌تواند بر اساس مدارک موجود رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در صورتیکه هیچ یک از طرفین علیرغم دعوت قبلی برای ادای توضیح، حاضر نشوند و داور هم نتواند بدون اخذ توضیح در ماهیت دعوی رأی صادر کند، قرار ابطال درخواست صادر می‌شود.

مبحث ششم - اصلاح ادعا یا دفاع:

ماده ۸۱- چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هیچیک از طرفین نمی‌تواند ادعای جدیدی به غیر از آنچه در درخواست داورى ذکر شده، طرح کند. معذک، اصلاح خواسته یا تکمیل دفاع پس از درخواست داورى در صورتی مجاز است که با توجه به ماهیت ادعای جدید و

سایر اوضاع و احوال، به تشخیص «داور»، موجب تأخیر در رسیدگی یا تبعیض نسبت به طرف دیگر نباشد. در هر حال، در صورت اصلاح یا تکمیل خواسته یا دفاع باید به طرف مقابل اجازه و مهلت مناسب برای پاسخ گویی داده شود.

مبحث هفتم - شهادت

ماده ۸۲- در صورتیکه هریک از طرفین جهت اثبات ادعا یا مدافعات خود به شهادت شهود استناد کند، باید قبل از تشکیل جلسه استماع، نام و مشخصات شهود و موضوع شهادت ایشان و ارتباط آن با موضوع داوری را به ضمیمه لایحه به تعداد طرف‌های دعوی به اضافه یک نسخه، به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم کند تا برای داور و طرف یا طرف‌های دیگر ارسال گردد. در صورت احراز تأثیر مؤدای شهادت شهود و ارتباط آن با موضوع دعوی، داور مقرر می‌کند جلسه‌ای برای استماع شهادت تعیین و از طرفین و شهود جهت استماع شهادت دعوت بعمل می‌آورد و به طرف استناد کننده به شهادت شهود، تذکر داده می‌شود که شهود را در جلسه استماع حاضر کند. در صورت عدم حضور شهود بدون عذر موجه، شهادت شهود از عداد دلائل استناد کننده خارج می‌شود.

تبصره - عذر موجه شامل موارد بندهای ۱ الی ۴ ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی مدنی می‌باشد.

ماده ۸۳- شهادت شهود می‌تواند به صورت شهادتنامه کتبی امضا شده که صحت امضای شهود قابل احراز باشد، تسلیم گردد.

ماده ۸۴- هر یک از طرفین می‌تواند در جلسه استماع و رسیدگی، تحت نظارت «داور یا سرداور»، از شهود خود یا شهود طرف مقابل پرسش‌هایی را که به نظر داور موثر در قضیه باشد، مطرح نماید و «داور» نیز می‌تواند رأساً پرسش‌هایی را از شهود بعمل آورد.

ماده ۸۵ - صلاحیت شهود و موارد جرح شاهد در داوریهای داخلی به کیفیت مندرج در قانون آئین دادرسی مدنی است و در داوریهای بین‌المللی تابع مقررات حاکم بر داوری است و ارزیابی ارزش اثباتی شهادت شهود یا شهادتنامه کتبی با داور است.

مبحث هشتم - ارجاع امر به کارشناسی

ماده ۸۶ - داور می‌تواند در موارد لزوم و یا به درخواست هر یک از طرفین قرار ارجاع امر را به کارشناس رسمی دادگستری یا کارشناس مورد وثوق که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است انتخاب نماید در قرار داوری باید موضوع کارشناسی و نیز مدت کارشناسی، تعیین گردد. در این صورت، طرفین مکلفند هرگونه اطلاعات و مدارک موردنیاز را در اختیار کارشناس منتخب خود قرار دهند. و موجبات دسترسی او را به مدارک مربوط، کالا یا سایر اموال و اماکن برای انجام معاینه و بازمینی، فراهم آورند.

تبصره - طرفین می‌توانند در صورت توافق، کارشناس یا کارشناسان خبره به داور یا هیئت داوران معرفی نمایند.

ماده ۸۷- پرداخت دستمزد کارشناس و هزینه‌های آن به عهده متقاضی کارشناسی است و هر گاه ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ، آن را پرداخت نکنند. کارشناسی از عداد دلایل وی خارج می‌شود.

ماده ۸۸ - نظریه کارشناسی از طریق مرجع داوری به طرفین ابلاغ می‌گردد تا چنانچه به مفاد آن اعتراض دارند حداکثر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اعلام نمایند. اعتراض مذکور در هیأت کارشناسی مرکب از سه نفر کارشناس به انتخاب داور یا به توافق طرفین، بررسی و اعلام نظر خواهد شد.

ماده ۸۹ - هرگاه ارجاع امر به کارشناس به تشخیص و نظر داور باشد، و داور نتواند بدون انجام کارشناسی رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، پرداخت دستمزد و هزینه‌های کارشناسی به عهده خواهان می‌باشد و چنانچه وی دستمزد و هزینه کارشناسی را نپردازد و داور هم نتواند بدون انجام کارشناسی رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، قرار ابطال دادخواست را صادر خواهد کرد و یا مطابق ماده ۲۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی عمل خواهد داشت.

ماده ۹۰ - در صورت درخواست یکی از طرفین و یا در صورتی که «داور» لازم بداند، میتواند از کارشناس نظریه تکمیلی بخواهد و یا او را به جلسه استماع دعوت کند تا به پرسش‌های هر یک از طرفین یا «داور» در خصوص نظریه کارشناسی خود پاسخ گوید.

ماده ۹۱- نظریه کارشناسی به طرفین ابلاغ می‌شود تا چنانچه اعتراضی نسبت به آن دارند ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اعلام نمایند.

ماده ۹۲ - هر یک از طرفین می‌تواند در مقام اثبات دعوی ادعا یا دفاع، مبادرت به تأمین دلیل با نظر اخذ نظر کارشناس کند و آن را به ضمیمه درخواست داوری تسلیم کند و یا کارشناس یا کارشناسان مورد نظر خود را برای استماع نظریه ایشان در جلسه رسیدگی به هزینه خود معرفی و حاضر نماید. تشخیص ارزش اثباتی نظریه کارشناس منتخب هریک از طرفین، با داور است.

ماده ۹۳- دستمزد و هزینه‌های کارشناس با توجه به تعرفه‌های اعلامی از سوی قوه قضائیه و یا توافق فی ما بین، تعیین می‌شود، هزینه مزبور جزو هزینه‌های داوری محسوب خواهد شد.

ماده ۹۴ - زمان اجرای کارشناسی جزء مدت داوری محسوب نمی‌گردد.

مبحث نهم - ورود شخص ثالث

ماده ۹۵ - هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قائل باشد می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده وارد داوری شود مشروط بر اینکه موافقت نامه داوری و داوران تعیین شده و آیین نامه داوری را بپذیرد و چنانچه یکی از طرفین به ورود شخص ثالث ایراد نماید، داور نخست در آن مورد اظهار نظر خواهد نمود و تصمیم وی قطعی است.

ماده ۹۶- درخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضامم آن باید به تعداد اصحاب دعوای اصلی بعلاوه یک نسخه باشد و شرایط درخواست اصلی را دارا خواهد بود.

ماده ۹۷- پس از وصول درخواست شخص ثالث وقت رسیدگی به دعوای اصلی به وی نیز اعلام می‌گردد و نسخه‌ای از درخواست وی و ضامم آن برای طرفین دعوای اصلی ارسال می‌شود. در صورت نبودن وقت کافی به دستور داور یا مرکز داوری، وقت جلسه دادرسی تغییر و به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد.

ماده ۹۸ - هرگاه داور یا مرکز داوری احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ثالث نمی‌باشد دعوای ثالث را از دعوای اصلی جدا و تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند.

فصل ششم - ختم رسیدگی، صدور و انشاء رأی و اجرای آن

مبحث یکم - خاتمه رسیدگی

ماده ۹۹ - «داور یا داوران» پس از احراز اینکه طرفین از فرصت کافی برای ارائه مطالب و دفاع برخوردار شده اند، با رعایت مقررات آئین دادرسی مدنی ختم رسیدگی را اعلام می‌نماید و بعد از آن، هیچ لایحه یا دلیل و مدرک جدیدی قابل طرح و ارائه نخواهد بود و متعاقباً مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رسیدگی داوری و صدور رأی به موجب تصمیم داور در موارد زیر خاتمه یافته یا متوقف می‌گردد.

بند ۹۹/۱ - استرداد درخواست داوری توسط خواهان

بند ۹۹/۲ - توافق طرفین بر ختم رسیدگی و حل و فصل اختلافات خود به طریق مصالحه و سازش و با شرایط مرضی الطرفین

بند ۹۹/۳- عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به هر دلیل دیگر

بند ۹۹/۴- فوت یا حجر یکی از طرفین دعوی در صورتیکه شخص حقیقی باشد.

بند ۹۹/۵- در داوریه‌های داخلی در صورت ورشکستگی یکی از طرفین دعوی در صورتیکه شخص حقوقی باشد، مطابق مقررات قانون تجارت تا تعیین مدیر تصفیه، داوری متوقف می‌گردد.

مبحث دوم - صدور رأی

ماده ۱۰۰- داور پس از ختم رسیدگی با استعانت از خداوند قادر متعال و تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده باید بر اساس قوانین و مقررات جاری و اصول و قواعد حقوقی حاکم بر ماهیت اختلاف در صورت امکان در همان جلسه انشاء رأی نموده و یا حداکثر ظرف بیست (۲۰) روز از تاریخ اعلام ختم رسیدگی، انشاء رأی می‌نماید.

تبصره ۱- شرایط و مندرجات قرارداد طرفین و عرف و عادت و اوضاع و احوال مربوط باید در اتخاذ تصمیم داور مدنظر قرار گیرد.

تبصره ۲ - تصمیم داور یا هیأت داوری که با اکثریت اعضای آن اتخاذ شده، معتبر خواهد بود و به منزله رأی مرجع داوری است.

مبحث سوم - شکل و محتوای رأی

ماده ۱۰۱- رأی داور باید کتبی و حاوی نکات زیر باشد (۱- شماره و تاریخ صدور رأی. و محل داوری، ۲- مشخصات طرفین و وکیل یا نمایندگان قانونی آنها با قید اقامتگاه. ۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین. ۴- گردش کار. ۵- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی بر اساس آنها صادر شده است. ۶- مشخصات داور یا هیأت داوری و رأی باید به امضای داور (و در مورد هیأت داوری به امضای تمام یا اکثریت اعضای آن) رسیده و مهمور به مهر مرجع داوری) باشد.

بند ۱۰۱/۱- رأی داور باید مستند، مستدل باشد و مغایر با قوانین و مقررات موجد حق نباشد.

بند ۱۰۱/۲- رأی داوری به ترتیب مشتمل است بر موارد زیر :

ردیف الف - مقدمه رأی : شامل شماره پرونده، شماره و تاریخ رأی، مرجع و محل رسیدگی، مشخصات و نشانی طرفین، نام داور، خواسته دعوی خواهد بود

ردیف ب - خلاصه جریان رسیدگی (گردشکار): باید حاوی خلاصه‌ای از اظهارات طرفین و مذاکرات جلسه یا جلسات استماع و نیز اقداماتی که به منظور احراز واقعیات و بررسی دلائل صورت گرفته است.

ردیف ج - متن رأی داور : مشتمل است بر ذکر موضوع دعوی یا خواسته و نیز کلیه دلائل و مستندات که رأی بر آنها مبتنی است باشد مگر اینکه بر اساس صلح و سازش صادر شده باشد.

ردیف د - بخش اجرایی رأی : مشتمل است بر تشخیص و اعلام نظر منجز داور نسبت به خواسته و دفاعیات طرفین و نیز نسبت به تکالیف و اقداماتی که اطراف دعوی باید در اجرای رأی به عمل آورند.

مبحث چهارم - مدت داوری

ماده ۱۰۲ - در داوری‌های داخلی که به مرکز داوری ارجاع می‌شود، مدت داوری سه ماه از تاریخ قبولی داور و اطلاع به طرفین است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. تمدید مدت مذکور ولو کراراً، با توافق طرفین بلامانع است، مشروط به اینکه مدت جدید تعیین شود. طرفین می‌توانند اختیار تمدید مدت داوری را به مرکز داوری تفویض کنند.

مبحث پنجم - رأی مبتنی بر سازش طرفین

ماده ۱۰۳- چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش فیصله دهند، داور به درخواست طرفین مراتب وقوع سازش را همراه با شرایط سازش و نحوه فیصله دعوی، به صورت گزارش اصلاحی تنظیم و گزارش اصلاحی صادر می‌نماید.

ماده ۱۰۴- گزارش اصلاحی که به صورت فوق صادر می‌شود، برای طرفین قطعی و لازم الاجرا است.

مبحث ششم - قطعیت و قابلیت اجرای رأی

ماده ۱۰۵- رأی داور قطعی است و پس از ابلاغ طبق مواد ۳۳۰ و ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی لازم الاجراست.

ماده ۱۰۶- طرفین با پذیرش داوری از طریق مرکز داوری، متعهد می‌شوند که رأی داوری صادره را لازم الاجرا دانسته و بدون تأخیر اجرا نمایند مگر اینکه مطابق بندهای ماده ۱۱۵ این آیین نامه و قوانین مربوطه باطل باشد.

ماده ۱۰۷ - اجرای رأی داوری در داوری‌های داخلی تابع مقررات آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون مدنی در باب اجرای احکام مدنی می‌باشد.

مبحث هفتم - ابلاغ رأی داوری

ماده ۱۰۸- رأی داوری پس از صدور و امضاء توسط داور یا هیئت داوران، از طریق دبیر خانه مرجع داوری به طرفین ابلاغ می‌گردد، مشروط بر آنکه هزینه‌های داوری به مرجع داوری پرداخت شده باشد. ابلاغ رأی حسب مورد بصورت حضوری در مرجع داوری و یا از طریق پست سفارشی یا به هر طریق دیگری که توافق نموده باشند به آخرین اقامتگاه قانونی اعلامی طرفین صورت می‌پذیرد. در صورت درخواست، نسخ اضافی رأی که توسط رئیس مرکز تصدیق شده باشد فقط در اختیار طرفین یا وکلای آنان قرار خواهد گرفت.

مبحث هشتم - اصلاح، تفسیر و تکمیل رأی

ماده ۱۰۹- هر گاه در تنظیم و نوشتن رأی داوری سهو قلم رخ دهد مثل از قلم افتادن کلمه‌ای یا زیاد شدن آن و یا اشتباهی در محاسبه صورت گرفته باشد تا زمانی که رأی داوری اجرا نشده است، داور می‌تواند وفق ماده ۴۸۷ قانون آئین دادرسی مدنی آن قانون رأساً یا بنا به درخواست هر یک از طرفین دعوا درخواست تصحیح اشتباهات نگارشی و محاسبه‌ای رأی، یا رفع ابهام از آن را بنماید. داور نیز مکلف است ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ درخواست نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رونوشت رأی تصحیحی ممنوع است. رأی داوری در قسمتی که مورد اشتباه بوده در صورت قطعیت اجراء خواهد شد.

ماده ۱۱۰- داور باید ظرف پنج روز از تاریخ دریافت تقاضای تصحیح یا تفسیر و یا رأی تکمیلی رأی را از زمان اطلاع از اشتباه، نسبت به اصلاح یا تفسیر و یا رأی تکمیلی آن اقدام کند.

تبصره- داور به محض آگاهی از اشتباه خود مکلف است مراتب را طی گزارشی به اطلاع مرجع داوری برساند.

ماده ۱۱۱- هر یک از طرفین می‌تواند با ارسال اظهاریه‌ای ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی، از داور تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که در طول جریان داوری مطرح شده ولی در رأی صادره مورد حکم قرار نگرفته است، رأی تکمیلی صادر نماید. داور در صورتی که درخواست مزبور را موجه تشخیص دهد، ظرف ده روز مبادرت به صدور رأی تکمیلی خواهد کرد.

ماده ۱۱۲- مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی نیز لازم‌الرعايه است.

مبحث نهم - موارد ابطال رأی یا اجرای رأی

ماده ۱۱۳- به موجب ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) رأی داور در موارد ذیل باطل یا قابل ابطال می‌باشد.

بند ۱/۱۱۳- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.

بند ۲/۱۱۳- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.

بند ۳/۱۱۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیار داور است ابطال می‌گردد.

بند ۴/۱۱۳- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد. و یا اینکه رئیس مرکز داوری یا طرفین در تمدید مهلت داوری توافقی نکرده باشند.

بند ۵/۱۱۳- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

بند ۶/۱۱۳- رأی داور به وسیله داورانی صادره شده که مجاز به صدور رأی نبوده اند. و یا مدت داوری آنها منقضی شده و یا مجوز داوری آنها از مرکز داوری اتاق تعاون ایران صادر نشده باشد.

بند ۷/۱۱۳- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد. و در سایر موارد ظرف بیست (۲۰) روز پس از ابلاغ، لازم‌الاجراء است. هرگاه محکوم علیه در مهلت مذکور رأی را اجراء ننماید، در صورت تقاضای کتبی محکوم له از اجرای احکام دادگستری، برگ اجرایی صادر و طبق مقررات به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۱۱۴- داوری اختلافات داخلی و خارجی در موارد و موضوعاتی که در مقررات حاضر پیش بینی نشده است، به ترتیب تابع مقررات عمومی و آئین رسیدگی مندرج در باب هفتم قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ و همچنین قوانین جاری خواهد بود.

فصل هفتم - قرارهای که توسط داوران صادر می‌شود :

ماده ۱۱۵: قرارهای صادره بشرح زیر است:

بند ۱/۱۱۵- قرار رد دعوا یا عدم استماع دعوا

بند ۱۱۵/۲ - قرار ابطال دادخواست

بند ۱۱۵/۳ - قرار عدم صلاحیت

فصل هشتم : معاذیر قانونی

ماده ۱۱۶ : جهات عذر موجه به ترتیب زیر خواهد بود:

بند ۱۱۶/۱ - مرضی که مانع از حرکت است.

بند ۱۱۶/۲ - فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد.

بند ۱۱۶/۳ - حوادث قهریه از قبیل سیل، زلزله و حریق که بر اثر آن تقدیم دادخواست اعتراض به نظر کارشناسی در مهلت مقرر ممکن نباشد.

بند ۱۱۶/۴ - توقیف یا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرر اعتراض خود را تقدیم کرد.

فصل نهم : هزینه‌های مترتب به امر دآوری

ماده ۱۱۷: هزینه‌های دآوری به قرار زیر است :

بند ۱۱۷/۱ - هزینه ثبت درخواست دآوری

بند ۱۱۷/۲ - هزینه اداری

بند ۱۱۷/۳ - حق الزحمه داوران

تبصره : تعیین حق الزحمه داوران مطابق ماده ۴۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی بر اساس آئین نامه به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس محترم قوه قضائیه می‌رسد خواهد بود. و سایر هزینه‌های دیگر از قبیل هزینه ثبت درخواست و هزینه اداری مطابق آئین نامه مالی که توسط مرکز دآوری اتاق تعاون ایران تهیه و به تصویب هیئت مدیره مرکز دآوری خواهد رسید می‌باشد.

تبصره: در صورت توافق خواهان با مرکز دآوری، رئیس مرکز دآوری می‌تواند متناسب با اوضاع و احوال و اهمیت پرونده و مبلغ مورد خواسته نسبت به تعیین هزینه دآوری اقدام نماید.

این آئین نامه بر اساس حدود و اختیارات مجمع عمومی اتاق تعاون ایران با نه فصل و ۱۱۷ ماده در تاریخ ۹۷/۴/۱۹ به تصویب مجمع عمومی اتاق تعاون ایران رسید و برای کلیه مراکز دآوری اتاق تعاون استانها و شهرستانها و اتحادیه‌ها و تعاونی‌های عضو اتاق تعاون لازم الاجرا می‌باشد.

بخشنامه ابلاغ آیین نامه دآوری در بخش تعاونی

باسلام

با استناد به بند(۲) ماده (۶۶) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و در راستای واگذاری امور به اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون و فراهم نمودن امکان رسیدگی تخصصی به شکایات و حل اختلافات تعاونی‌ها و در اجرای ماده (۴) دستورالعمل رسیدگی به شکایات، ناظر به بند (۹) ماده (۴۳) و بند (۳) ماده (۵۷) قانون بخش تعاونی، آیین نامه دآوری در بخش تعاونی به شرح پیوست ابلاغ می‌گردد. ضروری است اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون نسبت به طرح و تصویب آیین نامه ابلاغی در مجامع عمومی مربوطه به یکی از طرق ذیل اقدام نمایند:

۱- طرح و تصویب متن ذیل در اولین مجمع عمومی عادی با مجمع نمایندگان مربوطه (حسب مورد)

الف) پیش نویس مصوبه جهت اتحادیه‌های تعاونی :

مجمع عمومی عادی مورخ اتحادیه با استناد به بند (۶) ماده (۳۴) و بند (۹) ماده (۴۳) قانون بخش تعاونی تصویب نمود:

حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها مطابق آیین نامه داوری ابلاغی وزارت تعاون و اصلاحات بعدی آن صورت می‌گیرد.

ب) پیش نویس مصوبه جهت اتاق‌های تعاون:

مجمع نمایندگان مورخ اتاق تعاون با استناد به بند (الف) تبصره (۱) ماده (۵۹) و بند (۳) ماده (۵۷) قانون بخش تعاونی تصویب

نمود:

حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها مطابق آیین نامه داوری ابلاغی وزارت تعاون و اصلاحات بعدی آن صورت می‌گیرد.

۲- اصلاح بند حل اختلاف و داوری تعاونی‌ها در موضوع فعالیت اساسنامه در مجمع عمومی فوق العاده با مجمع نمایندگان (حسب مورد) به شرح ذیل:

« حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها مطابق آیین نامه داوری ابلاغی وزارت تعاون و اصلاحات بعدی آن »

مسئولیت حسن اجرای این بخشنامه به عهده مدیران کل دفاتر تخصصی ستاد و مدیران کل استانها است.

دفتر پنجم - مقررات بین المللی

قانون الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک

(قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی (کنوانسیون نیویورک، ۱۰ ژوئن

۱۹۵۸)

مصوب ۲۹ فروردین ۱۳۸۰ (۱۸ آوریل ۲۰۰۱)

ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود با لحاظ شرایط زیر به کنوانسیون شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی، مشتمل بر شانزده ماده ملحق شود و اسناد الحاق را به امین مربوط تسلیم نماید:

۱. جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی یا غیر قراردادی که حسب قوانین جمهوری اسلامی ایران تجاری محسوب می‌شوند، اعمال خواهد کرد.

۲. جمهوری اسلامی ایران فقط کنوانسیون را بر اساس رابطه متقابل، اعمال و احکامی را شناسائی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولتهای عضو کنوانسیون صادر شده باشد.

تبصره - رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است.

کنوانسیون

(کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی)

ماده ۱

۱. این کنوانسیون در مورد شناسائی و اجرای احکام داوری صادره در قلمرو دولتی غیر از دولتی که از آن تقاضای شناسائی و اجرای احکام مزبور شده است و ناشی از اختلافات بین اشخاص اعم از حقوقی یا حقیقی می‌باشد، اعمال خواهد شد. این کنوانسیون در مورد احکام داوری که در دولتی که از آن تقاضای شناسائی و اجرای آنها شده است، احکام داخلی محسوب نمی‌شود نیز اعمال خواهد شد.

۲. اصطلاح «احکام داوری» نه تنها شامل احکام داوران منصوب برای هر پرونده می‌باشد بلکه شامل احکام صادره از ارکان دائمی داوری که طرفها به آنها رجوع کرده اند نیز می‌گردد.

۳. هر دولتی در زمان امضاء، تصویب یا الحاق به این کنوانسیون با اعلام تسری به موجب ماده (۱۰) آن بر اساس عمل متقابل میتواند اعلام دارد که این کنوانسیون را در مورد شناسائی و اجرای احکامی که تنها در قلمرو دولت متعاهد دیگر صادر شده است اعمال خواهد کرد. همچنین می‌تواند اعلام دارد که کنوانسیون را فقط در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی اعم از اینکه قراردادی باشد یا نباشد و به موجب قوانین داخلی دولت اعلام کننده، تجاری تلقی شده باشد، اعمال خواهد کرد.

ماده ۲

۱. هر دولت متعاهد موافقتنامه‌ای کتبی را که به موجب آن طرفها متعهد می‌شوند که کلیه اختلافات یا هر اختلاف موجود یا محتمل الوقوع بین خود را که مربوط به رابطه حقوقی مشخص اعم از اینکه قراردادی باشد یا نباشد و مربوط به موضوعی باشد که از طریق داوری قابل حل و فصل باشد، به داوری ارجاع کنند، شناسائی خواهد کرد.

۲. اصطلاح «موافقتنامه کتبی» شامل شرط داوری در قرارداد یا موافقتنامه داوری امضاء شده توسط طرفها یا گنجانده شده در نامه‌های مبادله شده یا تلگرافهای مخابره شده خواهد بود. دادگاه یک دولت متعاهد در هنگام رسیدگی به دعوائی درباره موضوعی که طرفها در مورد آن موافقتنامه‌ای را در مفهوم این ماده منعقد کرده باشند، بنابه تقاضای یکی از طرفها، آنها را به داوری ارجاع خواهد داد مگر اینکه رأی دهد که آن موافقتنامه باطل و کان لم یکن، بی اعتبار یا غیر قابل اجراست.

ماده ۳

هر دولت متعهد احکام داوری را طبق آئین دادرسی سرزمینی که حکم به آن مستند است و تحت شرایط مندرج در مواد زیر به عنوان لازم الاتباع شناسائی و آنها را اجرا خواهد نمود. برای شناسائی یا اجرای احکام داوری که در مورد آنها این کنوانسیون اعمال می‌گردد اساس شرایط سنگین تر یا حق الزحمه یا هزینه‌های بیشتری نسبت به آنچه که برای شناسائی یا اجرای احکام داوری داخلی وضع شده، وضع نخواهد شد.

ماده ۴

۱. برای تحقق شناسائی و اجرای موارد مندرج در ماده پیشین، طرف متقاضی شناسائی و اجراء، در هنگام تقاضا مدارک زیر را تهیه خواهد کرد:
 - الف- نسخه اصلی مصدق یا رونوشت مصدق حکم.
 - ب- موافقتنامه اصلی موضوع ماده (۲) یا رونوشت مصدق آن.
۲. اگر حکم یا موافقتنامه یاد شده به زبان رسمی کشوری که حکم به آن مستند است تنظیم نشده باشد، طرف متقاضی شناسائی و اجرای حکم باید ترجمه این اسناد را به آن زبان تهیه کند. ترجمه باید توسط مترجم رسمی یا قسم خورده یا نماینده سیاسی یا کنسولی تأیید شود.

ماده ۵

۱. مرجع صالحی که تقاضای شناسائی و اجرای حکم از آن شده می‌تواند بنا به درخواست طرفی که علیه وی به حکم استناد شده و تنها در صورتی که طرف یاد شده دلایل زیر را برای آن تهیه کند، از شناسائی و اجرای حکم امتناع ورزد:
 - الف- طرفهای موافقتنامه موضوع ماده (۲) به موجب قانون حاکم در مورد آنها در مواردی از عدم اهلیت برخوردار بوده یا موافقتنامه مزبور به موجب قانونی که طرفها مشمول آن شده اند معتبر نباشد یا به موجب قانون کشور محل صدور حکم فاقد هرگونه قرینه‌ای در آنجا باشد؛ یا
 - ب- اخطار صحیح به طرفی که علیه وی به حکم استناد شده در مورد انتصاب داور یا جریان رسیدگی داوری داده نشده یا قادر نبوده است به گونه دیگری مورد خود را مطرح کند؛ یا
 - پ- حکم در خصوص اختلافی است که شرایط ارجاع به داوری در مورد آن منظور نگردیده یا شامل آن نمی‌گردد، یا متضمن تصمیم در مورد مسائلی فراتر از حیطه شمول ارجاع به داوری است، مشروط بر آنکه چنانچه تصمیمات در مورد مسائل ارجاع شده به داوری قابل تفکیک از مسائلی باشد که بدین گونه ارجاع نشده، آن بخش از حکم که متضمن تصمیماتی در مورد مسائل ارجاع شده به داوری است، قابل شناسائی و اجراء باشد؛ یا
 - ت- ترکیب مرجع داوری با تشریفات داوری طبق توافق طرفها نبوده یا در صورت فقدان چنین توافقی، طبق قانون کشوری که داوری در آن انجام شده، نباشد؛ یا
 - ث- حکم هنوز برای طرفها لازم الرعایه نشده یا توسط مرجع صالح یا به موجب قانون کشوری که حکم در آن صادر شده نقض شده یا به حالت تعلیق در آمده باشد.
۲. در صورتی ممکن است از شناسائی و اجرای حکم داوری نیز امتناع به عمل آید که مرجع صالح کشوری که شناسائی و اجرای حکم از آن درخواست شده احراز کند که:
 - الف- موضوع اختلاف به موجب قانون آن کشور از طریق داوری قابل حل و فصل نمی‌باشد؛ یا
 - ب- شناسایی یا اجرای حکم با نظم عمومی آن کشور مغایرت دارد.

ماده ۶

اگر نقض یا تعلیق حکم از مرجع صالح موضوع جزء (ث) بند (۱) ماده (۵) درخواست شده باشد، مرجعی که از وی درخواست شده به حکم استناد کند، چنانچه آن را صحیح تلقی کند می‌تواند تصمیم راجع به اجرای حکم را به تعویق بیاندازد و همچنین می‌تواند بنا به درخواست طرفی که تقاضای اجرای حکم دآوری را کرده است طرف دیگر را مکلف کند تا تأمین مناسبی بسپارد.

ماده ۷

۱. مفاد این کنوانسیون تأثیری بر اعتبار موافقتنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه مربوط به شناسائی و اجرای احکام دآوری که دولت‌های متعاقد منعقد کرده اند نداشته و طرف ذینفع را از هرگونه حقی که ممکن است برای بهره مند ساختن خود از حکم دآوری به شیوه و تاحدود مجاز شده به وسیله قانون یا معاهدات کشوری که از آن درخواست شده به حکم مزبور استناد نماید، داشته باشد محروم نخواهد ساخت.

۲. پروتکل ژنو در خصوص شرایط دآوری مورخ ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ هجری شمسی) و کنوانسیون ژنو در خصوص اجرای احکام دآوری خارجی مورخ ۱۹۲۷ میلادی (۱۳۰۶ هجری شمسی) در میان دولت‌های متعاقد با متعهد شدن آن‌ها به این کنوانسیون و تاحدودی که به وسیله این کنوانسیون متعهد شده اند اعتبار اجرائی خود را از دست خواهد داد.

ماده ۸

۱. این کنوانسیون تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۸ میلادی (۱۰ دی ۱۳۳۷ هجری شمسی) برای امضاء از طرف هر عضو سازمان ملل متحد نیز هر دولت دیگری که عضو هر سازمان تخصصی سازمان ملل متحد است یا از این پس عضو خواهد شد یا عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است یا از این پس عضو خواهد شد یا هر دولت دیگری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد از آن دعوت به عمل آورده مفتوح خواهد شد.

۲. این کنوانسیون به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده ۹

۱. این کنوانسیون برای الحاق کلیه دولت‌های موضوع ماده (۸) مفتوح خواهد ماند.

۲. الحاق از طریق سپردن سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد اعتبار خواهد یافت.

ماده ۱۰

۱. هر دولتی هنگام امضاء تصویب یا الحاق می‌تواند اعلام دارد که این کنوانسیون به کلیه یا هر یک از سرزمین‌هایی که آن دولت مسؤول روابط بین‌المللی آن‌ها است تسری خواهد یافت. این اعلامیه هنگامی که کنوانسیون برای آن دولت لازم الاجراء می‌گردد قابل اجراء خواهد شد.

۲. در هر زمان پس از آن، هرگونه تسری مزبور از طریق ارسال اطلاعیه به دبیرکل سازمان ملل متحد صورت خواهد گرفت و از تاریخ نودمین روز پس از دریافت اطلاعیه یاد شده توسط دبیر کل سازمان ملل متحد یا از تاریخ لازم الاجراء شدن کنوانسیون برای دولت مورد نظر - هر کدام که مؤخر است - قابل اجراء خواهد بود.

۳. در خصوص سرزمین‌هایی که این کنوانسیون هنگام امضاء، تصویب یا الحاق به آن‌ها تسری نیافته است، هر دولت مربوط امکان انجام اقدامات لازم را برای تسری اجرای این کنوانسیون به سرزمین‌های یاد شده، به شرط موافقت دولت‌های سرزمین‌های مزبور در صورتی که به دلایل قانون اساسی لازم باشد بررسی خواهد کرد.

ماده ۱۱

در مورد دولت فدرال یا دولتی که دارای حکومت واحد نباشد مقررات زیر اعمال خواهد شد:

الف - در مورد موادی از این کنوانسیون که در چهارچوب صلاحیت قانون گذاری مرجع فدرال قرار می گیرد، تعهدات دولت فدرال در این حد مانند تعهدات دولتهای متعاهدی خواهد بود که به روش فدرال اداره نمی شوند.

ب- در مورد موادی از این کنوانسیون که در چهارچوب صلاحیت قانونگذاری ایالات یا دولت‌های عضو فدراسیون قرار می‌گیرد که به موجب نظام قانون اساسی فدراسیون موظف به اقدام تقنینی نیستند، دولت فدرال این مواد را همراه با توصیه موافق در اسرع وقت به نظر مراجع صالح ایالات یا دولتهای عضو فدراسیون خواهد رساند.

پ- دولت فدرال عضو کنوانسیون به درخواست هر دولت متعاهد دیگر که از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال شده باشد بیانیه رویه قانونی فدراسیون و واحدهای تشکیل دهنده آن را در خصوص هر یک از مقررات خاص این کنوانسیون که نشان دهنده حدود نفوذ و اعتباری است که به وسیله اقدام قانونی هر اقدامات دیگری به آن مقررات داده شده است، فراهم خواهد کرد.

ماده ۱۲

۱. این کنوانسیون در نودمین روز پس از تاریخ سپردن سومین سند تصویب یا الحاق لازم الاجراء خواهد شد.

۲. این کنوانسیون برای هر دولتی که پس از سپردن سومین سند تصویب یا الحاق این کنوانسیون را تصویب کرده یا به آن محلق میشود در نودمین روز پس از سپردن سند تصویب یا الحاق دولت مزبور لازم الاجراء خواهد شد.

ماده ۱۳

۱. هر دولت متعاهد می‌تواند انصراف از عضویت در این کنوانسیون را از طریق اطلاعیه کتبی به دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کند. اعلام انصراف از عضویت یک سال پس از تاریخ دریافت اعلامیه توسط دبیر کل معتبر خواهد بود.

۲. هر دولتی که به موجب ماده (۱۰) اطلاعیه یا اعلامیه‌ای داده باشد می‌تواند در هر زمان پس از آن از طریق ارسال اطلاعیه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد، اعلام دارد که تسری این کنوانسیون به سرزمین مربوط یک سال پس از دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل پایان می‌یابد.

۳. این کنوانسیون در مورد احکام داوری که در ارتباط با آن‌ها تشریفات شناسائی یا اجراء قبل از اعتبار یافتن اعلام انصراف از عضویت شروع شده است کماکان قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۱۴

یک دولت متعاهد مجاز نخواهد بود در قبال دولتهای متعاهد دیگر خود را از این کنوانسیون، تاحدودی که آن دولت متعهد به اعمال این کنوانسیون است، منتفع سازد.

ماده ۱۵

دبیرکل سازمان ملل متحد موارد زیر را به دولتهای موضوع ماده (۸) ابلاغ خواهد کرد:

الف- امضاها و تصویبها طبق ماده (۸)

ب- الحاقها طبق ماده (۹)

پ- اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها به موجب مواد (۱)، (۱۰) و (۱۱)

ت- تاریخی که در آن، این کنوانسیون طبق ماده (۱۲) لازم الاجراء می‌گردد.

ث- اعلام‌های انصراف از عضویت و اطلاعیه‌ها طبق ماده (۱۳)

ماده ۱۶

۱. این کنوانسیون که متون چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیولی آن از اعتبار یکسانی برخوردارند، به بایگانی‌های سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.
۲. دبیر کل سازمان ملل متحد نسخه مصدق این کنوانسیون را به دولتهای موضوع ماده (۸) ارائه خواهد کرد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن کنوانسیون شامل شانزده ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و یکم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۱/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

تصویب نامه کنوانسیون سنگاپور

تصویب نامه در خصوص مجوز امضای کنوانسیون سازمان ملل درباره موافقتنامه‌های حل و فصل بین المللی ناشی از میانجیگری (کنوانسیون سنگاپور) به وزارت دادگستری مصوب ۱۳۹۸،۰۵،۱۳ هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۵/۱۳ به پیشنهاد شماره ۱۰۶۵۶ مورخ ۱۳۹۸/۴/۳۰ وزارت دادگستری و در اجرای ماده (۲) آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقی‌های بین المللی - مصوب ۱۳۷۱- تصویب کرد:

وزارت دادگستری مجاز است نسبت به امضای کنوانسیون سازمان ملل درباره موافقتنامه‌های حل و فصل بین المللی ناشی از میانجی‌گری (کنوانسیون سنگاپور) در چهارچوب متن پیوست که تأیید شده به مهر دفتر هیئت دولت است، با لحاظ شرط زیر اقدام و مراحل قانونی را تا تصویب نهایی پیگیری کند:

جمهوری اسلامی ایران طبق جزء (ب) بند (۱) ماده (۸) کنوانسیون اعلام می نماید که کنوانسیون را تنها تا محدوده موارد توافق طرفهای موافقتنامه حل و فصل به اعمال کنوانسیون، اجرا می کند. (اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهور)

کنوانسیون سنگاپور

کنوانسیون سنگاپور درباره موافقتنامه‌های حل و فصل بین المللی ناشی از میانجیگری

مقدمه

طرف‌های این کنوانسیون، با تصدیق ارزش میانجی‌گری برای تجارت بین الملل به عنوان یک روش حل و فصل اختلافهای تجاری که در آن طرفهای اختلاف از شخص یا اشخاص ثالث درخواست می کنند به تلاش آن‌ها در حل و فصل مسالمت آمیز آن اختلاف کمک کنند؛ با توجه به روند رو به افزایش

استفاده از میانجی‌گری در رویه‌های تجاری داخلی و بین‌المللی به عنوان روشی جایگزین برای اقدام قضایی؛ با در نظر گرفتن منافع قابل توجه استفاده از میانجی‌گری همچون کاهش مواردی که یک اختلاف منجر به خاتمه روابط تجاری می‌شود، تسهیل انجام معاملات بین‌المللی توسط طرف‌های تجاری و ایجاد زمینه‌های لازم در اجرای عدالت توسط دولت‌ها؛ با اعتقاد بر اینکه ایجاد چارچوبی برای موافقتنامه‌های حل و فصل بین‌المللی ناشی از میانجی‌گری که مورد پذیرش دولت‌هایی با نظام‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت باشد، به توسعه مناسبات اقتصادی بین‌المللی هماهنگ کمک خواهد کرد؛ در موارد ذیل توافق می‌نمایند:

ماده ۱ - قلمرو اجرا

۱. این کنوانسیون بر موافقتنامه‌ای که ناشی از میانجی‌گری بوده و به صورت مکتوب برای حل و فصل اختلافات تجاری («موافقتنامه حل و فصل») توسط طرف‌ها منعقد شده و در زمان انعقاد، بین‌المللی باشد، اعمال می‌گردد، به نحوی که:
 - الف - محل تجارت حداقل دو طرف از طرف‌های موافقتنامه حل و فصل در دولت‌های مختلف باشد؛ یا
 - ب - دولتی که محل تجارت طرف‌های موافقتنامه حل و فصل در آن واقع شده، متفاوت باشد با:
 ۱. دولتی که بخش قابل توجهی از تعهدات ناشی از موافقتنامه حل و فصل در آن اجرا می‌شود؛ یا
 ۲. دولتی که بیشترین ارتباط نزدیک را با موضوع موافقتنامه حل و فصل دارد.
 ۳. این کنوانسیون برای موافقتنامه‌های حل و فصل (ذیل) اعمال نخواهد شد:
- الف - برای حل و فصل اختلاف ناشی از معاملات یکی از طرف‌ها (یک مصرف‌کننده) برای مقاصد شخصی، خانوادگی یا خانگی منعقد شده باشند؛
 - ب - مربوط به قانون خانواده، ارث یا استخدام .
۴. این کنوانسیون در موارد ذیل اعمال نخواهد شد:
 - الف) موافقتنامه‌های حل و فصلی که:
 ۱. به تأیید دادگاه رسیده‌اند یا در جریان رسیدگی نزد یک دادگاه منعقد شده باشند؛ و
 ۲. به عنوان یک حکم قضایی در دولت آن دادگاه لازم‌الاجرا هستند؛
 - ب) موافقتنامه‌های حل و فصلی که به عنوان رأی داوری ثبت شده و لازم‌الاجرا باشند.

ماده ۲ - تعاریف

۱. از لحاظ بند(۱)، ماده (۱):
 - الف- چنانچه یکی از طرف‌ها بیش از یک محل تجارت داشته باشد، محل تجارت مربوط محلی است که نزدیک‌ترین ارتباط با اختلاف حل شده در چارچوب موافقتنامه حل و فصل را با توجه به شرایط شناخته شده یا مورد نظر طرف‌ها در زمان انعقاد موافقتنامه حل و فصل داشته باشد؛
 - ب- چنانچه یکی از طرف‌ها محل تجارت نداشته باشد، محل اقامت دائمی او محل تجارت محسوب می‌شود.
۲. موافقتنامه حل و فصل زمانی «به صورت مکتوب» محسوب می‌شود که محتوای آن به هر شکلی ثبت شده باشد. شرط لزوم مکتوب بودن موافقتنامه حل و فصل از طریق ارتباطات الکترونیکی نیز حاصل می‌شود؛ چنانچه اطلاعات موجود در آن برای استفاده در ارجاعات بعدی قابل دسترس باشد.
۳. «میانجی‌گری» فرآیندی است که، صرف نظر از عبارت استفاده شده یا مبنایی که به موجب آن این فرآیند انجام می‌شود، طرف‌ها از طریق آن تلاش می‌کنند با کمک شخص یا اشخاص ثالثی (میانجیگر) بدون اجازه تحمیل یک راه حل بر طرف‌های اختلاف، به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف خود دست پیدا کنند.

ماده ۳ - اصول کلی

۱. هر طرف کنوانسیون باید موافقتنامه حل و فصل را مطابق با آیین کار آن و به موجب شرایط مقرر در این کنوانسیون اجرا نماید.
۲. در صورت بروز اختلاف در مورد موضوعی که یکی از طرفها ادعا می کند قبلاً از طریق یک موافقتنامه حل و فصل برطرف شده است، یک طرف کنوانسیون باید به طرف دیگر اجازه دهد که به موافقتنامه حل و فصل بر اساس آیین کار آن و به موجب شرایط مندرج در این کنوانسیون استناد نماید تا اثبات کند که موضوع این اختلاف قبلاً حل و فصل شده است.

ماده ۴- الزامات استناد به موافقتنامه‌های حل و فصل

۱. طرفی که به موجب این کنوانسیون به موافقتنامه حل و فصل استناد می کند باید در صورت درخواست اجرا، مدارک ذیل را به مرجع صلاحیتدار طرف مقابل ارائه دهد:
 - الف) موافقتنامه حل و فصل امضا شده توسط طرفها؛
 - ب) ادله ای دال بر اینکه موافقتنامه حل و فصل ناشی از میانجی گری بوده است، مانند:
 - ۱- امضای میانجی گر در موافقتنامه حل و فصل؛
 - ۲- سندی که توسط میانجی گر امضا شده و حاکی از انجام پذیرفتن میانجی گری است؛
 - ۳- گواهی توسط مؤسسه برگزارکننده میانجی گری؛ یا
 - ۴- در نبود بندهای ۱، ۲ یا ۳، هر گونه دلیل دیگر مورد قبول مرجع صلاحیتدار.
۲. شرط مربوط به اینکه موافقتنامه حل و فصل باید توسط طرفها یا در موارد مقتضی توسط میانجی گر امضا شود از طریق ارتباطات الکترونیکی محرز می گردد چنانچه:
 - الف) شیوه ای اتخاذ گردد تا طرفها یا میانجی گر شناسایی شوند و از قصد طرفها یا میانجی گر در ارتباط با اطلاعاتی که در ارتباطات الکترونیکی وجود دارد، دلالت حاصل کند؛ و
 - ب) روش مورد استفاده یا:
 - به منظور تولید یا استفاده از ارتباطات الکترونیکی با در نظر گرفتن تمام شرایط، از جمله در هر موافقتنامه مرتبط به نحو مناسبی قابل اعتماد باشد؛ یا
 - تحقق موارد اشاره شده در بند فرعی فوق الذکر (الف) به تنهایی یا با کمک ادله بیشتر محرز شود.
۳. چنانچه موافقتنامه حل و فصل به زبان رسمی طرف کنوانسیون که در آنجا درخواست اجرا طرح می شود، نباشد، مقام صلاحیتدار می تواند ترجمه موافقت نامه به آن زبان را درخواست نماید.
۴. مقام صلاحیتدار می تواند به منظور اطمینان از تحقق الزامات کنوانسیون ارایه هرگونه مدرک ضروری را الزام نماید.
۵. مقام صلاحیتدار باید هنگام بررسی درخواست اجرا، در اسرع وقت اقدام نماید.

ماده ۵- زمینه‌های امتناع از پذیرش اجرا

۱. مقام صلاحیتدار طرف کنوانسیون که درخواست به موجب ماده ۴ در آنجا طرح شده است، می تواند از پذیرش آن بنا به درخواست طرف دیگری که درخواست اجرا علیه وی مطرح شده، امتناع ورزد تنها در صورتی که آن طرف مدارکی به مقام صلاحیتدار ارائه نماید دال براینکه:
 - الف) یکی از طرفهای موافقتنامه حل و فصل فاقد اهلیت است؛
 - ب) موافقتنامه حل و فصلی که استناد به آن خواسته شده:

۱. طبق قانونی که طرف‌ها به عنوان قانون معتبر تابع آن هستند یا در صورت فقدان هرگونه نشانه‌ای دال بر آن، تحت قانون مفروض قابل اعمال توسط مقام صلاحیتدار طرف کنوانسیون که بر مبنای ماده ۴ درخواست اجرا در آنجا طرح شده است، باطل و بی اعتبار، غیرعملی یا امکان‌اجراء شدن ندارد.

۲. طبق شرایط آن؛ الزام آور نیست یا نهایی نشده است؛ یا

۳. متعاقباً اصلاح شده باشد؛

(پ) تعهدات مندرج در موافقتنامه حل و فصل:

- اجرا شده باشند؛ یا

- واضح و قابل درک نباشند.

(ت) پذیرش اجرا مغایر با شروط موافقتنامه حل و فصل باشد؛

(ث) نقض فاحش معیارهای قابل اعمال بر میانجی‌گری یا میانجی‌گری توسط میانجی‌گری اتفاق افتاده باشد که بدون آن نقض، آن طرف موافقتنامه حل و فصل را منعقد نمی‌کرد؛ یا

(ج) کوتاهی میانجی‌گری از افشای شرایطی به طرف‌ها که منجر به تردید شود در بی طرفی یا استقلال میانجی‌گری شده است و چنین کوتاهی در افشا تأثیر مادی یا نفوذ ناروا بر یک طرف گذاشته است که بدون چنین کوتاهی، آن طرف موافقتنامه حل و فصل را منعقد نمی‌کرد.

۲. مقام صلاحیتدار طرف کنوانسیون که به موجب ماده ۴ درخواست اجرا در آنجا طرح شده است، هم چنین می‌تواند در پذیرش اجرا امتناع ورزد چنانچه دریابد که:

الف) پذیرش اجرا مغایر با نظم عمومی آن طرف است؛ یا

ب) موضوع اختلاف طبق قانون آن طرف از طریق میانجی‌گری قابل حل و فصل نباشد.

ماده ۶- درخواست‌ها یا دعاوی موازی

در صورت ارائه درخواست یا طرح دعوی مربوط به موافقتنامه حل و فصل به دادگاه یا دیوان داوری یا هر مرجع صلاحیتدار دیگری که می‌تواند بر درخواست اجرا به موجب ماده ۴ اثر بگذارد، مرجع صلاحیتدار طرف کنوانسیون که چنین درخواست اجرایی در آنجا اقامه شده است می‌تواند در صورت صلاحدید، تصمیم‌گیری را به تعویق بیندازد و همچنین می‌تواند بر اساس درخواست یک طرف، از طرف دیگر بخواهد که تأمین مناسبی ارائه نماید.

ماده ۷- سایر قوانین یا معاهدات

این کنوانسیون نباید هیچ یک از طرف‌های ذینفع را از هر گونه حقی که ممکن است از یک موافقتنامه حل و فصل بهره‌مند شوند به شکل و در حدود مجاز قانون یا معاهدات طرف کنوانسیون که چنین موافقتنامه حل و فصلی قرار است در آنجا مورد استناد قرار گیرد، محروم نماید.

ماده ۸- شرط

۱. یک طرف کنوانسیون ممکن است اعلام نماید که:

الف) این کنوانسیون را در خصوص موافقتنامه‌های حل و فصل که عضو آن است، یا سازمان‌های دولتی یا هر شخصی که به نمایندگی از یک سازمان دولتی عمل می‌کند عضو آن باشند، در حدود مشخص شده در اعلامیه، اجرا نخواهد کرد.

ب) این کنوانسیون را تنها تا محدوده مورد توافق طرف‌های موافقتنامه حل و فصل به اعمال کنوانسیون اجرا می‌کند.

۲. هیچ گونه شرطی به غیر از مواردی که صراحتاً در این ماده مجاز شده است، پذیرفته شده نیست.

۳. حق شرط توسط یک طرف کنوانسیون در هر زمانی می تواند اعمال گردد. شرطهای اعمال شده در زمان امضا، منوط به تأیید آن در زمان تصویب، پذیرش یا تأیید است. چنین شرطهایی همزمان با لازم الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به آن طرف کنوانسیون نافذ خواهند شد. حق شرطهای اعمال شده در زمان تصویب، پذیرش یا تأیید یا الحاق به این کنوانسیون و یا مطابق ماده ۱۳ در زمان اعلامیه همزمان با لازم الاجرا شدن این کنوانسیون نسبت به طرف کنوانسیون مربوط نافذ خواهند شد. شرطهایی که پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون برای آن طرف کنوانسیون تودیع می شود، شش ماه پس از تاریخ تودیع نافذ می گردد.

۴. شرطها و تأییدیه‌های آنها باید نزد امین تودیع شود.

۵. هر طرف کنوانسیون که به موجب این کنوانسیون شرطی اعمال کرده است، می تواند در هر زمانی آن را پس بگیرد. چنین انصرافی باید نزد امین تودیع شود که شش ماه پس از تاریخ تودیع نزد امین، نافذ می گردد.

ماده ۹- اثر موافقتنامه حل و فصل اختلاف

کنوانسیون و هرگونه شرط یا خروج از آن تنها نسبت به موافقتنامه‌های حل و فصلی اعمال خواهد شد که زمان انعقاد آن بعد از تاریخی باشد که کنوانسیون، شرط یا خروج از آن برای آن طرف کنوانسیون لازم الاجرا شده است.

ماده ۱۰- امین

دبیرکل سازمان ملل متحد بدین وسیله به عنوان امین این کنوانسیون تعیین می شود.

ماده ۱۱- امضا، تصویب، پذیرش، تأیید، الحاق

۱. این کنوانسیون برای امضاء توسط همه کشورها در سنگاپور در تاریخ ۷ آگوست ۲۰۱۹ (۱۶ مرداد ۱۳۹۸) باز بوده و پس از آن نیز در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک باز خواهد بود.

۲. این کنوانسیون منوط به تصویب، پذیرش یا تأیید امضا کنندگان است.

۳. این کنوانسیون برای الحاق همه دولت‌هایی که آن را امضا نکرده اند، از تاریخ امضاء باز می باشد.

۴. اسناد تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق باید نزد امین کنوانسیون تودیع شود.

ماده ۱۲- مشارکت سازمان‌های یکپارچه اقتصادی منطقه ای

۱. هر سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای که توسط دولت‌های مستقل تشکیل شده باشد و دارای صلاحیت در امور مشخص تحت حاکمیت این کنوانسیون می باشد، می تواند همانند دولت‌ها، این کنوانسیون را امضا، تنفیذ، پذیرش و تأیید نموده یا به آن ملحق شود. در این صورت، سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای تا آنجا که در حوزه مسائل تحت حاکمیت این کنوانسیون صلاحیت دارد، حقوق و تعهدات یک طرف کنوانسیون را دارا می باشد. در این کنوانسیون، در جایی که تعداد طرف‌های کنوانسیون مدنظر است، سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای علاوه بر دولت‌های عضو خود به عنوان یک طرف کنوانسیون محسوب نمی شود.

۲. سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای باید در زمان امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، طی بیانیه ای اموری که تحت حاکمیت این کنوانسیون است و توسط دولت‌های عضو صلاحیت آن به سازمان اعطاء شده است را به امین اعلام کند. سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای باید در اسرع وقت هرگونه تغییر در توزیع صلاحیت، از جمله انتقال صلاحیت‌های جدید را که به موجب این بند در بیانیه مشخص شده است، به امین اطلاع دهد.

۳. هرگونه اشاره به «طرف کنوانسیون»، «طرف‌های کنوانسیون»، «دولت» یا «دولت‌ها» در این کنوانسیون به صورت یکسان برای یک سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای نیز در موارد مقتضی به کار برده می شود.

۴. این کنوانسیون نباید بر قواعد متعارض یک سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای غالب باشد، خواه این قوانین قبل یا بعد از این کنوانسیون تصویب یا به اجرا درآمده باشند: (الف) چنانچه به موجب ماده ۴، درخواست اجرا مربوط به دولتی باشد که عضو چنین سازمانی است و همه دولت‌های ذیربط به موجب بند یک ماده ۱ عضو این سازمان هستند؛ یا (ب) مربوط به شناسایی یا اجرای احکام بین دولت‌های عضو چنین سازمانی باشد.

ماده ۱۳- نظام‌های حقوقی غیریکپارچه

۱. اگر یک طرف کنوانسیون دارای دو یا چند واحد سرزمینی باشد که در آن نظام‌های حقوقی مختلفی در رابطه با مسائل مورد بحث در این کنوانسیون قابل اعمال باشد، می‌تواند در زمان امضاء، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، اعلام کند که این کنوانسیون به تمام واحدهای سرزمینی آن یا تنها به یک یا چند واحد آن تعمیم داده شود و در هر زمان می‌تواند اعلامیه خود را با ارائه یک اعلامیه دیگر اصلاح نماید.

۲. این اعلامیه‌ها باید به امین اعلان شود و به طور واضح اعلام گردد کنوانسیون به کدام واحدهای سرزمینی تعمیم می‌یابد.

۳. اگر یک طرف کنوانسیون دارای دو یا چند واحد سرزمینی باشد که در آن نظام‌های حقوقی متفاوتی در رابطه با مسائل مورد بحث در این کنوانسیون اعمال می‌گردد:

الف) هر گونه ارجاع به قوانین یا آیین کار یک دولت باید در صورت مقتضی ارجاع به قانون یا آیین کار جاری در واحد سرزمینی مربوطه تفسیر شود؛

ب) هر گونه ارجاع به محل تجارت در یک دولت باید در صورت مقتضی ارجاع به محل تجارت واحد سرزمینی مربوطه تفسیر شود؛

پ) هر گونه ارجاع به مقام صلاحیتدار یک دولت باید در صورت مقتضی ارجاع به مقام صلاحیتدار واحد سرزمینی مربوطه تفسیر شود.

۴. چنانچه یک طرف کنوانسیون هیچ گونه اعلامیه ای بر اساس بند ۱ این ماده ارائه نکند، کنوانسیون به تمام واحدهای سرزمینی آن دولت تعمیم داده می‌شود.

ماده ۱۴- لازم الاجرا شدن

۱. این کنوانسیون شش ماه پس از تودیع سومین سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق لازم الاجرا خواهد شد.

۲. هر گاه کشوری بعد از تودیع سومین سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، اقدام به تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به کنوانسیون نماید، نسبت به آن دولت، کنوانسیون شش ماه بعد از تاریخ تودیع سند تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق، لازم الاجرا خواهد شد. این کنوانسیون برای واحد سرزمینی که به موجب ماده ۱۳ تحت شمول آن قرار می‌گیرد، شش ماه بعد از ابلاغ اعلامیه مندرج در ماده مذکور، لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۱۵- اصلاحیه

۱. هر طرف کنوانسیون می‌تواند پیشنهاد اصلاح این کنوانسیون را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نماید. متعاقباً دبیرکل باید اصلاحیه پیشنهادی را به اطلاع سایر طرف‌های کنوانسیون برساند و درخواست نماید که آیا آن‌ها موافق برگزاری نشست طرف‌های کنوانسیون به منظور بررسی و به رأی گذاری این پیشنهاد هستند. در صورتی که در فاصله چهار ماه از تاریخ آن مکاتبه، حداقل یک سوم طرف‌ها موافق برگزاری چنین نشستی باشند، دبیرکل باید نشست را تحت نظارت سازمان ملل متحد برگزار نماید.

۲. نشست طرف‌های کنوانسیون باید تمام تلاش خود را بکار گیرد تا به توافق در خصوص هر اصلاحیه ای برسد. اگر همه تلاش‌ها برای توافق مبذول شود و توافقی حاصل نشود، به عنوان آخرین راه، تصویب اصلاحیه مستلزم رأی دو سوم اکثریت طرف‌های کنوانسیون که در نشست حضور داشته و رأی داده اند، می‌باشد.

۳. اصلاحیه تصویب شده توسط امین به تمام طرف‌های کنوانسیون برای تصویب، پذیرش یا تأیید ارسال می‌شود.

۴. اصلاحیه تصویب شده، شش ماه پس از تاریخ تودیع سومین سند تصویب، پذیرش یا تأیید، لازم الاجرا خواهد شد. هنگامی که یک اصلاحیه لازم الاجرا گردد، برای طرفهای کنوانسیون که رضایت خود را نسبت به آن اعلام کرده اند، الزام آور می باشد.

۵. هنگامی که یک طرف کنوانسیون پس از تودیع سومین سند تصویب، پذیرش یا تأیید، اقدام به تصویب، پذیرش یا تأیید اصلاحیه نماید، اصلاحیه شش ماه بعد از تاریخ تودیع سند تصویب، پذیرش یا تأیید آن به طرف کنوانسیون نسبت به آن لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۱۶- خروج

۱. یک طرف کنوانسیون می تواند از طریق اعلان رسمی و مکتوب خطاب به امین از این کنوانسیون خارج شود. خروج می تواند به واحدهای سرزمینی خاص با نظام حقوقی غیریکپارچه که این کنوانسیون برای آن اعمال می شود، محدود شود.

۲. اعلامیه خروج، ۱۲ ماه پس از تاریخ دریافت اعلامیه توسط امین نافذ می گردد. چنانچه اعلامیه مدت زمان طولانی تری برای لازم الاجرا شدن خروج مشخص شود، خروج بعد از خاتمه این مدت طولانی و پس از دریافت اعلامیه توسط امین نافذ می شود. کنوانسیون نسبت به موافقتنامه های حل و فصلی که قبل از زمان نافذ شدن خروج منعقد شده باشند، باید همچنان اعمال گردد.

این کنوانسیون در..... روز..... در یک نسخه اصلی که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار یکسانی می باشند، منعقد گردید.

شیوه نامه کانون وکلای بین المللی در خصوص تعارض منافع در داوری

بخش اول: ضوابط کلی در خصوص بیطرفی، استقلال و آشکار کردن یا افشای واقعیات ذیربط

(۱) اصل کلی

داور باید در زمان پذیرش انتصاب برای خدمت، بیطرف و مستقل باشد و تا زمان صدور حکم نهایی، و یا در صورتی که رسیدگی به نحو دیگری سرانجام مختومه گردد، بیطرف و مستقل باقی بماند.

توضیحات درباره ضابطه کلی ۱

یک اصل اساسی مستتر در شیوه نامه حاضر این است که هر داور باید در زمانی که می پذیرد به عنوان داور عمل کند، بیطرف و مستقل از طرفهای داوری باشد، و باید در سراسر جریان رسیدگی، از جمله طی دوره زمانی لازم برای تصحیح یا تفسیر حکم نهایی، تحت قواعد ذیربط، با این فرض که این دوره زمانی معلوم یا قابل تعیین باشد، بیطرف و مستقل باقی بماند.

این سؤال مطرح شده است که آیا تعهد مزبور باید تا دوره ای که طی آن احتمال دارد حکم صادره ذیربط مورد اعتراض واقع شود، تمدید گردد یا خیر. تصمیم متخذه در این باب این است که تعهد مزبور نباید به این نحو تمدید گردد، مگر آن که حکم نهایی، تحت قانون قابل اعمال ذیربط یا قواعد نهادی ذیربط، قابل ارجاع به دیوان داوری اولیه باشد. بدینسان، تعهد داور در این امر، هنگامی که دیوان داوری حکم نهایی را صادر کرده، یا هر گونه اصلاح یا تفسیر جایز طبق قواعد ذیربط صادر گردیده، یا مهلت آن اصلاح یا تفسیر منقضی شده، جریان رسیدگی به طور قطعی مختومه گردیده (به عنوان مثال، به دلیل صلح دعوا)، و یا داور به نحو دیگری صلاحیت رسیدگی نداشته باشد، خاتمه می یابد. در صورتی که بعد از ابطال حکم یا رسیدگی های دیگر، اختلاف به همان دیوان داوری ارجاع شود، ممکن است دور جدیدی از افشای واقعیات ذیربط و بررسی تعارض منافع احتمالی ضرورت پیدا کند.

(۲) تعارض منافع

(الف) در صورتی که داور نسبت به توانایی خود در رعایت بیطرفی با استقلال شک و تردید داشته باشد، باید از پذیرش سمت داوری خودداری کند، و در صورتی که داوری آغاز شده باشد، باید از ادامه خدمت به عنوان داور سرباز زند.

(ب) همین اصل صدق می‌کند اگر واقعیات یا اوضاع و احوالی وجود داشته یا از زمان نصب داور به وجود آمده باشد، که از دید یک شخص ثالث معقول و مطلع در مورد واقعیات و اوضاع و احوال ذیربط، شک و تردید موجه نسبت به بیطرفی یا استقلال داور ایجاد کند، مگر آن که طرفین داور را، طبق الزامات مقرر در ضابطه کلی ۴، پذیرفته باشند.

(پ) شک و تردید موجه است اگر یک شخص ثالث معقول و مطلع از واقعیات و اوضاع و احوال ذیربط، به این نتیجه برسد که این احتمال وجود دارد که داور ممکن است در حصول تصمیم خود تحت تأثیر عواملی سوای ماهیت دعوا، آن گونه که توسط طرفین ارائه گردیده، واقع شود. (ت) در هر یک از وضعیت‌های موصوف در فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور وجود دارد.

توضیحات درباره ضابطه کلی ۲

(الف) در صورتی که داور در خصوص توانایی خود نسبت به رعایت بیطرفی و استقلال شک و تردید داشته باشد، باید از قبول سمت خودداری کند. این ضابطه، صرفنظر از این که جریان رسیدگی در چه مرحله‌ای است، باید اعمال شود. این یک اصل اساسی است که به منظور اجتناب از سردرگمی و ایجاد اعتماد در فرآیند داوری در شیوه نامه حاضر تشریح شده است.

(ب) برای این که ضوابط در حد امکان همسان اعمال شوند، معیار سلب اهلیت باید معیاری عینی باشد. عبارت "بیطرفی و استقلال"، از ماده ۱۲ قانون نمونه کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) برگرفته شده، که به صورت وسیع مورد عمل واقع شده و استفاده از یک معیار شائبه بر مبنای شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی یا استقلال، که در ماده (۲) ۱۲ قانون نمونه آنسیترال مقرر گردیده، باید به صورت عینی ("معیار شخص ثالث معقول") اعمال گردد. به علاوه، چنان که در توضیح راجع به ضابطه کلی ۳ (ث) شرح داده شده، ضابطه مزبور صرفنظر از این که رسیدگی در چه مرحله‌ای باشد، قابل اعمال است.

(پ) قوانین و قواعدی که متکی بر ضابطه شک و تردید موجه هستند، غالباً آن ضابطه را تعریف نمی‌کنند. منظور از این ضابطه کلی، ارائه چارچوبی برای تصمیم‌گیری در این باب است.

(ت) فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، اوضاع و احوالی را توصیف می‌کند که لزوماً شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال، به دلیل این که هیچکس مجاز نیست قاضی خود باشد، بین یک داور و یک طرف داوری نمی‌تواند یگانگی وجود داشته باشد. بنابراین، طرف‌های داوری نمی‌توانند از تعارض منافی که در یک چنین وضعیتی پدید می‌آید، اعراض کنند.

(۳) افشای سابقه توسط داور

(الف) در صورت وجود واقعیات یا اوضاع و احوالی که امکان دارد در چشم طرف‌های داوری شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور ایجاد کند، داور باید این گونه واقعیات یا اوضاع و احوال را نزد طرف‌های داوری، نهاد داوری یا مقام ناصب دیگر (در صورت وجود، و چنانچه قواعد سازمانی ذیربط لازم بشمرد)، واداران مشترک، در صورت وجود، پیش از قبول سمت و یا بعداً به محض آن که خود داور از وجود آن‌ها آگاه شود، فاش نماید.

(ب) افشا یا اعراض پیشاپیش در ارتباط با تعارض منافع احتمالی ناشی از واقعیات و اوضاع و احوالی که ممکن است در آینده پدید آید، داور را از استمرار وظیفه افشا، طبق اصل کلی ۳ (الف)، معذور نمی‌دارد.

(پ) از ضوابط کلی ۱ و ۲ (الف) منطقیاً نتیجه می‌شود که داوری که واقعیاتی را افشا کرده، علیرغم واقعیات افشا شده، خود را بیطرف و مستقل از طرف‌های داوری محسوب می‌کند، و بنابراین قادر به انجام وظایف خود به عنوان یک داور است. در غیر این صورت، وی از پیشنهاد نامزدی یا انتصاب در ابتدای امر خودداری می‌کند، یا استعفا می‌داد.

(ت) هر گونه شک و تردید در این خصوص که آیا داور باید پاره‌ای واقعیات یا اوضاع و احوال را فاش کند یا خیر، باید به سود افشا فیصله یابد.
(ث) هنگام بررسی این امر که آیا واقعیات یا اوضاع و احوالی وجود دارند که لازم است افشا شوند، داور نباید به این موضوع توجه کند که داوری در مرحله ابتدایی یا در یکی از مراحل بعدی است.

توضیحات درباره ضابطه کلی (۳)

(الف) وظیفه داور مبنی بر افشای واقعیات زیربط طبق اصل کلی ۳ (الف)، مبتنی بر این اصل است که طرفین داوری ذینفع هستند در این که راجع به وجود هر گونه واقعیات یا اوضاع و احوالی که به نظر آنان می‌تواند زیربط باشد، کاملاً مطلع شوند. بر این اساس، اصل کلی ۳ (ت) مقرر می‌دارد که هر گونه شک و تردید راجع به لزوم یا عدم لزوم افشای پاره‌ای واقعیات با اوضاع و احوال، باید به سود افشای آن‌ها فیصله یابد. با این حال، لزومی ندارد که وضعیت‌هایی از قبیل وضعیت‌های مندرج در فهرست سبز، که هرگز نمی‌توانند منجر به سلب صلاحیت تحت معیار موصوف در اصل کلی ۲ شوند، اعلام یا فاش گردند. چنان که در ضابطه کلی ۳ (ب) منعکس گردید، صرف افشا به این مفهوم نیست که واقعیات فاش شده آن گونه است که از داور طبق ضابطه کلی ۲ سلب اهلیت کند. وظیفه افشای واقعیات، طبق ضابطه کلی ۳ (الف)، ماهیتاً وظیفه‌ای مستمر است.

(ب) کمیته داوری کانون، استفاده روز افزون داوران آینده از اعلام واقعیات یا اوضاع و احوال محتمل الوقوع در آینده، و همچنین تعارض منافع احتمالی ناشی از آن را که گهگاه "اعراض پیشاپیش" نامیده می‌شوند، مورد بررسی قرار داده است. این گونه اعلام‌ها داور را از استمرار تعهد افشا، طبق ضابطه کلی ۳ (الف) مبرا نمی‌کند. در هر حال، شیوه نامه حاضر، در خصوص اعتبار و اثر اعلام یا اعراض پیشاپیش، موضعی به نحو دیگر اتخاذ نمی‌کند، زیرا اعتبار و اثر هرگونه اعلام یا اعراض پیشاپیش باید در پرتو متن مشخص آن اعلام یا اعراض، اوضاع و احوال خاص موجود و قانون زیربط بررسی شوند.

(پ) افشای سابقه به معنی وجود تعارض منافع نیست. داوری که واقعیاتی را به طرفین اعلام کرده، علی‌رغم واقعیات افشا شده، خود را بیطرف و مستقل از طرف‌های داوری تلقی می‌کند، والا، از قبول نامزدی خودداری و یا استعفا می‌کند. بنابراین، داوری که واقعیاتی را فاش می‌کند، خود را قادر به اجرای وظایف خویش حس می‌کند. منظور از افشای واقعیات این است که به طرف‌های داوری اجازه دهد که قضاوت کنند آیا با ارزیابی داور موافقت یا خیر، و در صورتی که بخواهند، در مورد وضعیت تحقیقات بیشتری به عمل آورند. امید است اعلام این ضابطه کلی، این سوء برداشت را برطرف نماید که نفس افشا، تلویحاً به معنی شک و تردیدی باشد که کافی برای سلب اهلیت داور بوده و یا حتی فرضی به سود سلب صلاحیت ایجاد کند. برعکس، هر اعتراض به صلاحیتی باید فقط در صورتی به توفیق انجامد که یک معیار عینی، آن گونه که در ضابطه کلی ۲ بیان گردیده، احراز شود. طبق اظهار نظر شماره ۵ درباره کاربرد عملی ضوابط کلی، قصور در افشای پاره‌ای واقعیات و اوضاع و احوالی که امکان دارد در چشم طرف‌های داوری شک و تردید در خصوص بیطرفی یا استقلال داور ایجاد کند، لزوماً به معنی وجود تعارض منافع و یا این که منطقیاً سلب صلاحیت باید در پی داشته باشد، نیست.

(ت) داور در تشخیص این که چه واقعیاتی را باید فاش کند، باید کلیه اوضاع و احوالی را که بدان آگاهی دارد، در نظر بگیرد. در صورتی که داور دریابد که باید واقعیاتی را فاش کند، اما قواعد حرفه‌ای ناظر بر محرمانه بودن یا سایر قواعد ناظر بر رویه یا طرز رفتار حرفه‌ای مانع فاش کردن چنین واقعیاتی شود، وی باید انتصاب را نپذیرد، و یا باید استعفا دهد.

(ث) افشا یا سلب اهلیت (به نحو مندرج در ضوابط کلی ۲ و ۳) منطقیاً نباید بستگی به مرحله خاصی از داوری داشته باشد. در تصمیم‌گیری راجع به این که آیا داور باید افشای واقعیات کند، سمت داوری را بپذیرد یا از ادامه خدمت امتناع کند، تنها واقعیات و اوضاع و احوال مؤثر در مقام اند، نه مرحله جاری رسیدگی یا پی آمدهای کناره‌گیری. به عنوان یک امر عملی، نهادهای داوری می‌توانند بسته به مرحله داوری تمایز قائل شوند.

دادگاه‌ها نیز به همین گونه می‌توانند ضوابط گوناگونی را اعمال کنند. با این وصف، شیوه نامه حاضر هیچ تمایزی بر اساس مرحله جریان داوری قایل نمی‌شود. اگرچه در صورت الزام داور به کناره گیری پس از شروع داوری، نگرانی‌های عملی به وجود می‌آید، قایل شدن تمایز بر مبنای مرحله داوری، با ضوابط کلی ناسازگار خواهد بود.

(۴) اعراض توسط طرف‌های داوری

(الف) در صورتی که، ظرف ۳۰ روز پس از دریافت هرگونه افشائیه از ناحیه داور، یا پس از آن که یک طرف داوری به نحوی از واقعیات با اوضاع و احوالی آگاه شود که می‌تواند برای داور تعارض منافع احتمالی محسوب گردد، طرف داوری اعتراض صریحی در مورد آن داور، وفق بندهای (ب) و (پ) ضابطه کلی حاضر مطرح نکند، فرض بر این است که آن طرف از هرگونه تعارض منافع احتمالی در مورد داور مزبور بر مبنای آن گونه واقعیات یا اوضاع و احوال اعراض کرده است و نمی‌تواند در مراحل بعدی هیچ اعتراضی بر اساس آن واقعیات یا اوضاع و احوال مطرح نماید.

(ب) با این حال، در صورت وجود واقعیات یا اوضاع و احوال موصوف در فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، هرگونه اعراض توسط یک طرف داوری (از جمله هرگونه اعلام یا اعراض پیشاپیش، از آن نوع که در ضابطه کلی ۳ (ب) پیش بینی شده)، یا هرگونه توافقی توسط طرف‌های داوری دایر بر این که چنین شخصی به عنوان داور خدمت کند، فاقد اعتبار محسوب خواهد شد.

(پ) در صورت وجود تضاد منافع، از آن گونه که به عنوان نمونه در فهرست قرمز موارد قابل اعراض آمده، شخص نباید به عنوان داور خدمت کند. با این حال، در صورت احراز شرایط زیر، چنین شخصی می‌تواند انتصاب به عنوان داور را بپذیرد، و یا به عنوان داور ادامه خدمت دهد: (یک) کلیه طرف‌های داوری، کلیه داوران و نهاد داوری یا مقام ناصب دیگر (در صورت وجود)، اطلاع کامل درباره تعارض منافع مورد بحث داشته باشند؛ و

(دو) کلیه طرف‌های داوری به صراحت موافقت کنند که چنین شخصی، به رغم تعارض منافع مورد بحث، می‌تواند به عنوان داور خدمت کند. (ت) داور می‌تواند در حصول حل و فصل دعوا از طریق سازش، میانجیگری یا به هر نحو دیگر، و در هر مرحله‌ای از جریان داوری، به طرف‌های داوری کمک کند. اما قبل از این کار، داور باید موافقت صریحی از طرفین دریافت نماید مبنی بر این که اقدام به این کار موجب سلب اهلیت داور از ادامه خدمت به عنوان داور نخواهد شد. چنین موافقت صریحی، اعراض مؤثر از هرگونه تعارض منافع محسوب خواهد شد که احتمال دارد از مشارکت داور در چنین فرآیندی، یا از اطلاعاتی که داور ممکن است در این فرآیند بدان‌ها آگاهی یابد، پدید آید. در صورتی که کمک و مساعدت داور منجر به حل و فصل نهایی پرونده شود، طرف‌های داوری مقید به اعراض خود باقی می‌مانند. با این حال، وفق ضابطه کلی ۲ (الف)، و به رغم چنین موافقتی، داور باید، در صورتی که در نتیجه دخالت خود در فرآیند حل و فصل، دچار شک و تردیدهایی در خصوص توانایی خویش به رعایت بیطرفی یا استقلال در جریان آتی داوری شود، استعفا نماید.

توضیحات درباره ضابطه کلی ۴

(الف) طبق ضابطه کلی ۴ (الف)، در صورتی که یک طرف داوری ظرف ۳۰ روز اعتراضی نسبت به وجود هرگونه تعارض منافع بالقوه مطرح نکند، فرض بر این است که از چنین تعارض منفعی اعراض کرده است. مهلت یاد شده باید از تاریخ وقوف طرف داوری به واقعیات یا اوضاع و احوال ذیربط، از جمله از طریق فرآیند افشای سابقه، محاسبه شود.

(ب) اثر مترتب بر اصل کلی ۴ (ب) این است که واقعیات یا اوضاع و احوال موصوف در فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض را از حیطة ضابطه کلی ۴ (الف) مستثنی می‌سازد. برخی داوران با اعلام واقعیاتی، خواستار اعراض طرف‌های داوری نسبت به واقعیات یا اوضاع و احوال محتمل الوقوع در آینده می‌شوند. به رغم هرگونه اعراض مورد تقاضای داور، همان طور که در اصل کلی ۳ (ب) مقرر گردیده، واقعیات یا اوضاع و احوالی که در جریان داوری پدید می‌آیند، باید به موجب استمرار وظیفه داور به افشای واقعیات، برای طرف‌های داوری فاش شوند.

(پ) امکان دارد که طرف‌های داوری بخواهند، به رغم وجود تضاد منافع جدی، از قبیل آنچه که به عنوان نمونه در فهرست قرمز موارد قابل اعراض توصیف گردیده، فردی را به عنوان داور به خدمت گیرند. در این مورد، لازم است بین استقلال رأی طرف داوری و علاقه به ارجاع داوری فقط به داوران بی طرف و مستقل، تعادل و توازن برقرار گردد. اشخاصی با تعارض منافع جدی، از قبیل تعارض منافی که به عنوان نمونه در فهرست قرمز موارد قابل اعراض ذکر شده، تنها در صورتی می‌توانند به عنوان داور خدمت کنند، که طرف‌های داوری کاملاً آگاهانه و صریح اعلام اعراض نمایند.

(ت) مفهوم مساعدت دیوان داوری به طرف‌های داوری در حصول حل و فصل اختلافات خود در جریان داوری، در بعضی نظام‌های قضایی سابقه طولانی دارد، اما در نظام‌های قضایی دیگر چنین نیست. رضایت آگاهانه طرف‌های داوری نسبت به چنین فرآیندی پیش از آغاز آن، باید به عنوان اعراض مؤثر از یک تعارض منافع احتمالی محسوب شود. در پاره‌ای حوزه‌های قضایی کتبی بودن رضایت و امضای آن توسط طرف‌های داوری الزامی است. با رعایت هر گونه الزامات قانونی ذیربط، رضایت صریح می‌تواند کافی باشد و می‌تواند در جلسه استماع اعلام و در صورت جلسه یا صورت مذاکرات منعکس شود. به علاوه، به منظور جلوگیری از این که طرف‌های داوری استفاده از داور به عنوان میانجی را وسیله سلب اهلیت از وی قرار دهند، ضابطه کلی صراحت دارد که در صورت ناموفق بودن میانجیگری، اعراض باید نافذ و معتبر باقی بماند. طرف‌های داوری در اعلام رضایت صریح خود باید متوجه پی آمدهای مساعدت داور به آنان در فرآیند حل و فصل، از جمله ریسک استعفای داور باشند.

(۵) حیثه شمول

(الف) شیوه نامه حاضر به صورت یکسان نسبت به رؤسای دیوان‌های داوری، داوران منفرد و داوران مشترک، به هر نحو که منصوب شده باشند، اعمال می‌شود.

(ب) منشی‌ها و دستیاران داوری یا اداری، که در خدمت شخص داور یا دیوان داوری هستند، مقید به همان تعهد استقلال و بیطرفی اند که خود داوران، و دیوان داوری مسئول است اطمینان حاصل کند که این تعهد در کلیه مراحل داوری محترم شمرده شود.

توضیحات در مورد ضابطه کلی (۵)

(الف) به دلیل این که یکایک اعضای دیوان داوری مکلف به رعایت بیطرفی و استقلال هستند، ضوابط کلی تمایزی بین داوران منفرد، رؤسای دیوان‌های داوری، داوران منصوب طرفین یا داوران منصوب توسط یک نهاد داوری، قایل نمی‌شود.

(ب) برخی نهادهای داوری، منشی‌ها و دستیاران داوری یا اداری را ملزم می‌کنند که متنی دایر بر رعایت استقلال و بیطرفی امضا کنند. صرف‌نظر از وجود یا عدم وجود چنین الزامی، منشی‌ها و دستیاران داوری یا اداری مقید به همان تعهد رعایت استقلال و بیطرفی (از جمله وظیفه افشا) هستند، که خود داوران، و دیوان داوری مسئول است اطمینان حاصل نماید که وظیفه یا تعهد یاد شده در کلیه مراحل داوری مورد احترام واقع گردد. به علاوه، این وظیفه شامل منشی‌ها و دستیاران داوری و اداری دیوان داوری و یکایک اعضای دیوان داوری می‌شود.

(۶) مناسبات

(الف) داور علی‌الأصول حامل هویت دفتر حقوقی خود محسوب می‌شود، اما هنگام بررسی ذیربط بودن واقعیات یا اوضاع و احوال برای تصمیم‌گیری در این باب که آیا تعارض منافع بالقوه‌ای وجود دارد یا خیر، و این که باید واقعیاتی افشا گردد یا خیر، فعالیت‌های دفتر حقوقی داور، در صورت وجود، و مناسبات داور با دفتر حقوقی باید در هر مورد جداگانه مورد بررسی واقع شود. این واقعیت که فعالیت‌های دفتر حقوقی داور رابطه داشتن یا دخیل بودن یکی از طرف‌های داوری را به میان می‌کشد، لزوماً منبع چنین تعارض یا دلیلی برای افشا محسوب نمی‌شود. به همین نحو، اگر یکی از طرف‌های داوری عضو گروهی باشد که دفتر حقوقی داور با آن ارتباط دارد، این واقعیت باید در هر مورد خاص مورد توجه قرار گیرد، اما لزوماً به خودی خود منبع یک تعارض منافع و یا دلیلی برای افشا محسوب نمی‌شود.

(ب) اگر یکی از طرف‌های داوری، یک شخصیت حقوقی باشد، هر شخص حقوقی یا حقیقی که دارای نفوذ غالب بر شخصیت حقوقی و یا منافع اقتصادی مستقیم در حکمی باشد که قرار است در داوری صادر شود، و یا موظف به جبران خسارت یک طرف داوری برای حکم مزبور است، می‌تواند حامل هویت آن طرف محسوب شود.

توضیحات درباره ضابطه کلی ۶

(الف) وسعت روزافزون دفاتر حقوقی باید به عنوان بخشی از واقعیت امروزه در داوری بین‌المللی مد نظر قرار گیرد. لازم است بین منافع یک طرف داوری برای نصب داور دلخواه خود، که ممکن است شریک یک دفتر حقوقی بزرگ باشد، و اهمیت حفظ اعتماد در بیطرفی و استقلال داوران بین‌المللی، موازنه برقرار شود. علی‌الاصول باید فرض بر این باشد که داور حامل هویت دفتر حقوقی خویش است، اما فعالیت‌های دفتر حقوقی داور منطقیاً نباید خود به خود تعارض منافع ایجاد کند. ذیربط بودن فعالیت‌های دفتر حقوقی داور، از قبیل ماهیت، زمان و حیثه کار دفتر حقوقی و رابطه داور با دفتر حقوقی، باید در هر مورد مورد امان نظر قرار گیرد. ضابطه کلی ۶ (الف) از اصطلاح رابطه داشتن یا دخیل بودن (involve) استفاده می‌کند، و نه «به نمایندگی از طرف (for acting)»، زیرا ارتباطات ذیربط با یک طرف داوری ممکن است شامل فعالیت‌هایی سوای نمایندگی در یک امر حقوقی باشد. اگر چه دفاتر وکلای مدافع (chambers barristers) نباید از جهت مقاصد مورد نظر برای تعارض منافع، با دفاتر حقوقی برابر دانسته شوند، و هیچ ضابطه کلی برای دفاتر وکلای مدافع ارائه نمی‌شود، افشای سابقه با توجه به رابطه بین وکلای مدافع طرف‌های داوری و یا وکلا، ممکن است موجه باشد. هرگاه یک طرف داوری عضو یک گروه شرکت‌ها باشد، سؤالات خاصی راجع به تعارض منافع مطرح می‌شود. به دلیل این که ترتیبات ساختاری هر شرکت با شرکت‌های دیگر تفاوت وسیع دارد، وضع یک قاعده کلی و فراگیر صحیح و مناسب نیست. در عوض، اوضاع و احوال خاص یک وابستگی با یک واحد حقوقی دیگر در درون همان گروه از شرکت‌ها، و رابطه آن واحد حقوقی با دفتر حقوقی داور، باید در هر مورد انفرادی، مورد بررسی قرار گیرد.

(ب) هرگاه یک طرف داوری در داوری بین‌المللی یک شخصیت حقوقی باشد، شخصیت‌های حقوقی و حقیقی دیگر ممکن است دارای نفوذی غالب بر این شخصیت حقوقی یا صاحب یک منفعت اقتصادی مستقیم در حکمی باشند که قرار است در داوری صادر شود، و یا موظف به جبران خسارت بابت آن حکم باشند. هر وضعیت باید به طور انفرادی مورد بررسی واقع شود، و ضابطه کلی ۶ (ب) روشن می‌سازد که این گونه اشخاص حقوقی و افراد را می‌توان در واقع آن طرف داوری محسوب کرد. حامیان مالی ثالث و بیمه‌گران در ارتباط با اختلاف ممکن است منفعت اقتصادی مستقیم در حکم داشته باشند و به این اعتبار، می‌توان آن‌ها را معادل طرف داوری محسوب کرد. بدین منظور، اصطلاح «حامی مالی ثالث (third funders party)» و (بیمه‌گر) (insurer) به هر شخص یا واحدی اطلاق می‌شود که وجوه، یا سایر حمایت‌های مادی به پیگرد یا دفاع دعوا ارائه می‌کند و منفعت اقتصادی مستقیم در حکمی که باید صادر شود دارد، یا موظف به جبران خسارت یک طرف داوری بابت آن حکم است.

(۷) وظیفه طرف‌های داوری و داور

(الف) هر طرف داوری باید هر گونه رابطه، اعم از مستقیم یا غیر مستقیم، بین داور و طرف داوری (یا یک شرکت دیگر از همان گروه شرکت‌ها، یا فردی که نفوذ غالب بر طرف در داوری دارد)، یا هر گونه رابطه بین داور و هر شخص یا واحدی که منفعت اقتصادی مستقیم در حکمی دارد که قرار است در داوری صادر شود و یا موظف به جبران خسارت یک طرف داوری بابت حکم صادره است، را به داور، دیوان داوری، طرف‌های دیگر و نهاد داوری یا مقام ناصب دیگر (در صورت وجود) اطلاع دهد. هر طرف داوری باید این کار را به ابتکار خویش در اولین فرصت انجام دهد.

(ب) طرف داوری باید هویت وکلای خود را که در داوری حضور می‌یابند، و همچنین هر گونه رابطه، منجمله عضویت در همان دفتر وکلای مدافع، بین وکلای خود و داور را به اطلاع داور، دیوان داوری، طرف‌های دیگر و نهاد داوری یا مقام ناصب دیگر (در صورت وجود) برساند. طرف داوری موظف است این کار را به ابتکار خویش در اولین فرصت، و همچنین به مجرد هر گونه تغییر در تیم وکلای خود انجام دهد.

(پ) به منظور رعایت ضابطه کلی ۷ (الف)، هر طرف داوری باید تحقیقات معقول به عمل آورد، و هر گونه اطلاعات ذیربطی را که بدان دسترسی دارد، ارائه دهد.

(ت) داور موظف است با انجام تحقیقات معقول، هرگونه تعارض منافع، و همچنین هرگونه واقعیات یا اوضاع و احوالی را که ممکن است منطقیاً شک و تردید در خصوص بیطرفی یا استقلال وی ایجاد کند، مشخص نماید. در صورتی که داور این گونه تحقیقات معقول را به عمل نیاورد، جهل به تعارض، قصور در فاش کردن تعارض را توجیه نمی کند.

توضیحات درباره ضابطه کلی ۷

(الف) طرف‌های داوری ملزم اند هرگونه رابطه با داور را فاش نمایند. فاش کردن چنین روابطی منطقیاً از ریسک اعتراض واهی به بیطرفی یا استقلال داور بر مبنای اطلاعاتی که پس از نصب داور بدان وقوف حاصل شده است، می‌کاهد. وظیفه طرفین داوری به فاش کردن هرگونه رابطه، اعم از مستقیم یا غیر مستقیم، بین داور و طرف داوری (یا شرکت دیگری از همان گروه شرکت‌ها، یا فردی که دارای نفوذ غالب بر طرف داوری در داوری است) به روابط با اشخاص یا سازمان‌هایی که منافع اقتصادی مستقیم در حکمی دارند که قرار است در داوری صادر شود، از قبیل سازمانی که تأمین مالی به داوری ارائه می‌کند، یا موظف به جبران خسارت یک طرف داوری بابت حکم صادره است، تعمیم یافته است.

(ب) طرف‌های داوری باید در اولین فرصت هویت وکیل یا وکلای حاضر در داوری، از جمله اشخاص دخیل در نمایندگی کردن طرف‌ها در داوری را اعلام نمایند. وظیفه هر طرف داوری به فاش کردن هویت وکیل یا وکلای حاضر در داوری به کلیه اعضای تیم وکلای آن طرف تعمیم یافته و از همان ابتدای رسیدگی ایجاد می‌شود.

(پ) طرف‌های داوری ملزم اند در ایفای وظیفه افشای واقعیات، درباره هرگونه اطلاعات ذیربطی که منطقیاً بدان دسترسی دارند، تحقیق نمایند. به علاوه، هر طرف داوری ملزم است از همان ابتدا و به صورت مستمر، طی سراسر جریان رسیدگی کوشش معقول به عمل آورد تا اطلاعات موجودی را که با اعمال ضابطه کلی، احتمال دارد بر بیطرفی یا استقلال داور اثر گذارد، مشخص و فاش نماید.

(ت) داوران ملزم اند در ایفای وظیفه افشای واقعیات، طبق شیوه نامه حاضر، درباره هرگونه اطلاعات ذیربطی که منطقیاً بدان دسترسی دارند، تحقیق به عمل آورند.

بخش دوم: کاربرد عملی ضوابط کلی

۱ - اگر قرار است شیوه نامه حاضر تأثیر عملی مهمی داشته باشد، باید به وضعیت‌هایی بپردازد که احتمال می‌رود در حرفه داوری امروزه اتفاق افتند و باید رهنمودی مشخص به داوران، طرف‌های داوری، نهادها و دادگاه‌ها در این خصوص که چه وضعیت‌هایی تعارض منافع محسوب می‌شوند، یا نه و باید یا نباید فاش گردند، ارائه دهد. بدین منظور، شیوه نامه حاضر، وضعیت‌های محتمل الوقوع را در فهرست‌های مصادیق زیر طبقه بندی کرده است. فهرست‌های مزبور نمی‌توانند کلیه وضعیت‌های متصور را شامل شوند. در کلیه موارد، ضوابط کلی باید تعیین کننده نتیجه باشند.

۲ - فهرست قرمز شامل دو بخش است: "یک فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض" (بنگرید به ضوابط کلی ۲ (ت) و ۴ (ب)) و "یک فهرست قرمز موارد قابل اعراض" (بنگرید به ضابطه کلی ۴ (پ)). این فهرست‌ها جامع نبوده و وضعیت‌های مشخصی را بیان می‌کنند که، بسته به واقعیات یک مورد معین، موجد شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی و استقلال داور می‌شوند. بدین معنی که، تحت این اوضاع و احوال، از دید یک شخص ثالث معقول و مطلع از واقعیات و اوضاع و احوال ذیربط، یک تعارض منافع عینی وجود دارد (بنگرید به ضابطه کلی ۲ (ب)). فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، شامل وضعیت‌های ناشی از این اصل مهم است که هیچ فردی نمی‌تواند قاضی خود باشد. بنابراین، پذیرش یک چنین وضعیتی نمی‌تواند رافع تعارض باشد. فهرست قرمز موارد قابل اعراض، دربرگیرنده وضعیت‌هایی است که ضمن این که جدی هستند، اما به آن اندازه شدید نیستند و به سبب جدی بودنشان، برخلاف اوضاع و احوال موصوف در فهرست نارنجی، وضعیت‌های مزبور را باید قابل اعراض دانست، اما تنها در صورتی و هنگامی که طرفین با آگاهی از وضعیت تعارض منافع، تمایل خود را به انتصاب چنین شخصی به عنوان داور، به شرح مندرج در ضابطه کلی ۴ (پ) صراحتاً ابراز کنند.

۳ - فهرست نارنجی فهرستی غیر جامع از وضعیت‌های مشخصی است که، بسته به واقعیات یک مورد معین، ممکن است در چشم طرف‌های داوری شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور ایجاد کند. بدین ترتیب، فهرست نارنجی مبین وضعیت‌هایی است که ذیل اصل کلی ۳ (الف)

آمده، با این پیامد که داور موظف به فاش کردن این گونه وضعیت‌هاست. در کلیه این وضعیت‌ها، فرض بر این است که، در صورتی که بعد از افشا هیچ اعتراض به موقعی، آن گونه که در ضابطه کلی ۴ (الف) مقرر گردیده، به عمل نیاید، طرف‌ها داور را پذیرفته‌اند.

۴ - افشا به معنی وجود تعارض منافع نیست، و به خودی خود منطقاً نباید منجر به سلب اهلیت داور، یا منجر به فرضی در خصوص سلب اهلیت شود. منظور از افشا مطلع کردن طرف‌های داوری از وضعیتی است که آن‌ها بخواهند تحقیق بیشتری به عمل آورند تا تصمیم بگیرند که آیا به طور عینی، یعنی این که، از نظر یک شخص ثالث معقول و مطلع از واقعیات و اوضاع و احوال، شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی یا استقلال داور وجود دارد، یا خیر. اگر نتیجه این باشد که شک و تردید موجهی وجود ندارد، داور می‌تواند خدمت کند. سوای وضعیت‌های موضوع فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض، در صورتی که اعتراض به موقعی توسط طرف‌های داوری به عمل نیامده باشد، یا در وضعیت‌های موضوع فهرست قرمز موارد قابل اعراض، اگر طرف‌های داوری طبق ضابطه کلی ۴ (پ) صراحتاً پذیرفته باشند، نیز داور می‌تواند خدمت کند. در صورتی که یک طرف دعوا داور را مورد جرح قرار دهد، اگر مقامی که درباره جرح حکم می‌دهد تصمیم گیرد که جرح معیار عینی سلب اهلیت را احراز نمی‌کند، باز هم داور می‌تواند خدمت کند.

۵ - یک جرح بعدی بر مبنای این واقعیت که داور این گونه واقعیات یا اوضاع را فاش نکرده، منطقاً نباید خود به خود منجر به عدم انتصاب، سلب اهلیت بعدی و یا اعتراض موفق نسبت به هر گونه حکم شود. عدم افشا به خودی خود نمی‌تواند یک داور را جانبدار یا فاقد استقلال کند: تنها واقعیات یا اوضاع و احوالی که وی در فاش کردن آن‌ها قصور ورزیده، می‌توانند وی را جانبدار یا فاقد استقلال نمایند.

۶ - وضعیت‌هایی که در فهرست نارنجی نیامده یا خارج از مهلت‌های مورد عمل در پاره‌ای از وضعیت‌های فهرست نارنجی است، به طور عموم مشمول افشا نیستند. با اینحال، داور نیاز دارد مورد به مورد ارزیابی کند که آیا یک وضعیت معین، ولو آن که در فهرست نارنجی ذکر نشده، با این حال، آن گونه است که شک و تردید موجه در خصوص بیطرفی یا استقلال وی ایجاد کند یا خیر. از آنجایی که فهرست نارنجی، فهرستی غیر جامع از موارد نمونه است، امکان دارد وضعیت‌هایی وجود داشته باشد که ذکر نشده، و بسته به اوضاع و احوال، ممکن است لازم باشد توسط داور فاش گردند. چنین موردی صدق می‌کند، اگر به عنوان مثال، در مورد انتصابات مکرر گذشته توسط همان طرف یا همان وکیل بعد از دوره سه ساله مقرر در فهرست نارنجی، یا هنگامی که داوری به صورت همزمان به عنوان وکیل در پرونده غیرمرتبطی که حاوی موضوعات حقوقی مشابهی است، خدمت کند. به همین نحو، انتصاب توسط همان طرف داوری، یا حضور همان وکیل نزد یک داور، هنگامی که رسیدگی به پرونده ادامه دارد، نیز، بسته به اوضاع و احوال، ممکن است افشای آن لازم باشد. شیوه نامه حاضر، اگر چه فاش کردن این واقعیت را الزامی ندانسته، که داوری به صورت همزمان، در همان دیوان داوری با عضو دیگری از آن دیوان، و یا با یکی از وکلای در رسیدگی‌های جاری در حال خدمت بوده یا در گذشته خدمت می‌کرده، داور باید مورد به مورد ارزیابی کند که آیا این واقعیت که وی به کرات به عنوان وکیل یا داور در دیوان‌های داوری با عضو دیگری از دیوان خدمت کرده، ممکن است عدم توازن مشهودی در داخل دیوان داوری ایجاد کند یا خیر. اگر نتیجه گیری "مثبت" باشد، داور باید فاش کردن موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

۷ - فهرست سبز فهرستی غیر جامع از وضعیت‌های مشخصی است که هیچ شائبه تعارض منافع یا هیچ تعارض واقعی از دیدگاه عینی وجود نداشته باشد. بدین ترتیب، داور موظف به فاش کردن وضعیت‌های مشمول فهرست سبز نیست. چنان که در توضیح راجع به ضابطه کلی ۳ (الف) بیان شد، لازم است با رعایت منطق، حدی برای فاش کردن واقعیات قائل شد؛ در پاره‌ای وضعیت‌ها، یک معیار عینی منطقاً باید بر آزمون ذهنی محض "چشمان" طرفین غلبه کند.

۸ - مرز بین طبقه بندی‌هایی که فهرست‌ها را تشکیل می‌دهند می‌تواند باریک باشد. قابل بحث است که آیا یک وضعیت معین باید در یک فهرست و نه در فهرست دیگر درج شده باشد. همچنین، فهرست‌های مذکور، برای وضعیت‌های گوناگون، حاوی واژه‌های کلی از قبیل "معنی دار" یا "مهم" (significant) و "ذریبط" (relevant) است. فهرست‌های یاد شده منعکس کننده اصول بین المللی و بهترین رویه‌ها در حد امکان است. تبیین و توصیف بیشتر هنجارها، که مستلزم تعبیر و تفسیر معقول در پرتو واقعیات و اوضاع و احوال هر مورد باشد، نتیجه عکس خواهد داشت.

۱ - فهرست قرمز موارد غیر قابل اعراض (در تعارض منافع در داوری)

۱-۱ - بین یک طرف دعوا و شخص داور یگانگی وجود داشته، یا داور نماینده حقوقی یا کارمند واحدی باشد که یک طرف دعوا در داوری است.

- ۲-۱- داور مدیر، رئیس یا عضو هیئت سرپرستی بوده، و یا نفوذی غالب بر یکی از طرف‌ها یا بر واحدی داشته باشد که منفعت اقتصادی مستقیم در حکمی دارد که باید در داوری صادر شود.
- ۲-۳-۱- داور دارای نفع مالی یا شخصی عمده در یکی از طرف‌ها یا در سرنوشت پرونده باشد.
- ۲-۳-۴- داور یا دفتر حقوقی اش به طور منظم به طرف داوری یا یک شرکت وابسته آن طرف، مشاوره حقوقی ارائه کند، و داور یا دفتر حقوقی اش درآمد مالی عمده از مشاوره کسب نماید.

۲- فهرست قرمز موارد قابل اعراض (در تعارض منافع در داوری)

- ۲-۱- ارتباط داور با اختلاف
- ۲-۱-۱- داور درباره اختلاف، مشاوره حقوقی یا نظر کارشناسی به یک طرف داوری با شرکت وابسته به یکی از طرف‌ها داده باشد.
- ۲-۱-۲- داور در گذشته در اختلاف، درگیر بوده باشد.
- ۲-۲- منافع مستقیم یا غیر مستقیم داور در اختلاف.
- ۲-۲-۱- داور، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، در یکی از طرف‌های داوری و یا در شرکت وابسته یکی از طرف‌ها، صاحب سهم بوده و مالکیت طرف مزبور یا شرکت وابسته در دست اشخاص خصوصی باشد.
- ۲-۲-۲- یک عضو نزدیک خانواده داور منفعت مالی عمده‌ای در سرنوشت دعوا داشته باشد.
- ۲-۲-۳- داور یا عضو نزدیک خانواده داور، ارتباط نزدیک با شخصی غیر از طرف‌های دعوا داشته باشد، که امکان دارد مورد مراجعه از ناحیه طرف ناموفق در دعوا واقع شود.
- ۲-۳- ارتباط داور با طرف‌ها یا وکلا.
- ۲-۳-۱- داور در حال حاضر نمایندگی یکی از طرف‌های داوری، یا یک شرکت وابسته به یکی از طرف‌های داوری را داشته یا به آن نظر مشورتی دهد.
- ۲-۳-۲- داور در حال حاضر وکیل یا دفتر حقوقی‌ای را، که به عنوان وکیل یکی از طرف‌ها عمل می‌کند، نمایندگی کند یا به آن مشاوره حقوقی بدهد.
- ۲-۳-۳- داور در همان دفتر حقوقی که وکیل یکی از طرف‌ها در آن خدمت می‌کند، به وکالت اشتغال داشته باشد.
- ۲-۳-۴- داور، مدیر، رئیس یا عضو هیئت سرپرستی بوده، یا دارای نفوذ غالب در یک شرکت وابسته به یکی از طرف‌ها باشد، مشروط بر این که شرکت وابسته مزبور به طور مستقیم در موضوعات مورد اختلاف در داوری دخیل باشد.
- ۲-۳-۵- دفتر حقوقی داور دخالت قبلی اما خاتمه یافته در پرونده داشته باشد، بدون آن که خود داور در آن دخیل بوده باشد.
- ۲-۳-۶- دفتر حقوقی داور در حال حاضر ارتباط تجارتي عمده با یکی از طرف‌ها، یا با شرکت وابسته یکی از طرف‌ها داشته باشد.
- ۲-۳-۷- داور به طور منظم به یکی از طرف‌ها، یا شرکت وابسته یکی از طرف‌ها مشاوره حقوقی بدهد، اما نه خود داور و نه دفتر حقوقی اش درآمد مالی قابل ملاحظه‌ای از این کار کسب نکنند.
- ۲-۳-۸- داور رابطه خانوادگی نزدیک با نامبردگان زیر داشته باشد: یکی از طرف‌ها، یا با یک مدیر، رئیس یا عضو هیئت سرپرستی، یا هر شخصی که دارای نفوذ غالب در یکی از طرف‌هاست یا یک شرکت وابسته یکی از طرف‌ها، یا با وکیلی که نمایندگی یکی از طرف‌ها را دارد.
- ۲-۳-۹- یک عضو نزدیک خانواده داور دارای منافع مالی یا شخصی عمده در یکی از طرف‌ها، یا در شرکت وابسته یکی از طرف‌ها باشد.

۳- فهرست نارنجی (در تعارض منافع در داوری)

- ۳-۱- خدمات گذشته برای یکی از طرف‌ها یا به نحو دیگری دخیل بودن در پرونده

- ۱-۱-۳- داور، ظرف سه سال گذشته، به عنوان وکیل یکی از طرف‌ها، یا وکیل یک شرکت وابسته یکی از طرف‌ها خدمت کرده، یا در گذشته به یکی از طرف‌ها یا شرکت وابسته که منصوب کننده داور در یک موضوع غیر مرتبط مشاوره حقوقی داده یا طرف مشورت واقع شده اما داور و طرف مزبور، یا شرکت وابسته آن طرف، هیچ ارتباط جاری یا یکدیگر نداشته باشند.
- ۱-۲-۳- داور، ظرف سه سال گذشته، به عنوان وکیل علیه یکی از طرف‌ها، یا شرکت وابسته یکی از طرف‌ها، در یک موضوع غیر مرتبط خدمت کرده باشد.
- ۱-۳-۳- داور، ظرف سه سال گذشته، به عنوان داور در دو مورد یا بیشتر توسط یکی از طرف‌ها، یا شرکت وابسته یکی از طرف‌ها منصوب شده باشد.
- ۱-۴-۳- دفتر حقوقی داور، ظرف سه سال گذشته، به نمایندگی از طرف یا علیه یکی از طرف‌ها یا شرکت وابسته یکی از طرف‌ها، در موضوعی غیر مرتبط بدون دخالت داور مربوطه، اقدام کرده باشد.
- ۱-۵-۳- داور در حال حاضر، به عنوان داور، در یک داوری دیگر در خصوص موضوع مرتبگی که متضمن یکی از طرف‌ها یا شرکت وابسته یکی از طرف‌هاست، خدمت کند یا ظرف سه سال گذشته، در چنین سمتی خدمت کرده باشد.
- ۲-۳- خدمات جاری برای یکی از طرف‌ها.
- ۱-۲-۳- دفتر حقوقی داور در حال حاضر مشغول ارائه خدمت به یکی از طرف‌ها، یا به یک شرکت وابسته یکی از طرف‌ها باشد، بدون آن که ارتباط تجاری قابل ملاحظه‌ای برای دفتر حقوقی و بدون دخالت داور ایجاد کرده باشد.
- ۲-۲-۳- یک دفتر حقوقی یا سازمان حقوقی دیگر، که در مقدار قابل ملاحظه‌ای حق الوکاله یا درآمدهای دیگر با دفتر حقوقی داور سهیم است، به یکی از طرف‌ها، یا به شرکت وابسته یکی از طرف‌ها، نزد دیوان داوری، خدماتی ارائه کند.
- ۲-۳-۳- داور یا دفتر حقوقی اش نمایندگی یک طرف داوری یا شرکت وابسته به یک طرف داوری را، به صورت منظم، برعهده داشته، اما این نمایندگی ارتباطی به اختلاف حاضر نداشته باشد.
- ۳-۳- ارتباط بین یک داور پرونده و یک داور یا وکیل دیگر.
- ۱-۳-۳- داور پرونده و یک داور دیگر در یک دفتر حقوقی واحد، به وکالت اشتغال داشته باشند.
- ۲-۳-۳- داور پرونده و یک داور دیگر، یا وکیل یکی از طرف‌ها، عضو یک دفتر واحد وکلای مدافع باشند.
- ۳-۳-۳- داور، ظرف سه سال گذشته، شریک یا به نحوی وابسته به یک داور دیگر یا به هر یک از وکلای داور باشد.
- ۴-۳-۳- وکیلی در دفتر حقوقی داور، در اختلاف دیگری که متضمن همان طرف یا طرف‌ها، یا یک شرکت وابسته همان طرف‌هاست، داور باشد.
- ۵-۳-۳- یک عضو نزدیک خانواده داور، شریک یا کارمند دفتر حقوقی‌ای باشد که نمایندگی یکی از طرف‌ها را بر عهده دارد، اما در موضوع اختلاف مساعدت نمی‌کند.
- ۶-۳-۳- دوستی شخصی نزدیک بین داور و وکیل یک طرف داوری وجود داشته باشد.
- ۷-۳-۳- بین داور و وکیل / وکلای حاضر در داوری، خصومت وجود داشته باشد.
- ۸-۳-۳- داور، ظرف سه سال گذشته، در بیش از سه مورد توسط همان وکیل یا همان دفتر حقوقی منصوب شده باشد.
- ۹-۳-۳- داور پرونده و یک داور دیگر، یا وکیل / وکلای یکی از طرف‌های داوری، در حال حاضر مشترکاً به عنوان وکلای مشترک خدمت کنند، یا ظرف سه سال گذشته، خدمت کرده باشند.
- ۴-۳- ارتباط بین داور و طرف دعوا و سایر افراد دخیل در داوری.
- ۱-۴-۳- دفتر حقوقی داور در حال حاضر به عنوان طرف مخالف یکی از طرف‌ها، یا یک شرکت وابسته یکی از طرف‌ها عمل کند.
- ۲-۴-۳- داور با یک طرف داوری، یا با شرکت وابسته یکی از طرف‌ها در یک سمت حرفه‌ای، مثلاً به عنوان کارمند یا شریک سابق، مرتبط بوده باشد.

۳-۴-۳- دوستی شخصی نزدیک بین داور و یک مدیر یا رئیس یا یک عضو هیئت سرپرستی نامبردگان زیر وجود داشته باشد: یک طرف داوری؛ یک سازمان که علاقه اقتصادی مستقیم در حکمی که قرار است در داوری صادر شود، داشته باشد؛ یا هر شخصی که نفوذ غالب، از قبیل علاقه سهامداری غالب، بر یکی از طرفها یا بر شرکت وابسته یکی از طرفها یا بر یک شاهد یا کارشناس داشته باشد.

۳-۴-۴- بین داور پرونده و یک مدیر یا رئیس یا عضو هیئت سرپرستی نامبردگان زیر خصومت وجود داشته باشد: یک طرف داوری؛ یک سازمان که صاحب علاقه اقتصادی مستقیم در حکم باشد؛ یا هر شخصی که دارای نفوذ غالب بر یکی از طرفها یا بر شرکت وابسته یکی از طرفها، یا بر یک شاهد یا کارشناس داشته باشد.

۳-۴-۵- در صورتی که داور سابقه قاضی بوده، ظرف سه سال گذشته، پرونده مهمی را که متضمن یکی از طرفها، یا شرکت وابسته یکی از طرفهاست، استماع کرده باشد.

۳-۵- سایر اوضاع و احوال.

۳-۵-۱- داور، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، دارای سهامی باشد، که از نظر تعداد یا نوع آن، مالکیت مؤثر در یکی از طرفها، یا در شرکت وابسته یکی از طرفها، محسوب شود، و این طرف یا شرکت وابسته مزبور در لیست شرکتهای فعال در بورس سهام باشد.

۳-۵-۲- داور درباره پرونده به طور علنی، چه در یک نشریه، یا در سخنرانی، یا به نحوی دیگر، از موضعی در آن دعوا جانبداری کرده باشد.

۳-۵-۳- داور با مقام ناصب در خصوص اختلاف صاحب یک شغل باشد.

۳-۵-۴- داور، مدیر یا رئیس یا عضو هیئت سرپرستی بوده، یا نفوذ غالب بر شرکت وابسته یکی از طرفها داشته باشد، و آن شرکت وابسته به طور مستقیم درگیر در موضوعات مورد اختلاف در داوری نباشد.

۴- فهرست سبب (در تعارض منافع در داوری)

۴-۱- نظرات حقوقی که در گذشته ابراز شده

۴-۱-۱- داور در گذشته یک نظر حقوقی (به عنوان مثال در یک مقاله منتشره در مجله حقوقی یا در یک سخنرانی عمومی) درباره موضوعی که در داوری نیز مطرح است (اما این نظر بر پرونده مورد بحث متمرکز نیست) ابراز کرده باشد.

۴-۲- خدمات جاری برای یکی از طرفها.

۴-۲-۱- یک دفتر حقوقی، که مرتبط با همپیمان با دفتر حقوقی داور است، اما در مقدار قابل ملاحظه‌ای حق الوکاله یا درآمدهای دیگر با دفتر حقوقی داور سهیم نیست، خدماتی به یکی از طرفها، یا یک شرکت وابسته یکی از طرفها، در یک موضوع غیر مرتبط ارائه کند.

۴-۳- ارتباطات با داور دیگر با وکیل/ وکلای یکی از طرفها.

۴-۳-۱- داور از طریق عضویت در یک کانون حرفه‌ای مشترک، یا مؤسسه اجتماعی، یا خیریه، یا از طریق یک شبکه رسانه‌ای اجتماعی، با یک داور دیگر، یا با وکیل/ وکلای یکی از طرفها، رابطه داشته باشد.

۴-۳-۲- داور و وکیل/ وکلای یکی از طرفها، در گذشته با یکدیگر به عنوان داور خدمت کرده باشند.

۴-۳-۳- داور در همان دانشکده یا مدرسه‌ای تدریس کند که یک داور دیگر با وکیل/ وکلای یکی از طرفها، یا این که به عنوان مقام یک کانون حرفه‌ای یا مؤسسه اجتماعی یا خیریه با یک داور دیگر یا با وکیل/ وکلای یکی از طرفین خدمت کند.

۴-۳-۴- داور سخنران، رئیس جلسه یا سازمان دهنده در یک یا بیش از یک کنفرانس بوده، یا در سمینارها یا گروه‌های یک سازمان حرفه‌ای، اجتماعی یا خیریه، با یک داور دیگر با وکیل/ وکلای طرفها شرکت کرده باشد.

۴-۴- ارتباطات بین داور و یکی از طرفها.

۴-۴-۱- داور قبل از انتصاب، ارتباط اولیه‌ای با یک طرف، یا شرکت وابسته به یک طرف (یا وکیل/ وکلای آنها داشته، اگر این ارتباط محدود به آمادگی داور و سوابق تحصیلی و تجربی وی برای خدمت، یا به اسامی نامزدهای احتمالی برای تصدی پست ریاست باشد، و به جنبه‌های ماهوی یا شکلی اختلاف، سوای ارائه کلیاتی از پرونده، نپرداخته باشد.

۴-۴-۲- داور دارای مقدار قابل ملاحظه‌ای سهم در یکی از طرف‌ها، یا شرکت وابسته یکی از طرف‌ها باشد که جزو لیست شرکت‌های فعال در بورس سهام است.

۴-۴-۳- داور با یک مدیر، رئیس یا عضو هیئت سرپرستی، یا هر شخصی که نفوذ غالب بر یکی از طرف‌ها یا شرکت وابسته یکی از طرف‌ها دارد، با یکدیگر به عنوان کارشناسان مشترک، یا در یک سمت حرفه‌ای دیگر، از جمله به عنوان داور در یک پرونده کار کرده باشند.

۴-۴-۴- داور با یکی از طرف‌ها یا شرکت‌های وابسته آن، از طریق یک شبکه رسانه‌ای اجتماعی ارتباط داشته باشد.